



کتابخانه

کاپینولا سیون در فاریخ ایران



دکتر محمد علی چلونگر

۵

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران



کتابخانه

مجلس

شورای

اسلامی

ایران

در این کتاب سیر تاریخی حق قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) در تاریخ ایران از آغاز تا الغای رسمی آن در ۱۳۰۶ شمسی (۱۹۲۷ میلادی) بررسی شده و به احیای آن در ۱۳۴۳ شمسی (۱۹۶۵ میلادی) نیز مختصراً اشاره شده است. زمینه‌های پیدایش کاپیتولاسیون در مشرق زمین و کشورهای اسلامی، هدفهای غربیان از درخواست این گونه امتیازات، سیر تاریخی کاپیتولاسیون از زمان مغول تا قاجاریه، مقاومت‌هایی که در مقابل این پدیده صورت گرفته، و آثار و پیامدهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی و فرهنگی تحمیل کاپیتولاسیون به ایران موضوعاتی هستند که در این کتاب به آنها پرداخته شده است.

طیف خواننده: پژوهندگان تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران

..



۱۹۸۰ تومان

ISBN: 964-305-714-3

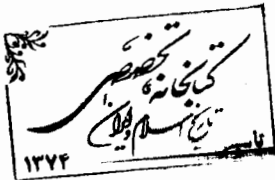


9 789643 057145

کاپیتولاسیون

در

تاریخ ایران

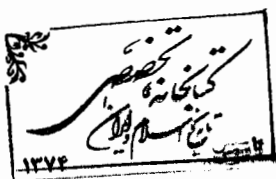


کتابخانه تخصصی تاریخ ایران



کاپیتولاسیون در تاریخ ایران

دکتر محمدعلی چلونگر



نشر مرکز

کاپیتولاسیون در تاریخ ایران

دکتر محمدعلی چلونگر

طرح جلد از ابراهیم حقیقی

چاپ اول ۱۳۸۲، شماره نشر ۶۶۲، ۱۵۰۰ نسخه، چاپ غزال

شابک: ۹۶۴-۳۰۵-۷۱۴-۳

نشرمرکز، تهران، صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۵۵۴۱

کتابفروشی نشرمرکز: خیابان دکتر فاطمی، روبروی هتل لاله

خیابان باباطاهر، شماره ۸، تلفن: ۸۹۶۵۰۹۸

E-mail: info@nashr-e-markaz.com

کلیه حقوق برای نشرمرکز محفوظ است

چلونگر، محمدعلی، ۱۳۴۱-

کاپیتولاسیون در تاریخ ایران از آغاز تا لغای آن در ۱۳۰۶ / محمدعلی چلونگر. - تهران:

نشرمرکز، ۱۳۸۲.

۲۱۹ ص. (نشرمرکز؛ شماره نشر ۶۶۲).

ISBN: 964-305-714-3

فهرستتویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۲۱۸-۲۲۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. کاپیتولاسیون - ایران. ۲. ایران - روابط خارجی. الف. عنوان.

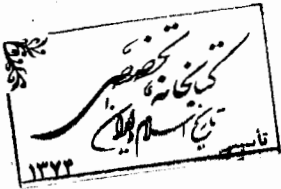
۹۵۵ / ۰۸۲۲

کک ۸ ج / ۵ / ۱۴۹۳ DSR

۸۱-۴۷۰۴۲ م

کتابخانه ملی ایران

فهرست



- مقدمه ۱
- بررسی منابع ۳
- فصل اول: پیدایش کاپیتولاسیون در مشرق زمین ۹
- تعریف کاپیتولاسیون ۹
- تاریخچه پیدایش کاپیتولاسیون در مشرق زمین ۱۰
- وضعیت بیگانگان در جامعه اسلامی ۱۱
- کاپیتولاسیون در عثمانی ۱۳
- کاپیتولاسیون در دیگر کشورهای مشرق زمین ۱۸
- کاپیتولاسیون در مصر ۱۹
- کاپیتولاسیون در چین ۲۱
- کاپیتولاسیون در ژاپن ۲۴
- علل پیدایش کاپیتولاسیون در کشورهای اسلامی ۲۷
- اهداف اروپائیان از برقراری کاپیتولاسیون در کشورهای اسلامی ۲۹
- ۱- اختلاف در سطح فرهنگ و تمدن و اخلاق ۲۹
- ۲- عدم قوانین مدون و سازمان قضائی ۳۰

- فصل دوم: کاپیتولاسیون در ایران از ابتدا تا پایان زندیه. ۳۴
- ورود هیئت‌های خارجی به ایران در دوره ایلخانان و کسب امتیازات توسط آنها. ۳۴
- برقراری رابطه بین ایلخانان و اروپائیان. ۳۴
- کسب امتیاز حق قضاوت کنسولی توسط تجار ونیزی. ۳۸
- مناسبات خارجی ایران از مرگ ابوسعید مغول تا ظهور صفویه. ۳۹
- بررسی کاپیتولاسیون در دوره صفویه. ۴۰
- ورود هیئت‌های اروپایی به ایران در دوره صفویه. ۴۰
- برخورداری انگلیسیها از حق کاپیتولاسیون. ۴۲
- برخورداری هلندیها از حقوق کاپیتولاسیون. ۴۶
- برخورداری فرانسویان از حقوق کاپیتولاسیون. ۴۸
- حق قضاوت کنسولی در قرارداد ۱۷۰۸ م / ۱۱۲۰ ه.ق. ۵۰
- حق قضاوت کنسولی در قرارداد ۱۷۱۵ م / ۱۱۲۷ ه.ق. ۵۲
- نتیجه و پایان قراردادهای دارای حقوق کاپیتولاسیون بین ایران و فرانسه. ۵۳
- کاپیتولاسیون در دوره افشاریه. ۵۵
- کاپیتولاسیون در دوره زندیه. ۵۷
- برخورداری فرانسویها از حقوق کاپیتولاسیون در دوره زندیه. ۵۷
- برخورداری انگلیسیها از حقوق کاپیتولاسیون در عهد زندیه. ۵۹
- ارزیابی کاپیتولاسیون در ایران از ابتدا تا پایان دوره زندیه. ۶۲
- فصل سوم: کاپیتولاسیون در دوره قاجار. ۶۵
- قرار گرفتن ایران در صحنه سیاست جهانی. ۶۵
- کاپیتولاسیون در قرارداد ۱۸۰۱ م / ۱۲۱۵ ه.ق ایران و انگلیس. ۶۷
- کاپیتولاسیون در قرارداد تجاری ۱۸۰۸ م / ۱۲۲۱ ه.ق ایران و فرانسه. . ۶۹
- جنگهای ایران و روس و تحمیل کاپیتولاسیون. ۷۰

- اهمیت معاهده ترکمانچای در سیاست خارجی ایران ۷۱
- تفاوت‌های معاهده ترکمانچای با عهدنامه‌های پیشین ۷۲
- بررسی کاپیتولاسیون در معاهده ترکمانچای ۷۴
- الف - بررسی دعاوی مدنی ۷۴
- ب - بررسی دعاوی جزائی ۷۵
- تاسیس دیوان محاکمات وزارت امور خارجه ۷۶
- تاسیس کارگزاریها ۷۸
- تشکیل محاکم مختلط ۸۰
- نفوذ بیگانگان در دیوان محاکمات، کارگزاریها و محاکم مختلط ۸۱
- نقش کنسولگریها در رژیم کاپیتولاسیون در ایران ۸۲
- امتیاز کاپیتولاسیون به دیگر کشورها ۸۳
- الف - معاهداتی که صریحاً برقراری رژیم کاپیتولاسیون در آنها به نفع بیگانگان ذکر شده است ۸۳
- ۱- عهدنامه مودت و تجارت ایران و اسپانیا ۸۳
- ۲- معاهدات مودت و تجارت ایران و فرانسه ۸۴
- ۳- عهدنامه مودت و تجارت ایران و آمریکا ۸۶
- ۴- عهدنامه مودت و تجارت ایران و اتریش ۸۶
- ۵- عهدنامه مودت و تجارت ایران و بلژیک ۸۶
- ۶- عهدنامه مودت و تجارت و سیرسفاین ایران و یونان ۸۸
- ۷- عهدنامه مودت و تجارت ایران و ایتالیا ۸۹
- ۸- عهدنامه مودت و تجارت و دریانوردی ایران و آلمان ۹۰
- ۹- عهدنامه مودت و تجارت ایران و سوئیس ۹۱
- امتیاز کاپیتولاسیون به دیگر کشورهای تحت عنوان اصل کامله‌الوداد .. ۹۲
- ب - معاهداتی که در آنها شرط کامله‌الوداد درج شده است ۹۳
- ۱- عهدنامه ایران و انگلیس ۹۳

- ۲- ایران و افغانستان ۹۵
- ۳- عهدنامه مودت و تجارت ایران و هلند ۹۵
- ۴- عهدنامه مودت و تجارت ایران و دانمارک ۹۶
- ۵- عهدنامه مودت و تجارت ایران و مکزیک ۹۶
- ۶- عهدنامه مودت و تجارت ایران و آرژانتین ۹۶
- ۷- عهدنامه مودت و تجارت ایران و شیلی ۹۷
- ۸- عهدنامه مودت و تجارت ایران و اورگوئه ۹۷
- ۹- عهدنامه مودت و تجارت ایران و برزیل ۹۷
- کاپیتولاسیون مابین ایران و عثمانی ۹۸
- مقایسه کاپیتولاسیون بین ایران و عثمانی ۱۰۰
- فصل چهارم: مقاومت در مقابل کاپیتولاسیون ۱۰۳
- مقاومت‌های مردمی در برابر کاپیتولاسیون ۱۰۳
- مبارزه امیرکبیر با کاپیتولاسیون ۱۰۵
- مبارزه با کاپیتولاسیون در انقلاب مشروطیت ۱۰۸
- فصل پنجم: الغای کاپیتولاسیون ۱۱۳
- موانع الغای کاپیتولاسیون ۱۱۳
- ۱- فقدان ضوابط مشخص قضایی و تشکیلات منظم عدلیه ۱۱۳
- ۲- وجود معاهدات دارای حق کاپیتولاسیون ۱۱۹
- الغای عهدنامه ترکمانچای ۱۱۹
- تاثیر قرارداد ۱۹۲۱ م ایران و شوروی در لغو کاپیتولاسیون ۱۲۱
- طرح تلاش مجدد شوروی برای استفاده از حقوق کاپیتولاسیون ۱۲۲

- ۱۲۳ الغای کاپیتولاسیون در ترکیه
- ۱۲۵ لغو حقوق کاپیتولاسیون اتباع ترکیه در ایران
- ۱۲۷ اعلام الغای کاپیتولاسیون در دولت سپهدار (۱۹۱۰ م / ۱۳۲۸ ه. ق)
- ۱۲۸ اعلام الغا کاپیتولاسیون در کابینه صمصام السلطنه
- ۱۳۰ محدودیت دیوان محاکمات و کارگزاریها
- ۱۳۱ اعلام الغا کاپیتولاسیون در کابینه وثوق الدوله
- ۱۳۳ کنفرانس صلح پاریس و طرح الغا کاپیتولاسیون در آن
- ۱۳۴ طرح الغا کاپیتولاسیون در مذاکرات قرارداد ۱۹۱۹ م
- ۱۳۵ اعلام الغا کاپیتولاسیون در کابینه سیدضیاء
- ۱۳۶ حذف شرط کامله الوداد از معاهدات
- ۱۳۷ اصلاح قوه قضائیه و تشکیلات عدلیه
- ۱۳۹ الف - تنظیم قانون مجازات عمومی
- ۱۴۰ ب - تنظیم قانون مدنی
- ۱۴۱ ج - اصلاحات سازمانی و استخدامی
- ۱۴۱ انحلال عدلیه
- ۱۴۲ تشکیل کمیسیون جهت بررسی معاهدات دارای حقوق کاپیتولاسیون
- ۱۴۳ اعلام الغاء نهایی کاپیتولاسیون در کابینه مستوفی الممالک
- ۱۴۴ واکنشهای سیاسی دولتهای بیگانه در مقابل الغاء کاپیتولاسیون
- موقعیت معاهدات ایران با کشورهای بیگانه در موقع الغاء
- ۱۴۵ کاپیتولاسیون
- ۱۴۷ انحلال دیوان محاکمات و کارگزاریها
- ۱۴۸ انقضای مهلت یک ساله کاپیتولاسیون
- ۱۴۹ تنظیم حقوق بیگانگان
- ۱۵۰ انعقاد معاهدات موقت

فصل ششم: نتایج سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی، فرهنگی و اخلاقی

- تحمیل کاپیتولاسیون در ایران ۱۵۶
- ۱- نتایج تحمیل کاپیتولاسیون از نظر سیاست بین‌المللی ۱۵۶
- ۲- نتایج تحمیل کاپیتولاسیون از نظر سیاست داخلی ۱۵۷
- مداخلات روسیه در گیلان تحت عنوان رژیم کاپیتولاسیون ۱۶۲
- مداخلات روسها در استرآباد تحت عنوان رژیم کاپیتولاسیون ۱۶۴
- مداخلات روسها در تبریز تحت عنوان رژیم کاپیتولاسیون ۱۶۶
- مداخلات انگلیسیها در منطقه جنوب تحت عنوان رژیم کاپیتولاسیون ۱۶۷
- درگیری بیگانگان دارای حقوق کاپیتولاسیون با یکدیگر در ایران ۱۷۰
- ۳- نتایج اجتماعی تحمیل رژیم کاپیتولاسیون در ایران ۱۷۳
- سوءاستفاده‌های انگلستان از بست‌نشینان و تحت‌الحمایه‌ها ۱۷۷
- نمایندگان انگلیس که مروج تحت‌الحمایگی بودند ۱۸۳
- تحت‌الحمایه شدن جهت فرار از مالیات ۱۸۴
- اقلیت‌ها و تحت‌الحمایگی سفارتخانه‌های بیگانه ۱۸۶
- ۴- نتایج قضایی تحمیل کاپیتولاسیون بر ایران ۱۸۸
- ۵- نتایج اقتصادی تحمیل کاپیتولاسیون بر ایران ۱۹۵
- سوءاستفاده از مسائل اقتصادی جهت اهداف سیاسی ۱۹۸
- ۶- نتایج فرهنگی و اخلاقی تحمیل رژیم کاپیتولاسیون در ایران ۲۰۰
- سخن آخر: احیای کاپیتولاسیون در ۱۳۴۳ شمسی ۲۰۳
- فهرست منابع و مآخذ ۲۰۹
- نمایه نام کسان ۲۲۰
- نمایه نام جاها ۲۲۶
- اقوام - ملل - ادیان ۲۳۱
- عهدنامه‌ها و قراردادها ۲۳۳
- کتابها و نشریه‌ها ۲۳۵

مقدمه

ایرانیان از بدو ارتباط با کشورهای اروپایی، امتیازاتی به آنها دادند. در اکثر مواقع اعطای این امتیازات یکطرفه بود. یعنی فقط اروپاییان از این امتیازات برخوردار بودند و ایرانیان چنین امتیازات و مزایایی را از اروپاییان متقابلاً دریافت و طلب نمی‌کردند. اعطای این امتیازات از طرف پادشاهان و حکام ایران بدون شناخت ماهیت آن، بود. از جمله این امتیازات، اعطای «حق قضاوت کنسولی» یا به عبارت آشناتر در روابط بین‌الملل «کاپیتولاسیون» بود. سابقه این امتیازات اعطایی به بیگانگان را می‌باید در زمان مغول جستجو کرد. به دنبال آن امتیازات پای اروپاییان برای کسب منافع سیاسی-تجاری و نظامی به ایران گشوده شد و با گذشت زمان دامنه این امتیازات گسترش یافت و اوج آن در دوران قاجار است.

در این نوشتار سیر تاریخی کاپیتولاسیون در ایران از ابتدا تا الغاء آن در سال ۱۹۲۷ م/ ۱۳۰۶ ه. ش بررسی شده است. کاپیتولاسیون به مفهوم کامل آن در زمان قاجار و با امضای قرارداد تجاری ترکمانچای در سال ۱۸۲۸ م/ ۱۲۴۳ ه. ق در ایران برقرار شد. ولی قبل از آن هم در طی فرمانها و قراردادهای منعقد شده مابین ایران و دول اروپایی نوعی از آن را می‌بینیم. به

همین جهت برای ریشه‌یابی آن، به قرن‌ها قبل از انعقاد قرارداد ترکمانچای برگشته، سیر آن را ردیابی کرده و مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم.

سیر تاریخی کاپیتولاسیون در چند فصل مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل نخست به زمینه‌های پیدایش کاپیتولاسیون در مشرق زمین و کشورهای اسلامی پرداخته شده است و اینکه علل پذیرش آن از جانب کشورهای اسلامی و اهداف غریبان از درخواست چنین امتیازاتی، چه بوده است (فصل اول). سپس از پیدایش و سیر تاریخی آن در ایران از زمان مغول تا قاجاریه سخن به میان آمده است (فصل دوم). «کاپیتولاسیون در زمان قاجاریه» که با امضای قرارداد ترکمانچای به وسیله روسها به ایران تحمیل شد و به دنبال آن دیگر کشورهای غربی هم از آن استفاده کردند، موضوع فصل بعدی است (فصل سوم). در طول دوران برقراری کاپیتولاسیون در ایران مقاومت‌هایی هرچند ناچیز صورت گرفته است. این مقاومتها در مقاطع خاصی انجام شده است (فصل چهارم). بعد از انقلاب مشروطیت زمره‌های الغاء کاپیتولاسیون از سوی مقامات ایرانی پیش آمد تا اینکه سرانجام در سال ۱۹۲۷ م / ۱۳۰۶ ه. ش الغاء آن اعلام و به مدت یک سال به کشورهایی که دارای چنین حقوقی بودند، فرصت داده شد که معاهدات جدیدی منعقد کنند (فصل پنجم). در فصل پایانی به نتایج سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی و فرهنگی تحمیل کاپیتولاسیون به ایران پرداخته شده است (فصل ششم)، و در پایان ضمن جمع‌بندی به احیای کاپیتولاسیون در سال ۱۳۴۳ شمسی به صورت مختصر اشاره شده است.

در خاتمه از محبت‌های بی‌دریغ همسر، خانم رضوان‌السادات جزایری که در پاکتویس و تصحیح مسوده‌های اولیه مرا یاری دادند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

بررسی منابع

منابع مورد استفاده در زمینه موضوع مورد بحث در دو دوره بررسی می‌شود:

۱- مغول تا پایان زندیه.

۲- قاجاریه تا الغای کاپیتولاسیون در سال ۱۹۲۷ م / ۱۳۰۶ ه. ش.

منابع قابل اهمیت برای استفاده در مورد دوره مغول تا پایان زندیه عبارتند از فرمانها، قراردادهای منعقد شده بین ایران و کشورهای اروپایی، اسناد و مدارک روابط خارجی کشورهای اروپایی با ایرانیان، و سفرنامه‌های نمایندگان سیاسی و تجاری و سیاحانی که در این مدت به ایران آمده‌اند.

قراردادهای سیاسی و تجاری که در ضمن آنها حق قضاوت کنسولی به بیگانگان داده شده است اکثراً در منابع اروپایی یافت می‌شود و در منابع ایرانی این دوره کمتر نامی از آنها برده شده است. به عنوان نمونه متن قراردادهای ایران و فرانسه که در آنها فرانسویان از حقوق کاپیتولاسیون در ایران برخوردار شده‌اند در بایگانی وزارت خارجه فرانسه، قسمت ایران، یافت می‌شود. یا قراردادهایی که در دوره افشاریه بین ایران و

شرکت هند شرقی انگلیس منعقد شده است، فقط در یادداشتهای دفتر ثبت وقایع روزانه گمبرون وجود دارد. یا در دوره زندیه مناسبات خارجی و مسأله قضاوت کنسولی بین ایران و فرانسه را در آرشیو ملی فرانسه، مکاتبات کنسولی بصره، می توان پیدا کرد.

منابع اصلی مورد بحث در دوره قاجاریه به سه بخش تقسیم می شود:

الف- کتابها

ب- روزنامه ها، مجلات و نشریات

ج- اسناد و مدارک

الف- کتابها

کتابهای منبع در مورد این دوره دو دسته است: کتابهای ایرانی و منابع خارجی. منابع ایرانی نیز به دو بخش تقسیم می شود: ۱- کتابهایی که قبل از مشروطیت نوشته شده است، ۲- کتابهایی که بعد از مشروطیت نوشته شده و تعدادی از آنها بعد از الغاء کاپیتولاسیون به رشته تحریر درآمده است.

کتابهای قبل از مشروطیت توجه چندانی به این موضوع نکرده اند. اصولاً تا قبل از مشروطیت حکام ایرانی از فلسفه و کارکرد و نتایج این مسأله اطلاع چندانی نداشتند و گنجانده شدن این موضوع در قراردادهای هر دوره، زائیده تلاشهای دولتهای بیگانه بوده است.

کتابهای بعد از مشروطیت به موضوع توجه بیشتری کرده اند، چرا که با انقلاب مشروطیت و بالا رفتن درک و آگاهی سیاستمداران و رجال نسبت به قراردادهای استعماری، این مسئله مورد توجه بیشتری واقع شد. برای مورخان و سیاستمداران نتایج زیانبار حق کاپیتولاسیون بیگانگان در ایران مشخص شد. روی همین جهت به این مطالب بیشتر توجه کرده و ضمن

بازگرددن حوادث به موضوع کاپیتولاسیون هم پرداخته‌اند. در این دوره، الغاء کاپیتولاسیون، در صدر برنامه‌های اکثر دولتهای بعد از مشروطیت بوده است.

در اینجا به معرفی نمونه‌هایی از این نوع منابع می‌پردازیم. این منابع به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱- منابعی که مستقلاً به موضوع کاپیتولاسیون پرداخته‌اند. از این نمونه رساله مستقلى است تحت عنوان کاپیتولاسیون و ایران که توسط دکتر محمد مصدق السلطنه در ذی‌الحجه ۱۳۳۲ ه. ق منتشر شده است. این کتاب دارای چهار قسمت و یک نتیجه می‌باشد. در این کتاب مسئله کاپیتولاسیون بیشتر از جنبه حقوقی مورد بحث قرار گرفته است و چون نویسنده خود دکترای علم حقوق دارد عدم مشروعیت کاپیتولاسیون را از دیدگاه علم حقوق بررسی کرده است و کمتر به سیر تاریخی این مسئله در ایران پرداخته است.

۲- منابعی که در ضمن بیان حوادث به این موضوع اشاره کرده‌اند. در این کتب موضوع به تفصیل بررسی نشده است. به عنوان نمونه مخبرالسلطنه هدایت در گزارش ایران در ضمن وقایع سال ۱۹۱۰ م/ ۱۳۲۸ ه. ق چند سطر گزارش از لغو کاپیتولاسیون توسط کابینه سپهدار می‌دهد و با تحلیل مختصری از آن می‌گذرد و در کتاب *خاطرات و خطرات* که بعد از الغاء کاپیتولاسیون به رشته تحریر درآورده، وقتی وقایع سال ۱۹۲۷ م/ ۱۳۰۶ ه. ش و الغاء کاپیتولاسیون را مطرح می‌کند، ضررهای تحمیل کاپیتولاسیون بر ایران را در چند سطر مطرح می‌کند. عبدالله مستوفی در کتاب *شرح زندگانی من یا تاریخ اداری و اجتماعی دوره قاجاریه* در ضمن مجلدهای سه‌گانه اشارات مختصری به موضوع کاپیتولاسیون و تأثیرات آن کرده است.

کتابهای خارجی. این کتابها اکثراً توسط وزرای مختار و کنسولها و سیاحان خارجی نوشته شده است. این افراد چون موضوع کاپیتولاسیون به آنها هم مربوط بوده، بیشتر از منابع داخلی به آن توجه کرده‌اند. دیدگاه این افراد در مورد کاپیتولاسیون، اکثراً با نویسندگان داخل متفاوت است. آنها کاپیتولاسیون را یک امر ضروری برای بیگانگان مقیم ایران به شمار می‌آورند.

این کتابها در ارتباط با برخورد سفارتخانه‌ها و کنسولگریهای بیگانگان با موضوع کاپیتولاسیون، مطالب ارزشمندی در اختیار می‌گذارند و می‌توانیم سوءاستفاده‌هایی را که تحت عنوان کاپیتولاسیون در ایران انجام می‌شده است، دریابیم. زیرا بعضی از نویسندگان این کتابها، خود به عنوان کنسول در کنسولگریها کار می‌کرده‌اند و ارتباط مستقیمی با قضاوت کنسولی اتباع بیگانه و تأثیرات آن داشته‌اند. از این منابع می‌توان به خاطرات موسیو. ب. نیکیتین در کتاب ایرانی که من شناختم اشاره کرد. وی خود در دوران اوج نفوذ روسیه تزاری در ایران، کنسول روسیه در رشت بوده است. در این کتاب اطلاعات سودمندی در مورد عملکرد کنسولگری روسیه در ارتباط با موضوع کاپیتولاسیون به دست می‌دهد. وی اطلاعاتی در مورد نحوه تشکیل محاکم مختلط توسط کنسولگری روس در رشت به دست می‌دهد و برخورد کنسولگری با اتباع روسی و ایرانی و کارگزاری مهم وزارت خارجه در رشت را بیان می‌کند که بیانگر دخالت آنها در امور داخل ایران تحت عنوان قضاوت کنسولی است.

از دیگر این‌گونه منابع کتاب از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحمایگی ۱۹۱۹ تا ۱۸۶۰ از ویلهلم لیتن است. وی در مرحله حساسی از تاریخ معاصر ایران بین سالهای ۱۹۰۲ تا ۱۹۱۸ میلادی در ایران به سر برده و در طول جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) کنسول آلمان در تبریز بوده است.

وی بسیاری از وقایع تاریخی را که در ایران و تبریز گذشته مشاهده کرده و آن را بعداً به صورت اسناد و حقایقی تاریخی درباره تاریخ نفوذ بیگانگان در ایران منتشر کرده است. نویسنده این کتاب با وجود این که خود از یک کشور اروپایی بوده، ولی استعمار ایرانیان توسط قدرتها بزرگ استعماری ذی نفوذ در ایران را به خوبی در نظر گرفته است. در فصل پنجاه و هشت این کتاب راجع به قوه قضاییه ایران بحث کرده، و در ضمن آن از وضعیت حقوقی اتباع بیگانه از جمله آلمانیها و استفاده آنها از حق قضاوت کنسولی صحبت کرده است.

ب- روزنامه‌ها، مجلات و نشریات

روزنامه و مجلات مورد استفاده، آنهایی هستند که بعد از انقلاب مشروطیت انتشار یافته‌اند. از این روزنامه‌ها و مجلات می‌توان از *روزنامه مظفری* - *روزنامه حبل‌المتین* - *روزنامه ستاره ایران* - *روزنامه اطلاعات* سال اول - *روزنامه ایران جوان* - *روزنامه کاوه* و *مجله آینده* دوره اول و... نام برد.

ج - اسناد و مدارک

اسناد و مدارک در دو بخش می‌باشند: ۱- اسناد و مدارکی که مربوط به روابط خارجی و گزارشهای وزرای مختار یا کنسولهای کشورهای بیگانه با دولت‌های متبوع خود می‌باشد. همچنین نامه‌ها و اسناد مبادله شده بین ایران و دولت‌های بیگانه. ۲- اسناد و مدارک داخلی که شامل مکاتبات مقامات دولتی با یکدیگر در مورد مسائلی که با موضوع کاپیتولاسیون ارتباط پیدا می‌کند.



فصل اول

پیدایش کاپیتولاسیون در مشرق زمین

تعریف کاپیتولاسیون

کاپیتولاسیون در اصل مأخوذ از واژه ایتالیایی «کاپیتولاتزیونه» (*Capitolazione*) یا واژه لاتین «کاپیتولاره» (*Capitulare*) است.

این واژه به معنای انعقاد عهدنامه و فصل‌بندی و طبقه‌بندی مطالب و یا نوشته‌ای که دارای فصول و مواد بوده باشد، هست و چون قراردادها و قوانینی که از قرون وسطی به این طرف راجع به مزایا و حقوق اروپائیان در کشورهای اسلامی تنظیم شده دارای فصول و مواد بوده است، به این جهت به اسم کاپیتولاسیون معروف شده است.^۱ چنان‌که در مورد عثمانی می‌بینیم، به مجموعه عهدنامه‌هایی که این کشور از اوائل قرن شانزدهم میلادی تا آغاز قرن بیستم با دول غربی بسته است - عنوان کاپیتولاسیون داده‌اند.^۲ برخی نیز این واژه را به معنای صلح موقت و متارکه جنگ گفته‌اند.

۱- رک به علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ذیل واژه کاپیتولاسیون شماره مسلسل ۳۴، تهران دانشگاه تهران، ۱۳۳۶، ص ۳۴. و دکتر معین، فرهنگ فارسی، ذیل واژه کاپیتولاسیون، جلد سوم: ک - معلومه، تهران، امیرکبیر ۱۳۶۰، ص ۲۷۸۱-۲۷۸۰.

۲- سرهنگ لاموش، تاریخ ترکیه، با مقدمه رنه پینون، تهران، کمیسیون معارف، چاپ اول، ۱۳۱۶، ص ۱۱۲.

کاپیتولاسیون در روابط بین‌الملل عبارتست از معاهداتی که به موجب آن کشوری خارجی در مملکتی دیگر از بعضی حقوق و امتیازات برای اتباع خود که اهم آن حق قضاوت کنسولی و اجرای مجازات است برخوردار می‌شوند. به طوری که اتباع آن دولت از پاره‌ای مزایا به طور اختصاصی بهره‌مند می‌شوند.

به کاپیتولاسیون «حق برون‌مرزی»^۱ یا «حق قضاوت کنسولی» هم می‌گویند. بدان جهت حق قضاوت کنسولی گفته می‌شود که قوانین دولت خارجی، توسط کنسول آن کشور، در محل اجرا می‌شود.

تاریخچه پیدایش کاپیتولاسیون در مشرق زمین

اولین دسته از غربیها که از بعضی مزایای مربوط به اقامت و حقوق قضائی در مشرق زمین بهره‌مند شده‌اند، تجار ونیز و مارسی در جنگهای صلیبی بوده‌اند. آنها که به آسیای صغیر و شامات و فلسطین مسافرت می‌کردند برای تمرکز دادوستد خود، دارالتجاره‌هایی در بنادر افتتاح می‌کردند و برای امنیت خودشان محله‌های خصوصی بنا می‌گذاشتند و تحت رسوم و آداب خود در آن محله‌ها زندگی می‌کردند.^۲

به تدریج روابط آنها با مسلمانان گرم و دوستانه شد، و در محله‌های خود همان قانون مملکت خودشان را بین خود اعمال می‌کردند، و از

۱- حق برون‌مرزی عبارتست از «نظریه توسعه دامنه قوانین محلی به خارج از کشور» رک: ابن‌الفراء و صلاح‌الدین منجد (مصحح و مولف): *رسال الملوک*، سفیران، سفارت در اسلام و سفارت در غرب، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۱۲۹.

۲- محسن رئیسی: «کاپیتولاسیون» روزنامه *ایران جوان*، تهران، سال اول، شماره ۳، ۳۰ خرداد ۱۳۰۶، ص ۵.

طرف دیگر چون در مملکتی که در آن اقامت داشتند کمتر کسی به قانون و رسوم خارجیها و غریبها آشنا بود به حکم ضرورت برای حل مرافعات به قضات خودشان مراجعه می‌کردند. در ابتدا این قضات را از بین خودشان انتخاب می‌کردند ولی بعداً دولتهای آنها مداخله کردند و ماموران مخصوصی برای این کار اعزام نمودند.

در سال ۱۰۶۰ م / ۴۵۲ هـ ق امپراتور یونانی قسطنطنیه به ماموران اعزامی و نیز اجازه داد که به کلیه مسائل حقوقی و جزائی اتباع خود رسیدگی نمایند. سپس در سالهای بعد این امتیاز را به آنها داد که حتی در مرافعات بین اتباع و نیز و آسیای صغیر نیز قضاوت نمایند. می‌توان گفت که ایجاد کنسول و کاپیتولاسیون در مشرق زمین از همین جا شروع می‌شود.^۱

وضعیت بیگانگان در جامعه اسلامی

قبل از آنکه به بحث در مورد پیدایش کاپیتولاسیون در کشورهای اسلامی، به خصوص عثمانی به عنوان اولین کشور مسلمان پذیرای کاپیتولاسیون، پردازیم، لازم است وضعیت قضایی اتباع بیگانه را در کشورهای اسلامی از دیدگاه دین اسلام مشخص سازیم، از نظر اسلام بیگانگان سه دسته‌اند:

۱- اهل کتاب

۲- مستامن

۳- کافر حربی (بت پرست و...)

اهل کتاب پیروان ادیان آسمانی را شامل می‌شوند که دارای کتاب

می‌باشند. اینها در پناه حکومت اسلامی به شرط پرداخت جزیه می‌توانند زندگی کنند و از حمایت قانون اسلام برخوردار هستند.

مستامنان کفاری هستند که دولت اسلامی به آنها اجازه موقت اقامت به جهت تجارت یا غیره داده است. این گروه تحت این عنوان با کسب اجازه برای مدت معینی سفر می‌کنند و حقوق و تکالیف خاصی برای آنها مقرر است.^۱

اما کفار حربی دارای هیچگونه حقی نیستند.

اگر اختلافی بین اهل کتاب به وجود آید، اسلام با تسامحی که در این دین است، اجازه داده است به محاکم خودشان مراجعه و طبق حکم آن محاکم عمل کنند. اما اگر اختلاف بین مسلمانان و اهل کتاب یا مستامن باشد، اسلام تنها محاکم مسلمانان را محاکم ذی‌صلاح می‌شناسد. زیرا قرآن می‌فرماید:

«لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً»

«و هرگز خداوند برای کافرین بر مومنان راهی قرار ندهد.»^۲

کاپیتولاسیونی که در قرون اخیر در بعضی کشورهای اسلامی مثل عثمانی، ایران و مصر برقرار شد، عموماً تسلط کفار بر مسلمین را به همراه داشت و باروح و قوانین اسلامی تطبیق نمی‌کرد. چون طبق قوانین قضائی اسلام، همان طور که گفته شده در اختلاف میان مسلمان و غیرمسلمان تنها محاکم مسلمان می‌باید حکم کنند و حکم هم توسط خود آنها اجرا شود. ولی در معاهده ترکمانچای، حق اجرای حکم از محاکم ایرانی گرفته شده، در اختیار روسها قرار داده شده بود.

۱- فضل‌الله بن روزبهان خنجی اصفهانی: سلوک الملوک، به تصحیح و با مقدمه محمدعلی موحد، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۶۱، ص ۴۸۷.

۲- سوره نساء، آیه ۱۴۱.

کاپیتولاسیون در عثمانی

دولت عثمانی همزمان با فتح قسطنطنیه مزایایی به بیگانگان و مسیحیان داد که مبنای امتیازات بعدی شد که کاپیتولاسیون را در کشورشان بنیان نهاد.

وقتی قسطنطنیه به تصرف سلطان محمد فاتح درآمد وی کلیه نمایندگان کلیسای ارتدکس یونانی و کلیسای ارمنی و بزرگان دین یهود را احضار کرد و به آنها اعلام نمود که می‌توانند در آنجا بمانند و کلیه قوانین و مقررات و اصول مذهبی خودشان را به طور آزاد انجام دهند و هیچکس حق ندارد ممانعتی برای اجرای اصول مذهبی آنها به وجود آورد. سلطان محمد برای نشان دادن اعتقاد خود به این فرمان با رهبران مذهبی در کمال احترام رفتار می‌نمود. وی همچنین فرمان داد که به جای بطریق سابق^۱ که کشته شده بود فرد دیگری را انتخاب نموده و موافق اصولی که امپراتوران سابق در اجرای این کار و تقدیس بطریق معمول می‌داشتند، رفتار نمایند.^۲

سلطان محمد عمارت عالیه را که در شمال کلیسا بود به روسای مذهب ارتدکس واگذار کرد و فرمان داد که کشیشان از مالیات و عوارض دیوانی آزاد و معاف باشند، و مقرر داشت کلیسای آنها دیگر به مسجد تبدیل نشود و مسیحیان در قواعد شرعی خودشان مثل عقد نکاح و دفن و حقوق مدنی موافق معمول خودشان عمل کنند و اعیاد پاک را یونانیان به همان نحو سابق و با تجملات قبلی انجام دهند و مقرر داشت که جهت

۱- لقب رئیس مذهب یونانیان

۲- هامر پورگشتال، تاریخ امپراتوری عثمانی، ترجمه میزا زکی علی‌آبادی، به اهتمام جمشید کیانفر، جلد اول، تهران، انتشارات زرین، چاپ اول، ۱۳۶۷، ص ۵۰۸ و ۵۰۷.

انجام جشن مسیحیان به مدت سه شب دروازه‌هایی را که به محله قالانا باز می‌شد، نبندند تا آنها به راحتی رفت و آمد کنند.^۱

سلطان بایزید در سال ۱۵۰۸ م / ۹۱۴ ه. ق طی فرمانی امتیازات و مزایایی به تجار فرانسوی داد. فرانسویها و مردم کاتالونی در مصر امتیازاتی داشتند که پس از تصرف مصر به دست عثمانیها طی فرمانی از طرف سلطان سلیم اول در سال ۱۵۱۷ م / ۹۲۳ ه. ق به تصدیق رسید و بعد از آن مجدداً طی فرمانی به خط سلطان سلیمان در سال ۱۵۲۸ م / ۹۳۴ ه. ق تأیید شد.^۲

در سال ۱۵۲۰ م / ۹۲۷ ه. ق سلطان سلیمان با ونیزیها معاهده‌ای در سی فصل به امضا رسانید که به موجب آن، برخورداری آنان از امتیازات سابق بیزانسیها را تأیید کرد، و مزایا و امتیازات تازه‌ای بر آنها افزود.^۳ این گونه معاهدات در تاریخ عثمانی به اسم کاپیتولاسیون معروف شده‌اند.

«مشهورترین کاپیتولاسیون از لحاظ قدمت، قرارداد سال ۱۵۳۵ م / ۹۴۱ ه. ق میان سلطان سلیمان قانونی و فرانسوی اول است که نمونه قراردادهای نوع کاپیتولاسیونی نیز تلقی می‌شود».^۴

در کاپیتولاسیون سال ۱۵۳۵ م / ۹۴۱ ه. ق آمده است که تبعه طرفین در خاک یکدیگر مسافرت و سکونت و تجارت به طور آزادانه خواهند داشت (بند اول) و با پرداخت خراج معمول و ده یک مال التجاره، هرگونه

۱- همان، ص ۵۰۸.

۲- لاموش، تاریخ ترکیه، ص ۱۱۶.

۳- فیلیپ ک. حتی، شرق نزدیک در تاریخ یک سرگذشت پنج هزار ساله، ترجمه دکتر قمر آریان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰، ص ۴۷۹.

۴- یوسف رحیم‌لو، «کاپیتولاسیون در روابط بین‌الملل» نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال بیست و چهارم، شماره ۱۰۱، بهار ۱۳۵۱، ص ۹۸.

کالای غیرممنوعه را خرید و فروش خواهند نمود (بند دوم). یک یا چند کنسول فرانسوی در شهر قسطنطنیه و در سایر بلاد عثمانی مستقر خواهند شد که داوری در دعاوی و جنایات و اختلافات واقعه میان رعایای فرانسه به عهده آنها خواهد بود و آنها خواهند توانست از خدمات ماموران عثمانی در اجرای احکام خود یاری جویند (بند سوم). به اختلافات میان افراد عثمانی با فرانسویها، ماموران و قضات عثمانی فقط در باب عالی و محل اقامت صدراعظم و در ولایات در حضور بزرگترین نماینده سلطان رسیدگی خواهند کرد (بندهای چهارم و پنجم). فرانسویها در خاک عثمانی در اجرای قوانین دینی خود، مختار خواهند بود و به جز رضایت خودشان کسی نمی‌تواند آنها را مجبور به اسلام بکند (بند ششم). از کنسول فرانسه و افراد وابسته و نزدیک به یک فرانسوی غایب مدیون نمی‌توان ادعای پرداخت دین کرد (بند هفتم). از فرانسویها و خدمتگزاران آنها نمی‌توان بیگاری گرفت یا آنان را به خدمت مجبور کرد (بند هشتم). دارائی متوفای فرانسویها به ورثه و وکیل آنها تعلق می‌گیرد و قابل ضبط توسط ماموران عثمانی نخواهد بود (بند نهم). اسرای عثمانی و فرانسوی از طرفین آزاد خواهند شد (بند دهم). کشتیهای جنگی طرفین با دیدن هم به افراشتن پرچمهای دولتی و انداختن توپ سلام خواهند کرد و اسباب مزاحمت همدیگر را به وجود نخواهند آورد (بند یازدهم). کشتیهای فرانسه در اسکله‌های دریایی یا شط دولت عثمانی به آزادی، تامین مایحتاج خواهند کرد (بند دوازدهم) و به کشتیهای طرفین در دریاها دو دولت تعدی نخواهند نمود (بند سیزدهم). اگر یکی از بندهای عثمانی به خانه یا کشتی یک فرانسوی پناه برد، کسی به اجبار او را طلب نخواهد کرد (بند چهاردهم). تبعه طرفین که کمتر از ده سال بدون انقطاع در خاک طرف دیگر اقامت داشته باشند مجبور به دادن

خراج و عوارض و خدمات دولتی و جنگی نخواهند شد (بند پانزدهم).^۱ این معاهده تا آغاز قرن بیستم برقرار ماند و معاهداتی که با سایر دول غربی منعقد شد براساس این معاهده بود و سایرین اندک اندک توانستند از همان برتربها برخوردار شوند و این سرمشقی شد برای عموم پیمانهای که دولتهای مسیحی با کشورهای مشرق زمین می‌بستند و در آن از حقوق ویژه کاپیتولاسیون استفاده می‌کردند.^۲

امتیازات عهدنامه ۱۵۳۵ م / ۹۴۲ ه.ق به وسیله سلطان سلیم ثانی برای فرانسویان در سال ۱۵۶۹ م / ۹۷۷ ه.ق به رسمیت شناخته شد. انگلیسیها در ۱۵۳۸ م / ۹۴۵ ه.ق، هلندیها در سال ۱۶۱۳ م / ۱۰۲۲ ه.ق، اتریشها در سال ۱۷۱۸ م / ۱۱۱۳ ه.ق، روسها در سال ۱۷۴۸ م / ۱۱۶۱ ه.ق و ایالات متحده آمریکا در سال ۱۸۳۰ م / ۱۲۴۶ ه.ق، امتیازاتی مشابه عهدنامه فوق از دولت عثمانی گرفتند.^۳

از مهمترین عهدنامه‌هایی که بعد از معاهده ۱۵۳۵ م / ۹۴۲ ه.ق ما بین فرانسه و عثمانی منعقد شد و در آن امتیازات ویژه‌ای به فرانسویان توسط عثمانیها اعطا شد، عهدنامه هفتم است که در تاریخ ۱۷۴۰ م / ۱۱۵۴ ه.ق بین محمد اول و لوئی پانزدهم منعقد گردید. به موجب این عهدنامه فرانسویها آزادی ورود و تجارت و مراسم مذهبی را به دست آوردند. قضاوت کنسولی توسط کنسول فرانسه، از موارد دیگر آن بود که در دو قسمت زیر مورد توافق واقع شده بود.

- ۱- محمد فرید بیک، *احسن التواریخ*، ترجمه میرزا عبدالباقی مستوفی اصفهانی، ۱۳۳۲ ه.ق، ص ۸۸، به نقل از رحیم‌لو، «کاپیتولاسیون در روابط بین‌المللی» ص ۱۰۴.
- ۲- ویل دورانت، *تاریخ تمدن*، جلد ششم: اصلاح دینی، مترجمان، فریدون بدره‌ای، سهیل آذری، پرویز مرزبان، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸، ص ۸۳۳.
- ۳- ر.ک. دکتر محمد مصدق، *کاپیتولاسیون و ایران*، با مقدمه و حواشی و تعلیقات فریدون جنیدی، تهران، بی‌ناشر، بی‌تاریخ، ص ۲۸-۲۴.

۱- مسائل حقوقی

اگر طرفین متنازعین از افراد تبعه فرانسه بودند و رسیدگی به اختلاف آنها برعهده کنسولها و نمایندگان دولت فرانسه بود.

اگر طرفین نزاع یکی فرانسوی و دیگری تبعه کشور دیگری غیر از عثمانی بودند مختارند که محکمه عثمانی یا محکمه دولت متبوع خود را اختیار کنند.

اگر اختلاف بین یک نفر تبعه عثمانی با فرانسه بود و اختلاف مربوط به مسائل حقوقی تجاری بود، مرجع رسیدگی به این اختلاف محاکم مختلط تجاری دولت عثمانی بود و این محاکم مختلط ترکیبی بود از دو قاضی دائمی و چهار قاضی موقتی که دو نفر از آنها تبعه عثمانی و دو نفر فرانسوی بودند.

اگر اختلاف ما بین تبعه فرانسه و عثمانی و راجع به مسائل حقوق ارضی بود مرجع رسیدگی محاکم عثمانی بود و حضور کنسول و نماینده فرانسه در این محاکم لازم نبود.

اگر جنایتی از فرانسویان نسبت به اتباع عثمانی روی داده بود ماده ۶۵ عهدنامه ۱۷۴۰ م/ ۱۱۵۳ ه. ق مقرر می‌داشت که با اطلاع کنسول فرانسه محاکم عثمانی او را مجازات کنند و در ضمن محاکم جزائی مختلط در قسطنطنیه هم تشکیل می‌شد ولی عملاً این ماده را فرانسویان و دول دیگر اجرا نمی‌کردند و راضی نمی‌شدند که اتباعشان در خاک عثمانی مجازات شوند.^۱ این عهدنامه بعداً به نام «امتیازات بزرگ» شهرت یافت.^۲

۱- همان، ص ۳۲.

۲- فرج‌الله ناصری: «بررسی تحلیلی در کاپیتولاسیون و الغاء آن»، تهران، وزارت دادگستری، شماره مخصوص هفته دادگستری، پنجم اردیبهشت ۱۳۵۵، ص ۵.

به دنبال فرانسه، کشورهای بیگانه دیگر طبق شرط دول کامله‌الوداد، از تسهیلاتی که عثمانی به فرانسویها داده بود بهره‌مند شدند و پس از مدتی تعداد دولتهای دارای حق کاپیتولاسیون به پانزده دولت رسید. کشورهای نظیر انگلستان، هلند، پروس، روسیه و بعضی دول دیگر در آن کشور از قضاوت کنسولی بهره‌مند شدند و چند کشور دیگر از جمله سوئیس که در عثمانی کنسولگری نداشتند همین مزایا را از طریق سایر کنسولگریها بهره‌مند شدند.^۱

اصول قرارداد ۱۷۴۰ م / ۱۱۵۳ ه. ق تا قبل از معاهده لوزان که الغای کاپیتولاسیون را در ترکیه اعلام نمود اجرا می‌شد. در سال ۱۸۶۹ م / ۱۲۶۸ ه. ق وزیر خارجه فرانسه ضمن نامه‌ای به کمیسرهای فرانسه در اسکندریه نوشت:

«... کاپیتولاسیون که مجموعه قواعد حاکم بر روابط دول مسیحی با «باب عالی» است، تنها محدود به متن تعهدنامه‌های اولیه (فرمان اول فوریه ۱۵۳۵ و عهدنامه‌های ۱۵۹۷ و ۱۵۸۱ و ۱۶۰۴ و ۱۶۷۳) نمی‌شود. بلکه این مفهوم شامل کلیه رویه‌های قضائی بین‌المللی مکمل عهدود و کلیه مقررات تکمیلی دیگر می‌باشد که موافق روح عهدنامه‌های مربوط و در نتیجه عمل و تجربه و توافق و قبول مشترک به وجود آمده و به وسیله عهدنامه‌های اخیر (عهدنامه ۱۷۴۰ یاد شده) نیز تأیید شده‌اند.»^۲

کاپیتولاسیون در دیگر کشورهای مشرق زمین

بعد از آنکه در کشور عثمانی معاهده کاپیتولاسیون بین عثمانی و دیگر

۱- همان، ص ۶.

۲- ایرج سعید وزیری: کاپیتولاسیون و الغای آن در ایران، تهران، دفتر حقوقی وزارت امور خارجه، ۱۳۵۵، ص ۵.

کشورهای اروپایی برقرار شد این معاهدات تنها به کشور عثمانی منحصر نماند. بلکه در تمام شمال آفریقا و کشورهای بالکان چنین معاهداتی منعقد شد. هر جا که موسسات و تجار خارجی جمع می‌شدند و تعدادشان به حد قابل توجهی می‌رسید مامورانی از طرف دولت آنها با وظایف مخصوص قضائی اعزام می‌شدند.

کشورهایی که در آنها کاپیتولاسیون برقرار شد عبارتند از: الجزایر، تونس، مراکش، حبشه، مصر، زنگبار، چین، ژاپن، کره، مسقط، کشورهای بالکان و... کشورهای بالکان بعد از مجزا شدن از دولت عثمانی، قوانین اروپایی را اقتباس کردند و از کاپیتولاسیون‌هایی یافتند.^۱ در بین این کشورها کاپیتولاسیون در سه کشور مصر، چین، ژاپن از اهمیت بیشتری برخوردار بود که به طور اختصار به آنها اشاره می‌شود.

کاپیتولاسیون در مصر

پس از برقراری رژیم کاپیتولاسیون در عثمانی، بیگانگان این امتیازات را در نواحی دیگر هم که جزئی از امپراطوری عثمانی محسوب می‌شد، برای خود قائل شدند.^۲

مصر هر چند بعداً تحت تسلط کامل انگلیسیها قرار گرفت و عثمانیها نفوذی در آنجا نداشتند ولی به دلیل مقررات کاپیتولاسیون مانند قسمتی از خاک امپراطوری عثمانی با آن رفتار می‌شد. اتباع بیگانه در مصر در اثر مقررات قضاوت کنسولی، از صلاحیت دادگاه‌های مصری مستثنی شده

۱- رئیسی «کاپیتولاسیون»، ص ۳.

۲- جواهر لعل نهرو: نگاه‌های به تاریخ جهان، ترجمه محمود تفضلی، جلد سوم، تهران، امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۶۶، ص ۱۴۳۰.

و محاکم مصر حق محاکمه آنها را نداشتند. در صورت ارتکاب جرم و جنایت توسط اتباع کشورهای خارجی، دادگاههای کشورهای بیگانه آنها را محاکمه می‌کردند. در مصر دادگاه‌های مختلفی با «حق برون مرزی» تشکیل شده بود که قضات آن تماماً از خود بیگانگان بودند. نهرو از قول یکی از قضات همین دادگاهها می‌نویسد:

«عدالت آنها به شکل نمایانی خدمتگزار بیگانگانی بوده که کشور را استثمار می‌کردند.»^۱

در مصر از زمان محمدعلی پاشا به بعد موجی از قوانین و نظامات جدید پدید آمد و به تدریج تکامل یافت. آنها تشکیلات حقوقی و قضائی منظم به سبک غربیها به وجود آوردند.

مبارزه برای الغای کاپیتولاسیون مدتهای مدیدی ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۳۶ م / ۱۳۵۵ ه. ق پیمانی بین انگلیس و مصر به امضاء رسید که از مفاد آن، وعده انگلیس به الغای رژیم کاپیتولاسیون در مصر بود. بر همین اساس، دادگاههای کنسولی در مصر از میان برداشته شد و اختیارات آنها به دادگاههای ویژه‌ای واگذار شد. طبق همین معاهده، یک دوره آماده‌سازی به مدت دوازده سال در نظر گرفته شد که طی آن دادگاههای مصری بتوانند برای رسیدگی به کارهای حقوقی و قضائی بیگانگان مقیم مصر ورزیده شوند.^۲

در سال ۱۹۳۷ م / ۱۳۵۶ ه. ق در کنفرانس موترو در زمان حکومت

۱- همان، ج ۲، ص ۱۱۳۲.

۲- فرهنگستان دانشهای اتحاد شوروی، پژوهشگاه خاورشناسی، تاریخ معاصر کشورهای عربی، ۱۹۱۷-۱۹۷۰، ترجمه محمدحسین شهری، جلد دوم، تهران، کاوه، چاپ اول، ۱۳۶۰، ص ۱۴۲.

نحاس پاشا، محاکم کنسولی در مصر منحل شد ولی تا دوازده سال دیگر محاکم مختلط به کار خود ادامه دادند تا در سال ۱۹۴۹ م/ ۱۳۶۹ ه. ق بساط رژیم کاپیتولاسیون در آن کشور به کلی برچیده شد.

کاپیتولاسیون در چین

کاپیتولاسیون در چین بعد از شکست این کشور در جنگ تریاک از نیروهای فرانسه و انگلیس برقرار شد. بعد از دو دوره جنگ که اولی به امضاء عهدنامه نانکن (۱۸۴۲ م/ ۱۲۵۸ ه. ق) و دومی به امضاء معاهدات تین تسن منجر شد، قضاوت کنسولی به نفع اتباع انگلیسی در آن کشور برقرار شد.^۱

بعداً عین این معاهدات را دولت چین با سایر دول اروپایی و ایالات متحده آمریکا منعقد کرد و نتیجه کلی این قراردادها، تفویض پاره‌ای امتیازات به بیگانگان بود که طبق آنها به اروپائیان اجازه داده شد، که به دلخواه خود در هر شهری که مورد نظرشان است، اقامت گزینند و از همه قوانین جاریه چین مصون باشند و فقط تابع حکومت خودشان باشند و از همین رو ناوهای جنگی اروپایی برای حفاظت از حقوق آنها در رود یانگ‌تسه به حرکت درآمد و طبق همین معاهدات مقرر شد که از کالاهای وارداتی از اروپا بیش از پنج درصد عوارض گمرکی دریافت نمایند. برای اداره و جمع‌آوری عوارض گمرکی عده‌ای از کارشناسان اروپایی به استخدام درآمدند.^۲

۱- رابرت روزول پالمر، تاریخ جهان نو، ترجمه ابوالقاسم طاهری، جلد دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۹، ص ۳۱۴.
۲- همان، ص ۳۱۵-۳۱۴.

برقراری حقوق برون مرزی در چین آغاز ناراحتیهای چین و تصادم با قدرتهای امپریالیستی غرب بود.^۱ برقراری کاپیتولاسیون در چین برعکس عثمانی با فشار و برخلاف میل حکومت و مردم بود و چون بعد از شکست چینها به آنها تحمیل شده بود شرایط آن فوقالعاده سخت و مشقت آور بود. بعد از آنکه کشورهای غربی شرایط خفت بار خود را بر چینها تحمیل کردند، سیل بازرگانان و مبلغان مذهبی مسیحی به کشور چین سرازیر شد. این هیئتهای مذهبی رفتاری خشن و توهین آمیز داشتند ولی چینها نمیتوانستند به آنها اعتراض کنند. چون بنا به پیمانهای منعقدشده، همان طور که اشاره شد خارجیان مقیم چین تابع قوانین چین نبودند و دادگاهها و محاکم چینی نمیتوانستند آنها را محاکمه کنند و میبایست در صورت جنایت و اعمال خلاف توسط دادگاههای خودشان محاکمه شوند. علاوه بر مبلغان مذهبی که از حقوق کاپیتولاسیون بهره مند بودند، پیروان این مبلغان و افرادی که دین مسیحی را می پذیرفتند نیز مدعی بودند که آنها هم باید از این امتیازات بهره مند شوند و تحت حمایت حق «برون مرزی» قرار گیرند. قدرتهای استعماری غربی از این درخواست نامشروع آنها پشتیبانی می کردند.^۲

اعمال هیئتهای مذهبی باعث درگیری و کشتارهای وسیعی شد. در یکی از این درگیریها که ده، دوازده سال ادامه داشت لاقلاً بیست میلیون نفر کشته شدند.^۳ چینها از اعمال بیگانگان و مبلغان مذهبی بیمناک بودند. به نظر آنها مبلغان مذهبی جهت تبلیغ به کشور آنها نیامده بلکه

۱- نهر، نگاهی به تاریخ جهان، جلد دوم، ص ۸۶۱.

۲- همان، ص ۸۶۱-۸۶۰.

۳- همان، ص ۸۶۱.



عمال امپریالیسم بودند که جهت نفوذ به کشورشان وارد شده بودند.^۱ چینیها با توجه به خفت و خواری که از ناحیه اعطای حقوق برون مرزی به آنها تحمیل شده بود، درصدد رهایی از آن وضعیت برآمدند و با شتاب تمام شروع به اجرای طرحهایی برای غریب کردن مملکت خود

۱- مخبرالسلطنه در شرح دیدارش از چین در مورد وضعیت چین در آن هنگام (۱۹۰۳ م/ ۱۳۲۱ ه.ق) می نویسد:

«بیگانگان) اراضی (را) در عنوان ۹۹ ساله اجاره کرده اند و بساط تصرف ابدی در آن گسترده. اینک بنادر عمده در چین ایجاد کرده و در تحت اختیار خود می کنند، حتی چینی را به حقوق صاحب خانگی هم نمی شناسند... سایر دول هم از نمده، کلاهی برده اند. چنانکه در تسنین گفتم. در شانکهای محله انگلیسی رونقی دارد حتی بعضی تجار فرانسوی مشتمز از اعمال خودشان در حوزه انگلیسی سکنی گزیده اند. آمریکا و انگلیس نوعی خودمختاری به اهالی داده اند و چون سوئیس، کانتنهایی ساخته اند بدون رعایت قومیت، محله فرانسه به دست قنسول فرانسه اداره می شود. این است دولت پیش قدم در آزادی در قسمت انگلیس و آمریکا هر تاجری که در حدی مالیات می دهد حق رای دارد. صاحبان رای جرکه کره، هییتی را برای اداره انتخاب می کنند که عبارت است از نه نفر مستشار و یک دفتردار. چون اکثر سکنه انگلیسی یا آلمانی هستند اکثریت با ایشان است. لکن مانعی نیست که اکثریت به ملل دیگر ساکن حوزه بیفتد فرانسوی باشد یا پرتغالی همان طور که در نظر چینی اجنبی مطلقاً قفقازی است. در شانکای همه ملل ملت واحده محسوب می شوند. البته در امور محلی هیئت عامله مرسوم است به شورای شهر (Municipal Council) مامورین مالیه، نظام داوطلب، نظمیه، فواید عامه، و غیره در تحت امر هیئتند. نتیجه اعمال در روزنامه منتشر می شود. هیئت مزبور در سیاست در حمایت مشترک نمایندگان رسمی دربار پکن است. رابطه هیئت با دولت به توسط قنسولگریهاست.

از طرف حکومت چین هیچگونه تسلطی بر چینیها که در این محلات سکنی دارند نیست. بسیاری از چینیها در محلات مزبور شانکای، هانکو، تین سین، کانتن پناهنده هستند. در شانکای سوای محله فرانسه ۲۶۰ هزار در محله اروپایی سکنی دارند. از هر جهت تابع حکومت محل هستند جز در عدلیه که قوانین کنفوتسه با نظارت یکنفر اروپایی مجری است.

مهدیقلی هدایت، سفرنامه تشریف به مکه معظمه از طریق چین - ژاپن - آمریکا، تهران، (بی ناشر) (بی تاریخ)، ص ۶۳-۶۲.

نمودند. زمینه‌های الغای کاپیتولاسیون در چین بعد از جنگ جهانی اول بوجود آمد. چون چینها در جنگ جهانی به کشورهای آلمان و اتریش اعلان جنگ داده و به یاری انگلیس و فرانسه و روسیه برخاسته بودند زمینه‌های راه‌یابی آنها به مجامع بین‌المللی که بعد از جنگ تشکیل شد فراهم آمد و توانستند دیدگاههای خود را در رابطه با الغای حقوق برون مرزی مطرح کنند. چینها در کنفرانس پاریس بعد از جنگ اول جهانی در سال ۱۹۱۹ م / ۱۳۳۸ ه. ق تلاش کردند تا کلیه امتیازات حقوق برون مرزی را در چین منسوخ سازند. ولی به موجب عهدنامه صلح پاریس دولتهای پیروز در جنگ حق کاپیتولاسیون در چین را فقط از آلمان، اتریش و مجارستان سلب کردند.

در سال ۱۹۲۱ م / ۱۳۴۰ ه. ق در واشنگتن کنفرانسی برای محدود کردن تجهیزات نظامی قدرتهای بزرگ تشکیل یافت و مسائل مربوط به چین نیز در آن مطرح گردید. قدرتهای بزرگ به اصرار ایالات متحده، بندر کیائوچیو و شبه جزیره شانتونگ را به چین مسترد داشتند و انگلیس هم حاضر شد بندر ویهاییوی را به این دولت مسترد نماید و به تدریج هم قضاوت کنسولی در آن کشور از میان رفت^۱ و بالاخره چین موفق شد در سال ۱۹۲۶ م / ۱۳۰۵ ه. ش به طور مشروط و ۱۹۴۹ م / ۱۳۲۸ ه. ش به طور قاطع به کاپیتولاسیون پایان دهد.

کاپیتولاسیون در ژاپن

رژیم کاپیتولاسیون در ژاپن در قرن نوزدهم در دوران کوتاهی برای

۱- عباس اقبال: کلیات تاریخ تمدن جدید شامل تاریخ تمدن جدید در اروپا و در ایران، تهران، کتابخانه علی‌اکبر علمی، چاپ چهارم، ۱۳۳۱، ص ۱۷۷.

بیگانگان مقیم آن کشور برقرار شد. در اوایل سال ۱۸۵۸ م / ۱۲۷۵ ه. ق ایالات متحده آمریکا طی انعقاد معاهده‌ای موفق شد امتیازات کاپیتولاسیون را در ژاپن بدست آورد.^۱ به دنبال آمریکا، کشورهای انگلیس، فرانسه، هلند، روسیه و بقیه کشورهای اروپایی امتیازات مشابهی بنابر اصل کامله الوداد جهت اتباع خود در ژاپن به دست آوردند. امضای این معاهدات موجب شد که بنادر ژاپن به روی خارجیها گشوده شود و تعرفه گمرکی بسیار ناچیزی به اجناسی که وارد ژاپن می‌شد بسته شود و اتباع هیجده کشوری^۲ که چنین معاهداتی با آنها بسته شده بود از صلاحیت دادگاههای ژاپن مستثنی شوند و رسیدگی به اختلافات آنها در حوزه صلاحیت دادگاههای ممالک متبوع هر کدام از آنها قرار گیرد. کنسولگریهای این کشورها، به نمایندگی از جانب آن دادگاهها انجام وظیفه می‌کردند.

ژاپن‌ها بعد از انعقاد چنین معاهداتی متوجه شدند اینها پیمانهای نیستند که میان دول متساوی‌الحقوق منعقد می‌شود و آن را نشانه ذلت و خواری ملت خود دریافتند.^۳

از مهمترین اهداف دولتهایی که تا اواخر قرن نوزدهم در ژاپن یکی پس از دیگری سرکار آمدند، تجدیدنظر در این معاهدات نابرابر و به خصوص الغای کاپیتولاسیون بود. ژاپن‌ها برای رهایی خود از امتیازات مربوط به رژیم کاپیتولاسیون، سعی کردند نظام قانونی و قضائی خود را، مطابق

۱- دکتر هاشم رجب‌زاده، تاریخ ژاپن، کتاب اول: از آغاز تا نهضت (تا سال ۱۸۶۸)، کتاب دوم، از نهضت تا پایان جنگ (۱۸۶۸ تا ۱۹۴۵)، تهران، ناشر مولف، چاپ اول، ۱۳۶۵، ص ۲۸.

۲- همان، ص ۲۲۷.

۳- پالمر: تاریخ جهان نو، ص ۱۷۴.

قوانین کشورهای غربی تغییر دهند. بر همین اساس دست به یک سلسله اصلاحات قضائی و قانونی زدند که مدت بیست سال طول کشید.^۱

ژاپنها با کشور انگلیس که دارای این حقوق در آن کشور بود مذاکراتی طولانی انجام دادند. ابتدا انگلیسیها سرسختی نشان دادند و به هیچ وجه حاضر به تجدیدنظر در مقررات کاپیتولاسیون در ژاپن نبودند. ژاپنها به اندیشه سازش با آنها افتادند و پیشنهاد ایجاد دادگاههای مختلط، مرکب از قضات ژاپنی و خارجی برای رسیدگی به اختلافات میان اتباع بیگانه و ژاپنها را دادند. ولی این پیشنهاد با موج انتقادات عمومی به شکست انجامید. سرانجام با مقاومت ژاپن پیمانهای جدیدی در سال ۱۸۹۴ م/ ۱۳۱۲ ه. ق با دولت انگلیس منعقد شد. قرار بر این شد که اصل کاپیتولاسیون پس از به اجرا درآمدن قانون مدنی ژاپن که در سال ۱۸۹۹ م/ ۱۳۱۷ ه. ق انجام پذیرفت، ملغی شود. به دنبال آن با دیگر کشورها پیمانهای مشابه بسته و امتیازات کاپیتولاسیون آنها هم در ژاپن حذف شد.^۲

۱- مخبرالسلطنه در شرح ملاقات اتابک و همراهان با کنت کاتسورا رئیس الوزرای ژاپن در سال ۱۹۰۳ م/ ۱۳۲۱ ه. ق از قول او در مورد اصلاحات قضائی و تدوین قوانین قضائی در آن کشور می نویسد: «دولت آلمان شصت نفر از قضات مجرب را مامور کرد در ظرف بیست سال قانون مدنی ای نوشتند که مقرر بود از ابتدای ۱۹۰۰ مجری شود» (در همه ممالک آلمانی) ژاپنها آن دوره قانون را ترجمه کردند یکسال قبل، ۱۸۹۹ م/ ۱۳۱۷ ه. ق) در ژاپن مجری کردند.

مهدیقلی هدایت: سفرنامه تشرف به مکه معظمه از طریق چین - ژاپن - آمریکا، ص ۱۰۰.

۲- مخبرالسلطنه در شرح دیدارش از ژاپن در مورد الغاء کاپیتولاسیون می نویسد: «۱۹ دسامبر می بایست به ملاقات کنت کاتسورا رئیس الوزراء رفت. مردی است که در آلمان تحصیل کرده است. در همان اوقات که اخوی و من هم در برلن مشغول تحصیل بودیم. (۱۸۷۶) از اتابک سئوال کرد که در زمامداری خود برای اقتصاد چه کرده اید اتابک گفت: عهدنامه با روس داشتیم و از شروط آن حصر گمرک به صد پنچ بود. در گمرک

علل پیدایش کاپیتولاسیون در کشورهای اسلامی

در رابطه با پیدایش و پذیرش کاپیتولاسیون در کشور عثمانی و دیگر کشورهای اسلامی نظرات مختلفی ابزار شده است. بعضی لزوم برقراری کاپیتولاسیون در کشورهای مسلمان را به اختلاف سطح تمدن و اختلاف قوانین بین کشورهای اسلامی و مسیحی نسبت داده و می‌گویند که با فاصله عمیقی که میان قوانین و بنیادهای مذهبی کشورهای اسلامی با کشورهای مسیحی اروپا وجود داشت ساختن پلی بر روی این فاصله لازم بود و این پل طبق نظر آنها همان کاپیتولاسیون بود.^۱

سرتراورس تویس یکی از حقوقدانان انگلیسی می‌نویسد:

«میان اسلام و مسیحیت نقاط متجانس مشترکی در حقوق عادی حتی از ساده‌ترین نوع وجود ندارد و مبانی عادات غیر مضبوطه اسلام را باید در افسانه‌های یهود و در سرگذشت اعراب صحرايي جستجو کرد... کاپیتولاسیون در حقیقت حافظ پلی است که بر روی پرتگاه مذهبی فاصله میان اسلام و مسیحیت افکنده شد... شاید گاه به گاه لازم باشد که تغییراتی در آن داخل نمود، اما از میان بردن آن باعث تجدید جنگهای صلیبی بر ضد اسلام خواهد گردید.»^۲

→ اختیار نداشتیم اخیراً موفق شدیم با روس قرار تازه بگذاریم.

کنت گفت: ما هم همین گرفتاری را داشتیم و مبتلا به کاپیتولاسیون هم بودیم. عدلیه را مطابق مرسوم اروپا ساختیم. قوانین را تنظیم کردیم، قوای نظامی خودمان را تکمیل نمودیم و عهدنامه را نسخ کردیم اروپائیان ایرادی نداشتند سرنیزه را هم می‌دیدند تمکین می‌کردند. «سفرنامه تشریف به مکه، ص ۱۰۰.

۱- محمود افشار «مسئله کاپیتولاسیون»، مجله آینده، تهران، اول، شماره ۱۵، تیرماه ۱۳۰۶، ص ۲۱۳.

۲- سرتراورس تویس، حقوق بین‌الملل، جلد اول، ص ۴۴۴، به نقل از افشار «مسئله کاپیتولاسیون» ص ۲۱۳.

بعضی دیگر مدعی‌اند منشأ کاپیتولاسیون ربطی به مسئله اختلاف قوانین و تمدن اسلامی و مسیحی ندارد. بلکه آن به خود قوانین و مقررات اسلام برمی‌گردد که اجازه می‌دهد غیرمسلمانان برای حل مسائل قضائی در صورت خواست خودشان، به محاکم قضائی خویش مراجعه کنند و پذیرش آن توسط عثمانی به همین علت بوده است.^۱

عده‌ای دیگر معتقدند منافع بازرگانی طرفین، اقتضاء برقراری چنین رژیم را کرده است. چنان که در مورد عثمانی می‌بینیم که برای تشویق تجار اروپایی به تجارت در عثمانی داوطلبانه و از روی میل به آنها امتیازات حق قضاوت کنسولتی داده می‌شود.

به عقیده ژرژ سل نباید گفت روابط دنیای اسلام و مسیحیت بر پایه جنگ و خصومت است بلکه از لحاظ بازرگانی، علمی، فرهنگی و هنری دنیای مسیحیت با دنیای اسلام روابط مهمی داشته‌اند و از همین جهت تمدن عظیم اسلامی از بسیاری جهات مورد استفاده ملل غرب واقع شده و موجب رشد عظیم فرهنگی و علمی اروپا شده است. بنابراین باید توجه داشت اگر روابط مسلمین و مسیحیان در آغاز بر اساس جنگ و زد و خورد بوده به تدریج مخصوصاً از ابتدای قرن شانزدهم به روابط دوستانه تبدیل شده است. برقراری حق قضاوت کنسولتی در کشورهای اسلامی معلول همین روابط دوستانه بوده است. چون دولتهای مسیحی و اسلامی مایل بودند برای بسط و توسعه روابط سیاسی و بازرگانی فی‌مابین روشی اتخاذ کنند که افراد مسیحی تابع قوانین کشورهای اسلامی که اغلب قوانین شرع بود، نباشند.^۲

۱- دهخدا، لغت‌نامه، شماره مسلسل ۳۴، ص ۳۴، واژه کاپیتولاسیون.

۲- دکتر محمد صفدری: حقوق بین‌الملل عمومی، جلد اول، تهران، انتشارات ابوریحان،

اهداف اروپائیان از برقراری کاپیتولاسیون در کشورهای اسلامی

از مجموع علت‌هایی که در مورد پذیرش کاپیتولاسیون توسط کشورهای اسلامی ذکر می‌کنند به این می‌رسیم که از دیدگاه کشورهای غربی برقراری کاپیتولاسیون در کشورهای اسلامی در ابتدا معلول دو علت بوده است:

۱- اختلاف در سطح تمدن و اخلاق

۲- نبودن تشکیلات و قوانین قضائی در کشورهای اسلامی.

طبق این دیدگاه، کاپیتولاسیون مسئله‌ای غیرسیاسی است و آن بواسطه وجود اختلاف مذهب و اخلاق و قوانین بین دول مسیحی و اسلامی بوده است. در این جا، لازم است این ادعاها مورد ارزشیابی واقع شود.

۱- اختلاف در سطح فرهنگ و تمدن و اخلاق -

ادعای وجود اختلاف در سطح فرهنگ و تمدن دلیل موجهی برای توجیه کاپیتولاسیون به نفع اتباع بیگانه در کشورهای اسلامی نمی‌تواند باشد. چون از زمان رشد مسیحیت از قرن سوم و چهارم میلادی به بعد تا پایان قرون وسطی آنچه در مسیحیت وجود داشت، اختلاف فرق مختلف مثل کاتولیکها و ارتدکسها... بود. در این دوره مسیحیت مواجه با شکنجه‌ها و کشتارهای مذهبی و تشکیل دادگاههای تفتیش عقاید (انگیزسیون) و قدرت‌طلبی و برتری‌جویی توأم با تعصب مذهبی بود.^۱ سیستم حقوقی

۱- ر.ک. سید غلامرضا سعیدی: «مستشرقین و اسلام»، محمد خاتم پیامبران، تهران، انتشارات حسینیة ارشاد، ۱۳۴۸، ص ۲۶۷.

مسیحیت در این دوره معجونی از سنت‌های فئودالی و قواعد مذهبی، و محاکم قضائی آنها، محاکم فئودالی و قرون وسطائی بود. «مراجع عمومی براساس قابلیت خریداری و مالکیت و توارث مسند قضا و رسم پرداخت «ادویه» (در فرانسه) به عنوان چاشنی کلام و به اصطلاح روشنتر رشوه به قاضیان با آئین دادرسی ابتدایی خشن و توأم با شکنجه و آزار و با صدور احکام غالباً غیرمستند و ظالمانه»^۱ بود.

با این توصیف صحبت از این که اختلاف تمدن موجب پیدایش کاپیتولاسیون می‌باشد و این که تمدن مسیحی نسبت به تمدن کشورهای اسلامی برتری دارد به هیچ وجه قابل قبول نیست. نخستین قراردادهای کاپیتولاسیون در اواخر همین دوره منعقد شده که طبق دیدگاه خودشان می‌خواستند اتباعشان را از گزند تمدن اسلامی مصون داشته و در حریم امنیت خویش نشانده باشند؟!

۲- عدم قوانین مدون و سازمان قضائی

عمده عللی که در مورد پیدایش و دوام کاپیتولاسیون ذکر می‌کنند، عدم وجود قوانین و سازمان قضایی می‌باشد. نبودن قوانین مدون و تشکیلات قضائی در کشورهای اسلامی تا حدودی صحیح است. ولی آیا در کشورهای غربی در این دوران که امتیازات کاپیتولاسیون را در کشورهای اسلامی به دست آوردند، نظامهای پخته و دقیق قضائی وجود داشته است؟

وقتی دقت شود، دیده می‌شود که حتی در سده‌های هیجدهم و نوزدهم که دوران گسترش نظام کاپیتولاسیون در کشورهای اسلامی و

۱- ناصری: «بررسی کاپیتولاسیون»، ص ۷.

شرقی است، در غرب دست‌گام هماهنگ قضائی و حقوقی وجود ندارد.^۱ از طرف دیگر اوج تحمیل قراردادهای کاپیتولاسیون در عثمانی در قرن نوزدهم است که با پیدایش نهادهای نوین و سازمان قضائی منظم در آن کشور همراه است. اگر علت اصلی فقط عدم وجود قوانین مدون و سازمان قضائی می‌بود، می‌باید موقعی که تشکیلات قضائی عثمانی به سبک غربی بازسازی شد، با لغو قراردادهای کاپیتولاسیون موافقت می‌کردند ولی می‌بینیم چنین عملی تحقق نمی‌یابد.

دولت عثمانی از اوایل قرن نوزدهم جهت نزدیک کردن تشکیلات قضائی خود با قوانین غربی دست به اصلاحاتی زد. آنها علاوه بر محاکم مختلف تجاری جهت رسیدگی به امور بازرگانی بیگانگان، دادگاههای مدنی و حقوقی در کنار محاکم شرع تشکیل دادند و قانون تجارت، قانون اصول محاکمات تجاری، قانون مجازات (سال ۱۸۶۴ م / ۱۲۸۱ ه.ق) و قانون اصول محاکمات جزائی (در سال ۱۸۸۱ م / ۱۲۹۹ ه.ق) نوشتند، و مجله الاحکام العدلیه در مسائل مدنی را در سال ۱۸۷۶ م / ۱۲۹۳ ه.ق منتشر کردند.^۲ و در این امور از حقوق اروپایی نیز استفاده کردند ولی با وجود این می‌بینیم که در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم کشورهای اروپایی دارای حقوق کاپیتولاسیون در آن کشور با لغو این امتیازات مخالفت می‌کنند.

حتی در سال ۱۹۱۴ م / ۱۳۳۳ ه.ق پس از آنکه عثمانی در آغاز جنگ جهانی، معاهدات کاپیتولاسیون را در آن کشور ملغی اعلام کرد، پس از شکست در جنگ دوباره آن را بر او تحمیل کردند. با این مقدمات به این

۱- همان، ص ۷.

۲- همان، ص ۷.

مطلب می‌رسیم که علت حقیقی امتیازات برون مرزی به نفع دولتهای بیگانه در ممالک غیر مسیحی بیشتر اهداف سیاسی است نه مبنای قضائی و مذهبی، و این مطلب دستاویزی برای توجیه کاپیتولاسیون و اعمالی که تحت این عنوان انجام می‌دادند، بوده است.

دلیل دیگر این که کاپیتولاسیون بیشتر جنبه سیاسی داشته، این نکته است که در بعضی شرایط، تعدادی از دول اروپایی حاضر بودند که از حقوق قضاوت کنسولی در کشور عثمانی در مقابل بعضی امتیازات سیاسی که به آنها داده می‌شد، صرف‌نظر کنند. در ماده هشت پروتکل ۲۶ فوریه در ۱۹۰۹ م / ۵ صفر ۱۳۲۷ ه. ق که به وسیله آن دولت عثمانی به تجزیه بوسنی و هرزگوین از خود و الحاق آن به اتریش مجارستان رضا داد چنین آمده است:

«چون باب عالی در نظر دارد در کنفرانس اروپایی یا به وسیله دیگری با دول ذی‌نفع مذاکره در خصوص الغای کاپیتولاسیون در عثمانی بنماید و به جای آن رژیم حقوق بین‌الملل را معمول دارد، دولت اتریش مجارستان نیز که این منظور را با باب عالی تصدیق می‌کند، اعلام می‌دارد که از حالا حاضر است کاملاً و صادقانه به این مقصود کمک نماید.»^۱

در موردی دیگر که عثمانی به تجزیه متصرفات افریقای شمالی خود و الحاق آن به ایتالیا رضایت داد، ایتالیا هم در مقابل، متعهد شد که از حقوق کاپیتولاسیون خود در عثمانی بگذرد. در ماده شش معاهده لوزان در اکتبر ۱۹۱۹ م / محرم ۱۳۳۸ ه. ق در این مورد آمده است:

«ایتالیا متعهد می‌شود که هنگام تجدید عهدنامه‌های تجارتی خود با دول دیگر یک معاهده تجارتی نیز مبتنی بر حقوق عمومی اروپایی با

عثمانی ببندد، یعنی راضی می‌شود که کاملاً استقلال اقتصادی، تجارتي، و گمرکی را به او واگذارد، مانند سایر دول اروپایی و بدون این که مقید به قیود کاپیتولاسیون باشد.^۱

و در اوت ۱۹۱۴ م / رمضان ۱۳۳۳ ه. ق زمانی که عثمانی خود را مهیای ورود به جنگ جهانی اول به طرفداری از آلمان می‌کرد و فروند از کشتیهای جنگی آلمان را که فراری بود با نظر مخصوصی در آبهای ساحلی خود پذیرفت. سر ادوارد گری وزیر خارجه انگلیس به اطلاع حکومت عثمانی رسانید که اگر آن دولت، صاحب منصبان کشتیهای آلمانی را اخراج کند و به کشتیهای انگلیسی اجازه خروج از تنگه را بدهد لندن با کمال میل از کاپیتولاسیون در عثمانی صرف‌نظر خواهد نمود و علاوه بر این به عثمانی کمکهای مالی و اقتصادی هم خواهد کرد.^۲

—

۱- همان، ص ۲۱۵.

۲- دکتر داود اصفهانیان، تاریخ سیاسی (۱۹۴۰-۱۷۸۹)، اصفهان، مشعل، ۱۳۵۱، ص

فصل دوم

کاپیتولاسیون در ایران از ابتدا تا پایان زندیه

ورود هیئت‌های خارجی به ایران در دوره ایلخانان
و کسب امتیازات توسط آنها

برقراری رابطه بین ایلخانان و اروپائیان

سابقه اعطای امتیازات به بیگانگان از جمله کاپیتولاسیون به دوره مغولان باز می‌گردد. در این دوره برای اولین بار از طرف کلیسای کاتولیک رم^۱ هیئت‌هایی به ایران رفت و آمد می‌کنند. آنچه موجب پیدایش این ارتباط شد علل مذهبی بود.^۲ کوشش واقعی جهت ارتباط با مغولان از طرف اروپائیان به عمل می‌آمد و به ندرت اتفاق افتاده است که ایلخانان مغول در برقراری اتحاد با کشورهای مغرب زمین پیشقدم شده باشند.^۳ فتوحات مغول در اروپا و پیشرفت آنها تا دروازه‌های اروپای مرکزی

۱- غلامعلی همایون، استاد مصور اروپائیان از ایران از اوایل قرون وسطی تا اواخر قرن هیجدهم، جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸، ص ۲۰.

۲- برتولد اشپولر، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۵، ص ۲۲۹.

۳- همان، ص ۲۲۹.

در سال ۱۲۴۱ م / ۱۹۲۲ ه. ق^۱ از یک طرف و دلایل مذهبی از طرف دیگر موجب شد میسیونرهای مختلفی از طرف کلیسای کاتولیک رم به امپراتوری مغول اعزام گردند. اهداف اولین هیئت نظامی در سال ۱۲۴۵ م / ۱۹۲۶ ه. ق عبارت بود از: ۱- توقف تهاجم مغولان در اروپا ۲- اتحاد با مغولان به منظور ساقط کردن سلسله ممالیک مسلمان در مصر و سوریه ۳- تبلیغ مغولان به دین مسیح ۴- ایجاد روابط تجارتمی ما بین شرق و غرب.^۲

مشکل مهمی که در این دوره برای اروپاییان و مغولان وجود داشت، سلسله ممالیک مسلمان در مصر و سوریه بود. همین مسئله باعث شد که ایلخانان مغول، برای جلب توجه اروپاییان امتیازاتی به آنها بدهند. گرچه در این امتیازات ابتدا به حق کاپیتولاسیون به مفهوم مصطلح قرن هیجدهم و نوزدهم میلادی برنمی‌خوریم ولی می‌باید آنها را اولین امتیازاتی دانست که در ایران به بیگانگان داده شده و زمینه‌ساز اعطای امتیازات دوره‌های بعد شده است.

منگوقاآن در برابر پشتیبانی هیتوم پادشاه مسیحی ارمنستان از سپاهیان هولاکو، وعده احترام گذاشتن به مسیحیان آسیای صغیر و اعطاء مکانهای مقدس به مسیحیان پس از جنگ را داد.^۳

هولاکو بعد از شکست از ممالیک، جهت جلب توجه مسیحیان اروپایی در مقابله با ممالیک مسلمان، به هیئت اعزامی از طرف پاپ الکساندر اول اطمینان داد که نه تنها به قلمرو حکومت صلیبیان در فلسطین حمله نمی‌کند، بلکه از آن پشتیبانی و حمایت نیز می‌کند و

۱- همان، ص ۲۳۰.

۲- همایون، اسناد مصور اروپاییان از ایران، ص ۲۰.

۳- دوراکه ویلتس، سفیران پاپ به دربار خانان مغول، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۵۳، ص ۱۴۱.

همچنین قول داد که از مبشران کلیسای رم در قلمرو مغولان خراجی گرفته نشود.^۱ مغولان بعد از شکست از ممالیک مصر در عین جالوت در سال ۱۲۵۹ م / ۶۵۸ هـ. ق ضرورت اتحاد با اروپاییان را بیشتر احساس کردند. اباقاخان با روی کار آمدن، سفیران متعددی به اروپا فرستاد و زمانی دراز در صدد اتحاد با قدرتهای مسیحی اروپا بود.^۲ اوضاع درست به عکس شده بود زیرا نخست اروپاییان بودند که دوستی با مغولان مغرور را خواستار بودند ولی اکنون مغولان بودند که از هر کوششی برای جلب دوستی غرب فروگذار نمی‌کردند.^۳

در زمان غازان خان هم مسئله شکست دادن ممالیک در مصر و شام، موضوع روابط ایلخانان با اروپاییان بود. جمیز دوم پادشاه آراگون اسپانیا در ۱۳۰۰ م / ۶۹۹ هـ. ق به اطلاع غازان خان رساند که رعایای وی که داوطلب زیارت بیت‌المقدس هستند، حاضرند که در رکاب وی بر علیه مسلمین وارد جهاد شوند. ضمناً از غازان درخواست کرد که به زائرین آراگون اجازه دهد که بدون پرداخت خراج یا مالیاتی به زیارت بیت‌المقدس نائل آیند و یک پنجم از اراضی مقدسه را که از تصرف مسلمین خارج کرده به عیسویان واگذارد،^۴ تا او نیز غازان را با دادن کشتی و نفرات و اسب یاری نماید.^۵ به گفته بعضی از مورخین مسیحی ظاهراً

۱- همان، ص ۱۴۵.

۲- جی. آ. بویل: (گردآورنده) تاریخ ایران کمبریج از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ترجمه حسن انوشه، جلد پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۶، ص ۳۶۰.

۳- ویلتس، سفیران پاپ به دربار خانان مغول، ص ۱۴۷.

۴- عباس اقبال آشتیانی، تاریخ مغول، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۶۵، ص ۲۸۳.

۵- دکتر عبدالحسین نوائی، ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، تهران، موسسه نشر هما، چاپ دوم، ۱۳۶۶، ص ۵۶.

غازان حاضر شد که بعضی از سرزمینهایی را که در فلسطین فتح کرده بود به مسیحیان واگذار کند تا در ازای آن حالت اتحادی را که بین سلاطین عیسوی اروپا و ایلخانان مغول ایران وجود داشته، تجدید نماید و به همین جهت سفرائی نیز به اروپا فرستاد.^۱

پس از شکست مغولان در مرج الصفر به دست ممالیک مسلمان، دیگر سلاطین عیسوی اروپا حاضر به مذاکره در باب جنگ بر ضد مسلمانان نشدند و از این تلاشها و رفت و آمدهای سیاسی و مکاتبات نتیجه‌ای حاصل نشد.^۲

نتایج ورود این هیئتهای مسیحی، به دست آوردن آزادی تبلیغ مسیحیت در ایران بود. بسیاری از مبلغان و راهبان عیسوی که به ایران آمده بودند در ایران رحل اقامت افکنده، بساط تبلیغ پهن کردند.^۳ آنها موفق شدند که حتی در شهرهایی مثل تبریز و نخجوان که سکنه آن از مسلمانان متعصب بودند کلیسا بسازند و در آن شهرها ناقوسها را به صدا درآورند. در سال ۱۳۱۴ م / ۷۱۴ ه. ق در بحبوحه ساختن سلطانیه کشیشی از فرقه دومینیکن به ایران آمد. در بازگشت به پاپ پیشنهاد کرد که در سلطانیه یک سراسقفی ایجاد نماید. پاپ این پیشنهاد را پذیرفت و طی فرمانی راهبی را به عنوان اولین مطران سلطانیه ماموریت داد و سلطان مغول نیز با این اقدام مخالفتی نکرد. بعد از آن به تدریج شهرهای مراغه و تبریز و چند شهر دیگر پایگاه اسقفی شد. وقتی سلطانیه بدست تیمور

۱- اقبال، تاریخ مغول، ص ۲۸۳.

۲- دکتر عبدالحسین نوائی، «تاریخ روابط فرهنگی ایران از حمله مغول تا پایان سلسله قاجار»، تاریخ روابط فرهنگی ایران از آغاز تا قاجار، جلد اول، تهران، انتشارات حوزه معاونت روابط فرهنگی وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۶، ص ۶۹.

۳- نوائی، ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، ص ۶۱.

ویران شد مراکز سراسقفی به نخجوان منتقل شد و تا زمان نادر همچنان پایگاه سراسقفی در نخجوان بود.^۱

کسب امتیاز حق قضاوت کنسولی توسط تجار ونیزی

از نکات قابل توجه و مهم در رابطه با حق قضاوت کنسولی در این دوره عهدنامه تجاری است که در سال ۱۳۰۵ م / ۷۰۵ ه. ق بین اولجایتو و تجار ونیزی منعقد شده است. تجار ونیزی طبق این عهدنامه موفق به کسب امتیازاتی در «حد نوعی کاپیتولاسیون»^۲ در ایران شدند و این، برای اولین بار در تاریخ ایران بود. سنای ونیز در سال ۱۳۲۰ م / ۷۲۰ ه. ق سفیری پیش ابوسعید مغول فرستاد. این سفیر هم توانست طی معاهده‌ای امتیازات دیگری برای تجار ونیز در ایران کسب کند. طبق این معاهده ابوسعید اجازه داد که بازرگانان همشهری او در کمال امنیت و آزادی در ایران رفت و آمد و تجارت کنند و از پرداخت جمیع مالیاتها جز حقوق گمرکی معاف باشند.

نکته قابل تامل این معاهده، در مورد حقوق قضاوت کنسولی است که به تجار ونیزی داده شده است. طبق این معاهده به ونیزیها اجازه داده شده که جهت قطع و فصل دعاوی خود و مردم ایران، کنسولهایی به چند شهر معتبر ممالک ایلخانی بفرستند.^۳ همچنین دستور داده شد که در صورت مراجعه کنسول ونیز، از هرگونه مساعدت و کمک نظامی به تجار و قافله‌های ونیزی کوتاهی نمایند و آنها را تحت هیچ عنوان در راهها

۱- اشپولر، تاریخ مغول در ایران، ص ۲۰۹.

۲- نوائی، ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، ص ۶۱.

۳- اقبال، تاریخ مغول، ص ۳۴۸-۳۴۹.

توقیف یا معطل نکنند و در موارد لزوم از همراه ساختن بدرقه و محافظ با آن جماعت خودداری نکنند.^۱

اولین کنسول ونیزیها در تبریز در حدود سال ۱۳۲۳ م / ۷۲۴ ه. ق به آن شهر وارد شد^۲ و تجار ونیزی در ممالک ایلخانی به تاسیس دارالتجاره‌هایی مشغول شدند و این گونه مؤسسات و مراکز تا آن جا در تبریز اعتبار کسب کردند که در سال ۱۳۲۷ م / ۷۲۸ ه. ق جمهوری ونیز یک نفر مفتش مخصوص به شهر تبریز فرستاد تا امور آن مؤسسات را به دقت تحت نظر و تفتیش بگیرد.^۳

مناسبات خارجی ایران از مرگ ابوسعید مغول تا ظهور صفویه

با مرگ ابوسعید در ۱۳۳۵ م / ۷۳۶ ه. ق ایران را اغتشاش و نابسامانی فرا گرفت. به همین دلیل برای کنسولهای ونیزی در ایران جایی باقی نماند و آنها مجبور به ترک شهر تبریز شدند.^۴

رابطه بین ایران و کشورهای مسیحی مغرب زمین دیگر برقرار نبود تا آنکه در اواخر عهد تیمور، دوباره زمزمه‌هایی در این مورد از سوی کشورهای اروپایی آغاز شد.^۵ این به واسطه ترس پیشوایان اروپایی از سقوط قسطنطنیه و نابودی امپراتوری روم شرقی بود.^۶

۱- همان، ص ۵۷۲.

۲- همان، ص ۳۴۹.

۳- همان، ص ۵۷۲.

۴- نوائی، ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، ص ۶۳.

۵- ابوالقاسم طاهری، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه‌عباس، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۴۹، ص ۴۰.

۶- کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۶، ص ۱۵.

در دوره ترکمنان آق قویونلو مسئله استیلای ترکان عثمانی بر قسطنطنیه و بسته شدن راه دادوستد اروپاییان به مشرق زمین و احتمال خطر روزافزون هجوم سپاهان سلطان محمد فاتح و جانشینان او به خاک اروپا، موجب پیدایش علاقه شدید سلاطین اروپایی و پاپها به بستن پیوند دوستی شد.^۱ در رفت و آمدهای اروپاییان بعد از ایلخانان مغول تا پیدایش دولت صفوی به قراردادهایی که دارای حق قضاوت کنسولی به نفع بیگانگان باشد، برخورد نمی‌کنیم.

بررسی کاپیتولاسیون در دوره صفویه ورود هیئتهای اروپایی به ایران در دوره صفویه

دوره صفویه با دوران قبل از خود، تفاوتهایی از جهات مختلف دارد. از جمله این تفاوتها ارتباط گسترده ایرانیان و اروپاییان می‌باشد. پس از تسلط ترکان عثمانی بر قسطنطنیه و سقوط دولت مسیحی بیزانس، سراسر خطوط ارتباطی و تجاری مدیترانه شرقی به زیر تسلط عثمانیها درآمد و راه تجارت اروپا با مشرق زمین از طریق آسیای صغیر و شام بسته شد.^۲ دول اروپایی که در مقابل عظمت و کثرت ترکان عثمانی بر خود می‌لرزیدند، و به دنبال یک متحد آسیایی برای مقابله با عثمانیان می‌گشتند، از تشکیل یک دولت قوی مخالف عثمانی، در شرق امپراتوری عثمانی خوشحال شدند و به امید اینکه نظر صفویان را برای تشکیل یک جبهه متحد در مقابل عثمانی و حمله به آن دولت از دو جبهه جلب کنند، پی در پی هیئتهای سیاسی به ایران اعزام داشتند.

۱- طاهری، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران، ص ۳۱.

۲- نوائی، ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، ص ۲۴۸-۲۴۹.

با تحکیم دولت صفوی، دول دیگر اروپایی نیز به فکر روابط بازرگانی افتادند. به خصوص آنکه ابریشم ایران در بازارهای اروپا مشتریان فراوانی داشتند. به همین جهت بود که هیئتهای تجاری آلمان، انگلستان، هلند، روس، سوئد و فرانسه همواره به اصفهان آمد و شد می‌کردند.^۱

اروپاییان در دوران صفویه موفق شدند با دریافت فرمانها و انعقاد معاهدات، امتیازاتی در زمینه‌های سیاسی و تجاری از پادشاهان صفوی دریافت کنند. حکام ایران از روی بی‌احتیاطی، امتیازهای گوناگون کاپیتولاسیونی در طی این فرمانها و معاهدات به دولتهای استعمارگر اروپایی دادند که در بعضی موارد با دادن این امتیازات به طور ناآگاهانه در درون مرزهای ایران، حق حاکمیت به اروپاییان داده شد.

جنبه‌های سیاسی و اجتماعی این امتیازات که اروپاییان در این زمینه از ایران گرفتند، بسیار فراتر از جنبه‌های تجاری آن است. گروههایی که در دوران صفویه از کشورهای اروپایی به ایران رفت و آمد می‌کردند و موفق به کسب امتیازات مختلف مذهبی، سیاسی و تجاری شدند عبارتند از: ۱- هیئت‌های سیاسی، ۲- تجار اروپایی، ۳- هیئتهای مذهبی کلیسا.

از بین ممالک مختلف اروپایی کشورهای انگلیس، هلند و فرانسه حق قضاوت کنسولی در ایران را در این دوران به دست آوردند. ورود هیئت‌های اروپایی به ایران از همان آغاز تشکیل دولت صفویه به دست شاه اسماعیل اول شروع شد و این رفت و آمدها تا سقوط صفویه ادامه داشت.

۱- دکتر عبدالحسین نوائی، اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از سال ۱۰۳۸ تا ۱۱۰۵ ه.ق. همراه به یادداشت‌های تفصیلی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۶۰، ص ۲۱ مقدمه.

برخورداری انگلیسیها از حق کاپیتولاسیون

ورود هیئت‌های تجاری و سیاسی انگلیس به ایران از زمان شاه طهماسب شروع شد. در سال ۱۵۶۸ م / ۹۷۶ ه. ق هیئتی تجاری از طرف شرکت انگلیسی مسکوی به ایران اعزام شد. این هیئت موفق شد که امتیازاتی از شاه طهماسب بگیرد که اساس قراردادها و امتیازات بعدی شد. مفاد این امتیازات به قرار ذیل است:

- ۱- تجار انگلیسی آزادند. به میل خود به گیلان یا هر کجای ایران که بخواهند سفرکنند.
- ۲- اگر یکی از کشتیهای انگلیسی غرق شد، رعایای ایران غرق شدگان را یاری خواهند کرد و جان و مال ایشان را نجات خواهند داد.
- ۳- اگر یکی از تجار انگلیسی در نقطه‌ای از ایران فوت کرد حکام ایرانی موظفند اموال او را حفظ نموده به بازرگانان دیگری که آن را مطالبه می‌کنند، واگذار نمایند.
- ۴- تجار انگلیسی در انتخاب چا‌پاداران خود مختارند و هیچ قزلباشی نباید مزاحم آنها شود. چا‌پاداران مسئول حفظ مال‌التجاره و شترانی خواهند بود که به ایشان سپرده می‌شود.
- ۵- باربران حق ندارند مقداری بیش از آنچه توافق شده مطالبه کنند.
- ۶- هرگاه تاجری مایل باشد در محلی اقامت کند می‌تواند کالاهای خود را نگاه دارد و خدمتکاران خود را جواب گوید.
- ۷- تجار انگلیسی می‌توانند برای خود خانه‌ای در ایران بسازند یا بخرند و کسی نمی‌باید از مردم ایران مزاحم آنها شود.^۱

۱- نصرالله فلسفی، سیاست خارجی ایران در دوره صفویه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۲، ص ۱۷۲-۱۶۸.

مهمترین فصل در تاریخ مناسبات ایران و غرب، دوران شاه‌عباس بود. چون در این دوران جهانگردان و سوداگران مشهور متوجه ایران شدند و یک بار دیگر نظر کشورهای اروپایی متوجه اهمیت استقرار روابط تجاری و سیاسی با ایران شد.^۱ به موازات ورود این هیئت‌ها به ایران، شاه‌عباس هم طی فرمانها و معاهداتی، امتیازاتی از جمله حق قضاوت کنسولی در ایران را به آنها داد.

با ورود برادران شرلی به ایران شاه‌عباس در سال ۱۶۰۰ م / ۱۰۰۹ ه.ق به موجب فرمان مخصوصی، حقوق و امتیازات مهمی به تجار اروپایی که مایل به تجارت با ایران بودند، اعطا کرد. از جمله این امتیازات حق قضاوت کنسولی به نفع اتباع انگلیسی در ایران بود. می‌توان گفت که این فرمان سنگ بنای کاپیتولاسیون در دوره صفویه و بعد از آن بود. به دنبال آن پادشاهان دیگر صفویه به تبعیت از شاه‌عباس چنین امتیازات و حقوقی به بیگانگان دادند و در عرض سیصد سال بعد از آن اتباع خارجی مقیم ایران از این امتیازات کم و بیش استفاده کردند.^۲

در این فرمان آمده که قلمرو ایران به روی همه عیسویان باز می‌باشد و هیچ فردی از اتباع ایران در هر شان و مقامی هم که باشد حق ندارد بر ضد آنها کلامی بر زبان آورد. به تجار مسیحی که به ایران می‌آیند، هیچ شاهزاده یا امیر یا حاکم و یا هر شخص دیگر با هر مقامی که باشد حق صدمه و آزار رساندن ندارد و همه اجناس تجار عیسوی مشمول این مزیت است که هیچ مقامی حق بازرسی و حق مطالبه عوارض یا باج تحت هیچ عنوانی را ندارد. افراد روحانی ما حق دخالت و مزاحمت

۱- طاهری، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران، ص ۴۸.

۲- آرنولد ویلسن، خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۶، ص ۱۴۷.

نسبت به آنها را ندارند و نمی‌توانند راجع به مذهب آنها حرفی پیش آورند. در ادامه این فرمان آمده است: «هیچیک از قضات ما حق صدور حکمی بر ضد خود آنها یا اموال ایشان را نخواهند داشت.»^۱ «قوانین و احکام ما به هیچوجه درباره شخص آنها و مالالتجاره و دارایی ایشان مجری نخواهد بود.»^۲ شاه‌عباس با آوردن جمله اول عملاً حق قضاوت کنسولی در ایران را به انگلیسیها داد و با جمله دوم در درون مرزهای ایران، حقوق برون مرزی به آنها اعطا کرد.

در قسمتی دیگر از این فرمان آمده بود: «هیچیک از حکام و قضات ما حق ندارند در مقابل رهیدگی به تظلمات تجار عیسوی از ایشان حق الزحمه‌ای مطالبه نمایند. زیرا اراده ما آن است که تجار به کمال رفاه و آسایش در ممالک ما زندگی کنند. هیچکس حق ندارد از تجار مسیحی بپرسد که برای چه مقصود در ایران اقامت گزیده‌اند.»^۳

در پایان این فرمان آمده با وجود اینکه رسم مملکت ما این است که کلیه فرامین و احکام در هر سال تجدید شود ولی این فرمان الی‌الابد، چه در زمان خودمان و چه در زمان جانشینان ما، لازم است به موقع اجرا گذاشته شود و هیچوقت تغییری در آن داده نشود.^۴

انگلیسیها بعداً با تاسیس کمپانی هند شرقی روابط بازرگانی خود را در ایران توسعه دادند و موفق شدند که پرتغالیها را از صحنه رقابت خارج کنند و با دست‌بازرها و حاتم‌بخشیهای شاه‌عباس امتیازات و معافیت‌های

۱- وحید مازندرانی، (گردآوری) مجموعه عهدنامه‌های تاریخی ایران از عهد هخامنشی تا عصر پهلوی ۵۵۹ قبل از میلاد تا ۱۹۴۲ م (۱۳۲۰ شمسی)، تهران، وزارت امورخارجه شاهنشاهی، ۱۳۵۰، ص ۶۲.

۲- سفرنامه آنتولی شرلی به نقل از ویلسن، خلیج فارس، ص ۱۴۸.

۳- همان، ص ۱۴۹.

۴- همان، ص ۱۴۹.

مختلفی بدست آورند. همین کمپانی در سال ۱۶۱۷ م / ۱۰۲۶ ه. ق موفق شد که طی قراردادی در بیست و دو ماده حقوق فراوانی در ایران به دست آورد. آنچه در این قرارداد اهمیت داشت سیطره تجار انگلیسی بر اراده ملی و فرهنگ ملی مردم ایران، به عبارت دیگر، تحمیل شرایط تجار انگلیسی بر دربار و جامعه ایران بود.^۱ موادی که در این قرارداد آمده همان حق قضاوت کنسولی و به اصطلاح آشناتر امروزی کاپیتولاسیون بود. برطبق این قرارداد اگر انگلیسیها، ایرانیها را به اتهام دزدی و قتل می‌کشتند، ایرانیها حق اظهارنظر نداشتند ولی اگر افراد ایلچی انگلیسیها مرتکب خلافی می‌شدند حکام و داروغگان حقی برای اجرای قوانین ایران نداشتند، و نمی‌بایست مزاحمت ایجاد کنند بلکه لازم بود به کنسول انگلیس بسپارند، تا او تنبیه کند.

در ماده دوم این قرارداد آمده:

«آن جمعی از مردم انگلیس که به تجارت و سوداگری به ممالک محروسه آیند هر قسم اسلحه و یراقی که خوبه‌ند نگاه دارند، احدی متعرض نشود و اگر احدی از هر طبقه در میانه ایشان دزدی یا حرامیگری نماید، اگر در محل دزدی یا حرامیگری آنکس کشته شود، حکام معترض نشود و اگر دزد یا حرامی گرفتار شود، اگر دزد یا حرامی مسلمان باشد حکام آن محل در حضور قونسل بعد از خاطر نشان، او را جزا و سزا رسانند و اگر فرنگی باشد، قونسل او را به قتل رسانند.»^۲

در قسمت ماده دهم آمده که اگر از افراد ایلچی انگلیس در ممالک ایران امر بی حسابی صادر شود لازم است او را گرفته، نزد ایلچی فرستند تا او مجازات کند و حکام ایرانی مزاحمتی برای انگلیسیها فراهم نکنند.

۱- نوائی، اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از ۱۰۳۸ تا ۱۱۰۵ ه. ق، ص ۱۵ مقدمه.

۲- همان، ص ۶۵.

در ماده دوازدهم اعلام شده که از افراد ایرانی اگر تعدی نسبت به افراد انگلیسی واقع شود، ابتدا کنسول به حکام محل اطلاع می‌دهد و اگر رسیدگی نکردند مسئله را به ایلچی انگلیسی که در رکاب شاه است اطلاع دهد.

در ماده سیزدهم آمده همان احترامات که به اتباع انگلیس در ایران گذاشته می‌شد، به مترجمان آنها هم گذاشته شود.

در ماده نوزدهم آمده اگر میان مسلمانان و افراد انگلیسی در معاملات جزئی اختلاف رخ دهد، لازم است حکام آنها را نزد کنسول انگلیس فرستند که کنسول آنها را به دادگاه شرع ببرد تا دادگاه به اختلاف آنها رسیدگی نماید. و اگر در معاملات کلی بیشتر از بیست تومان باشد، کنسول آنها را نزد ایلچی انگلیس که در دادگاه معلی باشد بفرستد تا ایلچی در حضور قضات اسلام آنچه موافق شرع باشد عمل نماید.^۱

چند سال بعد، پس از درگذشت شاه عباس اول انگلیسیها همان معاهده را با تغییراتی نه چندان وسیع و عمیق با شاه صفی تجدید کردند.^۲

این نکته قابل تذکر است که تمام این امتیازات یکطرفه بود چون تجار ایرانی به علت نداشتن نیروی دریایی، هرگز توان نداشتند خود را به انگلستان برسانند و از اینگونه تسهیلات بهره‌مند شوند.^۳

برخورداری هلندیها از حقوق کاپیتولاسیون

در سال ۱۶۲۳ م / ۱۰۳۳ ه. ق شاه عباس اول طی قراردادی که با نماینده شرکت هند شرقی هلند هوبرت ویسنیک منعقد کرد، در آن آزادی سفر و

۱- همان، ص ۷۰-۶۹.

۲- همان، ص ۱۵ مقدمه.

۳- همان، همانجا.

بازرگانی، معافیت گمرکی، آزادی اموال و مسکن و مذهب به اتباع آنها داد.^۱ در این قرارداد همانند فرمان شاه عباس به انگلیسیها امتیازات و مزایای زیادی در رابطه با قضاوت کنسولی و مسائل قضائی به هلندیها داده شد. در ماده ۸۴ آن آمده بود هلندیانی که اشخاصی را از هر ملت در ایران مضروب یا مقتول سازند از جانب فرماندهان و حکام خود محاکمه خواهند شد.

در ماده ۵ آن آمده بود: «اگر یک فرد هلندی با زنان ایرانی روابطی داشته باشد، به وسیله رئیس خود محاکمه خواهد شد.» در ماده ۱۷ آن آمده بود: «مترجم و واسطه شرکت هند هلند نیز از مزایای کلیه اتباع آن دولت بهره‌مند خواهد بود.» و در ماده ۱۸ آن چنین آمده بود: «همه کسانی که در خدمت هلندیان هستند، از ایرانی و ارمنی و مغربی و بنگالی از هرگونه تعرض و آزاری مصون خواهند بود.»^۲

در سال ۱۶۳۱ م / ۱۰۴۱ ه. ق معاهده دیگری بین نماینده پادشاه ایران و حکومت هلند در شهر لاهه به امضاء رسید. در این معاهده هلندیها حقوق و امتیازات ویژه‌ای به اتباع ایران در هلند دادند که از آن جمله امتیاز دول کامله‌الوداد بود.

در این موافقت‌نامه به ایرانیان اجازه داده شده بود که به طور آزاد تجارت کنند و از معافیت‌های تجارتنی بهره‌مند باشند. در مواد ۹ و ۸ آن آمده است: «اتباع ایران در امور شخصیه تابع قوانین دولت پادشاهی خود

۱- ر. ک. نصرالله فلسفی، سیاست خارجی ایران در دوره صفویه، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم ۱۳۴۲، ص ۲۰۷-۲۰۶، ویلم فلور، اولین سفرای ایران و هلند به کوشش داریوش مجلسی و دکتر حسین ابوترابیان، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۶، ص ۲۳.

۲- نصرالله فلسفی، زندگانی شاه‌عباس اول، جلد پنجم، سیاست خارجی او (بقیه)، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲، ص ۱۷۴.

می‌باشند و اگر نفری از ایشان بر ضد شاه قیام یا جرمی ارتکاب نماید محاکم هلند جانب نماینده پادشاه را رعایت و بسته به موارد، قضیه را رسیدگی خواهند کرد.»

در ماده ۱۵ آن آمده است: «ماموران رسمی و تجار ایرانی از مزایا و حقوق افراد دولت کامله الوداد استفاده خواهند کرد.»^۱

برخورداری فرانسویان از حقوق کاپیتولاسیون

فرانسویها از قرون وسطی و جنگهای صلیبی به بعد مشعل‌دار دنیای مسیحی شده بودند و همواره نقش حامی و حافظ حقوق مردم مسیحی مقیم کشورهای مسلمان را بازی می‌کردند. پادشاهان فرانسه خودشان تبلیغات مذهبی به نفع مسیحیت را تشویق می‌کردند و تا آن حد در این زمینه پیش رفتند که در قرن هفدهم میلادی مرکز عملیات تبلیغی از رم به پاریس و سایر ولایات فرانسه منتقل شد که سازمان نسبتاً مفصلی هم داشت. دنیای غیرمسیحی بین شهرهای فرانسه تقسیم شده بود و هر کدام از این شهرها و ولایات مسئولیت قسمتی از دنیای غیرمسیحی را برعهده داشتند، به عنوان مثال ماموریت تبلیغات یونان با شهر پاریس بود و مصر و حلب و بغداد و ایران و عراق از آن ایالت تورن بود.^۲

همچنان که قبلاً اشاره شد فرانسویها به تدریج از طریق انعقاد معاهدات کاپیتولاسیون امتیازات خاصی را برای مسیحیان مقیم امپراتوری عثمانی به دست آورده بودند در مورد ایران هم در زمان صفویه درصدد چنین کاری برآمدند.

۱- مازندرانی، عهدنامه‌های تاریخی، ص ۶۵.

۲- دکتر کاظم صدر، تاریخ سیاست خارجی ایران، ترجمه دکتر جواد صدر، مقدمه به قلم آلودوژوفر دولاپرادل، تهران، اداره مطبوعاتی پروین، ۱۳۲۲، ص ۸۴.

ریشلیو در سال ۱۶۲۶ م / ۱۰۳۶ ه. ق لوئی دسه را به دربار شاه عباس اول فرستاد. وی موفق شد که تسهیلاتی برای بازرگانان اروپایی بدست آورد. همچنین امتیازات و مصونیت‌های خاصی به منظور حمایت از مسیحیان و اروپاییان مقیم ایران تحصیل نمود.

بعد از آن کلبه برای برقراری روابط سیاسی و تجاری با ایران هیثی به ایران فرستاد. این هیث توانست معاهده‌ای با پادشاه ایران جهت حمایت اتباع فرانسه در ایران منعقد سازد. در آن معاهده معافیت اتباع فرانسه از پرداخت حقوق گمرکی و بعضی امتیازات دیگر پیش‌بینی شده بود.^۱ این معاهده به علت رقابت شدید انگلیسیها و هلندیها از یک طرف و فرانسویها از طرف دیگر به مرحله عمل درنیامد و نظر پادشاه ایران از فرانسویها برگشت و رابطه بازرگانی فرانسه با ایران قطع شد تا اینکه در سال ۱۷۰۳ م / ۱۱۱۵ ه. ق کمپانی هند فرانسه در صدد رابطه با ایران برآمد.

در زمان لوئی چهاردهم مراسلات بین وی و پادشاه ایران ادامه یافت. موضوع آنها بیشتر حمایت اتباع فرانسوی و مسیحی در ایران بود و توصیه در مورد منع اجرای بعضی از قوانین اسلامی در مورد مسیحیان بود. صدر می‌نویسد: «یکی از نتایج جالب توجه آن منع اجرای یکی از قوانین اسلام نسبت به کاتولیکها بود، قانون مزبور این است که اگر در خانواده غیرمسلمان چند نفر به دین اسلام مشرف شوند حق ارث سایرین به آنها تعلق خواهد گرفت. یعنی اگر در یک خانواده مسیحی یک نفر مسلمان شود تمام اموال موروثی به او خواهد رسید و دیگران محروم می‌شوند. لوئی چهاردهم در یکی از نامه‌های خود درخواست کرد که این قانون

نسبت به کاتولیکهای فرانسوی اجرا نشود و پادشاه ایران موافقت نمود. این در کشوری که غیر از قانون اسلام، قانون دیگری نبود و پادشاه آن هم به قوه همین قانون حکومت می‌کرد تعجب آور است.^۱

حق قضاوت کنسولی در قرارداد ۱۷۰۸ م / ۱۱۲۰ ه. ق

مهمترین و جامعترین نمونه قراردادها، قبل از معاهده ترکمانچای که در آن مسئله کاپیتولاسیون در ایران مطرح شده قرارداد ۱۷۰۸ م / ۱۱۲۰ ه. ق ایران و فرانسه است، که بین نماینده لوئی چهاردهم، لوئی میشل و سلطان حسین به امضا رسید. این قرارداد دارای یک مقدمه و سی و یک ماده است،^۲ که از ماده شانزده تا بیست و شش آن راجع به شرایط اقامت و وضعیت حقوقی فرانسویان در ایران است. در مواد ۱۶ تا ۱۸ آن قضاوت کنسولی در دعاوی بین فرانسویان در ایران پیش‌بینی شده است. در ماده ۱۶ این قرارداد آمده است که اگر بین دو فرانسوی اختلافی بروز نماید کنسول طبق قوانین کشور خود رسیدگی خواهد کرد و اگر بین یک فرانسوی و یک تبعه دولت دیگر اختلافی بوجود آید، حاکم محل و ماموران داخلی موضوع را در حضور کنسول بررسی خواهند کرد. در ماده ۱۷ آن آمده است که اگر بین کنسول که در واقع رئیس بازرگانان است و یکی از اتباع دول دیگر اختلافی رخ دهد قضات ایرانی حق جلب آنها را ندارند، مگر اینکه قبلاً از پادشاه اذن در این مورد گرفته باشند و همچنین نمی‌توانند خانه فرانسویان را بدون اجازه دربار مهر و موم کنند. و در ماده

۱- همان، ص ۹۰.

۲- دکتر عبدالحسین نوائی، اسناد مکاتبات سیاسی ایران از سال ۱۱۰۵ م / ۱۱۳۵ ه. ق همراه با یادداشتهای تفصیلی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۳۲.

۱۸ آن آمده است که اگر قتلی در بین اتباع فرانسوی واقع شود کنسول فرانسه طبق قوانین کشور فرانسه دادرسی خواهد کرد و اگر این عمل بین فرانسویان و مسلمانان و یا سایر اروپاییان انجام گیرد، قضات مسلمان طبق قوانین اسلام در حضور کنسول تحقیقات انجام می دهند، ولی حق ندارند بدون دلیل مشخص متهم را زندانی و جریمه کنند.^۱

ماده ۶۴ این قرارداد مربوط به اعتراضات در مسائل حقوقی است که اگر کسی نسبت به یک فرانسوی دعوا داشت مدعی باید به قاضی محل عرض حال بدهد. قاضی، مترجم کنسول را احضار کرده و به وسیله او برای کنسول پیغام دهد که دعوا را قطع نماید.

ماده ۲۵ آن مربوط به مزایا و امتیازات مسیحیان در ایران بود که طبق آن ماده، آنها آزاد بودند به شرط آنکه در خارج از منزل خود عملی که مخالف دین اسلام باشد، انجام ندهند. در این ماده آمده بود که هر کس مخل آسایش مبلغین و مسیحیان شود پنجاه تومان جریمه باید بدهد و بالاخره در ماده ۲۷ به کنسول و مسیحیان اجازه می داد که شراب درست کنند و بیاشامند و آن را به هر کجا که بخواهند حمل کنند، و از عوارض و حقوق گمرکی به شرط آنکه شراب به مسلمانان نفروشد معاف هستند.^۲ در روز بعد از انعقاد قرارداد، سلطان حسین صفوی دو فرمان صادر کرد^۳ و در آنها تصویب قرارداد را اعلام نموده، دستور اجرای آن را داد و این در حالی بود که هنوز قسمت مهم قرارداد موضوعیت پیدا نکرده بود.

۱- همان، ص ۱۴۹-۱۴۱.

۲- جهت مطالعه کامل قرارداد ر.ک: نجفقلی حسام معزی، تاریخ سیاسی ایران با دنیا، بکوشش همایون شهیدی، تهران، نشر علم، چاپ اول، ۱۳۶۶، ص ۲۲۱-۲۱۹.

۳- برای فرمان سلطان حسین صفوی جهت اجرای این فرمان ر.ک. جهانگیر قائم مقامی، یکصد و پنجاه سند تاریخی از جلایریان تا پهلوی، تهران، انتشارات ستاد بزرگ ارتش

ایران، ۱۳۴۸، ص ۹۱-۹۰.

یعنی نه تاجری و نه کنسولی و نه کالایی از فرانسه در ایران بود و از طرف دیگر هنوز قرارداد به دست لوئی چهاردهم نرسیده بود. سلطان حسین برای رضایت خاطر عمومی و توجیه قرارداد مزبور، موضوع را عطف به فرمان شاه عباس اول ۱۶۰۰ م / ۱۰۰۹ ه. ق کرد که طبق آن به بازرگانان مسیحی آزادی تجارت و بعضی آزادیهای دیگر داده شده بود.

حق قضاوت کنسولی در قرارداد ۱۷۱۵ م / ۱۱۲۷ ه. ق

برای اجرای قرارداد ۱۷۰۸ م / ۱۱۲۰ ه. ق و رفع سوء تفاهات از طرف سلطان حسین، محمدرضا بیگ به عنوان سفیر به دربار لوئی چهاردهم فرستاده شد. وی طی مذاکراتی در ورسای معاهده جدیدی در سال ۱۷۱۵ م / ۱۱۲۷ ه. ق امضاء کرد که به گفته راجر سیوری^۱ بسیار به سود فرانسه بود. ماده دهم این قرارداد، در مورد اختلاف اتباع فرانسه و دیگر ملل بود که در این مورد آمده بود: اختلافات میان فرانسویان و اتباع دیگر بایستی بوسیله حکام شرع اسلام با حضور کنسول فرانسه رسیدگی شود. «همچنین در این معاهده بر طبق اصل کامله الوداد آمده بود: «علاوه بر فعالیتها و امتیازهای دیگری که به موجب قرارداد ۱۷۰۸ یا قرارداد فعلی به فرانسویان تفویض شده، آنها بایستی از همان امتیازاتی که در سابق به اتباع ملل دیگر اعطا شده و یا در آینده اعطا خواهد شد ممتنع شوند.»^۲ در تکمیل این قرارداد چند ماده دیگر به آن اضافه شد (سندالحاقی)،

۱- راجر سیوری، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، چاپ سوم، ۱۳۷۲، ص ۱۱۹.

۲- بایگانی وزارت خارجه فرانسه، قسمت ایران، جلد ششم، برگهای ۲۳۵ الف تا ۲۴۳ الف. هربت، نیز آن را ذکر کرده است، ص ۳۷۷-۳۷۰ به نقل از لارنس لکهارت، انقراض سلسله صفویه و ایام استیلاي افغانه در ایران، ترجمه مصطفی قلی عماد، تهران، انتشارات مروارید، چاپ دوم، ۱۳۶۴، ص ۵۲۳.

که از جمله آنها این بود که بازرگانان ایرانی می‌توانند در ماری تجارت کنند و دارای همان حقوق خواهند بود که اتباع فرانسه دارا هستند. در ماری یک کنسول ایران خواهد بود که از هرگونه مالیات معاف خواهد بود به موجب این قرارداد کنسول ایران صلاحیت دارد متقابلاً به اختلاف بین بازرگانان ایرانی رسیدگی کند. نکته قابل توجه و مهم در این معاهده حق قضاوتی است که دولت فرانسه به عنوان عمل متقابل برای کنسول ایران قبول کرده است. همچنان که قبلاً یادآوری کردیم کنسولهای مسیحی در خارج از کشور خود حق قضاوت و رسیدگی به اختلافات اتباع خویش را داشتند اما شناختن این حق برای یک کنسول مسلمان در یک کشور مسیحی استثنایی بود که بعداً در کشورهای مسیحی و غربی تکرار نشد.^۱

نتیجه و پایان قراردادهای دارای حقوق کاپیتولاسیون بین ایران و فرانسه

قراردادهای ۱۷۰۸ م / ۱۱۲۰ هـ. ق و ۱۷۱۵ م / ۱۱۲۷ هـ. ق در اثر عواملی چند به مرحله عمل و اجرا، نرسید. یکی از عوامل عمده در عدم اجرای آنها، دیدگاه و اهداف متفاوت طرفین از امضای چنین معاهداتی بود. دولت ایران از امضای این قراردادها علاوه بر هدفهای تجاری، اهداف سیاسی نیز داشت، می‌خواست علاوه بر اینکه درآمدهای خود را اضافه می‌کند، دوست نیرومندی نیز به دست آورده باشد و پای فرانسویان را به منطقه باز کند تا با یاری آنها سایرین را که مانع بودند از سر راه رفع نماید. چون اگر فقط مسئله بازرگانی و تجارت در این قراردادها مورد نظر بود، شرکتهای انگلیسی و هلندی به این کار مشغول بودند و فرانسویها در این

مورد مشتری بهتری برای ایران نبودند و صنایع مهمی هم نداشتند که مورد نیاز ایران باشد. از جنبه دیگر ایران می‌خواست از طریق پشتیبانی فرانسویها مسقط را که در دست اعراب بود و انگلیسیها و هلندیها از آنها پشتیبانی می‌کردند به دست آورد.^۱

لوثی چهاردهم منظورش بیشتر حمایت از کاتولیکها بود و در درجه دوم امور بازرگانی مورد نظرش بود.

حوادثی بعد از امضای قرارداد اتفاق افتاد که موجب شد آن قراردادها مورد عمل و اجرا واقع نشود. از جمله آنها مرگ لوثی چهاردهم در نوامبر ۱۷۱۵ م / ذی‌قعدة ۱۱۲۷ ه. ق و مرگ محمدرضا بیگ سفیر ایران در بازگشت به ایران در اکتبر ۱۷۱۷ م / شوال ۱۱۲۹ ه. ق بود. در ایران هم بعداً بین صدراعظم و کنسولهای فرانسه در نحوه اجرای قراردادها اختلاف به وجود آمد و مهمتر از همه حمله افغانه به اصفهان و سقوط سلطنت صفویه به دست آنها بود و به علت اوضاع متشنجی که بعد از سقوط صفویه به وجود آمد در سال ۱۷۲۷ م / ۱۱۴۰ ه. ق روابط ایران و فرانسه قطع شد و از شورای نیابت سلطنت نامه‌ای به گاردان کنسول فرانسه در اصفهان رسید که بودن نماینده در ایران ضرورتی ندارد و در آن نامه وی را به پاریس فراخوانده بودند.^۲

از جنبه دیگر این نکته هم حائز اهمیت است که چون زمینه اجرای این قراردادها اساساً به وجود نیامده بود، اینها هیچوقت جنبه قانونی و رسمی پیدا نکرد و دولت فرانسه هم در صدد این که از این قراردادها استفاده کند

۱- لکهارت، *انقراض صفویه*، ص ۵۲۳، دکتر سیبلا شوستر والسر، *ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان* - پژوهشی در روابط سیاسی و اقتصادی ایران ۱۷۲۲-۱۵۰۲ م، ترجمه و حواشی دکتر غلامرضا ورهرام، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۹۴-۹۵.

۲- معزی، *تاریخ سیاسی ایران با دنیا*، ص ۲۳۴-۲۳۷.

برنیامد^۱ و در سال ۱۷۳۶ م / ۱۱۴۹ ه. ق نیز که فرانسه قانون راجع به کاپیتولاسیون در کشورهای معین وضع کرده نامی از ایران در میان آن کشورها نبوده است. از جهت دیگر این قراردادها برای سلاطین بعدی الزام آور نبود چون با سقوط سلسله‌ای یا کنار رفتن و مرگ پادشاهی لازم بود به صحنه و امضاء شاه بعدی برسد.

کاپیتولاسیون در دوره افشاریه

اعطای حق کاپیتولاسیون به کشورهای بیگانه در دوره نادرشاه و جانشینان او در سطح خیلی محدود وجود داشته است. ما به موارد نادری از این امتیازات در این دوره برمی‌خوریم که به تجار انگلیسی داده شده است. چون در دوره افشاریه ارتباط سیاسی ایرانیان و اروپاییان کمتر از دوره قبل بود و آرامش و امنیت دوره صفویه از جامعه ایران رخت بر بسته بود و موضوع تجارت که در دوره صفویه سبب ورود هیئت‌های سیاسی و تجاری از اروپا شده بود، در این زمان اهمیت آن دوره را نداشت. حمله افغانها و اغتشاشات بعدی موجب شد بعضی نمایندگیهای تجاری در ایران تعطیل شوند. روابط سیاسی ایران در دوره افشاریه با کشورهای روس و عثمانی بود اما روابط با کشورهای اروپایی در این دوره بیشتر مبتنی بر مناسبات تجاری بود تا سیاسی. نمایندگان تجاری از کشورهای انگلیس، فرانسه و هلند به دربار پادشاه ایران آمد و شد می‌کردند ولی به مناسبات سیاسی و اعزام سفیر از دربارهای اروپا به ایران یا بالعکس برخورد نمی‌کنیم.^۲

۱- همان کتاب، ص ۲۳۶-۲۳۷.

۲- دکتر رضا شعبانی، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، جلد اول، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۵، ص ۴۵۳.

در این دوره هیئت‌های تبلیغی مسیحی (نه مثل دوره صفویه) وجود داشته است که نادر اجازه تبلیغ علنی آیین مسیح به آنها داده بود.^۱ از بین کشورهای اروپایی، شرکت هند شرقی انگلیس موفق به کسب فرمانها و رقمهایی از پادشاه و حکام ایالات ایران گردید. در این فرمانها انگلیسیها موفق به کسب امتیازاتی در جهت تسهیل در امر تجارت خود شدند، که در ضمن آنها امتیازات قضائی به نفع اتباع خود هم به دست آوردند. از جمله اینها رقمهایی است که بیگلریگی شیراز از مارس ۱۷۳۶ م تا مارس ۱۷۳۷ (۱۱۴۸ تا ۱۱۴۹) صادر کرده است. در این رقمها شرکت هند شرقی انگلیس از پرداخت عوارض گمرکی و مالیات راهداری و صدیک و جزیه معاف و اعلام شده که در صورت تقاضا به کاروانهای انگلیسی مراقب دولتی داده می‌شود و اعضای شرکتهای انگلیسی در مصرف مشروبات الکلی آزاد هستند و در هر کجا که باشند با آنها محترمانه برخورد می‌شود. در ضمن همین ارقام، حکمران فارس حق قضاوت کنسولی به شرکت هند شرقی انگلیس جهت «تادیب خدمتکاران شرکت به وسیله خود کارکنان، می‌دهد».^۲

در فرمان دیگری که نایب‌السلطنه رضاقلی میرزا به درخواست تجار انگلیسی در ایران صادر می‌کند، ضمن دادن امتیازات متعددی در مورد معافیت گمرکی و غیره، به تجار انگلیسی امتیازاتی در مورد مسائل قضائی می‌دهد و مقرر می‌دارد «اگر چنانچه تجار انگلیس در امور جاریه منقصتی بنگرند و یا خواستار محاکمه عمال و عناصر خاطی شوند، در این احوال،

۱- ا. دوکلستر، تاریخ نادرشاه، ترجمه دکتر محمدباقر امیرخانی، تبریز، کتابفروشی سروش، ۱۳۴۶، ص ۱۷۸.

2. *Gombroon's Diary*, Vol.IV. 18th March, 1737.

به نقل از شعبانی، تاریخ اجتماعی ایران، در عصر افشاریه، ص ۴۵۷.

باید مستدعیات ایشان در نهایت استعجال مورد اعتنا قرار گیرد و در کمال بی طرفی و بی نظری به قضایای راجعه رسیدگی شود.^۱

کاپیتولاسیون در دوره زندیه

بعد از مرگ نادرشاه، سراسر ایران را دوباره آشوب فراگرفت. در مدت بیست سال پس از مرگ نادر، ایران میدان تاخت و تاز فرماندهان سپاه نادر و خوانین مختلف بود. در این دوره آشوب، توسعه روابط خارجی کاسته شد و محدود به مسائل مربوط به سرحدات عثمانی بود. اغتشاشات این دوره موجب شد که نمایندگیهای تجاری اروپاییان در ایران تعطیل شود. بازرگانان اروپایی و آسیایی در این مدت کمتر با بارهای تجارتی خود به ایران رفت و آمد می کردند و کشورهای اروپایی هم در صدد انعقاد قرارداد جدید یا تحصیل امتیازات نبودند.

پس از آنکه کریم خان به زمامداری رسید و صلح و آرامش برقرار شد، پای اروپاییان دوباره به ایران باز شد. کریم خان معاهدات جدید تجاری و سیاسی با اروپاییان منعقد کرد. در این دوره به معاهدات و فرمانهایی برمی خوریم که در آنها حقوق ویژه قضاوت کنسولی به بیگانگان اعطا شده است. از بین کشورهای اروپایی، فرانسه و انگلیس فرمانهایی در این دوره از کریم خان و جانشینان او دریافت کردند، و در ضمن آنها حق قضاوت کنسولی جهت اتباع خود را به دست آورده بودند.

برخورداری فرانسویها از حقوق کاپیتولاسیون در دوره زندیه

همان طور که قبلاً اشاره کردیم فرانسویان خود را به عنوان حامی

1. A Historical accounty Vol.I PP.30-39.

به نقل از شعبانی، تاریخ اجتماعی ایران، در عصر افشاریه، ص ۴۶۸.

مسیحیان در جهان معرفی و سعی می‌کردند که در کشورهای اسلامی در جهت حمایت از اقلیت مسیحی، آزادی‌هایی برای آنها به دست آورند. در دوره زندیه هم آنها در این مورد اقداماتی انجام دادند. در تاریخ مارس ۱۷۶۴ م / شوال ۱۱۷۷ ه. ق در دوره کریم‌خان «عمده‌المسیحیه پادری فرنیسه حکیم» به حضور وی رسید و درخواست کرد که به گروه‌ها و فرقه‌های گوناگون مسیحی و «پادریان فرنگیان» همچنان که در شهرها و ایالات اصفهان و فارس و آذربایجان، آزادی دادوستد و تعلیم و انجام عبادت و عمل به رسوم خودشان را داده، به مسیحیان دیگر «در ممالک محروسه» عین این آزادی‌ها و امتیازات داده شود.

کریم‌خان تمام درخواستهای وی را پذیرفت و به کلیه حکام ایالات و ولایات دستور داد که همانند فرمانهای پادشاهان قبلی، به همه مسیحیان بیگانه آزادی و دادوستد و تعلیم و انجام عبادت و رسوم به آئین خودشان را بدهند.^۱

عین فرمان مذکور را جانشین او، علی مرادخان به درخواست «عمده‌المسیحیه پادری اوانوس حکیم» در ژوئن ۱۷۸۱ م / جمادی‌الثانی ۱۱۹۵ ه. ق صادر کرد.^۲

از بین چندین نماینده و سفیر فرانسوی که دوره زندیه به ایران آمد و شد کردند سیورروسو موفق شد که فرمانی از ابوالفتح خان پسر کریم‌خان بگیرد. وی در ماه اوت ۱۷۸۰ م / شعبان ۱۱۹۴ ه. ق در گزارش خود به وزیر درباری فرانسه اطلاع داد که طبق فرمان پادشاه ایران، فرانسویان، امتیازاتی درباره آزادی تجارت و حق انحصار

۱- مازندرانی، عهدنامه‌های تاریخی ایران، ص ۶۹-۶۸.

۲- قائم‌مقامی، یکصد و پنجاه سند تاریخی، ص ۱۰۶-۱۰۵.

تجارت در خارک همراه با حق قضاوت کنسولی را به دست آورده‌اند.^۱ به علت تردید فرانسویان و مسامحه مدیران کمپانی هند شرقی فرانسه، تلاشهای سفرای مختلف فرانسه در طول این دوره به نتیجه نرسید.^۲ با وجود این که هم کریم‌خان و هم جانشینان او به علت نیاز به پارچه‌های ساخت کارخانه‌های فرانسه جهت لباس نیروهای نظامی و نیاز به نیروی نظامی آنها جهت راندن امیرمنا از جزیره خارک، از رابطه دوستی و تجاری با آنها استقبال می‌کردند و از دادن امتیازاتی همچون حق قضاوت کنسولی ابائی نداشتند.

برخورداری انگلیسیها از حقوق کاپیتولاسیون در عهد زنده

انگلیس در دوره زنده، مهمترین کشوری بود که در خلیج فارس به بازرگانی مشغول بود. کریم‌خان و جانشینان او، به واسطه نیاز به پارچه‌های پشمی انگلیسیها راغب به رابطه دوستی و تجاری با آنها بودند. از طرف دیگر به وجود آمدن یک مرکز تجاری در جنوب ایران موجب پیدایش درآمدهایی از راه گمرک برای ایرانیان می‌شد. انگلیسیها جهت عملیات تجاری خود در خلیج فارس دو شهر بصره و بوشهر را مناسبترین مکان تشخیص داده بودند.^۳

بصره را در دوره‌ای به عنوان محل موقت تجارت انتخاب کردند و باب

۱- نامه مورخ ۱۹ اوت ۱۷۸۰ سیورروسو فرستاده از ماری، آرشیو ملی فرانسه
مکاتبات کنسولی، بصره، جلد اول، نمره ۱۹۷، به نقل از هادی هدایتی، تاریخ زنده،
جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۴، ص ۲۴۵ به بعد.

۲- همان، ص ۲۴۴.

۳- در این موقع اکثر فعالیتهای تجاری انگلیسیها در خلیج فارس بود و در سال ۱۷۵۰ م/ ۱۱۶۴ ه. ق آنها تجارتخانه خود را در اصفهان بستند و بعد از آن دیگر آن را بازگشایی نکردند. ر.ک. ویلسن، خلیج فارس، ص ۲۰۷.

عالی عثمانی در سال ۱۷۶۴ م / ۱۱۷۸ ه. ق آنجا را رسماً به عنوان کنسولگری مشمول مقررات کاپیتولاسیون اعلام کرد.^۱

انگلیسیها بوشهر را که به شیراز نزدیکتر بود به جای بندرعباس که قبلاً مرکز فعالیت تجاری خودشان بود، مرکز فعالیت تجاری جدید قرار دادند. آنان در سال ۱۷۶۳ م / ۱۱۷۷ ه. ق معاهده‌ای با شیخ بوشهر بستند که تجارتخانه‌ای در آنجا تاسیس نمایند و تجارت بندر را منحصرأ در دست خود بگیرند، کریم‌خان زند نیز قرارداد مذکور را به موجب فرمان مخصوصی تصویب کرد. این فرمان را در سال ۱۷۶۳ م / ۱۱۷۶ ه. ق به سود بازرگانان انگلیسی صادر کرد. در این فرمان تسهیلاتی چند برای بازرگانان شرکت هندشرقی انگلیسی^۲ در بوشهر و خلیج فارس آمده بود. از جمله یک رشته امتیازات قضائی بر پایه اصل کاپیتولاسیون بدون اینکه چنین عنوانی بر آن گذارده شده باشد.

در این فرمان آمده بود که شرکت انگلیسی در هر نقطه از بوشهر یا در هر بندر که در خلیج فارس انتخاب کند هر قدر زمینی که برای ساختمان نمایندگی تجاری لازم باشد تصرف کند و هر مقدار توپ که مایلند در این مرکز به کار برد (ماده یک). بر مال‌التجاره‌های انگلیسیها که از بندر بوشهر به بنادر دیگر وارد یا صادر می‌شود حقوق گمرکی بسته نشود (ماده دوم). تجار ملل دیگر اروپایی حق وارد کردن امتعه پشمی ندارد (ماده سوم). قروض بازرگانان انگلیسی و دیگران بایستی پرداخت شود و اگر دین خود را ادا نکند و آن در محل یا در بنادر ایران نباشد حاکم یا شیخ آنجا آن

۱- همان، ص ۲۰۹.

۲- ن.و. پیگولوسکا و دیگران، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات پیام، چاپ سوم، ۱۳۵۴، ص ۶۱۶.

شخص را مجبور کند که دین خود را در اقرب زمان پردازد^۱ (ماده چهارم). انگلیسیها حق خرید و فروش کالای خود را دارند (ماده پنجم). هیچگونه بازرگانی مخفیانه انجام نباید بگیرد (ماده ششم). اجناسی که به آب افتاده نباید به ایران وارد شوند (ماده هفتم). به انگلیسیها آزادی مذهب اعطا می‌شود و اهالی ایران حق مزاحمت ندارند (ماده هشتم). سربازان و ملاحان فراری به انگلیسیها تسلیم شوند (ماده نهم). مستخدمین و دلالها و دیگران که در نمایندگی کار می‌کنند از مالیات معافند و حکومت عمال آنها با خودشان است و کسی حق دخالت ندارد (ماده دهم). به انگلیسیها یک قطعه زمین جهت قبرستان و یک قطعه برای باغ از اراضی متعلق به شاه مجاناً داده می‌شود و اگر از مردم باشد در مقابل پرداخت وجه به آنها داده شود (ماده یازدهم). خانه‌ای که قبلاً در شیراز متعلق به کمپانی انگلیس بوده است با باغ و متعلقات آن به ایشان واگذار شود (ماده دوازدهم).^۲

کریم‌خان با دادن این حق به انگلیسیها که می‌توانند هر ایرانی را در صورت عدم پرداخت دیون خود، مجبور به پرداخت کنند، صریحاً به آنها، در داخل مرزهای ایران، حق حاکمیت داد. و با ذکر اینکه حکومت عمال آنها با خودشان است و آنها تابع رای روسای خودشان هستند، حق کاپیتولاسیون و برون مرزی را در ایران به انگلیسیها داد. این فرمان که عمدتاً در جهت منافع انگلیس و به ضرر حاکمیت و استقلال قضائی و

۱- در کتاب *عهدنامه‌های تاریخی ایران* در ادامه این قسمت آمده است: «و اگر شیخ یا حاکم در انجام دادن این دستور قصور ورزند مامور انگلیس اختیار احقاق حق دارد و می‌تواند مدیون را به پرداخت وام خود ناگزیر سازد.»

مازندرانی، *عهدنامه‌های تاریخی ایران*، ص ۶۷.

۲- سرپرسی سایکس، *تاریخ ایران*، ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی، جلد دوم، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳، ص ۴۳۹.

تجاری ایران بوده است، بعضی نویسندگان^۱ را بر آن باور داشته که کریم‌خان برخلاف میل باطنی و جهت کاهش مشکلات بازرگانی ایران آن را صادر کرده است و برخی دیگر^۲ در صدور این فرمان از کریم‌خان تشکیک کرده‌اند ولی قدر مسلم آن که درج قضاوت کنسولی در فرمان، نتیجه تلاش انگلیسیها بوده است و مقامات ایرانی از پی آمدهای منفی آن آگاهی نداشته‌اند.^۳ پس از کریم‌خان، برادرزاده‌اش جعفرخان فرمانی در تاریخ ۱۸ ژانویه ۱۸۷۸ م / ۸ ربیع‌الثانی ۱۲۰۲ ه. ق برای نماینده شرکت هند شرقی در بندر بوشهر صادر کرد. این فرمان تا حدودی مشابه فرمان کریم‌خان بود. در این فرمان به انگلیسیها، آزادی کامل تجارت و رفت و آمد در ایران، معافیت کامل گمرکی و اجازه خرید و فروش کالاهایشان داده شده بود. همچنین امنیت کامل بازرگانان انگلیسی تضمین شده بود.^۴

ارزیابی کاپیتولاسیون در ایران از ابتدا تا پایان دوره زندیه

خصوصیاتی در کاپیتولاسیون این دوره دیده می‌شود که از جهاتی با رژیم کاپیتولاسیونی که در قرن نوزدهم برقرار گردید تمایز دارد. حقوق کاپیتولاسیونی که در این دوره از طرف ایران به بیگانگان داده شد، بیشتر به هیئت‌های تجاری بود تا سیاسی. در این دوره نسبت به زمان قاجار کمتر هیئت‌های سیاسی کشورهای اروپایی در پی کسب این امتیازات بودند. اکثر فرمانها و قراردادهایی که حاوی حق قضاوت کنسولی بودند به

۱- پرویز رجبی، کریم‌خان زند و زمان او، تهران، انتشار سیمرخ، وابسته به امیرکبیر، ۱۳۵۱، ص ۲۱۹.

۲- دکتر عبدالحسین نوائی، کریم‌خان زند، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ دوم، ۱۳۵۶، ص ۲۱۴-۲۰۷.

۳- ر.ک. حائری، نخستین رویاروییهای اندیشمندان ایران، ص ۲۱۰.

۴- ر.ک. معزی، تاریخ سیاسی ایران با دنیا، ص ۵۵۳.

شرکتهای تجاری که در خلیج فارس یا مناطق دیگر فعالیت می‌کردند داده شده بود، چون روابط ایران با دول اروپائی وسعت و اعتبار روابط قرن نوزدهم میلادی را پیدا نکرده بود و غرب هنوز به آن حد وسعت پیدا نکرده که سرحداتش به مرزهای ایران برسد.^۱ این حقوق اعطائی به بیگانگان را حکام و پادشاهان ایران بخصوص در دوره افشاریه و زندیه به قصد کمک به تجارت در ایران صادر کرده بودند و کمتر مقاصد سیاسی از طرف صادرکنندگان آن در نظر بوده است و اساساً صادرکنندگان آنها از ماهیت این فرمانها و اهداف استعماری آنها آگاهی نداشتند و گنجانیدن مسئله استقلال قضایی مقامهای بیگانه در فرمانها و معاهدات، زائیده کوشش اروپاییان بوده و مقامهای ایرانی، هم قاعدتاً از فلسفه آن و کاربرد و بی‌آمدهای خطرناک و نازیبای آن، آگاهی نداشته‌اند.^۲

خصوصیت اکثر قراردادهای کاپیتولاسیون این دوره این است که عملاً به مرحله اجرا نرسید. با توجه به اوضاع ناآرام ایران به خصوص از زمان صفویه به بعد زمینه استفاده از آن معاهدات برای آنها فراهم نشد. مهمترین قراردادهای دارای حقوق کاپیتولاسیون تا قبل از قرارداد ترکمانچای، قراردادهای منعقدہ بین ایران و فرانسه است ولی می‌بینیم که اتباع فرانسوی عملاً نتوانستند از آن استفاده‌ای در جهت منافع سیاسی و اقتصادی خودشان بکنند.

اگر در مقام قیاس در مورد تاثیرات کاپیتولاسیون در این دوره با قرن نوزدهم باشیم، باید ذکر کنیم به هیچوجه تاثیرات منفی آنها در یک حد نیستند. در قرن نوزدهم عمده‌ترین کشوری که از کاپیتولاسیون در جهت

۱- شعبانی، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، ص ۴۵۲-۴۵۱.

۲- حائری، نخستین رویاروییهای اندیشه‌گران ایرانی، ص ۲۱۰.

اهداف سیاسی و اقتصادی خود استفاده می‌کرد، روسیه بود ولی روسها در این دوره در ایران نفوذ و قدرتی به هم نزده بودند و روسیه در مقابل ایران از جهت قدرت و حقوق کشوری همانند و یکسان محسوب می‌شد. ضعف حاکم در ایران در دوره مورد بحث به اندازه قرن نوزدهم نبود و پادشاهان ایران در مقابل بیگانگان قدرت ابراز وجود داشتند. به همین جهت است که این امتیازات گرچه موجب زیر سؤال بردن استقلال سیاسی و قضائی ایران می‌شد ولی بیگانگان نمی‌توانستند آن را وسیله‌ای برای مداخله در تمام امور داخلی ایران قرار دهند. چنانچه در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم قرار دادند.

کاپیتولاسیون این دوره محدود بود و همان طور که ذکر شد اکثراً شرکتهای تجاری را دربرمی‌گرفت و در ضمن محدود به چند کشور معدود می‌شد. در دوره صفویه محدود به انگلیسیها و فرانسویها و هلندیها می‌شد و در دوره افشاریه به شرکتهای تجاری انگلیسی داده شد و در دوره زندیه هم شرکت انگلیسی هندشرقی است که چنین امتیازاتی را کسب کرد، گرچه به فرانسویها هم پیشنهاد می‌شد ولی وارد تجارت در ایران نمی‌شدند. اما در دوره قاجار اکثر قریب به اتفاق کشورهای اروپایی و آمریکایی به علاوه عثمانی از امتیازات رژیم کاپیتولاسیون در ایران برخوردار بودند.

کاپیتولاسیون در دوره قاجار

قرار گرفتن ایران در صحنه سیاست جهانی

از مسائل عمده اوایل سطنت فتحعلی شاه، ورود هیئتهای سیاسی و دیپلماسی اروپایی به ایران است که به قرار گرفتن کشور در دایره مقاصد سیاسی و اقتصادی کشورهای بزرگ صنعتی اروپایی انجامید و تحولات عظیمی را در شئون سیاسی و اجتماعی و اقتصادی دولت و مردم ایران به دنبال داشت. در شروع مناسبات این دوره صرفاً مقاصد سیاسی و نظامی مطرح بود، چون هنوز منابع زیرزمینی ایران شناخته نشده بود، و این سرزمین تنها از نظر موقعیت استراتژیکی و سیاسی خود، توجه دول بزرگ را به خود جلب کرد.

در این ایام رقابت روسیه، فرانسه و انگلیس در ایران آغاز گردید و «به علت شدت یافتن رقابتهای مستعمراتی دول اروپایی و کشیده شدن دامنه آن به حدود ایران، خواهی نخواهی این مملکت را هم در سیاست بین‌المللی دنیا داخل کرد و روابط بین ایران با پاره‌ای از کشورهای اروپا اهمیتی مخصوص پیدا نمود.»^۱

۱- عباس اقبال آشتیانی، تاریخ مفصل ایران از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه با حواشی

در اوایل قرن نوزدهم میلادی ایران هنگامی مورد توجه دو قدرت اروپایی آن زمان یعنی انگلیس و فرانسه قرار گرفت که فرانسه درصدد برآمد به منافع حیاتی انگلیس صدمه وارد سازد. این منبع حیاتی انگلیس، کشور هند در آسیا و همسایه ایران بود، راه رسیدن به هند از راه خشکی، کشورهای عثمانی و ایران و از راه آبی خلیج فارس و دریای عمان بود، انگلیسیها در برابر تلاش فرانسویها برای این مقصود، به ایجاد ارتباط با همسایگان هند یعنی ایران، افغانستان، روسیه و عثمانی دست زدند.^۱ ایران به دایره سیاست جهانی کشیده شد بدون اینکه از آن اطلاعی داشته باشد.

اولیویه و برونیه که در سال ۱۷۶۹ م / ۱۲۰۹ ه. ق به ایران آمده بودند، در مورد بی‌اطلاعی سیاستمداران ایرانی از اروپا و سیاست اروپایی به دولت فرانسه چنین گزارش دادند:

«ما در ایران کسی را ندیدیم که از اتفاقات بزرگ اروپا اطلاعی داشته باشد، حتی صحبت جنگ را هم نشنیده‌اند. همگی در بی‌اطلاعی کامل از اتفاقات خارج از کشور خود می‌باشند، و به نظر ما می‌رسد که علاقه‌ای نیز به آگاه شدن به این وقایع ندارند.»^۲

با کشیده شدن ایران به چهارچوب دیپلماسی اروپا، در حالی که در

→ و تجدیدنظر و فهارس به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، تهران، کتابخانه خیام، بی‌تا، ص ۷۶۹.

۱- راجع به اهمیت ایران برای حفظ هند و اهمیت هند برای انگلیسیها ر.ک. جرج ن. کرزن، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غ. وحید مازندرانی، جلد اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۲، ص ۲۱-۲۲.

۲- منصوره اتحادیه (نظام مافی)، *گوشه‌هایی از روابط خارجی ایران (۱۲۸۰-۱۲۰۰ ه.ق)*، تهران، انتشارات آگاه، چاپ اول، ۱۳۵۵، ص ۱۲.

ابتدا صرف مسائل سیاسی مورد نظر بود، کم کم بنا به اقتضای ماهیت دول صنعتی، دریند قراردادهای بازرگانی و اقتصادی هم گرفتار آمد. این قراردادها قبل از معاهده ترکمانچای عمدتاً با فرانسه و انگلیس بود که ضمن قراردادهای سیاسی، قراردادهای اقتصادی و بازرگانی هم به دنبال آنها بین طرفین منعقد می شد. در بعضی از این معاهدات همانند دوره صفویه امتیازاتی از جمله قضاوت کنسولی برای اتباع این دول در نظر گرفته می شد، اهم این قراردادها که در آنها حق کاپیتولاسیون به اتباع بیگانه داده شده است عبارتند از: قرارداد سرجان ملکم در سال ۱۸۰۱ م / ۱۲۱۵ ه. ق و قرارداد تجارتهی ایران و فرانسه در سال ۱۸۰۸ م / ۱۲۲۳ ه. ق.

کاپیتولاسیون در قرارداد ۱۸۰۱ م / ۱۲۱۵ ه. ق ایران و انگلیس

در سال ۱۸۰۰ م / ۱۲۱۴ ه. ق. ملکم با توجه به شرایط خاصی که در اثر تسلط ناپلئون در مصر بوجود آمده بود و احتمال خطر برای هند توسط ناپلئون از راه ایران وجود داشت، وارد ایران شد. موقع ورود ملکم فتحعلی شاه فرمانی به ماموران ایرانی دائر بر جلوگیری از ورود فرانسویان به داخل قلمرو و سواحل ایران و اعلام دوستی و الطاف ایرانیان نسبت به اتباع دولت انگلیس صادر کرد.^۱ وی بعد از ورود به بوشهر راهی تهران شد و به حضور فتحعلی شاه رسید. در ژانویه ۱۸۰۱ م / شعبان ۱۲۱۵ ه. ق. دو عهدنامه یکی بازرگانی و دیگر سیاسی با حاجی ابراهیم خان صدراعظم فتحعلی شاه به امضاء رسانید.

۱- محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، جلد اول، تهران، شرکت نسبی اقبال و شرکاء، ۱۳۵۳، ص ۳۷.

در قرارداد تجارتی امتیازاتی از جمله قضایی برای انگلیسیها در نظر گرفته شده بود: «براساس پیمان تجارتی، تمام امتیازات گذشته کمپانی هندشرقی تصویب و امتیازات دیگری داده شد.»^۱

این معاهده مقرر می‌داشت که مسافرت بازرگانان انگلیسی به ایران بلا مانع صورت گیرد و آنان بتوانند در هر کجای ایران که بخواهند بدون دادن مالیات و باج ساکن شوند. والیان و حکام در حفظ مال و جان آنها و وصول مطالبات و اشیاء مسروقه آنها بکوشند. ماده چهارم آن به عمال بریتانیا اجازه می‌داد که مستخدمین ایرانی خود را به هر صورت که بخواهند مجازات کنند. متن این ماده چنین است:

«اگر کسی از اهالی ایران مدیون سرکار انگلیس بهادر باشد و فوت شود باید به معاضدت حاکم طلب ایشان را پیش از همه طلبکاران مهم‌سازی نمایند و به قدر احتیاج و ضرورت کارپردازان سرکار انگلیس بهادر که در ایران ساکن می‌باشند نوکر و ملازم ایرانی نگاه داشته، چنانچه غلطی از ایشان صادر شود، سوای قتل و قطع جوارح، که مؤاخذه آن به بیگلریگی و حاکم آن ولایت اختصاص دارد، مأذون به بازخواست دیگر نمی‌باشند.»^۲

این قرارداد که تماماً در جهت نقض حاکمیت و استقلال قضائی ایران و برای اقتصاد ایران مضر و هلاکت بار بود مورد تأیید شاه قرار نگرفت^۳ و

۱- دنیس رایت، نقش انگلیس در ایران، ترجمه فرامرز فرامرزی، تهران، موسسه مطبوعاتی فرخی، چاپ اول، ۱۳۶۱، ص ۷.

۲- ابوالقاسم طاهری، تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی ایران و انگلیس از دوران فرمانروایی مغولان تا پایان عهد قاجار، جلد اول، از مغول تا عقد معاهده گلستان، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۴، ص ۳۴۶-۳۴۵.

۳- لوئی رابینو، دیپلماتها و کنسولهای ایران و انگلیس، ترجمه و تالیف غلامحسین میرزا صالح، تهران، نشر تاریخ ایران، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۲.

«به زودی تحت الشعاع دیپلماسی قویتر فرانسه قرار گرفت.»^۱ و هرگز به مورد اجراء گذاشته نشد و ملکم در سال ۱۸۰۲ م / ۱۲۱۶ ه.ق. به هندوستان بازگشت.

کاپیتولاسیون در قرارداد تجاری ۱۸۰۸ م / ۱۲۲۳ ه.ق ایران و فرانسه

از جمله معاهدات زمان فتحعلی شاه، قبل از قرارداد ترکمانچای که در آن امتیازات ویژه قضائی برای خارجیان در نظر گرفته شده بود، قرارداد تجاری ۱۸۰۸ م / ۱۲۲۳ ه.ق بین ایران و فرانسه است.

در ماده شانزدهم و پانزدهم معاهده فین کن اشتاین در سال ۱۸۰۷ م / ۱۲۲۲ ه.ق آمده بود که چهار ماه بعد از امضاء قرارداد فین کن اشتاین یک معاهده تجارتی در تهران بین طرفین امضاء شود.^۲

این قرارداد که بر اساس معاهدات ۱۷۰۸ م / ۱۱۲۰ ه.ق و ۱۷۱۵ م / ۱۱۲۸ ه.ق تنظیم شده بود در تهران بین سرتیب گاردان و نماینده ایران به امضا رسید.^۳ در این قرارداد همانند دو قرارداد فوق حق قضاوت کنسولی به نفع اتباع فرانسه در ایران برقرار گردید.

این قرارداد نیز همانند قراردادهای قبلی به مرحله عمل و اجرا نرسید و بر اساس پیمان صلح تیلسیت میان فرانسه و روسیه، روابط ایران و فرانسه قطع و گاردان از ایران خارج شد.

۱- جورج لنزوسکی، رقابت روسیه و غرب در ایران، ترجمه اسماعیل رائین، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ اول، ۱۳۵۳، ص ۲۳.

۲- کنت آلفرد دوگاردان، ماموریت ژنرال گاردان در ایران، ترجمه عباس اقبال، نگاه، ۱۳۶۲، ص ۴۷.

۳- آن.ک.س. لمبتون، سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۲۲۷.

در این مرحله هم فرانسویان در ضمن معاهده‌ای حق قضاوت کنسولی به نفع اتباع خود را در ایران، به دست آوردند ولی این امر عملاً به مرحله اجرا نرسید. چون با رفتن گاردان اتباع فرانسه هم که همراه وی در قالب هیئت‌های تخصصی و سیاسی به ایران آمده بودند، بازگشتند.

جنگهای ایران و روس و تحمیل کاپیتولاسیون

ایران در نیمه اول قرن سیزدهم هجری دو دوره جنگ با روسیه تزاری داشت که هر دو دوره به شکست ایران انجامید. جنگهای دوره اول که بین سالهای ۱۸۱۳-۱۸۰۳ م / ۱۲۲۸-۱۲۱۸ ه. ق رخ داد منتهی به عهدنامه گلستان شد. این عهدنامه متضمن سه نکته اساسی بود:

۱- واگذاری قسمتی از اراضی ایران به روسیه تزاری و حدود مرزها (مواد دوم و سوم).

۲- دخالت در امور ایران از طریق ماده چهار عهدنامه که در آن روسیه متعهد می‌شد از وارث آینده تاج و تخت ایران در برابر مخالفین احتمالی پشتیبانی نماید.

۳- روابط تجاری (مواد هشتم و نهم و دهم).^۱

دوره دوم جنگهای ایران و روس بین سالهای ۱۸۲۷-۱۸۲۵ / ۱۲۴۳-۱۲۴۱ ه. ق واقع شد و به شکست ایران و امضای معاهده ترکمانچای در سال ۱۸۲۷ م / ۱۲۴۳ ه. ق بین نماینده ایران و دولت روسیه انجامید.

معاهداتی که در ترکمانچای به امضا رسید شامل دو معاهده است. یکی سیاسی و دیگری تجاری که هر کدام از آنها یک ضمیمه هم دارد. در

۱- برای آگاهی از متن عهدنامه گلستان ر.ک. مازندرانی، عهدنامه‌های تاریخی ایران، ص ۱۲۷-۱۳۰.

ماده دهم معاهده سیاسی ترکمانچای قید شده بود که عهدنامه تجاری مخصوصی به دنبال معاهده سیاسی امضا شود.^۱

در فصول هفتم و هشتم معاهده تجاری ترکمانچای امتیازاتی حاکی از برقراری رژیم کاپیتولاسیون به نفع اتباع روسیه در ایران در نظر گرفته شده بود.

اهمیت معاهده ترکمانچای در سیاست خارجی ایران

در سیاست خارجی ایران این معاهده از مهمترین معاهداتی است^۲ که تا آن تاریخ بین ایران و یک کشور خارجی بسته می‌شد، و در طول یک قرن در تاریخ دیپلماسی ایران نقش بسیار مهمی را ایفا کرد و نقطه آغاز یک سلسله تجاوزات سیاسی، اقتصادی و به خصوص قضایی روسیه در ایران شد. چون صرفنظر از جدا شدن سرزمینها و ولایاتی چون ایروان و نخجوان که به گفته دکتر فوریه «می‌توان آن دو را آلاس و لورن ایران» نامید^۳ و مناطقی مثل «دربند» که تاریخ‌نگاران آن را دروازه ایران خوانده‌اند، و صرفنظر از غرامت سنگینی که بر ایران تحمیل شد، از نظر سیاسی، اقتصادی و قضائی یکی از سنگین‌ترین یوغها را بر گردن ایران

۱- جهت اطلاع از چگونگی انعقاد معاهدات ترکمانچای ر.ک. جهانگیر میرزا، تاریخ نو شامل حوادث دوره قاجار از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ ه.ق، سعی و اهتمام عباس اقبال، کتابخانه علی‌اکبر علمی و شرکاء، تهران، ۱۳۲۷، ص ۱۱۰ به بعد، سعید نفیسی، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، جلد دوم، تهران، انتشارات بنیاد، ۱۳۴۴، ص ۱۴۷-۱۴۹.

۲- یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، تهران، جلد اول، انتشارات عطار و فردوسی، چاپ دوم، ۱۳۶۲، ص ۴۵.

۳- دکتر فوودیه، سه سال در دربار ایران (از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹)، ترجمه عباس اقبال، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، چاپ دوم، ۱۳۶۳، ص ۷۱.

نهاد. معاهده ترکمانچای مبنای معاملات سیاسی و اقتصادی بین ایران و بزرگترین همسایگان گردید و سرمشقی برای عموم دول خارجی دیگری شد که بعدها با ایران در این زمینه معاهداتی بستند.^۱

این معاهده سرآغاز انحطاط سیاسی ایران در سیاست جهانی بود و ایران را به منطقه نفوذ روس تبدیل کرد. «دار مستتر می‌نویسد که سفیر کبیر تزار در تهران نقش مامور مقیم انگلیس در نزد راجه‌های هندوستان را ایفا می‌کند.»^۲

تفاوت‌های معاهده ترکمانچای با عهدنامه‌های پیشین

عهدنامه ترکمانچای با عهدنامه‌های قبل از آن از جهات مختلفی دارای تفاوت است. در عهد قبل از آن هم، امتیازات و حقوق ویژه‌ای به طرف مقابل داده شده بود ولی نه تا این حد که ایران را به صورت کشوری نیمه مستعمره درآورد. از ویژگی‌های این معاهده تحمیلی بودن آن است و این وقتی مشخص می‌شود که شرایط آن با شرایط عهدنامه گلستان که پانزده سال قبل از آن بین ایران و روسیه منعقد شده بود و در آن روسیه همانند ترکمانچای به عنوان دولت غالب مطرح بود، مقایسه شود. در عهدنامه گلستان گرچه موادی در آزادی رفت و آمد و خرید و فروش برای اتباع طرفین در دو کشور (فصل هشتم) و نرخ گمرکی پنج درصد برای کالاهای طرفین (فصل نهم) قید شده بود ولی موضوع حق قضاوت کنسولی و مصونیت‌های قضایی برای اتباع روسیه در ایران، در آن در نظر گرفته نشده

۱- اقبال، تاریخ ایران، ص ۷۹۹.

۲- دکتر محمود افشار یزدی، سیاست اروپا در ایران، ترجمه سیدضیاء دهشیری، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۵۸، ص ۶۹.

بود. فرق دیگر میان عهدنامه ترکمانچای با عهد قبلی در این است که عهدنامه ترکمانچای منبع و مآخذی شد برای تمام دولتهای دیگر که بعداً با ایران معاهداتی می‌بندند. این دولتها در این معاهدات شرایط ترکمانچای را در نظر گرفته و همان مزایا و امتیازات را برای خود درخواست می‌کردند و به قول سایکس: «پایه سیاستی شد که ملل غربی مناسبات خود را با ایران روی آن قرار دادند و حقوق و امتیازات بیشمار اراضی که مطابق آن به دولت روسیه واگذار شده، راه را به دول دیگر اروپایی نشان می‌دهد.»^۱

از جهات دیگر فرق میان ترکمانچای با عهدنامه‌های قبلی در این است، اولاً فرمانهایی که در زمان صفویه (مثل فرمان شاه‌عباس به انگلیسیها) صادر شده یکجانبه بوده‌اند. ثانیاً مهمترین قراردادهای کاپیتولاسیونی در زمان صفویه که عبارت بود از قرارداد ایران و فرانسه در سالهای ۱۷۰۸ م / ۱۱۲۰ ه. ق، ۱۷۱۵ م / ۱۱۲۸ ه. ق به مرحله اجراء و عمل درنیامد در حالی که قرارداد ترکمانچای چنین نبود. ثالثاً شرایط سیاسی زمان انعقاد معاهدات زمان صفویه با شرایط سیاسی موجود هنگام انعقاد قرارداد ترکمانچای به کلی متفاوت بود. چون تمام فرمانهایی که توسط سلاطین صفویه صادر شده و در آنها امتیازاتی به بیگانگان اعطا شده بود و همچنین معاهداتی که بین ایران و کشورهای بیگانه منعقد شده بود با میل و رغبت از سوی زمامداران آن عصر آن امتیازات داده شده بود و اجباری در آن نبود، در صورتی که معاهده ترکمانچای بعد از شکست ایران از روسیه در دوره دوم جنگها بسته شده بود و ایران به عنوان کشور مغلوب مطرح بود.

بررسی کاپیتولاسیون در معاهده ترکمانچای

الف- بررسی دعاوی مدنی

فصل هفتم معاهده تجاری ترکمانچای مربوط به دعاوی مدنی است. در این فصل صلاحیت دخالت و حضور کنسولهای روس و نمایندگان آنها در دعاوی مدنی مشخص می‌شود. به موجب این فصل دعاوی مدنی سه حالت زیر را دارا می‌باشند:

۱- اگر اختلاف بین دو نفر از اتباع روسیه باشد محاکم قضائی ایران حق رسیدگی نداشته و برلی حل مراعات بین آن دو فقط محاکم روسیه حق رسیدگی دارا می‌باشد.

۲- اگر اختلاف بین یک نفر از اتباع روسیه و بیگانه‌ای از کشور غیر از ایران باشد در این امور هم محاکم قضایی ایران حق رسیدگی ندارند منتها قرارداد ترکمانچای در این مورد محکمه‌ای تعیین ننموده و فقط سلب صلاحیت از محاکم قضایی ایران کرده بود. مگر این که تراضی طرفین دعوا باشد که در محاکم ایران اختلاف آنها مورد بررسی قرار گیرد.

۳- اگر اختلاف بین تبعه روس و ایران بود در این مورد محاکم ایران حق رسیدگی را داشت منتها با حضور کنسول یا نماینده او محاکم صلاحیت این کار را پیدا می‌کردند.

متن فصل هفتم چنین است: «همه ادعاها و امور متنازع فیها که مابین تبعه روسیه باشد بالانحصار به ملاحظه و قطع و فصل وکیل یا کنسولهای اعلیحضرت امپراتوری بر طبق قوانین و عادت دولت روسیه حل و فصل می‌شود و همچنین است منازعات و ادعاهائی که ما بین تبعه روس و تبعه دولت دیگر اتفاق بیفتد در حالتی که طرفین به آن راضی شوند و منازعات و ادعاهائی که ما بین تبعه روس و ایران واقع شود، به دیوان حاکم شرع یا

حاکم عرف معروض و محول می‌گردد و ملحوظ و طی نمی‌شود، مگر در حضور مترجمان وکیل یا کنسولها.»^۱

ب- بررسی دعاوی جزائی

فصل هشتم معاهده در طرز رسیدگی به موارد اختلافی در امور جزائی است. برطبق این اصل محاکم ایرانی حق رسیدگی به جرائم مربوط به قتل و غیره را که اتباع روسیه در ایران انجام می‌دادند نداشتند و این کار فقط در صلاحیت انحصاری وزیرمختار یا کنسول روس در ایران و بر اساس مقررات جزائی روسیه بود.

در مواردی که اتباع روسیه مستقیماً یا با شرکت اتباع دول دیگر متهم به ارتکاب جرائمی می‌شدند محاکم مملکتی نمی‌توانستند بدون حضور مامور سفارت یا کنسولگری روس به جرم مزبور رسیدگی و حکم دهند. طبق این فصل پس از اثبات جرم و صدور حکم، مجرم می‌بایست تسلیم مقامات روسیه شود تا جهت مجازات به روسیه اعزام گردد.

متن فصل هشتم چنین است:

«کار قتل و امثال آن گناهان بزرگ که در میان خود رعایای روسیه واقع شود، تحقیق و قطع و فصل آن مطلق در اختیار ایلچی یا وکیل یا کنسول روسیه خواهد بود. بر وفق قوانین شرعیه که به ایشان در باب اهل ملت خود داده شده است. اگر یکی از تبعه روسیه به دعوی جرمی مستلزم‌السیاسه با دیگران متهم باشد، به هیچ وجه او را تعاقب و اذیت نباید کرد، مگر در صورتی که شراکت او به جرم ثابت و مدلل شده و در

۱- ر.ک. محمد حسن اعتمادالسلطنه (صنیع‌الدوله)، تاریخ منتظم ناصری، به تصحیح دکتر محمداسماعیل رضوانی، جلد سوم، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۷، ص ۱۵۹۰.

این حالت نیز مانند حالتی که یکی از تبعه روسیه بنفسه به جرمی متهم می‌شد حکام ولایت نمی‌توانند که به تشخیص و حکم جرم پردازند مگر در حضور گماشته از طرف وکیل یا کنسول روسیه باشد.

اگر در اماکن صدور جرم از کنسولها یا وکیل کسی نباشد حکام ولایت مجرم را به جایی که کنسول یا صاحب بعضی از دایره وکالت روسیه در آنجا باشد روانه می‌کنند و استشهادنامه که در باب براءت و شغل ذمه متهم به واسطه حاکم و مفتی آن مکان از روی صداقت مرتب و به مهر ایشان رسیده باشد و به این کیفیت عملی که حکم جرم خواهد شد فرستاده شود. این گونه استشهادنامه‌ها به سند معتبر و مقبول، ادعا خواهد شد، مگر اینکه متهم عدم صحت آن را علانیه ثابت نماید و در صورتی که متهم چنانچه باید ملتزم گشته، فتوای صریح حاصل شود، مجرم را به وکیل یا کنسول روسیه تسلیم می‌سازد که برای اجرای سیاستی که در قوانین مقرر است به مملکت روسیه بفرستد.^۱

تاسیس دیوان محاکمات وزارت امور خارجه

در اثر گسترش تجارت و ارتباط سیاسی بین ایران و کشورهای خارجی، عدهٔ اتباع اروپایی و بیگانه در ایران افزایش یافت و به دنبال آن اختلافات در مسائل قضائی و حقوقی بین آنها هم افزایش یافت. برای حل این مراعات سازمان عریض و طویلی به نام «دیوان محاکمات وزارت خارجه» در مرکز توسط حکومت تاسیس شد. این سازمان در حقیقت دادگاه ویژه‌ای بود که جهت اتباع خارجی تشکیل می‌شد.^۲ و وظیفه‌اش

۱- اعتمادالسلطنه، منتظم ناصری، جلد سوم، ص ۱۵۹۱.

۲- ویلهلم لینن، ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحمایگی (۱۹۱۹-۱۸۷۰ م)، ترجمه دکتر مریم میراحمدی، تهران، انتشارات معین، چاپ اول، ۱۳۶۷، ص ۲۲۵.

دادرسی استثنایی بود که وزارت عدلیه حق مداخله در آن را نداشت. به همین جهت در سال ۱۸۶۲ م / ۱۲۷۹ ه. ق دولت ایران دستورالعملی درباره رسیدگی به دعاوی اتباع خارجی در وزارت امور خارجه صادر کرد که فصل اول آن چنین مقرر می‌دارد:

«در تکلیف وزارت امور خارجه با دیوان عدلیه اعظم، وزارت امور خارجه نظر به اینکه یکطرف مدعی یا مدعی علیه از تبعه خارجه خواهد بود باید کاری که فی‌مابین تبعه این دولت و اتباع خارجه اتفاق می‌افتد بگذارد، به این جهت در وزارت عدلیه مداخله در آن جایز نیست، مگر اینکه تبعه خارجه نیز به اطلاع سفارت آن دولت و وزیر امور خارجه خود رجوع به دیوان عدالت نماید و البته رسیدگی و احقاق حق به عمل آید، توضیح اینکه اگر از متداعیین یکی از تبعه خارجه باشد این خالی از دو صورت نیست یا عارض اعم از داخله یا خارجه به صرافت طبع خود به وزارت عدلیه رجوع خواهد کرد، وزارت خارجه کاری که در این میان خواهد داشت فرستادن و کیلی است به وزارت عدلیه که از بدو تا ختم گفتگو مستحضر شده عواقب را به وزارت خود اطلاع دهد و اگر بعکس باشد از وزارت عدلیه همین وکیل در وزارت خارجه لابد حاضر خواهد شد، برای ختم کار و کسب استحضار، این دو وزارت در این دو قسم محاکمات که یکی خارجه باشد و دیگری داخله حتماً از ختم گفتگو باید یکدیگر را اطلاع دهند و به استحضار هم قطع و فصل گفتگو را بنمایند.»^۱

دیوان محاکمات «شامل شعبه حقوقی، و شعبه جزائی و محکمه تجارت و یک دادسرا و دفتر بازپرسی و یک دفتر ثبت بود.»^۲ رئیس دیوان

۱- ناصری، «بررسی کاپیتولاسیون» ص ۱۷.

۲- سعید وزیری، کاپیتولاسیون، ص ۱۶.

محاکمات در تهران کارمند وزارت امور خارجه بود که در ضمن تنها قاضی دادگاه هم بود.^۱

تاسیس کارگزاریها

وظیفه دیوان محاکمات در ولایات به عهده نمایندگان وزارت امور خارجه گذارده شده بود که آنها را «کارگزار» می نامیدند. زمان تاسیس آن طبق گفته فلور در دهه ۱۸۵۰ م / ۱۲۶۷ ه. ق بود.^۲ قبل از تاسیس کارگزاریها، وظیفه آنها را «دبیر یا رئیس ایالتی انجام می داد.»^۳

ویلیام فلور در مورد وظیفه کارگزاریها می نویسد:

«مستول اداره امور مربوط به رعایا یا اتباع، رفت و آمد مرزی و بیگانگان در حال مسافرت یا ساکن بود. در این دعاوی بندرت قوانین شرع یا عرف بکار می رفت، چون درباره این دعاوی بر اساس مساوات تصمیم گرفته می شد.»^۴

سعی کارگزاریها در این بود که طرفین دعوا را راضی کنند و به یک توافق مورد تراضی طرفین برسانند.^۵ آنها نقش روابط میان مقامهای محلی و ایالات را با کنسولهای خارجی نیز به عهده داشتند. ویلهلم لیتن کنسول

۱- لیتن، ایران از نفوذ...، ص ۲۲۵.

۲- ویلیام فلور، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، جلد اول، تهران، انتشارات توس، چاپ اول، ۱۳۶۶، ص ۱۷۰.

۳- همان، ص ۱۷۰.

۴- همان، ص ۱۷۰.

۵- بعضی از این کارگزاریها در این زمینه موفق بودند. ادیب الملک در مورد رفتار خوب کارگزار آذربایجان جهت حل مشکلات قضائی مربوطه می نویسد که رفتار و عملکرد دبیرمهام وزارت امور خارجه موجب شده بود که تجار خارجی در معاملات و مراعات احتیاج به قاضی و مفتی نداشته باشند. عبدالعلی ادیب الملک، دافع الغرور، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۹، ص ۱۲۶.

آلمان در تبریز در طول جنگ اول جهانی در مورد ترکیب کارگزارها در ایالات ایران می‌نویسد:

«این اداره در ایالات، مرکب از دو عضو عالی‌رتبه ایرانی است که محاکمات خارجی را با ایرانیان رسمیت می‌بخشد و احتمالاً اجرای حکم را تهیه می‌بیند، یکی حکمران که به عنوان مقام عالی ایرانی است و دیگری کارگزار که با خارجیها سروکار دارد.»^۱

با افزایش کنسولگریها و نمایندگیهای بیگانه در ولایات تعداد کارگزارها نیز افزایش یافت و آن سازمان وسعت یافت. بنا به نوشته استاد محیط طباطبایی، «اواخر عهد ناصری و سلطنت مظفرالدین شاه در شهرهای تبریز و ارومیه و آستارا و رشت و ساری و استرآباد و بندرگز و دره‌گز و بجنورد و قوچان و سرخس و مشهد و بیرجند و نصرت‌آباد و سیستان و کرمان و بندرعباس و محمره و ناصری (اهواز) و کرمانشاه و ذهاب و سنندج و بروجرد و کاشان و اصفهان و یزد و شیراز کارگزارانی از طرف وزارت امور خارجه ماموریت داشتند.»^۲

برحسب اهمیت محل و شان و مقام کنسولهای بیگانه، کارگزارها در شهرستانها به چهار درجه تقسیم شده بود. آذربایجان، خراسان و بنادر جنوب دارای کارگزاری درجه یک بودند. محمره (خرمشهر)، گیلان، استرآباد، گنبدقابوس، کرمانشاهان دارای کارگزاری درجه دو بودند. اردبیل، ارومیه، سیستان، ساوجبلاق، سرخس، اهواز، تربت، بیرجند، بجنورد، شیراز، مازندران، کرمان، اصفهان و قزوین دارای کارگزاری درجه سه بودند. خوی، سلماس، سبزواری، نیشابور، لنگرود، لاهیجان، طوالش،

۱- لیتن، ایران از نفوذ...، ص ۲۲۵.

۲- محیط طباطبایی، دادگستری از انقراض ساسانی تا ابتدای مشروطیت، به نقل از ناصری، «بررسی کاپیتولاسیون»، ص ۱۶-۱۷.

انزلی، بندرگز، کردستان و همدان دارای کارگزاری درجه چهار بودند.^۱ لازم به تذکر است که علاوه بر ادارات کارگزاری مزبور، در شهرستانهای کوچکتر دفترهایی به نام وکالت کارگزاری وجود داشت. اینها در شهرهایی مانند آستارا، مراغه و جلفا وجود داشت.^۲

تشکیل محاکم مختلط

در دهه ۱۸۵۰ م/ ۱۲۶۷ ه. ق به تقلید از محاکم عثمانی، محاکم جدیدی به نام «محاکم مختلط» تشکیل شد. این محاکم ابتدا در تبریز به وجود آمد. در مورد این محاکم فلور می‌نویسد:

«در این دادگاه طرفین دعوا یک نفر را که مورد اعتماد آنها بود، انتخاب می‌کردند و کنسول شخص ثالثی را برمی‌گزید و این سه نفر در دادگاه حضور می‌یافتند، دادگاه درباره دعوا بررسی کرده، نظریات خود را به کنسول ارائه می‌داد، و کنسول حکم صادر می‌کرد. هر چند این نظام در صورتی که مرافعات بین اتباع اروپائی بود، در انجام وظایف خود موفق بود، وقتی مرافعه بین اتباع خارجی و ایران بود، توفیقی به دست نمی‌آورد.»^۳

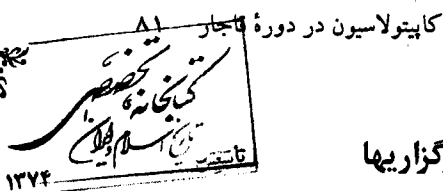
نیکیتین کنسول روسیه تزاری در رشت می‌نویسد که در محاکمات مختلط منشی اول ایرانی کنسول خانه هم حضور پیدا می‌کرد که وی معمولاً برای تنظیم صورت مجلس حاضر می‌شد و حق مداخله در مذاکرات را نداشت.^۴

۱- معزی، تاریخ سیاسی ایران، ص ۸۰۷.

۲- همان، ص ۸۰۷.

۳- فلور، تاریخ قاجار، جلد اول، ص ۱۷۱.

۴- موسیو. ب. نیکیتین، ایرانی که من شناختم، ترجمه و نگارش فره وش (مترجم همایون سابق) با مقدمه ملک‌الشعراء بهار، تهران، کانون معرفت، ۱۳۲۹، ص ۹۵.



نفوذ بیگانگان در دیوان محاکمات، کارگزاریها و محاکم مختلط

با توجه به ضعف دولت قاجار در مقابل دول استعمارگر به خصوص دولت غالب روسیه، دیوان محاکمات و کارگزاریها و محاکم مختلط تحت تسلط کشورهای دارای نفوذ در ایران درآمده بود.

عمال و ایادی روسیه که به نام «تاجر باشی» و «اگنت» نامیده می شدند، صدی نود و نه از محاکمات را به نفع اتباع روسیه خاتمه می دادند.^۱ در اثر اعمال نفوذ آنها خیلی مواقع محکمه های دیوان محاکمات و کارگزاریها به علت عدم حضور آنها تشکیل نمی شد.

سعید وزیری در مورد دخالت ماموران روسیه در دیوان محاکمات و کارگزاریها می نویسد:

«کنسولهای روسیه تزاری به موجب حقوقی که به دست آورده بودند نه تنها در موارد خاص خود حق قضات را در یک مملکت به ظاهر مستقل غصب کرده بودند، بلکه در مواردی هم که فقط اشاره به لزوم حضور آنان در محاکمات شده بود، برخلاف مواد عهدنامه عملاً از حدود خود تجاوز می کردند و با ایجاد نوعی حق وتو در اخذ تصمیم و حق تصویب (ویزا) در اجرای حکم، طبیعت و نتیجه احکام قضایی را مطابق مصالح و امیال خود تغییر می دادند و با دخالت مستقیم در صدور رای محاکم کارگزاری عملاً نوعی محکمه مختلط ایجاد می کردند.»^۲

۱- ابراهیم فخرائی، گیلان در جنبش مشروطیت، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ اول، ۱۳۵۲، ص ۴۱.

۲- سعید وزیری، کاپیتولاسیون، ص ۱۶-۱۷.

نقش کنسولگریها در رژیم کاپیتولاسیون در ایران

طبق قواعد بین‌المللی وظایف کنسولگریها مربوط به امور گذرنامه و روادید و اطلاع از وضع اتباع کشور متبوع خود و گواهی امضای اسناد و ثبت تولد و ازدواج و فوت و امثال این امور است و کار آنها با امور سیاسی سفارتخانه‌ها تفاوت دارد. در کشورهای اروپایی در زمان مورد بحث، کنسولگریها دارای امتیازات ماموران سیاسی نبودند. آنها به هیچ وجه از مصونیتها و امتیازاتی که سفیرکبیر یا وزیرمختار یا سایر اعضای اصلی یک سفارتخانه در کشور دیگری دارند برخوردار نبودند.^۱

اما در ایران و عثمانی که رژیم کاپیتولاسیون در آنجا حاکم بود کنسولگریها از وظایف خود پا فراتر گذاشته بودند، و به خصوص کنسولگری روس در ایران به کارهایی دست می‌زد که به هیچ وجه در حیطه عمل آن نبود. کنسولگری روس در بعضی نقاط سازمان محاکم مختلط تشکیل داده بود که هم قاضی و هم مجری حکم بود.

نیکیتین کنسول روسیه تزاری در رشت اموری را که کنسولگری روس در رشت انجام می‌داده نام می‌برد که از جمله این امور رسیدگی به امور تبعه روس، رسیدگی به امور اشخاص تحت‌الحمايه اداره کنسولی، رسیدگی به راه شوسه انزلی و تصادفاتی که در آن روی می‌داد، رسیدگی به کار صاحبان املاکی که وثیقه بانک روس بود و باید حمایت می‌شد و بالاخره رسیدگی به کار عده‌ای بست‌چی که در کنسولگری بست می‌نشستند، بوده است.^۲

۱- مصدق، کاپیتولاسیون در ایران، ص ۳۰-۲۹.

۲- نیکیتین، ایرانی که من شناخته‌ام، ص ۹۰.

امتیاز کاپیتولاسیون به دیگر کشورها

بعد از معاهده ترکمانچای و برقراری رژیم کاپیتولاسیون به نفع اتباع روسیه در ایران، دیگر کشورهای بیگانه که بعد از آن با ایران قراردادهای سیاسی، تجاری و دوستی منعقد می‌کردند، امتیازات مربوط به کاپیتولاسیون را صریحاً یا تحت عنوان دول کامله‌الوداد از ایران می‌گرفتند.

معاهدات ایران با کشورهای خارجی در قبل از مشروطیت، از حیث مندرجات دو قسمت است:

- الف- معاهداتی که امتیازات مربوط به قضاوت کنسولی در آنها صریحاً به نفع اتباع بیگانه در ایران ذکر شده است. مضاف بر اینکه در این گونه معاهدات اصل کامله‌الوداد هم برای طرفین آمده است.
- ب- معاهداتی که در آنها دول به استناد شرط دول کامله‌الوداد از رژیم کاپیتولاسیون در ایران بهره‌مند می‌شدند.

الف- معاهداتی که صریحاً برقراری رژیم کاپیتولاسیون در آنها به نفع بیگانگان ذکر شده است.

۱- عهدنامه مودت و تجارت ایران و اسپانیا

این عهدنامه در تاریخ ۴ مارس ۱۸۴۲ م / ۲۱ محرم ۱۲۵۸ ه. ق بین نماینده ایران و اسپانیا در قسطنطنیه به امضاء رسید. بر طبق فصل پنجم این عهدنامه قضاوت کنسولی به نفع اتباع اسپانیا در ایران برقرار شد.^۱

۱- متن فصل پنجم معاهده: «هر وقت که در خصوص معامله و دادوستد ما بین دولتین معاهدتین گفتگو و نزاعی اتفاق افتاد آن نزاع باید موافق عادت و شرعیت مملکت به استحضار وکیل تجار آن دولت قطع و فصل شود. هر گاه یکی از تبعه دولتین مفلس و با

نکته‌ای که در رابطه با مسئله کاپیتولاسیون بین ایران و فرانسه و همچنین اسپانیا وجود دارد این است که حق قضاوت کنسولی از طرف وزارت خارجه ایران برای اتباع فرانسه و اسپانیا همیشگی شناخته شده بود و همین مسئله همچنان که در آینده خواهیم گفت، در موقع الغاء کاپیتولاسیون در سال ۱۹۲۷ م/ ۱۳۰۶ ه. ش باعث اعتراض دولت اسپانیا و فرانسه به لغو یک جانبه کاپیتولاسیون شد.

۲- معاهدات مودت و تجارت ایران و فرانسه

بین ایران و فرانسه در رابطه با برقراری رژیم کاپیتولاسیون به نفع اتباع فرانسه در ایران بعد از معاهده ترکمانچای دو قرارداد منعقد شد.

اولین قرارداد در سال ۱۸۴۷ م/ ۱۲۶۳ ه. ق بین نماینده اعزامی فرانسه به دربار محمدشاه به نام کنت دوسارتیژ و صدراعظم ایران میرزا آقاسی به امضا رسید. طبق این قرارداد اتباع دو کشور به طور تساوی حق تجارت در کشور یکدیگر را یافتند و دولت فرانسه بنابر اصل دول کامله‌الوداد امتیازاتی که روسیه و انگلستان برخوردار بودند تحصیل کرد. (فصل یک و دو)^۱ در فصل سوم این قرارداد برقراری قضاوت کنسولی به نفع اتباع فرانسه در ایران در نظر گرفته شده بود.^۲

→ شکست مواجه شود، می‌باید بعد از ملاحظه دفتر ارسال و مرسول و طلب و تنخواه آن اموال و اسباب او، فی‌مابین ارباب طلب به طور غرما تقسیم گردد و اگر یکی از تبعه طرفین وفات کند مخلفات او باید به وکیل تجار آن دولت تسلیم شود.» محمدتقی لسان‌الملک سپهر، *ناسخ التواریخ - سلاطین قاجار*، به تصحیح و حواشی محمدباقر بهبودی، جلد سوم، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۳، ص ۳۲.

- ۱- عبدالرضا هوشنگ مهدوی، *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی*، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۹، ص ۳۶۰.
- ۲- متن فصل سوم: «در ممالک محروسه ایران اگر فی‌مابین اتباع فرانسه مراجعه یا

ولی این قرارداد به علت مرگ محمدشاه و اختلافات حاصل بین صدراعظم ناصرالدین شاه، امیرکبیر و کنت دوسارثیز که باعث شد وی به حالت قهر تهران را ترک کند، عملاً به مرحله اجرا نرسید.

معاهده‌ای که مبنای قضاوت کنسولی به نفع اتباع فرانسه در ایران بود، معاهده دوستی و تجاری تهران در ۱۲ ژوئیه ۱۸۵۵ م / ۲۷ شوال ۱۲۷۱ ه. ق است. ماده پنجم این معاهده مربوط به رسیدگی به دعاوی بین اتباع فرانسه یا اتباع فرانسه با اتباع ایران یا اتباع فرانسه با دیگر کشورها می‌باشد.^۱

→ مباحثه یا منازعه روی دهد طی گفتگو و اجرای آن، بالتمام به عهده وکیل یا قنصل دولت بیهیه فرانسه است، اگر متوقف در محل و مکان این مرافعه و مباحثه و منازعه بوده باشد والا در مملکتی که اقرب به مکان مزبور است خواهد بود. وکیل یا قنصل مزبور طی گفتگو را بر وفق قوانین متداوله در مملکت فرانسه خواهد کرد. هرگاه مرافعه یا منازعه تبعه دولت بیهیه فرانسه و اتباع دولت علیه ایران در مملکت ایران حادث گردد، در محلی که وکیل یا قنصل دولت بیهیه فرانسه مقیم باشد، مقالات متداعیین تحقیق و تدقیق و اجرای حکم به عدل و انصاف در محکمه دولت علیه ایران که محل عادیه طی این گونه امورات است با حضور احدی از منشیان وکیل یا قنصل دولت بیهیه مزبور خواهد شد. هرگاه مرافعه یا مباحثه یا منازعه، در مملکت ایران فی مابین اتباع دولت بیهیه فرانسه و تبعه سایر دول خارجه واقع شود تحقیق و اجرای آن به عهده وکلا یا قنصلهای طرفین خواهد بود. وکذلک گفتگوها و منازعاتی که فی مابین تبعه دولت علیه ایران و اتباع دولت بیهیه فرانسه و تبعه سایر دول خارجه در ممالک محروسه فرانسه اتفاق افتد، قرار انجام و اتمام آن به نحوی خواهد بود که با اتباع دول کامله الوداد در مملکت مزبور معمول و مرتب می‌شود.

اتباع دولت بیهیه فرانسه در ممالک ایران یا تبعه دولت علیه ایران، در ممالک فرانسه اگر متهم به گناهان کبیره گردند، به نهجی که در مملکتین مزبورین با اتباع دول کامله الوداد قید می‌شود، با ایشان نیز معمول و مرتب و قطع و فصل خواهد شد.»

- مازندرانی، عهدنامه‌های تاریخی، ص ۱۵۵.

۱- متن فصل پنجم معاهده مزبور همانند فصل سوم قرارداد ۱۸۴۷ م / ۱۲۶۳ ه. ق می‌باشد. ر.ک. سپهر، ناسخ التواریخ، جلد چهارم، ص ۱۱۷، عباس میرزا اعتضادالدوله

۳- عهدنامه مودت و تجارت ایران و آمریکا

این عهدنامه در ۱۳ دسامبر سال ۱۸۵۶ م / ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۷۳ ه. ق بین سفیر آمریکا در قسطنطنیه و فرخ خان امین‌الدوله به امضاء رسید. فصل پنجم این معاهده حق قضاوت کنسولی را در ایران به دولت آمریکا می‌دهد.^۱

۴- عهدنامه مودت و تجارت ایران و اتریش

این عهدنامه در ۱۷ مه ۱۸۵۷ م / ۲۲ رمضان ۱۲۷۳ ه. ق مابین نماینده ایران و اتریش در پاریس به امضاء رسید. فصل نهم و دوازدهم این عهدنامه مربوط به قضاوت کنسولی به نفع اتباع دولت اتریش در ایران است.

→ (ترجمه و تألیف)، تاریخ روابط ایران و ناپلئون به انضمام سیاست روس و انگلیس در ایران، تهران، انتشارات نوین، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۸۶-۸۵.

۱- متن فصل پنجم: «تمام مرافعات و منازعات واقعه در ایران مابین اتباع ایران و تبعه اتازونی به محکمه ایرانی که معمولاً مرجع این گونه مسائل است در محلی که فنسول یا مامور اتازونی اقامت داشته باشد رجوع خواهد شد و گفتگو و حکم آن از روی انصاف و در حضور گماشته فنسول یا مامور اتازونی به عمل خواهد آمد.

تمام منازعات و مرافعاتی که در ممالک ایران مابین اتباع اتازونی به موقع می‌رسد کلاً برای محاکمه و فیصل به فنسول یا مامور اتازونی که در ایالت محل وقوع مرافعه یا در نزدیک‌ترین ایالت اقامت دارد رجوع خواهد شد و مشارالیه موافق قوانین اتازونی حکم خواهد داد. تمام مرافعات و منازعات واقعه در ایران مابین تبعه اتازونی و اتباع دول خارجه به توسط قنسولهای آنها محاکمه و قطع خواهد شد.

در اتازونی مرافعات اتباع ایرانی و خارجی موافق قواعدی که در اتازونی در مورد اتباع دول کامله‌الوداد معمول است حل خواهند شد. در صورتی که اتباع ایرانی مقیم اتازونی و تبعه اتازونی مقیم ایران متهم به جنایت شوند، (کریم) در این دو مملکت رسیدگی و محاکمه همانطور خواهد بود که در مورد اتباع دول کامله‌الوداد مقیم این دو مملکت معمول است.» مازندرانی، عهدنامه‌های تاریخی، ص ۱۷۹.

فصل نهم در مورد محاکمات و تجدید رسیدگی و فصل دوازدهم مربوط به محاکمات جنایی است.^۱

۵- عهدنامه مودت و تجارت ایران و بلژیک

این عهدنامه در ۳۱ ژوئیه ۱۸۵۱ م / ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۲۶۷ ه. ق بین ایران و بلژیک در بروکسل به امضا رسید.

۱- فصل نهم: «تمام منازعات و مشاجرات و مرافعاتی که مابین اتباع اتریش در ایران به وقوع می‌رسد به توسط نماینده اعلیحضرت امپراتور در دربار ایران، یا قنصل اتریش محل اقامت آنها، یا قنسولی که در نزدیکترین محل است و مطابق قوانین اتریش رسیدگی و قطع و فصل خواهد شد. بدون اینکه حکومت محلی اندک ممانعت یا مختصر اشکالی بنماید.

منازعات و مشاجرات و مرافعات واقعه در ایران مابین اتباع اتریش و اتباع ممالک خارجه فقط به توسط مامورین یا قنصلوهای آنها محاکمه خواهد شد.

تمام منازعات و مشاجرات و مرافعاتی که در ایران مابین اتباع دولتین معظمتین به وقوع می‌رسد در محاکم ایرانی محاکمه خواهد شد. ولی قطع و فصل این اختلافات و منازعات بدون حضور و دخالت نماینده یا قنصل اتریش یا بدون حضور (مترجم) که از طرف مشارالیه مامور باشد جایز نخواهد بود و طی این مواد تماماً موافق قوانین و عادات مملکتی به عمل خواهد آمد. بعد از اینکه مرافعه به موجب حکم قاضی که مرجعیت داشته باشد ختم شد، مجدداً رسیدگی امکان نخواهد داشت. ولی اگر تجدید رسیدگی لزوماً اقتضا نمود باید به اطلاع نماینده یا قنصل اتریش یا در حضور درگمان که از طرف ایشان مامور می‌شود در یکی از محاکمات اعلای تمیز و تفتیش که در طهران و تبریز و اصفهان برقرار است، صورت وقوع پیدا نماید.

در ازای این تعهدات، رعایای دولت علیه ایران هم در اتریش از حیث منافع و حقوق مکتسبه خود، در صورت اختلاف در تحت حمایت قوانین و محاکمات دولت اتریش خواهد بود. به همان قسم که رعایای اتریش و اتباع سایر دول هستند. درباب همراهی که نمایندگان و قنصل و مامورین دولت علیه ایران بخواهند در نزد کارگزاران دولت اتریش از هموطنان خودشان بنمایند، دولت فخریه اتریش به مشارالیه همان حق را می‌دهد که مامورین سیاسی و قنصلوهای دول کامله‌الوداد دارا هستند.»

فصل دوازدهم: در صورتی که اتباع اتریش در ایران و تبعه ایران در اتریش در مسائل جرم و جنایت (کریم) پیدا نمودند در مملکتین این گونه امور به طوری محاکمه خواهد شد که در مورد دول کامله‌الوداد معمول است. مازندران، عهدنامه تاریخی، ص ۴۸.

فصل پنجم این معاهده مربوط به مرافعه مابین اتباع بلژیک در ایران و مرافعه مابین اتباع بلژیک و خارجه در ایران و مرافعه مابین تبعه ایران و غیره در بلژیک است. این فصل حق قضاوت کنسولی به نفع اتباع بلژیک در ایران را اعلام می‌دارد.^۱

۶- عهدنامه مودت و تجارت و سیرسفاین ایران و یونان

این معاهده در تاریخ ۲۴ ربیع‌الآخر ۱۲۷۸ برابر با ۲۸ اکتبر ۱۸۶۱ مابین نماینده ایران با سفیر یونان در قسطنطنیه به امضا رسید. طبق فصل نهم این معاهده اتباع یونان در ایپلن از امتیازات مربوط به رژیم کاپیتولاسیون در ایران بهره‌مند شدند.^۲

۱- مرافعات و منازعات و مشاجراتی که در مملکت ایران فی‌مابین بلژیکی‌ها واقع می‌شود باالتمام به قرارداد و حکم مامور یا قنصل بلژیک که در ایالت محل نزاع یا نزدیکترین ایالت اقامت دارد رجوع شده و مشارالیه موافق قوانین بلژیک حکم خواهد کرد.

مرافعات و منازعات و مشاجراتی که در ایران مابین بلژیکی‌ها و ایرانی‌ها بوقوع می‌رسد، به محکمه ایرانی که معمولاً مرجع این قبیل مسائل است و در محلی که قنصل یا مامور دولت بلژیک اقامت دارد رجوع شده، در حضور یکی از افراد مامور یا قنصل و از روی حقانیت رسیدگی و قطع خواهد شد. مرافعات و منازعات و مشاجرات واقعه در ایران فی‌مابین بلژیکی و اتباع ممالک خارجه به توسط مامورین یا قنصلهای آنها محاکمه و قطع و فصل می‌شود. در مملکت بلژیک منازعات واقعه فی‌مابین خود رعایای ایران و منازعات تبعه ایرانی با تبعه بلژیک یا با تبعه دول خارجه موافق رسم معمول آن مملکت نسبت به تبعه کامله‌الوداد محاکمه می‌شود.

اما در باب محاکمه امور متعلقه بجرم و جنایت (کریم) که بلژیکی‌ها در ایران و ایرانی‌ها در بلژیک متهم به آن شده باشند این قبیل مسائل به طوری رسیدگی و قطع خواهد شد که با دول کامله‌الوداد معمول است.»

مازندرانی، عهدنامه‌های تاریخ، ص ۱۸۸.

۲- فصل نهم: «مرافعات و مشاجرات و منازعاتی که در ایران مابین خود تبعه یونان و

۷- عهدنامه مودت و تجارت ایران و ایتالیا

این معاهده در تاریخ ۱۸۶۲ م / ۱۲۷۹ ه. ق بین ایران و ایتالیا در تهران به امضاء رسید.

طبق ماده پنجم این معاهده ایتالیا از امتیازات رژیم کاپیتولاسیون به نفع اتباع خود در ایران بهره‌مند شد.^۱

→ خارجه بوقوع می‌رسد و همچنین منازعات و مشاجرات و مرافعاتی که در یونان مابین خود تبعه ایران یا بین تبعه ایرانی و تبعه خارجه واقع می‌شود بطوری که در مملکتین در مورد اتباع دول کامله‌الوداد معمول است، محاکمه خواهند شد.

مرافعات و منازعات و مشاجراتی که در ایران مابین تبعه ایرانی و تبعه یونانی واقع می‌شود به محاکمات ایرانی رجوع خواهد شد، ولی گفتگو و قطع و فصل مرافعات و اختلافات مزبوره جایز نخواهد بود مگر در حضور مامور سیاسی و یا قنصل یونان یا در حضور دورگمانی که از طرف ایشان معین می‌شود، تمام این مراتب به طوری خواهد بود که نسبت به دول کامله‌الوداد معمول است. اما درباب امور جنایتی که اتباع یونان در ایران و اتباع ایران در یونان متهم به آن شده باشند، در مملکتین این گونه امور برفوق قانونی که در ایران و در یونان نسبت به اتباع کامله‌الوداد معین شده است رسیدگی و محاکمه خواهد شد. در صورت فوت تبعه یکی از دولتین در خاک مملکت دیگری ترکه او بالتمام به مامور یا قنصل دولت متبوعه متوفی داده خواهد شد، برای اینکه مشارالیه موافق قوانین مملکت خود به طوری که مقتضی است اقدام نماید.»

مازندرانی، *عهدنامه‌های تاریخ*، ص ۱۹۴.

۱- «مرافعه و مشاجره و منازعه که در مملکت ایران فی مابین تبعه ایتالیا به وقوع می‌رسد بالتمام به قرارداد و حکم مامور یا قنصل ایتالیا که در ایالت محل نزاع یا نزدیکترین ایالت است، رجوع شده و مشارالیه موافق قوانین ایتالیا حکم خواهد داد.

مرافعه و منازعه و مشاجره که در ایران مابین اتباع دولت ایتالیا و رعایای دولت‌علیه به ظهور می‌رسد به محکمه ایرانی که معمولاً مرجع این گونه امورات داخلی که مامور یا قنصل دولت ایتالیا اقامت دارد رجوع شده و با حضور یکی از اعضاء مامور یا قنصل ایتالیا و از روی حقانیت رسیدگی و حکم در مورد آن خواهد شد.

مرافعه و منازعه و مشاجره واقعه در ایران، فی مابین تبعه ایتالیا و اتباع ممالک خارجه به توسط مامورین یا قنصل‌های دول متبوعه مومی‌الیه محاکمه و قطع و فصل خواهد شد.

۸- عهدنامه مودت و تجارت و دریانوردی ایران و آلمان

این معاهده در ۱۱ ژوئن ۱۸۷۳ م / ۱۵ ربیع الثانی ۱۲۹۰ ه. ق در سن پترزبورگ ما بین آلمان و نماینده ایران به امضاء رسید که طبق مواد ۱۳ و ۱۶ آن به نفع اتباع آلمان در ایران، رژیم کاپیتولاسیون برقرار می شد.^۱

→ در مملکت ایتالیا فی مابین رعایای ایران و نیز منازعات ایرانی با تبعه ایتالیا یا با اتباع دول خارجه به طوری که با اتباع دول کامله الوداد معمول است محاکمه و قطع خواهد شد. مازندران، عهدنامه های تاریخی، ص ۱۹۶.

۱- «تمام منازعات و مشاجرات و مرافعاتی که در ایران مابین آلمانی ها بوقوع می رسد به توسط نمایندگان آنها در دربار دولت علیه ایران یا به توسط قنسولی که این اشخاص در تحت مرجعیت او هستند، یا به توسط نزدیکترین محل اقامت آنها و مطابق قوانین مملکت خودشان رسیدگی و قطع و فصل خواهد شد، بدون اینکه حکومت محلی اندک ممانعت یا مختصر اشکالی نماید.

منازعات و مرافعات و مشاجرات واقعه در ایران مابین آلمانی ها و اتباع ممالک خارجی فقط به توسط مامورین یا قنسولهای آنها محاکمه و فیصل خواهد شد.

تمام منازعات و مشاجرات و مرافعات واقعه در ایران مابین اتباع دولتین معظمتین در محاکم ایرانی قضاوت خواهد شد. ولی قطع و فصل اختلافات و مرافعات مزبور جایز نخواهد بود، مگر با حضور و با دخالت نماینده یا قنسول آلمان و یا در حضور «درگمانی» که از طرف آنها برای این امر معین شده است و طی مواد تماماً موافق قوانین و عادات مملکتی خواهد بود.

بعد از آن که مرافعه به واسطه صدور حکم قاضی که مرجعیت داشته باشد ختم شد، مجدداً رسیدگی ممکن نخواهد بود، ولی اگر تجدید رسیدگی صورت لزوم پیدا نمود، باید به اطلاع نماینده یا قنسول که آلمانی های مزبور در تحت مرجعیت او هستند و یا در حضور درگمانی که از طرف مشارالیه مامور است، در یکی از محاکمات اعلی و تمیز که در طهران و تبریز و اصفهان منعقد است، وقوع یابد. در ازای این تعهدات در دولت آلمان هم رعایای ایران از حیث حقوق و منافع مکتسبه خودشان، در صورت وقوع اختلاف، مانند رعایای آلمان و اتباع سایر دول در تحت حمایت و قوانین محاکمات مملکت مزبوره خواهند بود. اما در باب همراهی که نمایندگان و قنسولها و وکلای قنسولگری دولت علیه

۹- عهدنامه مودت و تجارت ایران و سوئیس

این عهدنامه در تاریخ ۲۳ ژوئیه ۱۸۷۳ م / ۲۸ جمادی الاول ۱۲۹۰ ه. ق در ژنو بین ایران و سوئیس امضاء شده است و در فصل پنجم آن به اتباع سوئیس در ایران حق قضاوت کنسولی داده شده است.^۱

→ ایران بخواهند در نزد کارگزاران دول آلمان از هموطنان خود نمایند، مشارالیهم از همان حقوق که مامورین سیاسی و قنصلهای دول کامله الوداد دارا هستند بهره‌مند خواهند بود»

فصل شانزدهم: «اما در جواب محاکمه امور متعلقه به جرم و جنایت (کریم) که اتباع آلمان در ایران و اتباع ایران در آلمان به آن متهم شده باشند، قضاوت و قطع این گونه مسائل در ممالک طرفین به طوری خواهد شد که با دول کامله الوداد معمول است.»

لیتن، ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز،... ص ۳۲۴-۳۲۳.

۱- فصل پنجم: «مرافعه و منازعه و مشاجره که در مملکت ایران مابین تبعه سوئیس به وقوع می‌رسد بالتمام به قرارداد و حکم مامور یا قنصل سوئیس که در ایالت محل نزاع یا نزدیکترین ایالت اقامت دارد، رجوع داده شده و مشارالیه موافق قوانین سوئیس حکم خواهد داد.

مرافعه و منازعه و مشاجره که در ایران مابین اتباع دولت علیه و تبعه سوئیس بظهور می‌رسد به محکمه ایران که معمولاً مرجع این گونه امورات است در محلی که مامور یا قنصل دولت سوئیس و از روی حقانیت رسیدگی و حکم در مورد آن خواهد شد.

مرافعه و منازعه و مشاجره واقعه در ایران فی مابین تبعه سوئیس و اتباع ممالک خارج، به توسط مامورین یا قنصلهای دول متبوعه مومی‌الیهم محاکمه و قطع و فصل خواهد شد. در مملکت سوئیس هم منازعات مابین اتباع ایران و نیز منازعات اتباع ایران با تبعه سوئیس یا اتباع خارجه به طوری که با اتباع دول کامله الوداد معمول است محاکمه خواهد شد. اما در باب محاکمه جرم و جنایت (کریم) که رعایای ایران در سوئیس و رعایای سوئیس در ایران به آن متهم شده باشند، این گونه مسائل به طوری که در مملکتین با دول کامله الوداد معمول است رسیدگی و قطع خواهد شد. مازندران، عهدنامه‌های تاریخی،

امتیاز کاپیتولاسیون به دیگر کشورهای تحت عنوان اصل کامله‌الوداد

همان طور که قبلاً اشاره شد بعد از معاهده ترکمانچای و برقراری رژیم کاپیتولاسیون به نفع اتباع روسیه در ایران، کشورهای دیگری که بعد از آن با ایران قراردادهای سیاسی و تجاری منعقد کردند امتیازات ویژه کنسولی را صریحاً یا تحت عنوان دول کامله‌الوداد از ایران گرفتند.^۱

ماده دولت کامله‌الوداد عبارتست از اصلی که با قید آن در قراردادهای کاملترین و سودمندترین شروط و امتیازاتی که متعاهدین در گذشته یا در آینده به کشور دیگری بدهند که در عهدنامه بین آنها پیش‌بینی نشده باشد، خود به خود شامل حال متعاهد دیگر نیز خواهد شد.

این کلمه در عهدنامه‌ها با عناوین مختلفی مانند شرط کامله‌الوداد، معامله کامله‌الوداد، امتیاز و اصل کامله‌الوداد یا دول کامله‌الوداد آمده است.

در تاریخ قراردادهای منعقد ایران با کشورهای بیگانه برای اولین بار ظاهراً در عهدنامه ایران و هلند در سال ۱۶۳۱ م / ۱۰۴۱ ه. ق در دوره صفویه به اصل دول کامله‌الوداد برمی‌خوریم که طبق اصل پانزده آن عهدنامه، ماموران رسمی و تجار ایران در هلند از مزایا و حقوق افراد دولت کامله‌الوداد بهره‌مند شدند.^۲

در تمام عهدنامه‌های مودت و تجارتی منعقد ایران با دولت خارجی در دوره قاجار، بعد از عهدنامه ترکمانچای، اصل کامله‌الوداد برای رفتار با اتباع کشورهای خارجی در ایران یا اتباع ایران در خارج، در نظر گرفته

۱- عبدا... مستوفی، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، جلد سوم، از کابینه قرارداد و ثوق‌الدوله تا آخر مجلس موسسان، تهران، انتشارات زوار، چاپ سوم، ۱۳۶۰، ص ۸۱.

۲- مازندرانی، عهدنامه‌های تاریخی، ص ۶۵.



شده بود. این اصل در اکثر عهدنامه‌های بازرگانی بین کشورها در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم مندرج بوده است، و حتی امروز هم در قراردادهای ذکر می‌شود.^۱ اما بودن این اصل در عهدنامه‌های قرن نوزدهم میلادی برای ایرانیان و بیگانگان به معنای رعایت تعادل و تساوی در روابط با یکدیگر نبود. چه دولت کامله‌الودادی که حقوق آن مآخذ رفتار با دیگر خارجیان در ایران بود، دولت روسیه تزاری بود که بعد از دو دوره جنگهای طولانی و پیروزی در هر دو جنگ خواست‌های خود را بر ایران تحمیل کرده و در نتیجه از امتیازات و مزایای زیادی بهره‌مند می‌شد. در حالی که دیگر دولتهای متعاقد ایران، دولت پیروز نبودند، و امتیازات مورد استفاده آنها تحمیلی نبود.

ب- معاهداتی که در آنها شرط کامله‌الوداد درج شده است

۱- عهدنامه ایران و انگلیس

بعد از برخورداری روسیه از امتیازات و مزایای فوق‌العاده از جمله حق کاپیتولاسیون در ایران، دولت انگلیس برای به دست آوردن چنین امتیازاتی در ضمن معاهده‌ای بازرگانی تلاش می‌کرد. از این‌گونه تلاشها، می‌توان به بعد از مسئله هرات، در زمان محمدشاه اشاره کرد که از جمله خواستهایی که انگلیس برای برقراری روابط بین دو کشور مطرح کرد، امضای پیمانی بازرگانی بود که همان شرایط معاهده ترکمانچای را دارا باشد.^۲

در سال ۱۸۴۱ م / ۱۲۵۷ ه. ق این قرارداد بازرگانی بین سرجان مک

۱- یوسف رحیم‌لو، «کاپیتولاسیون در تاریخ ایران»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال ۲۴، شماره ۱۰۲، ص ۲۳۵.

۲- ر.ک. رابرت گرانت واتسن، تاریخ ایران از ابتدای قرن نوزدهم تا سال ۱۸۵۸ م، تاریخ مختصری از وقایع مهمی که در پیدایش سلسله قاجاریه تاثیر بسزایی داشتند، ترجمه عباسقلی آذری، تهران، بی نا، ۱۳۴۰، ص ۲۲۳.

نیل و ابوالحسن خان شیرازی به امضا رسید و به وسیله آن انگلیسیها عقبماندگی خود را از روسیه در صحنه سیاست و تجارت در ایران چبران کردند و مقامی مانند روسیه در ایران به دست آوردند. طبق این قرارداد علاوه بر اینکه از امتعه انگلیسی پنج درصد حقوق گمرکی دریافت می شد، مقرر گردید کارمندان و مستخدمین سفارت و کنسولگریهای انگلیس از مصونیت برخوردار بوده و اتباع بریتانیا در ایران بر اساس حق دولت کامله الوداد از کاپیتولاسیون بهره مند شوند.^۱ انگلیسیها با وجود مزایایی که در این معاهده نصیبشان شده بود، از نتیجه صلح و قرارداد راضی نبودند چون از دید آنها معاهده تجاری که با ایران منعقد نموده بودند از معاهده ایران و روسیه محدودتر بود.^۲

معاهده‌ای که امتیازات مورد نظر انگلیسیها را تامین کرد و طبق آن رژیم کاپیتولاسیون به نفع اتباع انگلیسی در ایران تحت عنوان دولت کامله الوداد برقرار شد عهدنامه صلح پاریس در تاریخ ۴ مارس ۱۸۷۶ م/ ۷ رجب ۱۲۷۳ ه. ق بود که طبق فصل نهم آن به اتباع انگلیس در ایران حقوق دولت کامله الوداد اعطا شده بود.^۳ بعد از این معاهده بود که انگلستان به اهداف سیاسی و تجاری خود که موقعیتی همانند روسیه در

۱- مهدوی، روابط خارجی، ص ۲۵۷.

۲- در مورد عدم رضایت انگلیس از قرارداد ۱۸۴۱ م/ ۱۲۵۷ ه. ق، ر.ک. اتحادیه، روابط خارجی، ص ۱۱۳.

۳- متن فصل نهم: «دولتین علیتن تمهد می کنند که در باب نصب قنسول های جنرال و قنسولها و وکلای قنسول هر یک از این دو دولت در ممالک همدیگر حالت دول کامله الوداد را خواهند داشت و نسبت به رعایای طرفین و تجارت ایشان در هر باب همان طور رفتار خواهد شد که به رعایا و تجارت دول کامله الوداد رفتار می شود.» رضاقلیخان متخلص به هدایت، محلقات تاریخ روضه الصفاى ناصرى در ذکر پادشاهان دوره صفویه - افشاریه - زندیه - قاجاریه، جلد دهم، کتابخانه خیام، ۱۳۳۹، ص ۷۵۱.

ایران بود، رسید «و مقدمات رقابت این دو دولت در ایران کاملاً مهیا گردید.»^۱

بعد از امضای قرارداد صلح با سفیر بریتانیا در پاریس فرخ‌خان امین‌الملک که به این مناسبت امین‌الدوله هم لقب یافته است معاهداتی در همان جا در سالهای ۱۸۵۷ و ۱۸۵۶ / ۱۲۷۴ و ۱۲۷۳ ه. ق با بعضی از دولتهای اروپایی مانند هلند، دانمارک، سوئد، پروس و نروژ امضا کرد که در آنها شبیه این امتیازات به دیگران داده شد.

۲- ایران و افغانستان

در معاهده صلح پاریس بین ایران و انگلیس در ماده نهم در مورد روابط ایران و افغانستان اصل دول کامله‌الوداد پیش‌بینی شده بود.

۳- عهدنامه مودت و تجارت ایران و هلند

این معاهده در سال ۱۸۵۸ م / ۱۲۷۵ ه. ق بین ایران و هلند در پاریس منعقد شد و فصل سوم و پنجم آن در مورد اصل کامله‌الوداد نسبت به اتباع طرفین است و طبق همین اصل اتباع هلند در ایران از حقوق کاپیتولاسیون برخوردار شدند.^۲

۱- مستوفی، شرح زندگانی، جلد دوم، ص ۸۵.

۲- متن فصل سوم: «اتباع دولتین متعاهدین از قبیل مسافر و ارباب صنعت و تجارت و غیره در موقع مسافرت، خواه در موقع اقامت در مملکتین مورد احترام واقع شده و کاملاً در حفظ و حمایت مباشرین مملکتین و مامورین خودشان بوده، به طوری که با تبعه دول کامله‌الوداد رفتار می‌شود، از هر حیث با آنها نیز رفتار خواهد شد.» مازندرانی، عهدنامه‌های تاریخی، ص ۱۸۶.

فصل پنجم: «فئسولهای هر یک از طرفین معظمتین معاهدین در خاک مملکت دیگری که

۴- عهدنامه مودت و تجارت ایران و دانمارک

این عهدنامه در سال ۱۸۵۷ م/ ۱۲۷۴ ه. ق بین طرفین در پاریس امضا شد طبق فصل سوم اتباع طرفین در خاک یکدیگر از حقوق افراد دول کامله‌الوداد بهره‌مند شدند.^۱

۵- عهدنامه مودت و تجارت ایران و مکزیک

این معاهده در تاریخ ۱۴ مه ۱۹۰۲ م/ ۵ صفر ۱۳۲۰ ه. ق بین نمایندگان ایران و مکزیک در واشنگتن به امضا رسید. بر طبق فصل سوم این معاهده به اتباع یکدیگر در خاک طرفین حقوق افراد دولت کامله‌الوداد اعطا شده است.^۲

۶- عهدنامه مودت و تجارت ایران و آرژانتین

این معاهده بین ایران و آرژانتین در تاریخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۰۲ م/ ۱۳۲۰ ه. ق امضا شده است که طبق ماده سوم آن برای اتباع یکدیگر حقوق کامله‌الوداد در نظر گرفته شده است.^۳

→ محل اقامت خواهد بود دارای همان احترام و امتیازات و معافیت‌هایی خواهند بود که قنصلوهای دول کامله‌الوداد دارا می‌باشند.» همان، ص ۱۸۶.

۱- اتباع دولتین معظمتین معاهدتین از قبیل مسافر و ارباب صنعت و تجارت غیر هم خواه در موقع مسافرت خواه در موقع اقامت در مملکتین مورد احترام واقع شده و کاملاً در حفظ و حمایت کارگزاران آن مملکت و مامورین خود خواهند بود به طوری که با تبعه دول کامله‌الوداد رفتار می‌شود از هر حیث با آنها نیز رفتار خواهد شد. مازندرانی، *عهدنامه‌های تاریخی*، ص ۱۹۰.

۲- اتباع دولتین معظمتین از حیث شخص خود و نیز از حیث اموال در تمام خاک مملکتین از همان حقوق و آزادی و مساعدت و معافیات بهره‌مند خواهند شد، که رعایای دول کامله‌الوداد بوده و می‌شوند. مازندرانی، *عهدنامه‌های تاریخی*، ص ۱۹۰.

۳- سعید وزیری، *کاپیتولاسیون و الغای آن*، ص ۱۹.

۷- عهدنامه مودت و تجارت ایران و شیلی

این معاهده در تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۰۳ م/ برابر با سلخ ذی حجه ۱۳۲۰ ه. ق بین ایران و جمهوری شیلی در واشنگتن به امضا رسید. طبق فصل سوم آن به اتباع طرفین حقوق افراد دولت کامله الوداد اعطا شده است.^۱

۸- عهدنامه مودت و تجارت ایران و اورگوئه

این عهدنامه در تاریخ ۱۹ مه ۱۹۰۳ م/ برابر ۲۳ صفر ۱۳۲۱ ه. ق بین ایران و اورگوئه در مونته‌ویدئو امضا شد که در فصل سوم آن به اتباع طرفین حقوق افراد دولت کامله الوداد اعطا شده است.^۲

۹- عهدنامه مودت و تجارت ایران و برزیل

این عهدنامه در تاریخ ۱۶ ژوئن ۱۹۰۳ م/ ۱۳۲۱ ه. ق در ریودوژانیرو بین طرفین امضا شد که بر طبق فصل سوم آن به اتباع طرفین حقوق دولت کامله الوداد اعطا شده است.^۳

۱- «اتباع طرفین معظمتین چه برای شخص و چه از حیث اموال خود در تمام نقاط خاک مملکتین از همان حقوق و آزادی و مساعدت و معافیات و امتیازات بهره‌مند خواهند بود که نسبت به اتباع دول کامله الوداد منظور است».

مازندرانی، عهدنامه‌های تاریخی، ص ۲۱۳.

۲- «اتباع طرفین معظمتین معاهدتین چه برای شخص خود و چه برای اموال خود، در تمام نقاط خاک یکدیگر از همان حقوق و آزادی و مساعدت و مهربانی و معافیات بهره‌مند خواهند بود که اتباع دول کامله الوداد دارا بوده و من بعد دارا می‌شوند».

مازندرانی، عهدنامه‌های تاریخی، ص ۲۱۴-۲۱۵.

۳- سعید وزیری، کاپیتولاسیون و الغای آن، ص ۱۹.

کاپیتولاسیون مابین ایران و عثمانی

با وجود این که ایران و عثمانی دو کشور اسلامی بودند و از لحاظ مذهبی و تاریخی عاملی که معمولاً کشورهای غربی برای اجرای کاپیتولاسیون در کشورهای اسلامی مطرح می‌کنند، وجود نداشت معه‌ذا به منظور روابط دوستی و جلوگیری از اختلافات ناشی از اقامت اتباع طرفین در خاک یکدیگر، طرفین امتیازات و مصونیت‌هایی را که به دول غربی در مورد حق کاپیتولاسیون داده بودند در مورد اتباع طرفین در خاک همدیگر نیز دادند. به موجب فصل دوم عهدنامه اول ارضروم در ۲۸ ژوئیه ۱۸۲۳ / ۲۸ ذی‌حجه ۱۲۳۸^۱ اتباع دو کشور با رعایت عمل متقابل^۲ از شرط دول

۱- متن فصل دوم: «از اهالی ایران کسانی که به کعبه معظمه و مدینه مکرمه و سایر بلاد اسلامیّه آمدوشد می‌نمایند، مثل حجاج و زوار و مترددین، اهالی بلاد اسلام رومیه با آن جماعت، مثل اهالی خودشان معامله نمایند و از ایشان دورمه* و سایر وجوه خلاف قانون شرعیه اصلاً چیزی مطالبه نشود و کذلک از زوار عتبات عالیات، مادامی که مال‌التجاره داشته باشند بر وفق حساب گمرک مطالبه شود و زیاده طلبه ننمایند و از طرف دولت علیه ایران نیز با تجار طرف بهیبه عثمانی و اهالی ایشان بر این وجه معامله نمایند و به مقتضای شرایط سابقه فی مابعد در حق حجاج و تجار دولت علیه ایران تنفیذ و اجرای شرایط قدیم از جانب وزرای عظام و امیرحاج و میرمیران کرام و سایر ضابطات و حکام دولت عثمانی کمال دقت و رعایت شود و از شام شریف الی حرمین محترمین و از آنجا الی شام شریف، از جانب امین صره همایون، به معرفت معتمدی متعین که در میان آنهاست، نظارت نمایند و از مخدرات حرم شاهنشاهی و حرم‌های شاهزادگان عظام و سایر اکابر دولت بهیبه ایران که به مکه معظمه و عتبات عالیات می‌روند فراخور مرتبه ایشان حرمت و اعزاز شود و کذلک در خصوص رسومات و گمرک تجار و اهالی دولت بهیبه ایران مانند دولت علیه عثمانی، معامله شود و از مال تجارت ایشان یک دفعه به قرار یکصد قروش، چهار قروش گمرک گرفته، بدست ایشان تذکره داد. مادامی که از دست ایشان بدست دیگری منتقل نشده، مکرر از ایشان گمرک نگیرند. تجار ایران لاجل‌التجاره چو بوق شیراز که به دارالسعاده می‌آورند بیع و شری آن انحصار نباشد و به هر کس که خواهند بیع نمایند و با تجار و تبعه و اهالی دولتین علیتین که به مملکتین جانبین

کامله‌الوداد و حق قضاوت کنسولی به نفع اتباع و کنسولهای دو کشور در سرزمین یکدیگر بهره‌مند شدند. همچنین به موجب عهدنامه ارضروم دوم در مه ۱۸۴۷ م / ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳، در فصل هفتم^۱ و پروتکل

→ آمدوشد می‌کنند، به مقتضای جهت جامعه اسلامیّه معامله‌دوستانه شده، از هر ایذا و اضرار محفوظ باشند.» مشیرالدوله، رساله سرحدیه، ص ۲۰.

* «لفظ ترکی است به معنی حق توقف و یک نوع عوارضی بوده است که می‌گرفتند.» مشیرالدوله، رساله سرحدیه، ص ۱۹ مقدمه.

۲- عثمانی از بین کشورهایی که ایران با آنها معاهدات کاپیتولاسیون امضا کرده بود، امتیاز کاپیتولاسیون با او طرفینی بود. اتباع ایران در عثمانی با استفاده از این امتیازات از تعقیب مقامات قضایی عثمانی، بدون اجازه کنسولگری و سفارتخانه ایران، مصون بودند. برای آگاهی از استفاده اتباع ایران از امتیازات رژیم کاپیتولاسیون در عثمانی، ر.ک. کاظم کاظم‌زاده ایران‌شهر، آثار و احوال کاظم‌زاده ایران‌شهر، تهران، شرکت نسبی اقبال و شرکاء، ۱۳۵۰، ص ۹۵-۹۲.

۱- متن فصل هفتم: «دولت عثمانی وعده می‌کند که به موجب عهدنامه‌های سابقه امتیازاتی که لازم باشد در حق زوار ایران اجراء دارد تا از هر نوع تعدیات بری بوده بتوانند به کمال امنیت محل‌های مبارکه را که کاین در ممالک دولت عثمانی است زیارت کنند و همچنین تعهد می‌کنند که به مراد استحکام و تاکید روابط دوستی و اتحاد که لازم است فی‌مابین دو دولت اسلام و تبعه طرفین برقرار باشد مناسب‌ترین وسایل را استحصال نمایند تا چنان که زوار ایرانیه در ممالک دولت عثمانیه به جمیع امتیازات نایل می‌باشند، سایر تبعه ایرانیه نیز از امتیازات مذکور، بهره‌ور بوده، خواه در تجارت و خواه در معامله سایر، از هر نوع ظلم و تعدی و بی‌حرمتی محفوظ باشند و علاوه بر این بالیوزهایی* که از طرف دولت ایران برای منافع تجارت و حمایت تبعه تجار ایرانیه به جمیع محل‌های ممالک عثمانیه که لازم باشد، نصب و تعیین شود، به غیر از مکه مکرمه و مدینه منوره. دولت عثمانیه قبول می‌نماید و وعده می‌کند که کافه امتیازاتی که شایسته منصب و ماموریت بالیوزهای مذکوره باشد در حق قنصل‌های سایر دول متحابه جاری شود، در حق آنها نیز جاری شود، و نیز دولت ایران تعهد می‌کند که بالیوزهایی که از طرف دولت عثمانیه به جمیع محل‌های ممالک ایرانیه که لازم بیاید نصب و تعیین شود. در حق آنها و در حق تبعه تجار دولت عثمانیه که در ممالک ایران آمدوشد می‌کنند معامله متقابل را کاملاً اجرا دارد.» مشیرالدوله، رساله سرحدیه، ص ۴۶-۴۵.

* «بالیوز نماینده محلی که از طرف دولتها برای حل و فصل امور تجاری و حمایت اتباع خود تعیین می‌نماید.» مشیرالدوله، سرحدیه، ص ۴۶ پاورقی.

قسطنطنیه در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۸۷۵ م / ۲۱ ذی‌حجه ۱۲۹۲ ه. ق اتباع طرفین از حقوق دولت کامله‌الوداد با رعایت اصل عمل متقابل بهره‌مند شدند.

مقایسه کاپیتولاسیون بین ایران و عثمانی

کاپیتولاسیونی که در ایران طبق عهدنامه ترکمانچای و عهدنامه‌های منعقدۀ با دول دیگر برقرار شد با کاپیتولاسیون مقرر در عثمانی از جهاتی متفاوت است.

قراردادهای کاپیتولاسیون در ایران، نه تنها همه عیبهای کاپیتولاسیون عثمانی را در برداشت بلکه از جهاتی اهانت‌بارتر و خفت‌بارتر بود. کاپیتولاسیون در ایران و عثمانی منشاء یکسانی نداشت. در ایران پس از شکست دولت قاجار از روسیه در دوره دوم جنگهای ایران و روس، از طرف دولت غالب بر مغلوب تحمیل شده بود و بر طبق اصل «الحق لمن غلب» به وجود آمده بود و ایران در پذیرش آن مجبور بود. ولی در عثمانی رژیم کاپیتولاسیون و قضاوت کنسولی از بدو امر بر مبنای زور به وجود نیامده بود و به جهت نفع متقابل طرفین این قراردادها منعقد شده بود و امتیازاتی دوستانه و حاکی از ملاحظت بود و در بدایت امر این امتیازات اعطا شده به خارجیان، برای ترکان از جهت تجاری سودمند بود ولی با گذشت زمان و ضعیف شدن کشور عثمانی در مقابل کشورهای استعمارگر غربی و چشم طمع دوختن آنها به ممالک تحت سلطه عثمانی این امتیازات برای عثمانی زیان‌آور شد. برای روشن شدن تفاوت میان کاپیتولاسیون ایران و عثمانی، قرارداد ترکمانچای در ایران و قرارداد ۱۷۴۰ م / ۱۱۵۳ ه. ق عثمانی با دولت فرانسه مقایسه می‌شود.

در قرارداد ۱۷۴۰ م / ۱۱۵۳ ه. ق دولت فرانسه با عثمانی، پیش‌بینی

شده بود که اگر اتباع کشور فرانسه نسبت به اتباع عثمانی مرتکب جنایت شوند، محاکم عثمانی با حضور کنسول کشور فرانسه به موضوع رسیدگی خواهد کرد و به صدور حکم و اجرای آن خواهد پرداخت.^۱ (گرچه این حق که برای دادگاه‌های عثمانی شناخته شده بود. عملاً به مرحله اجرا درنیامد و دولتهای اروپایی راضی به دادرسی و اجرای حکم دادگاههای کشور عثمانی نسبت به اتباع خود نشدند. اما بودن آن در متن عهدنامه حقی بود و احترامی داشت.)

اما در عهدنامه ترکمانچای در فصل هشتم آن نه تنها چنین مطلبی ذکر نشده بلکه عکس آن تصویب شده است. بنابر این اصل، اتباع روسیه در ایران هرگاه نسبت به اتباع ایران مرتکب جرمی و جنایتی می‌شدند، هرگونه اقدام برای تعقیب و دستگیری آنها بدون حضور مامور سفارت یا کنسولگری روس امکان نداشت و اگر جرم شخص مجرم برای مقامات روسیه در ایران به ثبوت می‌رسید و حکم در مورد او صادر می‌شد، مجرم را طبق عهدنامه ترکمانچای می‌باید به وزیرمختار یا کاردار یا کنسول روس تسلیم می‌نمودند که به روسیه فرستاده شود و در آنجا طبق قانون مجازات شود.

در قرارداد ۱۷۴۰ م / ۱۱۵۳ ه. ق تملک زمین برای اتباع فرانسه پیش‌بینی نشده بود و پس از گذشت بیش از یک قرن در سال ۱۸۶۷ م / ۱۲۸۳ ه. ق، قانونی در عثمانی گذشت که طبق آن بیگانگان می‌توانستند در سراسر خاک آن کشور جز در خاک حجاز مالکیت ارضی به دست آورند، آن هم به این شرط که هر قانونی که در مورد مناقشه بین اتباع داخله حکم می‌نماید درباره اتباع بیگانه هم لازم‌الاجرا باشد.^۲

۱- ر.ک. مصدق، کاپیتولاسیون، ص ۳۲.

۲- همان، ص ۲۸.

اما در فصل پنجم معاهده ترکمانچای حق مالکیت ارضی به اتباع روسیه در ایران داده شده بود. در آن فصل آمده بود: «چون موافق اصول جاریه مملکت ایران، اتباع خارجه به اشکال خانه و مغازه و امکنه و وضع مال التجاره برای اجاره پیدا می‌کنند لهذا اتباع روس علاوه بر حق اجاره مجاز می‌باشند که خانه‌ای برای سکونت و مغازه و امکنه برای وضع مال التجاره به حیظه ملکیت درآورند. کارگزاران دولت علیه ایران ماذون نیستند که عنفاً داخل خانه و مغازه و امکنه مزبوره شوند. در صورت لزوم باید با استیذان وزیر مختار یا شارژدافر یا قنسول روس مراجعه کنند و مشارالیهم در اگومان (مترجم) یا یکی از اجزای خود را مامور خواهند کرد که در موقع معاینه خانه یا مال التجاره حضور به هم رسانند.»^۱

این ماده و نظایر آن در دیگر معاهدات منعقدہ بین ایران و دول بیگانه علاوه بر محدود کردن قدرت عمل ماموران دولت ایران، موجب سوءاستفاده‌های بسیاری از سوی اتباع بیگانه در تملک اراضی و اموال غیرمنقول در ایران گردید.

در اثر ضعف حکومت و نبودن کنترل و نظم در معاملات املاک در مورد بیگانگان، به تدریج خارجیان در ایران املاک و اراضی مزروعی وسیعی را صاحب شدند. به همین سبب پس از الغای کاپیتولاسیون، مجلس شورا در تاریخ ۱ ژوئن ۱۹۳۱ م/ ۱۶ خرداد ۱۳۱۰ ه.ق با مصوبه‌ای بیگانگان را ملزم به فروش اموال غیرمنقول و املاک مزروعی خودشان به دولت یا اتباع ایران کرد و حق داشتن املاک مزروعی در آینده را از آنها سلب کرد.^۲

۱- ر.ک. اعتمادالسلطنه، منتظم ناصری، جلد سوم، ص ۱۵۸۹.

۲- ناصری، «بررسی کاپیتولاسیون»، ص ۱۵.

فصل چهارم

مقاومت در مقابل کاپیتولاسیون

مقاومت‌های مردمی در برابر کاپیتولاسیون

در طول تحمیل رژیم کاپیتولاسیون بر ایران، کشورهای دارای این حقوق، به خصوص روس، آن چنان عمل می‌کردند که دولت و در بعضی موارد مردم مرعوب آنها شده بودند.

دولت عدم اجرای کاپیتولاسیون در مورد اتباع بیگانه را برابر با اعلام جنگ به دول خارجی می‌دانست. این مفهوم را می‌توانیم از تلگراف ناصرالدین شاه به فرزندش ظل‌السلطان حاکم اصفهان، درباره شکایت وزرای مختار روس و انگلیس در مورد نبودن امنیت برای فرنگیان مقیم اصفهان و ارمنیان آن شهر، به دست آوریم. ناصرالدین شاه می‌گوید:

«امروز غیر از آن چه در عهدنامه است نمی‌توان با خارجه عمل کرد و اگر امروز یک کلمه از عهدنامه بخواهیم تخلف کنیم باید فوراً با دولت روس و انگلیس و تمام دول اعلام جنگ کنیم و آقایان آیا صلاح می‌دانند که ما با دولتها جنگ کنیم؟... در عهدنامه ترکمانچای هم که با دولت روس بسته شده است، نوشته‌اند اگر قتلی میان مسلمان و فرنگی واقع شود یا برعکس، نمی‌توان به قانون شرع به آن رسیدگی نمود، باید موافق این

عهدنامه به حکومت عرفیه با حضور قنصل طرف مقابل رجوع و رسیدگی شود و در آنجا قطع شود و اگر قاتل بودن فرنگی معلوم شد در اینجا نمی‌توان قصاص کرد باید قاتل فرنگی را تسلیم قنصل آن دولت کرد که او را به مملکت خودشان برده، به قانون مملکت خودشان قصاص نماید و این عهدنامه‌ای است که هشتاد سال قبل مرحوم فتحعلی شاه بسته است.^۱

وی در جای دیگر تلگراف عاقبت تخطی از مفاد کاپیتولاسیون را گوشزد نموده و می‌گوید: «و عاقبت طوری شود که اسباب خرابی دولت و ملت شیعه شود... فوراً امنیت و آسودگی فرنگیها را تلگرافاً اطلاع بدهید که سفرا آسوده شوند و ما هم از دست این اظهارات سخت و تکالیف بی‌معنی آنها آسوده شویم.»^۲

اما با وجود این، مقاومت‌هایی هر چند ناچیز (به خصوص بعد از انقلاب مشروطیت) در مقابل رژیم کاپیتولاسیون در ایران انجام شد. نخستین واکنش‌های مردم در مقابل این امتیازات، خام و عامیانه بود. از جمله این موارد برخورد مردم با اعمال مغرورانه و مستبدانه گریبایدوف سفیر روس بود.^۳

۱- ابراهیم صفایی (گردآوری و پژوهش)، اسناد برگزیده از سپهسالار، ظل‌السلطان، دبیرالملک، تهران، انتشارات انجمن تاریخ، ۱۳۵۰، ص ۱۰۴-۱۰۳.

۲- همان، ص ۱۰۴.

۳- میرزا حسن حسینی فسائی در مورد اعمال گریبایدوف در ایران می‌نویسد: «از احترامات بیش از اندازه که از لوازم مهمان‌نوازی است مغرور گشته، اعلی و ادنی را به نام خوانندی و سخنان ناهموار بر زبان راندی و امنای دولت، درشتیهای او را به نرمی جواب می‌گفتند که شاید از خشونت و بدزبانی فرود آید، فایده نمی‌نمود.» میرزا حسن حسینی فسائی، فارسنامه ناصری، تصحیح و تحشیه از دکتر منصور رستگار فسائی، جلد اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۷، ص ۷۳۶-۷۳۷.

قتل گریبایدوف بی شک به علت خشم مردم نسبت به ضعف و ناتوانی دولت شکست خورده قاجار در مقابل روسیه و اوج گرفتن مداخلات دولت تزاری در امور ایرانیان و مسلمانان بوده است.

رقابتها و تحریکات و مداخلات دو دولت روس و انگلیس که بیش از دولتهای دیگر در ایران اهداف استعماری و تسلط جویانه داشتند، موجب بروز حوادث و برخوردهایی می شد که حکایت از آگاهی و استقامت مردم می کرد.

از این موارد مقاومت می توانیم به تلگراف کنسولگری روس از استرآباد درباره ممانعت مردم از حمل گندم اشاره کنیم. از مفاد این تلگراف چنین به دست می آید که دولت یک مرتبه درصدد حمل گندم از ساری برای فرستادن به روسیه برآمده و با مقاومت مردم روبرو شده است. بار دوم شخصی به نام شاه محمدخان از جانب سپهسالار اعظم مامور انجام این کارگردید ولی باز هم مردم به مقاومت برخاسته و دولت را تهدید کردند که اگر «دست به حمل غله بزنند یا بخواهند اشخاصی را که سابقاً تقصیر نموده اند بگیرند، جمیع رعایای روس را به قتل» خواهند رساند.^۱

مبارزه امیرکبیر با کاپیتولاسیون

امیرکبیر از جمله کسانی بود که با پی بردن به تاثیرات منفی رژیم کاپیتولاسیون بر جامعه و دولت ایران، تصمیم به مقابله با آن گرفته بود و در بعضی موارد عملاً آن را نادیده می گرفت.

روزی به وی خبر داده شد که یک نفر از ماموران سفارت روس در

انظار عمومی جامعه اسلامی، بدمستی کرده و دست به اعمال شرارت آمیز زده است. وی فرمان داد که مامور را دستگیر کنند و در حضور امیر در میدان ازگ مجازات کنند. در همان موقعی که مامور سفارت را شلاق می زدند نامه ای از طرف سفیر روس به دست امیر داده شد. امیر که مشغول غلیان کشیدن بود نامه را روی زمین گذاشت. پس از مدتی پیغام دوم از طرف سفیر در اعتراض به عمل امیر رسید، وقتی نامه دوم آمد، امیر نامه را باز کرد و آن را خواند و فرمان داد جواب بنویسند: «ما خودمان مختصری او را تنبیه کردیم، اینک او را به حضورتان فرستادیم تا کاملاً ادبش کعید.»^۱

در موردی دیگر در زمان صدارت امیرکبیر در سال ۱۸۵۰ م / ۱۲۶۷ ه. ق فردی ارمنی از گماشتگان کنسولگری روس در تبریز در حالت مستی به روی سرگزمه شهر تبریز قمه کشید. وزیر آذربایجان محمدرضا خان وی را تنبیه کرد. بعد از تنبیه وی، هم کنسول روس و هم انگلیس به حمایت وی برخاستند. کنسول روس توقیف وی را مخالف عهدنامه ترکمانچای اعلام کرد و کنسول انگلیس در تبریز، استیونس، به ادعای سرپرستی آرامنه، تنبیه وی را تجاوز دولت ایران به حقوق انگلیس شمرد ولی وزیر آذربایجان به ادعای آنها وقعی نهاد و آن را از اختیارات دولتی خود دانست.^۲

امیرکبیر با توجه به مفاسد کاپیتولاسیون و فروع و تبعات آن به خصوص تحت الحمایگی، که از این راه زیانهای زیادی بر ایران وارد آورده

۱- علی اکبر هاشمی رفسنجانی، امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳، ص ۲۳۱.

۲- فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ ششم، ۱۳۶۱، ص ۵۴۳-۵۴۲.

و استقلال قضایی کشور را مخدوش کرده بود، مبارزه‌ای همه جانبه را با آن آغاز کرد.

امیر می‌خواست که سفارتخانه‌ها و کنسولگریهای بیگانه مامن مردم بی‌شخصیت نباشد و از آیین پناهندگی و حمایت سیاسی از اشخاص مجرم که به صورت مبتذل درآمدی بود، جلوگیری کند. در دوره صدارت امیر یکی از ماموران دیوان به نام آقاجان بیک که به امر جمع‌آوری عایدی خالصه‌های دولتی گمارده شده بود، پس از انجام ماموریتش از تحویل پولهای خزانه خودداری کرد و به سفارت انگلستان پناه برد. دولت استرداد وی را از سفارتخانه درخواست کرد. سفارت پاسخ داد که از ترس بیگلیریگی به سفارت پناه آورده است. امیر در پاسخ دندان شکنی به آنها گفت که دیوانخانه جهت بررسی امور و جلوگیری از ظلم تشکیل شده است. این شخص چه موقع به دیوانخانه رفت تا به کارش رسیدگی شود. معلوم می‌شود که این گونه آدمها مظلوم نیستند و هدفی جز خوردن مال بیت‌المال ندارند و اگر این طور راه به سفارتخانه‌ها باز شود از این به بعد هر کسی درصدد خوردن مال دیوانخانه برمی‌آید و به سفارتخانه‌های بیگانه پناه می‌آورد و این موجب زحمت خواهد شد. امیر درخواست کرد که آقاجان بیک را جواب داده و او را از سفارتخانه بیرون کنند و از این به بعد هم اگر از این قبیل اشخاص به سفارتخانه آورند به آنها پناه ندهند.^۱ در موردی دیگر، یکی از قداره‌بندان شهر تبریز بعد از زخمی کردن یکی از مردم به کنسولگری انگلیس در آن شهر پناه برد. منشی مهمام خارجه استرداد وی را از کنسولگری خواست. کنسول انگلیس مدعی شد شخصی که به کنسولگری پناه آورد، در تحت حمایت خواهد بود و

نمی‌شود جهت محاکمه وی را از کنسولگری خارج نمود. منشی مهمام خارجه به امیر مراجعه کرد و به توصیه امیر، به کنسول انگلیس نوشت:

«امنای دولت مقرر داشتند که آن عالی جاه و سایر گماشتگان دول متحابه را حقی نیست که شریر و مقصر این دولت علیه را حمایت کرده، نگهداری نمایند... به چه مناسبت این مداخله‌ها را در امور داخلی مملکت می‌نمایند.»^۱ در ادامه آمده بود اگر آن شخص پناهنده جواب درستی ندارد، وی را تحویل مقامات ایرانی نمایید و اگر جواب درستی برای عمل خود دارد وی را نگه دارید ولی کنسول تحت این عنوان که زخم‌زدن و مقصر بودن ایشان ثابت و مشخص نیست از تحویل وی خودداری می‌کرد. امیر برای اینکه هر روز شخصی بعد از خلافتکاری به کنسولگریها و سفارتخانه‌های بیگانگان پناه نبرد و خود را از چنگال عدالت برهاند از سفارتخانه و کنسولگری انگلیس صورت گماشتگان آنها را درخواست کرد که با وابستگان سفارتخانه مطابق قاعده و قانون مربوطه رفتار نمایند. ولی کنسول انگلیس در تبریز، استیونس، این تقاضا را بیهوده شمرد و سفیر انگلیس، شیل تحت این عنوان که دولت ایران می‌خواهد بداند «کنسول در اندرون خود به چه کار مشغول است از جواب دادن خودداری کرد.»^۲

مبارزه با کاپیتولاسیون در انقلاب مشروطیت

با اوج‌گیری نهضت مشروطیت و بیداری مردم، احساس نیاز به داشتن دستگاه قضایی نیرومند و مستقل و رفع رژیم کاپیتولاسیون از صحنه

۱- همان، ص ۵۳۶.

۲- همان، ص ۵۳۶.

قضایی ایران بیشتر می‌شد به همین دلیل واکنشها نسبت به وجود کاپیتولاسیون در ایران شدیدتر و آگاهانه‌تر شده بود.

از موارد زیر پا گذاشتن رژیم کاپیتولاسیون توسط مردم و علما گزارشی است که وزیرمختار انگلیس در ایران در سال ۱۹۰۷ م/ ۱۳۲۵ ه.ق به وزارت خارجه انگلیس می‌دهد. وی می‌گوید که در اصفهان مردم یکی از غلام‌های کنسولگری انگلیس را در حوالی جلغا به علت مستی کتک زده و شب محبوسش کرده‌اند و صبح روز بعد او را با یک مکتوب بدون امضا به کنسولگری فرستاده‌اند و شخصی که غلام سفارتخانه را تسلیم کرده از وابستگان آقایان است که در اصفهان اختیار و اقتدار فراوان داشته و در آن مکتوب تقاضای عزل فوری غلام وابسته به سفارتخانه انگلیس را نموده است.

وزیرمختار انگلیس طی یادداشت شدیداللحنی به دولت ایران این مسئله را بازگو کرده که مستخدمین کنسولگری در تحت حمایت انگلیس هستند و بدون رضایت اولیای امور بریتانیا نمی‌توان آنها را تنبیه و مجازات نمود. به علت نفوذ علما در اصفهان در آن موقعیت، سفارت انگلیس به این راضی شد که نایب‌الحکومه و کارگزار شهر که در موقع حادثه مزبور رتق و فتق امور در دست آنها بوده، با لباس رسمی به کنسولگری انگلیس رفته، رضایت سفارتخانه را جلب و مبلغ صد تومان به تلافی خسارت بپردازند و کنسولگری انگلیس هم دیگر در صدد تحقیق و استنطاق کسانی که بدرفتاری با غلام وابسته به سفارت انگلیس نموده‌اند، برنیاید.^۱

۱- احمد بشیری (ویراستار)، کتاب آبی، گزارشهای محرمانه وزارت امورخارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران، جلد اول، ۱۷ دسامبر ۱۹۰۶- ۲۸ نوامبر ۱۹۰۸، تهران، نشر نو، چاپ اول، ۱۳۶۲، ص ۶۹-۷۰.

از جمله مخالفتها در مقابل کاپیتولاسیون بعد از پیروزی انقلاب مشروطیت موقعی بود که مشروطه خواهان محمدعلی شاه را از سلطنت خلع کردند و یفرم خان تصدی نظمیته تهران را به عهده گرفت. با وجود این که کاپیتولاسیون با دقت و شدت هر چه تمامتر از طرف روس و انگلیس اجرا می شد ولی نظمیته تحت امر یفرم خان خطا کارانی را که تبعه روس و انگلیس بودند بی هیچ تردیدی بازداشت می کرد.

یک بار شخصی به او شکایت کرد که قوامالتجار ششصد تومان پول او را ضبط کرده و نمی دهد. قوامالتجار فردی بود که تابعیت روس را داشت. از طرف نظمیته پاسبانی برای احضار قوامالتجار فرستاده شد ولی با تحریک قوامالتجار با شلیک گلوله ای از سوی طفل دوازده ساله ای مواجه شد و در اثر گلوله پاسبان مجروح شد. یفرم خان دستور جلب قوامالتجار را داد و او را از خانه اش بیرون کشیدند، و به نظمیته آوردند. در برابر بازجویی یفرم در مورد ماجرا، قوامالتجار با پرخاش مدعی شد که تابع دولت روس است و هر چه کرده خوب کرده است. وی مامورین ایران را برای رسیدگی به امر خود غیر صالح شمرد. به دستور یفرم او را به زندان افکندند. فردای آن روز عکس العمل شدید سفارت روس در برابر این اقدام، با یادداشت شدیدالحنی برای وزارت امور خارجه شروع شد و طی آن سفارت روس تقاضا کرد که قوامالتجار فوراً آزاد شود ولی نظمیته زیر بار دستور سفارت روس نرفت. سفارت روسیه اتمام حجت کرد که اگر آزاد نشود، نایب سفارت ما و قزاقهای روسی به زندان نظمیته خواهند رفت و او را به زور آزاد خواهند کرد. ولی نظمیته همچنان مقاومت کرد. بالاخره پس از بیست روز با وساطت «تاجرباشی» روس و پرداخت طلب آن شخص و چهارصد تومان غرامت به پاسبان مجروح و چهارصد تومان

هم به صندوق تعاون نظمی برای کمکی که به پاسبان شده بود، رها گردید.^۱

از موارد دیگر مقاومت یفرم خان در موقع ریاستش در نظمی، بازداشت یک انگلیسی عضو تلگرافخانه بود که هر شب بدمستی می‌کرد و کوزه‌های کوزه‌گر همسایه خود را می‌شکست. تلاش و اعتراض منشی سفارت و بعد از او، کنسول انگلیس که «به چه مناسبت مقررات کاپیتولاسیون را لغو کرده و تبعه دولت انگلستان را توقیف» کرده‌اند نتیجه نداد. عاقبت با تعهد کنسول انگلیس به اخراج بیست و چهار ساعته مقصر انگلیسی از ایران، یفرم خان او را آزاد کرد و کنسول نیز به تعهد خود عمل نمود.^۲

یفرم «در برابر اهانت یکی از امرای عالی‌رتبه روس به یکی از افرادش با صراحت دستور می‌دهد: تو او را با ششلول بزن، جوابش با من.»^۳

در زمان انقلاب مشروطیت (قبل از صدور فرمان مشروطیت) در آن هنگام که خواست عدالتخانه توسط مردم اوج می‌گرفت، عین‌الدوله صدراعظم وقت برای دلخوش و سرگرم کردن و جلب رضایت مردم و فرونشاندن خشم عمومی، نظامنامه‌ای به نام قانون عدلیه تهیه کرد و آن را در روزنامه ایران منتشر ساخت. چون احساس شده بود مردم عدالتخانه می‌خواهند و این خواست مردم در جهت قطع ایادی بیگانه و اجحاف آنان تحت عنوان کاپیتولاسیون بود. بر همین اساس در فصل اول این نظامنامه آمده بود:

«مطلق دعاوی و تظلماتی که در ممالک محروسه ایران طرح می‌شود اعم از اینکه متداعیین رعیت خارجه یا داخله یا از طبقه نظام یا از صنف

۱- راثین، پیرم خان، ص ۲۹۲-۲۸۵.

۲- همان، ص ۲۷۸-۲۷۷.

۳- همان، ص ۲۸۸.

تجار باشند، رسیدگی و حکم قضیه بالانحصار راجع به وزارت عدلیه عظمی است.»^۱

گرچه این قانون و نظامنامه نه توانست مردم را آرام کند و نه عدلیه تازه‌ای بنیان گذارد، ولی همین که در متن آن رسیدگی به دعاوی و شکایات اتباع بیگانه مانند اتباع کشور در صلاحیت دادگاههای عدلیه گذارده شده بود، دلالت آشکار به نفرت و عصبانیت مردم از کاپیتولاسون دارد.

۱- روزنامه ایران، ۱۹ جمادی‌الاولی ۱۳۲۴ ه.ق، به نقل از ناصری: «بررسی کاپیتولاسیون...»، ص ۲۰.

فصل پنجم

الغای کاپیتولاسیون

موانع الغای کاپیتولاسیون

با پیروزی انقلاب مشروطیت رهبران مشروطه در پی الغای کاپیتولاسیون برآمدند. دو مانع مهم در سر راه الغای کاپیتولاسیون وجود داشت.

۱- فقدان ضوابط مشخص قضایی و تشکیلات منظم عدلیه

در ایران قبل از مشروطیت قوانین تدوین شده و منظمی وجود نداشت.^۱ بلکه مجموعه‌ای پراکنده و محدود از قوانین وجود داشت که بر مبنای شرع و عرف بود.

قوانین شرع، مبنای آن قرآن و حدیث بود و به وسیله روحانیون و مجتهدان اجرا می شد و از نیرومندترین وسایل اعمال قدرت روحانیون، قضاوت بود.^۲ محاکم شرع به امور احداث اربعه (قتل، جرم، سرقت و تجاوز به ناموس) رسیدگی می کردند و در مورد امور مدنی در صورت

۱- لیتن، از نفوذ مسالمت آمیز تا تحت الحمايگی، ص ۲۲۲.

۲- ر.ک. ویپرت بلوشر، سفرنامه بلوشر، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۱۷.

مراجعه مردم با ملاحظه مستندات طرفین و عموماً براساس شاهد یا قسم حکم می‌کردند.

قوانین عرف توسط حکام و والیان و یا روسای عشیره‌ها و ایلها اجرا می‌شد. مبنای عرف احتیاجات آبی و مصلحت‌های دولتی بود، و معیار و ضوابط خاص و کتبی نداشت.

به گفته پولاک «اغلب جرائم سیاسی از مقوله عرف محسوب می‌شد و از این قبیل است مقاومت در برابر قدرت شاه یا حکام، نشر اکاذیب علیه حکومت، اختلاس از اموال عمومی، تخطی از مقررات پلیس همچون ایجاد رسوایی در شارع عام، مستی، قمار و غیره و همچنین دزدی، آدمکشی و راهزنی.»^۱ محدوده محاکم عرف و شرع دقیقاً مشخص نبود ولی به طور خلاصه می‌توان گفت که «عرف به مسائل جنایی و شرع به مسائل حقوقی و مدنی رسیدگی می‌کرد.»^۲

در شمال شرقی کشور، میان اهل تسنن هم محاکم و قوانین شرع و عرف حاکم بود. آنها در مساجد و مکانهای مختلف مثل خانه‌های مفتیان و قضات به قضاوت می‌پرداختند. در آنجا هم قوانین عرف، مانند قسمتهای دیگر ایران مطابق میل و اراده حاکم انجام می‌گرفت. آرمینیوس وامبری از یک دادگاه شرع در استرخان چنین گزارش می‌دهد: «از هرج و مرج‌ها که راجع به دستورهای شرع و مذهب در این شهر حکمفرماست، بسیار تعجب کردم. قاضی کلان (قاضی عالی) که در خویه و بخارا دارای نفوذ زیادی است، در اینجا صورت یک دلکک را دارد. تقریباً هر چه

۱- یاکوب ادوارد پولاک، سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱، ص ۲۲۷.

۲- س. ج. و. بنجامین، ایران و ایرانیان، عصر ناصرالدین شاه، ترجمه حسین کردبچه، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۳۳۱.

دلش خواست می‌کند و بالاترین جنایتها با دادن هدایا جبران می‌شود.^۱ محاکم به دلیل فساد کلی حاکم بر کشور آنگونه که باید به حق قضاوت نمی‌کردند. مجازاتهای گوناگون و خشن به گونه‌ای انجام می‌شد که فکر آن هم پشت انسان را به لرزه درمی‌آورد.^۲ حکام و شاه در ازای قصور و خلافکارها، کیفرهای سخت و ظالمانه مقرر می‌کردند.^۳ مجازاتهایی که به دست فراشان و دژخیمان شاه و حکام اجرا می‌شد، فوق‌العاده ظالمانه و به دور از عدالت بود. شکم پاره کردن، سر بریدن، کور کردن، بریدن گوش و بینی، میله آهنی در چشم کردن، پاره و مثله کردن، زنده در آب‌جوش انداختن^۴، زنده دفن کردن، به میخ کشیدن، نعل زدن مانند اسب، شقه و دو نیم کردن، آتش زدن، از متهم مشعلی انسانی ساختن و زنده پوست کندن^۵، و دهها نوع شکنجه دیگر که نمونه قساوت حکام نسبت به مردم بی‌پناه بود، اجرا می‌شد.

احتشام‌الدوله فرزند امیرافخم حکمران همدان برای تفریح و خوشگذرانی دستور می‌داد که با یک ضربه شمشیر بسیار تیز سر محکومی را جدا کنند و بلافاصله قطعه آهن آتشین سرخ شده مدور به گردن بریده محکوم بگذارند تا رگهای بریده شده مقتول جوش

۱- آرمینوس وامبری، سیاحت درویش دروغین در خانات آسیای میانه، ترجمه فتحعلی خواجه نوریان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۳۴۴، ص ۳۳۰.

۲- ویلیام فرانکلین، شاهدات سفر از بنگال به ایران، در سالهای ۱۷۸۶-۱۷۸۷ م با شرح مختصری درباره ویرانه‌های تخت‌جمشید و رویدادهای جالب دیگر، ترجمه محسن جاویدان، تهران، بنیاد فرهنگ و هنر ایران، ۱۳۵۸، ص ۴۰.

۳- بلوشر، سفرنامه بلوشر، ص ۱۸.

۴- علی اصغر شمیم، ایران در زمان سلطنت قاجار، تهران، انتشارات سینا، چاپ اول،

۱۳۴۲، ص ۲۸۲.

۵- فلور، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، جلد اول، ص ۱۴۱.

بخورد و محکوم مدتی جان بکند و ایشان از دیدن منظره لذت ببرد.^۱ نکته مهم در اجرای مجازات این بود که برای حکام ایالات و شاه مورد جرم بیشتر از اصل و نوع جرم اهمیت داشت. چنانچه اگر شخصی از روی سهو سنگ ریزه‌ای به طرف موکب آنها می‌انداخت بلافاصله بدون محاکمه به قتل یا مجازات‌هایی شبیه آنچه که نام برده شد، می‌رسید.^۲ امین‌الدوله در خاطرات سیاسی‌اش می‌نویسد: ناصرالدین شاه در آستانه سفر دوشم به اروپا، روزی به قصد زیارت حضرت عبدالعظیم می‌رفت، چند نفر سرباز اصفهانی جهت دادن عریضه‌ای به کالسکه وی نزدیک شدند. سربازان و محافظان او چنان وانمود کردند که سربازان اصفهانی سنگ‌ریزه به طرف کالسکه شاه پرتاب نموده‌اند. ناصرالدین شاه علیرغم درخواست عفو مشیرالدوله، فوراً بدون تحقیق و اثبات جرم دستور داد که طناب به گردن آنها انداخته و خفه کنند.^۳

عدلیه سالیان متمادی اسم بی‌مسمائی و ظرف بی‌محتوایی بیش نبود. عدلیه وسیله‌ای شده بود برای ارتشا و رشوه‌خواری و چاپیدن جیب مردم. در گزارشهای مخابرات استرآباد آمده است: «سردار افخم برای خود دخل معتنابهی منظور کرده است. ساعدالسلطنه را رئیس قرار داده، به اتفاق پنج نفر تجار جلسه منعقد (کرده) رسیدگی به امورات می‌نماید. اهالی استرآباد رنجش (پیدا) کرده خصوصاً علمای شهر ابداء رضایت به عدلیه ندارند بر ضد احکامات علما رفتار می‌شود.»^۴

۱- شمیم، تاریخ ایران در سلطنت قاجار، ص ۲۸۳.

۲- همان، ص ۲۸۵.

۳- میرزا علی خان امین‌الدوله، خاطرات سیاسی میرزا علی خان امین‌الدوله، به کوشش حافظ فرمانفرمائی، تهران، کتابهای ایران، ۱۳۴۱، ص ۶۱-۶۲.

۴- حسین قلی مقصدلو وکیل‌الدوله، مخابرات استرآباد، جلد اول، ۱۹۱۵-۱۹۰۸ م / ۱۳۳۶-۱۳۲۶ ه. ق به کوشش ایزج افشار، محمدرسول دریاگشت، تهران، نشر تاریخ ایران، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۴۳۹.

از طرف دیگر عدلیه چنان بی نفوذ شده بود که قدرتمندان و اشخاص ذی نفوذ واقعی به احکام عدلیه نمی‌گذارند. به گفته صدرالاشراف وقتی در عدلیه حکمی نسبت به ملکی، به ضرر خواهر یکی از رجال متنفذ صادر شده بود. وی دستور می‌دهد که مامور عدلیه را که جهت اجرای حکم رفته بود، کتک بزنند و می‌گویند: «به عدلیه بگویند کار خودش را بکند به ملک خواهر من چکار دارد.»^۱

احکامی که صادر می‌شد در بعضی مواقع توأم با نادانی و خودکامگی و سودجویی و بلاهت و معمولاً دور از انصاف و قرین بیداد بود. میرزا فتحعلی خان آخوندزاده می‌نویسد که خان لنکران درباره پزشکی که با گرفتن خون از بدن بیماری موجب مرگ او شده بود، حکم می‌کند که برادر متظلم چیزی به طبیب بدهد و او را دلگرم کند چرا که مریض مردنی بوده و او زودتر راحتش کرده است.^۲

صدرالاشراف می‌نویسد: شخصی از مردی نزد حاج حسینقلی خان بختیاری شکایت برده که برادرم فوت کرده و این مرد زن و بزهایش را تصاحب کرده است. خان بختیاری گفته است: «این بی‌انصافی است و زن او مال این مرد.»^۳

وضعیت عدلیه و اجرای عدالت در مملکت، در اواخر و اوایل دوره قاجاریه چندان تفاوتی نداشت.^۴

۱- محسن صدر (صدرالاشراف)، خاطرات صدرالاشراف به نقل از ناصری: «بررسی کاپیتولاسیون» ص ۳۱.

۲- ناصری، «بررسی تحلیلی کاپیتولاسیون»، ص ۲۹.

۳- صدرالاشراف، خاطرات صدرالاشراف، به نقل از ناصری: «بررسی کاپیتولاسیون» ص ۲۹.

۴- ر.ک. س. لمبتون، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲، ص ۳۰۷.

وضعیت نابسامان عدلیه و فقدان قوانین قضایی موجب شده بود که بهانه به دست کشورهای دارای حق قضاوت کنسولی داده شود و آنها ادامه کاپیتولاسیون را امری لازم به شمار آورند. گرچه در همین دوران مجموعه‌ای از قوانین وجود داشت ولی به مورد اجراء گذارده نمی‌شدند و عوامل ضایع‌کننده قدرت قانون، مثل حب و بغضها و تحریکات مختلف و فساد و ارتشاء دائماً در کار بود و به جای مواد قانون، مصالح گوناگون را مدنظر قرار می‌دادند.^۱ البته دولت برای سر و سامان دادن وضعیت نابسامان قضایی کارهایی انجام داده بود. از جمله تاسیس دیوانخانه عدالت که از کارهای امیرکبیر بود.^۲ در این دیوانخانه تلفیقی از قوانین عرف و شرع در امر قضاوت به کار گرفته می‌شد. از دیگر کارهای اصلاحی تاسیس عدلیه بود که در ردیف چند وزارتخانه دیگر در زمان ناصرالدین شاه در سال ۱۸۵۷ م / ۱۲۷۵ ه. ق تاسیس شده بود. در سال ۱۸۸۲ م / ۱۳۰۰ ه. ق تشکیلات وزارت عدلیه اعظم عبارت بود از:

- ۱- حوزه مرکزی که مرکب از وزیر و مجلس خصوصی وزیر عدلیه بود.
- ۲- مجلس صدر دیوانخانه، یعنی مرجع عالی امور حقوقی و شرعی.
- ۳- مجلس تحقیق و دعاوی
- ۴- مجلس جنایات و تجاوزات
- ۵- مجلس اجرا و یکی دو مجلس دیگر.^۳

اما به این اصلاحات چنان که می‌باید توجه نشده و تلاشها عقیم مانده بود. بهبودی در روش قضاوت به وجود نیامده و معایب آن هنوز پا برجا بود.^۴

۱- لیدی شیل، خاطرات لیدی شیل، ص ۱۱۶.

۲- همان، ص ۱۱۷.

۳- شمیم، تاریخ ایران در زمان سلطنت قاجار، ص ۲۸۴.

۴- لیدی شیل، خاطرات لیدی شیل، ص ۱۱۷.

۲- وجود معاهدات دارای حق کاپیتولاسیون

وجود معاهداتی که در آنها امتیاز قضاوت کنسولی به بیگانگان داده شده بود، مانع دیگری بر سر راه الغای کاپیتولاسیون بود. کشورهای غربی، الغای کاپیتولاسیون را منافی قراردادهای معتبر بین خود و ایران قلمداد می‌کردند و در صورت لغو آن، ایران را متهم به نقض تعهدات بین‌المللی خود می‌کردند.

دولتهایی که بعد از مشروطیت بر سر کار آمدند اکثراً در پی الغای کاپیتولاسیون بودند. این مطلب از رئوس اهداف آنها بود. دو واقعه باعث شد که زمینه برای الغا در ایران فراهم شود:

۱- الغای معاهده ترکمانچای به وسیله روسها

۲- الغای کاپیتولاسیون در ترکیه

الغای عهدنامه ترکمانچای

همچنان که قبلاً ذکر شد، قرارداد ترکمانچای منشاء اصلی برقراری کاپیتولاسیون در ایران معاصر بود.

با پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م / محرم ۱۳۳۶ ه. ق روسیه و سقوط سلطنت تزارها و روی کار آمدن حکومت سوسیالیستی در روسیه، حکومت جدید لغو کلیه امتیازات اخذشده در ایران را اعلام کرد. اولین نماینده شوروی در ایران، براوین، بعد از انقلاب سوسیالیستی در ۱۹۱۷ م / ۱۳۳۶ ه. ق آمادگی کشورش را برای انعقاد قراردادی مبنی بر حذف کلیه امتیازات گذشته از جمله کاپیتولاسیون اعلام کرد.^۱

۱- مستوفی، شرح زندگانی من، جلد سوم، ص ۱۳۱.

این امر بعداً در یادداشت ژانویه ۱۹۱۸ م / ربیع‌الاول ۱۳۳۶ ه. ق دولت شوروی اعلام گردید. آن یادداشت کلیه امتیازات مخالف حاکمیت و استقلال ایران را که در دوره تزارها از طرف ایران به روسها واگذار شده بود، کان لم یکن اعلام می‌کرد.^۱ نایب کمیسر خارجه شوروی در ژوئن ۱۹۱۸ م / جمادی‌الاول ۱۳۳۷ ه. ق یادداشت مفصل‌تری توسط نماینده غیررسمی شوروی در ایران، خطاب به رئیس‌الوزرای ایران فرستاد که رویه شوروی را نسبت به ایران روشن‌تر می‌ساخت. به موجب آن یادداشت حق قضاوت کنسولها کاملاً باطل اعلام شده و دولت شوروی رضایت خود را به انحلال کارگزاریها در ایران ابراز داشته بود.^۲

بالاخره در ۱۶ فوریه ۱۹۲۱ م / ۷ جمادی‌الثانی ۱۳۳۹ ه. ق عهدنامه‌ای بین ایران و شوروی در مسکو امضا شد که طبق آن دولت شوروی از کلیه منافع و امتیازات روسیه تزاری در ایران چشم پوشید. در مواد اول و شانزدهم آن الغای کاپیتولاسیون و تعمیم مقررات و قوانین قضایی و دادرسی ایران به اتباع شوروی ساکن ایران تصریح شده است. «در ماده اول اعلام نمود که از سیاست جابرا نه‌ای که دولتهای مستعمراتی روسیه نسبت به ایران تعقیب می‌نمودند، صرف‌نظر می‌نماید و با اشتیاق به اینکه ملت ایران مستقل و سعادتمند شده، بتواند آزادانه در دارایی خود تصرفات لازمه را به نماید، دولت شوروی روسیه تمام معاهدات و مقاولات و قراردادهایی را که دولت تزاری روسیه با ایران منعقد نموده و حقوق ملت ایران را تضییع می‌نمود ملغی و از درجه اعتبار ساقط شده اعلام می‌نماید.»^۳

۱- لنزوسکی، رقابت روسیه و غرب در ایران، ص ۹۱.

۲- همان، ص ۹۱.

۳- دکتر میلیسپو، ماموریت آمریکا در ایران، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، انتشارات پیام، چاپ اول، ۱۳۵۶، ص ۱۱۱.

«در ماده شانزدهم دولت شوروی اعلام داشت که حق قضاوت کنسولی درباره اتباع روسیه ساکن ایران که تا تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۱۹ اجرا می‌شد، باطل و از تاریخ امضای این معاهده اتباع روسیه ساکن ایران و اتباع ایرانی ساکن روسیه دارای حقوق مساوی با سکنه محلی بوده و محکوم قوانین مملکت متوقف فیها خواهد بود و به تمام کارهای قضایی آنان در محاکم محلی رسیدگی خواهد شد.»^۱

انعقاد این قرارداد سرفصل جدیدی در روابط ایران و شوروی باز کرد و می‌توان گفت که این، اولین قراردادی بود که ایران بعد از یک قرن تحمل رژیم کاپیتولاسیون و تن دادن به دهها امتیاز دیگر، براساس تساوی حقوق و برابری و احترام متقابل با کشوری امضا می‌کرد که بیشترین منافع استعماری را در ایران در طول قرن گذشته داشته بود.

تاثیر قرارداد ۱۹۲۱ م ایران و شوروی در لغو کاپیتولاسیون

چشم‌پوشی دولت شوروی از حقوق مربوط به قضاوت کنسولی خود در ایران اهمیت خاصی برای الغای کلی کاپیتولاسیون در ایران داشت.^۲ چون بنابر معاهده ترکمانچای بود که این ستم، به طرز شدیدی بر ایران تحمیل شده بود. روزنامه *حبل‌المتین* در مورد تاثیر قرارداد ۱۹۲۱ م/ ۱۳۳۹ ه. ق در لغو معاهدات منعقدۀ ایران با دول خارجی می‌نویسد:

«اساس تجاوز اجنبیان در ایران بر معاهده ترکمانچای گذارده بود،

۱- همان، ص ۱۱۲، جهت مطالعه کامل قرارداد ۱۹۲۱ ر.ک. یحیی دولت‌آبادی، *حیات یحیی*، جلد چهارم، ص ۲۰۶.
۲- ا. س. ملیکف، *استقرار دیکتاتوری رضاخان در ایران*، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ اول، ۱۳۵۸، ص ۱۷.

وقتی معاهده ترکمانچای لغو گردید، اساساً تمام معاهدات دول سائره هم که بر روی همان زمینه بود، ملغی بود.^۱

طرح تلاش مجدد شوروی برای استفاده از حقوق کاپیتولاسیون

بعد از قرارداد ۱۹۲۱ م / ۱۳۳۹ ه.ق که طی آن حق قضاوت کنسولی روسیه در ایران لغو شد، دولت شوروی بعد از مدتی سعی در استفاده مجدد از حقوق کاپیتولاسیون در ایران کرد.

دکتر محمد مصدق که خود در سالهای بعد از قرارداد ۱۹۲۱ م / ۱۳۳۹ ه.ق، حاکم آذربایجان بود و درگیریهایی با کنسول شوروی در مورد استفاده مجدد آنها از حقوق کاپیتولاسیون داشته است در مورد علت استفاده مجدد شوروی از این حقوق می نویسد:

«برای وی ناگوار بود که سایر دول، اتباع خود را برای محاکمه و مجازات از ایران ببرند ولی اتباع آن دولت که لازم بود تبلیغاتی در ایران بکنند گرفتار شوند و بر طبق قوانین مملکت محاکمه و محکوم شوند.»^۲

موضوعی که باعث شد سفارتخانه شوروی تقاضای استفاده از حقوق قضاوت کنسولی کند، مخالفت علما با تصویب قانون مجازات عرفی بود و همین برای آنها مستمسکی شد که اگر اتباع ما در ایران باید مجازات شوند، طبق چه مبنایی مجازات می شوند.^۳

۱- روزنامه حبل‌المتین، سال ۳۵، شماره ۲۰ و ۲۱ (۲ خرداد ۱۳۰۶ ش).

۲- دکتر محمد مصدق، خاطرات و تالعات دکتر محمد مصدق، مشتمل بر دو کتاب «شرح مختصری از زندگی و خاطراتم» و «مختصری از تاریخ ملی شدن صنعت نفت در ایران» با مقدمه دکتر غلامحسین مصدق، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات محمدعلی علمی، چاپ پنجم، ۱۳۶۶، ص ۱۵۶.

۳- همان، ص ۱۶۳.

در مواردی ماموران کنسولی شوروی برخلاف معاهده ۱۹۲۱ م/ ۱۳۳۹ ه. ق به استفاده مجدد از قضاوت کنسولی و مداخله در قضایای حقوقی و قضایی به نفع اتباع خود پرداختند. این عمل شوروی موجب اعتراض دولت ایران به روش کنسولهای آن کشور در کرمان و شیراز، مشهد و رشت شد و دولت ایران، تقاضای اخراج کنسولهای شوروی در شهرهای مشهد و رشت را از دولت شوروی کرد.^۱

در کابینه مستوفی الممالک که فروغی به عنوان یکی از وزراء به مجلس معرفی شده بود، یکی از نمایندگان در مخالفت با وی اظهار داشت: «آقای فروغی مراسله‌ای به سفارت شوروی نوشته و موافقت خود را در قضاوت دعاوی اتباع آن دولت در اداره محاکمات وزارت امور خارجه اظهار نموده و به عبارت اخیری عهدنامه ترکمانچای و برقراری کاپیتولاسیون را تجدید نموده است.»^۲

ولی بعدها سفارت شوروی وجود چنین مراسله‌ای را انکار کرد.

با همه تلاشهای شوروی در استفاده مجدد از حقوق قضاوت کنسولی به نفع اتباع خود، در این راه موفقیت چندانی به دست نیاورد. چون خود شوروی داوطلبانه معاهده ترکمانچای را در سال ۱۹۲۱ م/ ۱۳۳۹ ه. ق لغو کرده بود و از طرف دیگر دولتهای بعد از مشروطیت در پی الغای کلیه معاهدات دارای حقوق کاپیتولاسیون بودند.

الغای کاپیتولاسیون در ترکیه

دولت عثمانی از آخر قرن نوزدهم در پی لغو امتیازات قضایی اعطایی

۱- ناصری، «بررسی کاپیتولاسیون»، ص ۲۳-۲۲.

۲- علی اصغر شریف، کاپیتولاسیون و عرضه چی‌ها، تهران، بی‌ناشر، ۱۳۵۴، ص ۸۳.

به بیگانگان برآمد. در سال ۱۸۹۲ م / ۱۳۱۰ هـ. ق تجدید عهدنامه تجاری با آلمان را موقوف به فسخ کاپیتولاسیون به نفع اتباع آلمان در خاک عثمانی در آینده کرد^۱ و در همین سال تجدید عهدنامه تجاری بین فرانسه و عثمانی منعقد شده در سال ۱۸۶۱ م / ۱۲۷۸ هـ. ق را به علت اینکه ممکن است فرانسه لغو کاپیتولاسیون به نفع اتباعش را در آینده نپذیرد، رد کرد.

در سال ۱۹۱۲ م / ۱۳۳۱ هـ. ق در عهدنامه لوزان که بین ایتالیا و عثمانی منعقد شد، دولت ایتالیا متعهد شد که اگر دولت عثمانی عهدنامه‌های تجاری خود را با سایر دول را تجدید نماید دولت ایتالیا هم عهدنامه جدید تجاری بر اساس حقوق عمومی اروپا منعقد نماید که طبق آن کاپیتولاسیون به نفع اتباع ایتالیا در عثمانی از آن حذف خواهد شد. با شروع جنگ جهانی اول دولت ترکیه الغای یکطرفه کاپیتولاسیون را به کشورهای دارای حق قضاوت کنسولی در آن کشور را اعلام کرد، ولی این عمل با اعتراض کشورهای دارای حق کاپیتولاسیون در ترکیه حتی متحد او آلمان مواجه گردید.

دولتهای پیروز در جنگ اول جهانی با شکست ترکیه در جنگ با قرارداد سور دوباره نظام کاپیتولاسیون را بر او تحمیل کردند اما در اثر مقاومت ترکها با امضای عهدنامه لوزان در سال ۱۹۲۳ م / ۱۳۴۲ هـ. ق حق قضاوت کنسولی در آن کشور لغو گردید.^۲ الغای کاپیتولاسیون در ترکیه «اولین ضربه‌ای بود که به دستگاه وارد آمد.»^۳

۱- مصدق، کاپیتولاسیون و ایران، ص ۴۳-۴۴.

۲- برای آگاهی از معاهده صلح لوزان و الغای کاپیتولاسیون در ترکیه، ر. ک. لاموش، تاریخ ترکیه، ص ۴۰۱-۳۹۹.

۳- سایکس، تاریخ ایران، جلد دوم، ص ۷۴۲.

لغو حقوق کاپیتولاسیون اتباع ترکیه در ایران

بالغای کاپیتولاسیون در ترکیه مزایای قضایی این دولت در ایران متقابلاً ملغی گردید. دولت ایران در سال ۱۹۱۸ م / ۱۳۳۷ ه. ق اطلاعیه‌ای در رابطه با الغای قضاوت کنسولی به نفع اتباع ترکیه در ایران به شرح زیر صادر کرد:

«چون دولت عثمانی الغای کاپیتولاسیون را در مملکت خود به موقع اجرا گذاشته و نظر به اینکه موافق مقاولات و عهدنامه‌ها، معاملات دولت با دولت معزی‌الیها معامله متقابله هست، معهداً دولت علیه ایران نیز در داخل مملکت ایران همین ترتیب را نسبت به اتباع دولت عثمانی به موقع عمل آورد و لزوماً اخطار می‌شود که بعد از این در امور دعاوی راجع به اتباع دولت عثمانی محاکم داخلی و عادی صالح برای رسیدگی خواهند بود. به کارگزاریهای ولایات و محاکمات وزارت جلیله امور خارجه دستور کافی در این مورد داده شده است.»^۱

به موجب تصویب‌نامه دیگر هیئت وزیران در سال ۱۹۲۰ م / ۱۳۳۹ ه. ق مقرر شد که محاکمات اتباع دولت عثمانی به عدلیه ارجاع داده شود و در اداره دیوان محاکمات وزارت امور خارجه مورد رسیدگی واقع نشود و «محاکمات اهالی بین‌النهرین و شامات و کلیه نقاطی که جزء امپراتوری عثمانی بوده است، رجوع به عدلیه شده و محاکمات وزارت امور خارجه رسیدگی و دخالت ننماید.»^۲

عمل ایران در رابطه با الغای کاپیتولاسیون اتباع ترکیه در ایران مورد

۱- شریف، کاپیتولاسیون، ص ۱۱۹-۱۱۸.

۲- همان، ص ۱۱۹.

اعتراض دولت ترکیه واقع شد. پس از پایان جنگ جهانی اول و برقرار شدن روابط عادی بین ایران و ترکیه اولین مذاکره‌ای که سفیرکبیر عثمانی در تهران انجام داد، در مورد استفاده اتباع ترکیه از حقوق کاپیتولاسیون در ایران بود. استدلال ترکیه این بود، چون ترکیه امتیازات ویژه قضاوت کنسولی را نسبت به عموم دولتها، لغو کرده است، استفاده اتباع ایران از آن امتیازات مشروع نیست. ولی چون سایر دولتها از حقوق کاپیتولاسیون در ایران استفاده می‌کنند، محروم کردن اتباع ترکیه در ایران از آن امتیازات معامله‌ای استثنایی است.

دولت ایران در جواب متذکر شد، هر یک از دو دولت ایران و ترکیه در مورد اتباع و کنسولهای خود در کشورهای طرفین امتیازاتی در نظر گرفته بودند که جنبه کاپیتولاسیونی داشت و به موجب معاهدات منعقد شده بین یکدیگر، معامله کاپیتولاسیون در کشورهای یکدیگر، براساس معامله متقابل بوده است و در این صورت تا موقعی که دولت ترکیه آن حقوق را در مورد اتباع ایران در ترکیه اجرا می‌کرد، ایران هم خود را ملزم می‌دانست که در مورد اتباع ترکیه، انجام دهد. ولی چون ترکیه قضاوت کنسولی را در مورد اتباع ایران در ترکیه متوقف کرده است و ایرانیان را از آن امتیازات محروم کرده «بنابراین دولت ایران هم از این به بعد، خود را به اجرای قراردادهای منعقد شده بین طرفین، که یک طرفی است ملزم نمی‌داند و آنها را فسخ شده می‌داند و نمایندگان ایران رجاء واثق دارند که دولت ترکیه مانع نخواهد بود از اینکه ایران به استخلاص از کاپیتولاسیون نائل شود، بلکه با میل او به طی این طریق و رسیدن به آرزوی مشروع خود مساعدت خواهد نمود.»^۱

مکاتبات و مذاکرات ایران و عثمانی در این مورد، در حدود دو سال ادامه یافت تا اینکه در ۲۲ آوریل ۱۹۲۶ م / اول اردیبهشت ۱۳۰۵ ه. ق معاهده‌ای بین طرفین منعقد شد و بر طبق این معاهده به قضاوت کنسولی ترکیه در ایران پایان داده شده و برای اتباع طرفین حقوق متساوی در نظر گرفته شد. لغو امتیازات ویژه قضایی اتباع ترکیه در ایران، دلیل قانع‌کننده‌ای برای عمل مشابه با سایر دول بوجود آورد.

اعلام الغای کاپیتولاسیون در دولت سپهدار (۱۹۱۰ م / ۱۳۲۸ ه. ق)

بعد از مشروطیت دولتهایی که بر سر کار می‌آمدند از جمله مسائلی که مدنظر داشتند برچیدن بساط رژیم کاپیتولاسیون در ایران بود. این مطلب در برنامه‌های اکثر این دولتها تا موقع الغای آن وجود داشت. بعضی از دولتها درصدد انجام این کار بودند ولی به علت آماده نبودن تمام مقدمات و نامساعد بودن اوضاع بین‌المللی و مخالفت بعضی از کشورهای دارای حق کاپیتولاسیون در ایران این کار انجام پذیرفت و بعضی مثل دولت سیدضیاء درصدد بهره‌برداری تبلیغاتی از این مسئله بودند.

اولین دولت بعد از مشروطیت که الغای کاپیتولاسیون را در ایران اعلام داشت، دولت سپهدار تنکابنی بود. وی در سال ۱۹۱۰ م / ۱۳۲۸ ه. ق الغای کاپیتولاسیون را اعلام کرد.

مخبرالسلطنه در این مورد می‌نویسد:

«دهم جمادی‌الاولی سپهدار کاپیتولاسیون را لغو شمرده، منکر حضور نمایندگان خارجی در موقع محاکمه شد.»^۱

اعلام این الفا در موقعیتی انجام گرفت که اوج مداخلات روس و انگلیس در ایران بود. از طرفی در سال ۱۹۰۷ م / ۱۳۲۵ ه. ق قرارداد تقسیم ایران بین روس و انگلیس به امضا رسیده بود و از طرف دیگر روسیه در پایتخت و شمال کشور مداخلات خود را به حدی رسانده بود که از تاریخ امضای قرارداد ترکمانچای بی سابقه بود. روی همین جهت اعلام بدون مقدمات و زمینه سازی قبلی نتیجه ای آنچنان عاید نمی کرد ولی با وجود این به قول مخیرالسلطنه:

«اگرچه در آنوقت بی تدارک بود ولی نغمه ای بود در گوشها.»^۱

این اعلام الفا، مقدمه ای شد برای اینکه دولتهای بعدی انجام این کار را ممکن بگیرند و همان طور که ذکر شد در رئوس برنامه های خود قرار دهند.

اعلام الفا کاپیتولاسیون در کابینه صمصام السلطنه

چون در آن تاریخ دولت تزاری روسیه سرنگون شده و دولت جدید کلیه معاهدات و امتیازات قبلی را بی اعتبار اعلام کرده و این امر را به دولت ایران و سایر دولتها اعلام کرده بود، و از طرف دیگر ترکیه هم در سال ۱۹۱۴ م / ۱۳۳۳ ه. ق به طور یکجانبه قراردادهای کاپیتولاسیون را در آن کشور باطل اعلام کرده و از لحاظ بین المللی بعد از جنگ جهانی اول شرایط جدیدی به وجود آمده بود، دولت صمصام السلطنه سعی کرد با استفاده از اوضاع پیش آمده رژیم کاپیتولاسیون را در ایران براندازد. روی همین جهت در تاریخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۱۸ م / ۱۸ شوال ۱۳۳۶ ه. ق (۴ برج

اسد ۱۲۹۷ شمسی) هیئت وزیران دستوری به وزارت امور خارجه صادر کرد.^۱

در این تصویب‌نامه با تصریح به اینکه «معاهدات، مقاولات و امتیازاتی که از یکصد سال پیش به این طرف دولت استبدادی روس و اتباع آن از ایران گرفتند تماماً در تحت فشار و جبر و زور و یا به وسیله عوامل غیرمشروعه از قبیل تهدید، تطمیع برخلاف صلاح و صرفه مملکت و ملت ایران گرفته شد است.»^۲ و چون دولت روسیه تحمیل‌کننده آن قراردادها «آزادی و مختاریت‌نامه ملل را مقصد و آرزوی خود قرار داده و بالخاصه الغای امتیازات و عقود را که از ایران تحصیل کرده‌اند از مجاری رسمی و غیررسمی به دفعات اعلام کرده است» لذا با استناد به قانون اساسی «و اینکه دولت و ملت ایران هم حق دارند مثل سایر دول و ملل عالم از منابع ثروت و آزادی طبیعی خود استفاده نمایند...

الغای کلیه عهدنامه‌جات و مقاولات و امتیازات فوق‌الذکر را قطعاً تعمیم و مقرر می‌دارد که وزارت جلیله امور خارجه، مقیمین دربار ایران و سفرای دولت علیه مقیمین خارجه از مفاد این تصمیم مستحضر داشته و وزارت جلیله فوائد عامه و تجارت و فلاحت به وسایل مقتضیه برای استحضار عموم اعلان نماید.»^۳

دو سه روز بعد از آن کابینه تصویب‌نامه‌ای در تعقیب مصوبه فوق به منظور لغو کاپیتولاسیون دربارہ همه بستگان دولتها صادر کرد.^۴ مفاد

۱- سپهر مورخ‌الدوله، ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴، تهران، انتشارات ادیب، چاپ دوم، ۱۳۶۲، ص ۴۹۸.

۲- همان، ص ۴۹۸.

۳- همان، ص ۴۹۸.

۴- سید احمد کسروی، تاریخ هیجده ساله آذربایجان، بازمانده تاریخ مشروطه ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۵، ص ۷۵۷.

تصویب نامه در مورد متوقف شدن اداره محاکمات و کارگزاریها و تشکیل کمیسیونی برای تحویل و تحول امور بود.

لغو یکجانبه کاپیتولاسیون از طرف صمصام السلطنه را عده‌ای از تاریخ‌نویسان متهورانه و بعضی «بطرز لری»^۱ و «بدون هیچ مقدمه» توصیف کرده‌اند. اعلام الغای کاپیتولاسیون موجب عکس‌العمل دول اروپایی و مورد مخالفت آنان واقع شد. اقدامات کابینه صمصام السلطنه توسط کابینه بعدی پیگیری شد.

محدودیت دیوان محاکمات و کارگزاریها

به موازات تلاش جهت حذف رژیم کاپیتولاسیون تصمیماتی در محدود کردن صلاحیت دیوان محاکمات وزارت امور خارجه و کارگزاریها و کاستن از مداخلات اعضای سفارتخانه‌ها و کنسولگریها صورت گرفت.

در دسامبر ۱۹۱۷ م / ربیع‌الاول ۱۳۳۶ ه. ق بر اساس موافقت وزارت امور خارجه به عموم عدلیه‌های ولایات ابلاغ شد که دعاوی ملکی اشخاص ایرانی که در خدمت سفارتخانه‌ها و کنسولگریهای خارجی هستند لازم است در محاکم عدلیه مورد رسیدگی قرار گیرد، و اعلام شد که «محاکمات خارجه مرکزی و محاکم کارگزاریهای ولایات، صلاحیت رسیدگی به دعاوی اشخاص مزبور را ندارند... مگر دعاوی راجع به منازل مسکونی موافق عهود مقرر و در باب سایر دعاوی که مربوط به اموال غیر منقول نیست، علی‌العاده مطابق مقررات مربوطه رفتار خواهد شد.»^۲

۱- مستوفی، شرح زندگانی من، جلد دوم، ص ۵۱۵.

۲- شریف، کاپیتولاسیون، ص ۱۲۰-۱۱۹.

در ادامه این محدود کردن دخالت سفارتخانه‌ها و کنسولگریها در امور داخلی و قضایی ایران در ۱۸ سپتامبر ۱۹۱۸ م/ سوم ذی‌حجه ۱۳۳۶ ه.ق ابلاغ شد که وکالت منشی یا مترجم سفارتخانه‌های دول خارجی را، اتباع ایران نباید بپذیرند.^۱

اعلام الغا کاپیتولاسیون در کابینه و ثوق الدوله

در تعقیب تصویب‌نامه دوم کابینه صمصام‌السلطنه در اول اوت ۱۹۱۸ م/ ۲۳ شوال ۱۳۳۶ ه.ق (نهم برج اسد ۱۲۹۷ ش) کمیسیونی مامور مطالعه در امر الغای کاپیتولاسیون و انتقال محاکمات وزارت امور خارجه و کارگزاریها به وزارت عدلیه شد. کمیسیون یادشده گزارشی درباره دشواریهای کار از لحاظ معاهدات کامله‌الوداد و مسائل دیگر تهیه کرد. کمیسیون در رابطه با مشکل حق کاپیتولاسیون کشورهای که معاهدات کامله‌الوداد با ایران دارند گزارش داد که چون دولت ایران با بسیاری از دول خارجه عهدنامه‌های مخصوص دارد که در جمیع آنها ذکر شده است که دولت ایران با آنها معامله‌ای که با دول کامله‌الوداد می‌نماید، خواهد کرد و در بعضی از آن معاهدات از قبیل معاهده با آلمان و اتریش و اسپانیا تصریح شده بر اینکه محاکمه اتباع با حضور و مداخله نماینده آنها خواهد بود، در این صورت بعد از الغا قرارداد ترکمانچای دولتهای کامله‌الوداد، دولت آلمان و اسپانیا و اتریش خواهند بود و سایر دول نیز تقاضا خواهند داشت که با اتباع آنها مانند اتباع اتریش و اسپانیا و آلمان رفتار شود و تا وقتی دولت ایران عهدنامه‌های مزبور را الغا ننموده می‌باید با تقاضای آنها موافقت کند.^۲

۱- همان، ص ۱۲۰.

۲- ر.ک. سپهر، ایران در جنگ بزرگ، ص ۴۹۸-۵۰۰.

کمیسیون در مورد اتباع روسیه و ترکیه اظهار نظر کرده بود که چون ایران عهدنامه‌های خود را با دولت روس لغو کرده است لذا دعاوی آنها به عدلیه رجوع داده شود، بدون اینکه برای اتباع روس امتیاز و معافیتی در نظر گرفته شود. اما دولت ترکیه هم به موجب عهدنامه‌هایی که با دولت ایران منعقد کرده است، معامله متقابله برای طرفین در آنها منظور بوده و دولت ترکیه هم اعلان الغا کاپیتولاسیون را نموده است، پس بدون اشکالی در ایران هم، همین معامله را نسبت به اتباع آنها انجام دهیم.

کمیسیون در رابطه با حل مشکل عهدنامه‌های دولتهایی که طبق اصل کامله‌الوداد در ایران از حقوق کاپیتولاسیون برخوردار بودند، اعلام کرد، اینگونه عهدنامه‌ها به دو قسمتند: در بعضی از آنها ذکر شده که هر وقت یکی از طرفین بخواهند معاهده را فسخ کنند می‌باید به طرف دیگر اعلام شود و تا دوازده ماه دیگر، عهدنامه‌ای که ابطال آن اعلام شده، به قوت خود باقی بماند. به همین جهت در رابطه با این دول به همین طریق اقدام شود. نسبت به دول دیگر که عهدنامه‌های آنها مدت ندارد، لغو آنها موقوف به مذاکره دولتها خواهد بود. در پایان گزارش پیشنهاد شده بود، چون اکثر دعاوی در محاکمات وزارت امور خارجه مربوط به اتباع روس و عثمانی است، آنها به عدلیه رجوع داده شود و باقی دعاوی مربوط به سایر کشورها که قلیل هستند، در اداره محاکمات و کارگزاریها انجام بگیرد.^۱

وثوق‌الدوله در پاسخ گزارش کمیسیون فرمان داد، محاکماتی که ما بین اتباع روس و عثمانی با اتباع ایران می‌باشد به محاکم داخلی ارجاع داده شود و کمیسیون ترتیب انتقال محاکمات اتباع روس و عثمانی را از محاکم

وزارت امور خارجه و کارگزاریها به محاکم قضایی ایران بدهد و نسبت به اتباع سایر دول که محاکماتشان اندک است در کمیسیون بزرگتری تصمیم مقتضی گرفته شود.^۱

کنفرانس صلح پاریس و طرح الغا کاپیتولاسیون در آن

با پایان یافتن جنگ اول جهانی و تشکیل کنفرانس صلح در پاریس در سال ۱۹۱۹ م / ۱۳۳۸ ه. ق هیئتی از طرف دولت ایران تحت ریاست علی قلی خان انصاری، وزیر امور خارجه وقت با عضویت ذکاءالملک علائی، مسیو پرنی و انتظامالملک برای شرکت در کنفرانس صلح به پاریس فرستاد شد. دولت ایران بیانیه‌ای در مورد خواسته‌ها و نظرات خود تنظیم نمود و تقدیم کنفرانس کرد. دعاوی ایران از کنفرانس به سه قسمت سیاسی، اقتصادی و قضایی تقسیم می‌شد.^۲ در قسمت قضایی بیانیه از وجود کاپیتولاسیون در ایران شکایت شده و لغو آن در ایران خواسته شده بود. در این یادداشت آمده: «اتباع بیگانه در ایران تقریباً از تعقیب پلیس و دادگستری ایران مصون می‌باشند و به نحوی که می‌توانند انواع جنایات و جنحه‌ها را مرتکب شوند بدون اینکه از جانب اولیا امور ایران مورد تعقیب قرار بگیرند. حتی در امور حقوقی هم اغلب ایرانیان در قبال خارجیان به علت وضع ممتازی که برای اینان به وجود آمده از حقوق کمتری برخوردارند.»^۳

۱- همان، ص ۵۰۲-۵۰۱.

۲- در مورد درخواست‌های ایران از کنفرانس صلح پاریس ر. ک. عبدالحسین مسعود انصاری، زندگانی من و نگاهی به تاریخ معاصر ایران و جهان، جلد اول، تهران، کتابخانه ابن‌سینا، ۱۳۵۲، ص ۲۸۰، علی‌اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۴۸۹.

۳- افشار یزدی، سیاست اروپا در ایران، ص ۸۲.

در ادامه آمده بود که دولت ایران چندین سال است مشغول اصلاح امور قضایی می‌باشد و با کمک مستشاران خارجی به سازمان دادن تشکیلات عدلیه خود مبادرت نموده و فرانسه را در این اصلاحات سرمشق قرار داده است و در آینده دستگاه قضایی ایران واجد تأمینات قضایی کشورهای اروپایی خواهد گردید. بر این اساس دلیلی برای ادامه وضعیت خاص قضایی جهت اتباع بیگانه در ایران وجود ندارد. اما الغای کاپیتولاسیون اتباع بیگانه مورد مخالفت کشورهای دارای این امتیاز در ایران واقع شد. ادعای آنها این بود که محاکم ایران هنوز بر اساس شرع است و امنیت قضایی برای بیگانگان وجود ندارد.^۱ هیچکدام از دعوی دیگر ایران در کنفرانس مورد توجه واقع نشد چون انگلیس مایل نبود به ایران اجازه حضور در کنفرانس صلح داده شود.

طرح الغا کاپیتولاسیون در مذاکرات قرارداد ۱۹۱۹ م

در مذاکرات مربوط به انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ م / ۱۳۳۸ ه. ق بین وثوق الدوله و سرپرسی کاکس در تهران از مسائل مورد بحث، فسخ کاپیتولاسیون در ایران بود. انگلیسیها همانند قبل با مطرح کردن عدم وجود دستگاه قضایی صلاحیت‌دار جهت محاکمه اتباع ایرانی، با لغو آن مخالفت کردند. سرپرسی کاکس در تلگرافی به لرد کرزن وزیر امور خارجه انگلیس در اکتبر ۱۹۱۹ م / ۱۳۳۸ ه. ق می‌گوید:

«الغای کاپیتولاسیون بستگی کامل به توانایی و قدرت ایران دارد که بتواند رضایت قوای خارجی را در زمینه مناسبات با خود جلب نموده و قوانین و دادگاههای خود را تا سطحی اصلاح و ترمیم نماید که اتباع

۱- شمیم، ایران در دوره قاجار، ص ۴۹۰-۴۸۹.

خارجی در مناسبات خود با ایران هیچگونه ترس و بیمی به دل راه ندهند. امید است که با همکاری و معاضدت مستشاران خارجی چنین وضع مطلوبی در ادارات و دادگاههای ایران عاید شود ولی غیرممکن است که گفته شود چه وقت.»^۱

انگلیسیها ادامه کاپیتولاسیون در ایران را در راستای منافع خود می‌دانستند و تا آن موقع که احساس می‌کردند وجود کاپیتولاسیون در ایران برای منافعی که لازم است پافشاری می‌کردند. از طرف دیگر، برای توجیه وجود خفت‌بار کاپیتولاسیون در ایران، آن را در جهت منافع ایران قلمداد می‌کردند و مداخله کنسولها و ماموران خود را، برای حفظ منافع ایرانیان می‌دانستند. سرپرسی کاکس در قسمتی دیگر از تلگرافش می‌گوید: «مداخله قانونی قنصلگریها در امور محلی به طور کلی برای حفظ منافع خود ایرانیان بوده و بدین منظور انجام می‌گیرد که یا از فرمانداریهای محلی در اجرای وظایف خود پشتیبانی به عمل آید یا از بی‌عدالتی و بی‌نظمی‌ها و فساد در دستگاههای اداری جلوگیری شود.»^۲

اعلام الغا کاپیتولاسیون در کابینه سیدضیاء

بعد از کودتای سال ۱۹۲۰ م/ ۱۲۹۹ شمسی و روی کار آمدن سیدضیاء به عنوان رئیس‌الوزرا، وی در اولین بیانیه‌ای که به تاریخ ۱۹۲۰ م/ ۸ حوت ۱۲۹۹ شمسی صادر کرد، ضمن بیان مسائل سیاست خارجی کابینه خود، یکی از مسائلی که وعده آن را داد، الغای کاپیتولاسیون بود. وی در این مورد گفت:

۱- سالنامه دنیا، سال ۲۵، ۱۳۴۸، ص ۷۴.

۲- همان، ص ۷۴.

«مناسبات ما با هر یک از دول خارجه نباید مانع از حسن مناسبات و دوستی با سایرین گردد. به نام همین دوستی کاپیتولاسیون را که مخالف استقلال یک مملکت است الغا خواهم نمود و برای موفقیت در این مقصود و اینکه اتباع خارجه از عدالت تمام بهره‌مند بوده، حقوق خود را بتوانند حقاً دفاع نمایند ترتیبات و قوانین مخصوصه‌ای با محاکم صلاحیت‌داری وضع و ایجاد خواهد شد تا همه نوع وثیقه داشته باشد.»^۱

در راستای لغو کاپیتولاسیون در کابینه سیدضیاء، تصمیم گرفته شد محاکمات اتباع روس و آذربایجان و گرجستان و ارمنستان و محاکمات اتباع دولت عثمانیه به عدلیه ارجاع گردد و در دیوان محاکمات وزارت امور خارجه مورد رسیدگی قرار نگیرد. همچنین مقرر شد که محاکمات اتباع بین‌النهرین و شامات و تمام سرزمینهایی که جزو عثمانی بوده است به عدلیه ارجاع داده شود.^۲

حذف شرط کامله‌الوداد از معاهدات

از تلاشهای دیگری که جهت فسخ کاپیتولاسیون انجام گرفت، خودداری از درج شرط دول کامله‌الوداد در معاهدات جدیدی بود که بین ایران و کشورهای خارجی منعقد می‌شد. در معاهدات جدید، به جای شرط دول کامله‌الوداد، اصل عمل متقابل، ملاک قرار گرفت. معاهدات جدیدی که در آنها شرط دول کامله‌الوداد تا قبل از الغای کامل کاپیتولاسیون حذف شده بود عبارتند از:

۱- حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، جلد اول، کودتای ۱۲۹۹ ه.ش، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۵۸، ص ۲۴۵.
 ۲- همان، ص ۲۹۸، فلور، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران...، ص ۱۷۳.

- الف- عهدنامه مودت بین ایران و چین منعقد در روم در تاریخ اول ژوئن ۱۹۲۰ م / ۱۳ رمضان ۱۳۳۷ ه. ق.
- ب- عهدنامه مودت بین ایران و افغانستان در ۱۹۲۱ م / ۱۳۴۰ ه. ق.
- ج- عهدنامه مودت بین ایران و یونان در ۱۹۲۴ م / ۱۳۴۳ ه. ق.
- د- عهدنامه‌های منعقد شده با دول جدید اروپای شرقی و ساحل بالتیک و دولتهای مصر و عراق. در اینها شرط دول کامله‌الوداد حذف شده بود و اصل عمل متقابل، به جای آن ملاک قرار گرفته بود.

اصلاح قوه قضائیه و تشکیلات عدلیه

از اشکالات عمده در لغو کاپیتولاسیون از دیدگاه غربیها، عدم وجود قوانین مدون و تشکیلات قضایی به سبک اروپاییها بود. به همین جهت بعد از تاسیس مجلس شورای ملی از مسائل مورد توجه آنان، تصویب و تدوین قوانین قضایی بود. از این سالها به بعد تلاشهایی برای ارائه حقوق مدنی و جزائی صورت گرفت، این قوانین بیشتر بر مبنای عرف (غیرمذهبی) بود.

از اولین اقدامات انجام شده جهت اصلاح تشکیلات قضایی ایران بعد از پیروزی انقلاب مشروطیت در سال ۱۹۰۷ م / ۱۳۲۵ ه. ق، تشکیل محاکم قانونی به نام محکمه ملکی، محکمه نقدی، محکمه جزا و محکمه تجارت بود.^۱ سپس آن را به محاکم صلحیه و ابتدایی - که محکمه تجارت نیز جزء آن بود - و استیناف و تمیز تغییر دادند. محاکم در امور حقوقی طبق قواعد فقهی حکم می‌دادند و در مورد امور جزئی خیلی مهم از

۱- جهت آشنایی با اصلاحات قضایی بعد از انقلاب مشروطیت ر. ک. دکتر احمد متین دفتری، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد اول، تهران، بی‌ناشر، چاپ سوم، ۱۳۴۰، ص

مجتهدین و علمای دینی استفاده می‌کردند و در موارد دیگر به نظر خود تعیین مدت حبس می‌کردند. در سال ۱۹۰۸ م / ۱۳۲۶ ه. ق عدلیه به تدوین مقررات و دستورهای قضایی پرداخت و مجلس مخصوصی برای جرح و تعدیل احکام متناقض و مورد شکایت تشکیل داد. در سال ۱۹۱۰ م / ۱۳۲۸ ه. ق اداره مدعی العموم و دیوان تمیز به وجود آمد.^۱

در سال ۱۹۱۱ م / ۱۳۲۹ ه. ق عدلیه منحل اعلام گردید و چند شعبه موقتی متقبل کارهای آن وزارت خانه شدند. در همین سال کابینه مشیرالدوله مبادرت به تاسیس وزارت عدلیه کرد.^۲

قوانین مربوط به تشکیلات و اصول محاکمات حقوقی در سال ۱۹۱۱ م / ۱۳۲۹ ه. ق به تصویب مجلس رسید. این قوانین، دائم و کامل نبودند بلکه قوانینی موقتی بودند و جنبه آزمایشی داشتند و با توجه به اصل دوم متمم قانون اساسی تدوین شده بودند. که می‌گوید:

«کلیه قوانین نیاستی مغایرتی با قوانین مقدس اسلام داشته باشد.»^۳

دشواری بزرگ، از جهت حدود صلاحیت محاکم شرع و عرف در این قوانین بود. مشیرالدوله و مسیو پرنی که مستشار عدلیه بود، مدتی با مجلس کشمکش داشتند. بالاخره مشیرالدوله توانست محاکم عرفی را تشکیل و توسعه دهد و محاکم شرع برای رسیدگی به دعاوی مربوط به نکاح و طلاق، قیمومیت، وصایت، تولیت، افلاس و اقامه شهود و سایر اموری که جنبه شرعی داشت تعیین شد. در سال ۱۹۱۱ م / ۱۳۳۰ ه. ق

۱- ر. ک. پتر آوری، تاریخ معاصر ایران، جلد دوم، از تاسیس سلسله پهلوی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ترجمه محمدرفعی مهرآبادی، تهران، موسسه مطبوعاتی عطائی، چاپ اول، بی‌تاریخ، ص ۶۷.

۲- همان، ص ۶۷.

۳- همان، ص ۶۷.

قانون اصول اجرایی عدلیه به تصویب رسید. این قوانین مربوط به تشریفات و تشکیلات محاکم بود، ولی قوانینی که محاکم بتوانند روی آن حکم صادر نمایند به تصویب نرسیده بود.^۱

در سال ۱۹۱۴ م / ۱۳۳۳ ه. ق قانون اصول محاکمات تجارت به تصویب رسید که در بعضی از قسمتهای قوانین مربوط به اصول محاکمات حقوقی اصلاحاتی به عمل آمده بود.

با روی کار آمدن رضاخان رشد اصلاحات قضایی در تغییر قوانین قضایی ایران افزایش یافت.^۲ در این تغییرات، قوانین قضایی غرب مدنظر بود. همچنان که اشاره شد از دیدگاه کشورهای غربی دارای حق قضاوت کنسولی در ایران، برای اینکه زمینه لازم جهت الغای کاپیتولاسیون مهیا شود، می باید اولاً قوانین رسمی مدونی در ایران بوجود آید تا حقوق افراد مبنای ثابتی داشته باشد و متداعیین در معرض فتاوی مختلف نباشند. ثانیاً یک سازمان قضایی با قضات آشنا به قوانین جدید دنیا به وجود آید. برای تامین این مسائل اصلاحات زیر انجام گرفت:

الف - تنظیم قانون مجازات عمومی

در سال ۱۹۲۳ م / ۱۳۴۲ ه. ق مجلس طی مصوبه‌ای به دولت اجازه داد

۱- دهخدا، لغت‌نامه، شماره مسلسل ۳۴، ص ۳۸.

۲- تغییراتی که با روی کار آمدن رضاخان در قوانین قضایی ایران انجام گرفت بخشی از سیاست غربگرایی رضاخان بود که هدفش بیشتر حذف قوانین قضایی اسلام و مبارزه با روحانیت و محدود کردن حیطه عمل آنان در صحنه قضایی کشور بود. این کار با آمدن داور به عنوان وزیر عدلیه که شخصی غیرمذهبی بود افزایش یافت. وی سعی کرد ابتدا عدلیه را از نفوذ روحانیت بیرون آورد و بعد به بازسازی آن برطبق قوانین غرب پردازد. ر. ک. محسن صدر (صدرالاشراف)، خاطرات صدرالاشراف، تهران، انتشارات وحید، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۲۸۸.

طرح قانون مجازات را تهیه و به طور آزمایشی به مورد اجرا بگذارد. این قانون گرفته شده از قوانین جزائی فرانسه و حاوی طبقه‌بندی جرائم و اصول حقوقی جزائی عمومی بود. از مهمترین نکات این قوانین، تضمین‌های فردی به شمار می‌رفت.

برای رسیدگی به جرائمی که مجازات آن منحصر به حد یا تعزیر بود، اجرای قانون مجازات عمومی که به تصویب مجلس رسیده بود، مدنظر گرفته شد. برای اینکه راه اجرای قانون مجازات عمومی باز شود، محکمه جنایی اختصاصی که یک دادگاه شرعی برای رسیدگی به جرائمی بود که مجازات آن منحصر به حدس یا تعزیر بود منحل اعلام شد.^۱

ب- تنظیم قانون مدنی

یکی از مهمترین اصلاحات قضایی تنظیم و تدوین قانون مدنی بود. کمیسیونی از طرف وزیر عدلیه در ۱۹۲۶ م/ ۱۳۰۵ ه. ش مامور تنظیم آن گردید. مجلد این قانون را مجلس بدون گفتگو با یک قیام و قعود تصویب کرد و در ۸ مه ۱۹۲۸ م/ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۶ ه. ش به دولت اجازه داد که آن را بلافاصله قبل از اینکه معاهدات موقت با دول طرف عهد کاپیتولر امضا شود به طور موقت به مورد اجرا درآورد.^۲ همچنین کمیسیونی برای اصلاح محاکمات تشکیل شد که هدف آن، تصریح محاکمات و محدود کردن صلاحیت شرع در این امور بود. کمیسیون قوانین دادگستری مجلس شورای ملی برای کلیه امور قضایی تدریجاً به وضع قوانین موقت و آزمایشی پرداخت و لایحه‌هایی در زمینه آئین

۱- علی پاشا صالح، «قوه مقننه و قوه قضاییه»، نشریه ملی کمیسیون یونسکو در ایران، جلد دوم، تهران، شماره ۲۲، ۱۳۴۲، ص ۹۷۵.
 ۲- سعید وزیری، کاپیتولاسیون، ص ۳۴-۳۵.

دادرسی مدنی، آئین دادرسی کیفری، قانون مجازات عمومی جدید - حاوی آخرین سیستمهای جدید جزائی و قانونی - و قانون امور حسبی را از تصویب گذراند.^۱

ج- اصلاحات سازمانی و استخدامی

مشکل دیگری که آن زمان با توجه به تغییر قوانین قضایی در راه تقویت تشکیلات قضایی وجود داشت، تهیه قضات آشنا به قوانین جدید عدلیه بود. مدرسه حقوق که وزارت عدلیه بعد از جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۹ م/ ۱۳۳۸ ه. ق با استخدام استادان فرانسوی تاسیس کرده بود، در این دوره تقویت شد. فارغالتحصیلان این مدرسه که با تاسیس دانشگاه به صورت دانشکده حقوق درآمده، به استخدام وزارت عدلیه درآمدند و به عنوان نیروهای جدید قضایی که آشنا به قوانین قضایی اروپایی بودند در عدلیه مشغول به کار شدند.^۲

انحلال عدلیه:

در راستای منطبق کردن عدلیه با قوانین غربی، وزیر عدلیه میرزا علی اکبرخان داور، در کابینه مستوفی الممالک در تاریخ فوریه ۱۹۲۷ م/ بهمن ۱۳۰۵ ه. ش تشکیلات عدلیه را منحل اعلام کرد^۳ تا بر طبق اسلوب جدید سازماندهی شود.^۴

۱- صالح، «قوه مقننه و قضائیه»، ص ۹۷۵.

۲- همان، ص ۹۷۵.

۳- روزنامه، اطلاعات، شماره ۱۴۸، ۲۰ بهمن ۱۳۰۵ ش.

۴- رضاشاه و علی اکبر داور، وزیر عدلیه او تحت عنوان ایجاد زمینه برای برچیدن رژیم کاپیتولاسیون تلاش کردند از موقعیت بوجودآمده برای تغییر قوانین مذهبی قضایی و کاهش روحانیت در نظام قضایی استفاده کنند.

تشکیل کمیسیون جهت بررسی معاهدات دارای حقوق کاپیتولاسیون

همان طور که اشاره شد از جمله موانع الغای کاپیتولاسیون وجود معاهدات دارای حقوق قضاوت کنسولی بود. جهت بررسی این معاهدات و راههای تجدیدنظر در آنها کمیسیونی در سال ۱۹۲۶ م/ ۱۳۰۵ ه. ش در وزارت امور خارجه با شرکت معاون وزارت عدلیه تشکیل شد. کمیسیون مزبور گزارشی در آذرماه ۱۳۰۵ شمسی به هیئت دولت ارائه داد. در این گزارش معاهدات دارای قضاوت کنسولی به دو دسته تقسیم شدند:

۱- معاهدات مدت دار^۱

۲- معاهدات بدون مدت

این کمیسیون زمینه‌های لازم جهت لغو این معاهدات را موکول به اصلاحاتی در مسائل زیر کرده بود:

۱- تکمیل قوانین موجود، شامل اصول تشکیلات عدلیه، تشکیلات و اصول محاکمات تجارتي، قانون مجازات عمومی، اصول محاکمات حقوقی و جزائی.

۲- تهیه قوانین ضروری دیگر شامل قانون مدنی، قانون ثبت اسناد اجباری. علاوه بر اینها ضرورت مطالعه و ترجمه قوانین خارجی و استفاده از آنها جهت جلب اعتماد بیگانگان به تشکیلات و قوانین قضایی، استخدام اساتید خارجی جهت مدرسه حقوق، اصلاح تشکیلات قضایی مملکت، جذب عناصر صالح و فارغ‌التحصیل آن مدرسه حقوق و بالاخره طرد عده‌ای از قضات شاغل که صلاحیت و شایستگی نداشتند، پیشنهاد شده بود.^۱

۱- ناصری، «بررسی کاپیتولاسیون»، ص ۲۸.

اعلام الغاء نهایی کاپیتولاسیون در کابینه مستوفی الممالک

در تاریخ ۲۷ آوریل ۱۹۲۷ م / ۶ اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۶ ش طی فرمانی که رضاشاه خطاب به رئیس الوزرای وقت، مستوفی الممالک صادر کرد، خواستار فراهم شدن موجبات عملی الغای کاپیتولاسیون از طرف دولت شد.^۱ در تاریخ ۱۰ مه ۱۹۲۷ م / ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۶ ش کفیل وزارت امور خارجه طی نامه‌ای به سفارت خانه‌های خارجی، الغای کاپیتولاسیون را به اطلاع کلیه آنها رساند. در این نامه به دولی که طبق معاهدات مختلف حق قضاوت کنسولی را به طور یک جانبه در ایران به دست آورده بودند اعلام شد. اولاً معاهدات حاوی شرط قضاوت کنسولی لغو خواهند شد. ثانیاً عقود مزبور در یک مهلت یکساله یعنی تا ۱۰ مه ۱۹۲۸ م / ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷ ه. ش موقتاً قابل اجرا هستند. ثالثاً دولتهایی که طرف معاهداتی در این زمینه با ایران می‌باشند می‌توانند قبل از انقضای این مهلت یکساله معاهدات جدیدی درباره امور کنسولی و بازرگانی با ایران منعقد سازند تا وقفه‌ای در روابط طرفین حاصل نگردد.^۲

۱- نویسندگان دوران پهلوی برجیده‌شدن نظام کاپیتولاسیون در ایران را از اقدامات مهم رضاشاه معرفی می‌کنند. در این مورد باید متذکر شد رژیم کاپیتولاسیون در آن تاریخ از نظر بین‌المللی و داخلی مشروعیت خود را از دست داده بود. کاپیتولاسیون در بسیاری از کشورها برجیده یا در حال برجیده شدن بود. از نظر داخلی هم هیچ زمینه‌ای برای تداوم نداشت و همانطور که بیان شد بعد از مشروطیت همه دولتها در پی لغو آن بودند. می‌توان گفت که رژیم کاپیتولاسیون که با ترکمانچای پایه‌گذاری شده بود، عملاً در آن موقعیت زمینه تداوم خود را از دست داده بود.

۲- سعید وزیری، کاپیتولاسیون، ص ۴۰.

واکنش‌های سیاسی دولتهای بیگانه در مقابل الغاء کاپیتولاسیون

همچنان که ذکر شد در متن نامه وزارت امور خارجه، دولت ایران از نظر نزاکت سیاسی و نیز به منظور آماده شدن سازمان قضایی کشور برای پذیرش دعاوی حقوقی و جزائی مربوط به اتباع بیگانه، مهلت یکساله‌ای به دولتهایی که اتباعشان از حق قضاوت کنسولی برخوردار بودند، داد. در انقضای مدت یکساله تمام کشورهای اروپایی الغای کاپیتولاسیون را در ایران پذیرفتند.^۱

دولت فرانسه با وجود اینکه در قبول الغای کاپیتولاسیون در ایران پیش قدم بود ولی به همراه اسپانیا، به این که چرا ایران به طور یکجانبه به لغو کاپیتولاسیون اقدام کرده است، اعتراض داشتند. دولت اسپانیا «علاوه بر اینکه ایران را متهم به نقض آشکار تعهدات بین‌المللی نمود الغای یکطرفه کاپیتولاسیون را نقض حاکمیت اسپانیا تلقی نمود.»^۲

دولت ایران به استناد شرایطی که از قدیم در روابط بین‌المللی وجود داشت جواب داد، اگر معاهده‌ای در موقعی منعقد شده که اوضاع و احوال و خصوصیات موجود بوده که بعداً آن اوضاع و احوال به کلی تغییر کرده باشد، هر یک از طرفین معاهده می‌توانند آن را ملغی نمایند. پس از رد اعتراض از طرف ایران، دولتهای مزبور از اعتراض خود گذشتند.^۳

دولت انگلیس و شرکت نفت جنوب، وجود هزاران انگلیسی و هندی در خوزستان را پیش کشیده و مدعی شد وضع قضایی آنها با الغاء

۱- ر.ک. فلور، جستارهایی از تاریخ اجتماعی، جلد اول، ص ۱۷۵.

۲- سعید وزیری، کاپیتولاسیون، ص ۴۲.

۳- دهخدا، «کاپیتولاسیون»، لغت‌نامه، شماره مسلسل ۳۴، ص ۴۰.

قضاوت کنسولی به خطر می‌افتد. به همین دلیل از بین داری این حقوق «تنها دولت انگلیس بود که تا آخرین ساعت استقامت نمود.»^۱ ولی تا پایان مهلت یکساله و با تشکیل عدلیه جدید و تصویب قانون تعیین تکلیف دعاوی موجود بین اتباع ایران و خارجه پس از اخذ تصمیمات کافی، انگلیس رضایت خود را اعلام نمود.

موقعیت معاهدات ایران با کشورهای بیگانه در موقع الغاء کاپیتولاسیون

معاهدات ایران با کشورهای خارجی در موقع الغای کاپیتولاسیون در سال ۱۹۲۷ م/ ۱۳۰۶ ه. ش به دو دسته تقسیم می‌شدند:

الف- معاهداتی که قبل از مشروطیت منعقد شده بودند.

ب- معاهداتی که بعد از مشروطیت و قبل از الغاء کاپیتولاسیون در سال ۱۹۲۷ م/ ۱۳۰۶ ه. ش منعقد شده بودند.

در معاهدات نوع دوم همان طور که قبلاً ذکر شد از ذکر کلمه دول کامله‌الوداد و اعطای امتیازات ویژه قضاوت کنسولی در آنها خودداری شده بود و اصل عمل متقابل، ملاک قرار گرفته بود. همانند عهدنامه مودت ایران و چین، افغانستان، یونان و ترکیه و دول اروپای شرقی و ساحل بالتیک. اینگونه معاهدات هیچگونه مشکلی در رابطه با مسئله الغاء در آنها نبود. با وجود این بعداً با دولتهای فوق معاهدات جدید منعقد شد.

اما معاهدات دسته اول به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- معاهداتی که در آنها مستقیماً حق قضاوت کنسولی ذکر نشده بود و

بر طبق اصل دول کامله‌الوداد که در آنها آمده بود، دولتها، در ایران از امتیازات قضاوت کنسولی بهره‌مند می‌شدند. اکثر معاهدات منعقد شده بین ایران و سایر دولتها بدینگونه بود.

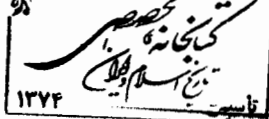
۲- معاهداتی که مدت مشخص و شرط فسخ در آنها ذکر شده بود نظیر معاهدات ایران با آلمان، ایتالیا و بلژیک.

۳- معاهداتی که مدت در آنها ذکر نشده بود و روی همین جهت الی‌الابد تلقی می‌شد نظیر معاهدات ایران با فرانسه و اسپانیا.

الف- فسخ معاهدات دلمرای شرط کامله‌الوداد به این گروه از کشورها اعلام شد، فقط به مدت یک سال - یعنی تا ۱۰ مه ۱۹۲۸ م / ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷ ه.ش - می‌توانند از حق قضاوت کنسولی در ایران بهره‌مند باشند و بعد از این مدت تابع قوانین قضایی ایران خواهند بود.

ب- فسخ معاهدات مدت‌دار: مدت ذکر شده در این معاهدات معمولاً ده سال یا دوازده سال بود.^۱ و حق فسخ پس از انقضای مدت برای طرفین پیش‌بینی شده بود، منتها مقید به این بود که هر وقت یکی از طرفین فسخ آن را به دیگری اعلام نمود، مدت دوازده ماه بعد از آن معاهده به اعتبار خود باقی خواهد ماند. به این گروه طبق همین قید مهلت یک ساله داده شد و بعد از این مدت معاهدات مزبور از درجه اعتبار ساقط اعلام شد.

ج- فسخ معاهدات بدون مدت: این معاهدات چون دارای مدت نبودند ابدی تلقی می‌شدند و کشورهای دارای این معاهدات با ایران همچنان که ذکر شد معترض به لغو یکجانبه آن بودند ولی به آنها هم



مهلت یک ساله داده شد و پس از این مدت امتیازات ویژه قضایی آنها در ایران پایان یافت.^۱

انحلال دیوان محاکمات و کارگزاریها

با الغای کاپیتولاسیون و تعمیم قوانین قضایی ایران به اتباع کشورهای خارجی، وجود سازمان مجزائی جهت محاکمه آنها، مفهوم خود را از دست می‌داد. به همین دلیل در ۴ ژوئیه ۱۹۲۷ م / ۱۲ تیر ۱۳۰۶ ه. ش دولت طبق تصویب‌نامه‌ای انحلال کارگزاریها را از تاریخ ۷ ژوئیه ۱۹۲۷ م / ۱۵ تیر ۱۳۰۶ ه. ش اعلام و وظایف آنها را در ظرف مدت یک ساله به عهده حکام ولایات گذارد و امر به عمل گذاردن مواد زیر کرد:

۱- کلیه دوسیه‌های راکد و جاری قضائی موجود در دفاتر کارگزاریها به حکام تحویل شود.

۲- کلیه دوسیه‌های راکد و جاری، اعم از سیاسی و اداری و سرحدی و تابعیت به وزارت امور خارجه انتقال خواهد یافت.

۳- وزارت امور خارجه دستور مصرح کلی برای رسیدگی به دعاوی اتباع خارجه در ولایات تهیه نموده به وسیله وزارت داخله به ولایات و حکام ابلاغ خواهد نموده و مشارالیهم موظف هستند بر طبق دستور فوق تا ۱۰ مه ۱۹۲۷ / ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۷ ه. ش رفتار نمایند.

۴- ولات و حکام مکلف هستند در موضوع کلیه امور مربوط به سیاست و سرحد و تابعیت که در حوزه ماموریت آنها واقع می‌شود به وسیله وزارت داخله به وزارت امور خارجه مراجعه نموده، کسب تکلیف نمایند.^۲

۱- سعید زبیری، کاپیتولاسیون و الغای آن، ص ۴۲.

۲- همان، ص ۴۵-۴۴.

با انحلال کارگزاریها به موجب قانونی، امتیازات کارمندان و بودجه آنها در تاریخ ۴ سپتامبر ۱۹۲۷ م/ ۱۲ شهریور ۱۳۰۶ ه.ش در اختیار وزارت عدلیه قرار گرفت.

وزارت عدلیه به ادارات تابعه ولایات بخشنامه کرد که تا پایان یک سال در امور قضایی اتباع دولتهای انگلیس، آمریکا، فرانسه، آرژانتین، سوئیس، سوئد، دانمارک، آلمان، اسپانیا، هلند، بلژیک، اورگوئه، ایتالیا، برزیل، شیلی مداخله نمایند.^۱

وزارت عدلیه در بخشنامه‌ای دیگر پس از انقضای مهلت یک ساله در تاریخ ۲۳ ژوئن ۱۹۲۸ م/ اول تیرماه ۱۳۰۷ ه.ش ضمن تذکر مصونیت‌های خاصه نمایندگان سیاسی خارجی طبق حقوق عادی بین‌المللی و عدم امکان دعوا علیه آنها تصریح کرد که «هیستهای قنسولگری اعم از جنرال قنسول و قنسول و ویس قنسول و وکیل قنسولگری و غیره از معافیت فوق بهره‌مند نمی‌باشند و بر علیه آنها ممکن است در محاکم قبول دعوا نمود.»^۲

انقضای مهلت یک ساله کاپیتولاسیون

در تاریخ ۱۰ مه ۱۹۲۸ م/ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷ ه.ش انقضای ضرب‌العجل مدت یک ساله کاپیتولاسیون بود.^۳ در پایان این مدت دولت ایران اعم از اینکه موفق به انعقاد عهدنامه‌های جدید با دول دیگر شده بود یا نه، حق کاپیتولاسیون در ایران پایان یافته اعلام گردید.

در تاریخ ۸ مه ۱۹۲۸ م/ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷ ه.ش وزیر عدلیه

۱- ناصری، «بررسی کاپیتولاسیون»، ص ۲۷.

۲- همان، ص ۲۷.

۳- روزنامه *حبل‌المتین*، سال سی و پنجم، ش ۲۱-۲۰، (۲ خرداد ۱۳۰۶)

ماده واحده‌ای از تصویب مجلس گذراند، که ضمن اعلام روز بیستم اردیبهشت ماه به عنوان روز الغای کاپیتولاسیون اجازه داده شد که قانون اجرای لایحه مدنی تا موقع اعلام رای قطعی کمیسیون به اجرا گذارده شود.^۱

در ۲۹ مه ۱۹۲۹ م / خرداد ۱۳۰۸ ه. ش جهت تعیین تکلیف دعاوی موجود بین اتباع ایران و بیگانگان قانونی به تصویب رسید و طبق آن مقرر شد:

۱- کلیه دعاوی مورد نظر که نسبت به آنها حکم لازم‌الاجرا صادر نشده به محاکم صلاحیت‌دار عدلیه ارجاع گردد.

۲- دعاوی مرحله ابتدایی به تناسب صلاحیت به محکمه صلحیه یا ابتدائیه یا تجارت ارجاع داده شود و تحقیقات و اقداماتی که از طرف وزارت امور خارجه و کارگزاریها و حکام ایالات و ولایات شروع شده در آن دادگاهها ادامه یابد.

۳- احکام صادر در دعاوی مذکور مطابق اصول محاکمات حقوقی قابل استیناف و تمیز و یا فقط قابل تمیز خواهد بود.^۲

تنظیم حقوق بیگانگان

بعد از الغای کاپیتولاسیون و پایان یافتن امتیازات و قوانین قبلی مربوط به اتباع خارجی، بیگانگان کاملاً تابع قوانین ایران شدند. مجلس با تصویب چند ماده در قانون مدنی خطوط اصلی حقوق اتباع خارجیان در ایران را مشخص کرد.

۱- روزنامه ستاره ایران، (۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷)

۲- شریف، کاپیتولاسیون، ص ۶۶.

الف- از لحاظ امنیت حقوقی: طبق ماده پنجم قانون مدنی مقرر شد «کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.»^۱ بر طبق این ماده، اتباع خارجی ساکن ایران تابع قوانین کیفری و سایر مقررات کشور، در مورد اموال و طرز تنظیم اسناد و جز اینها شدند.

ب- از لحاظ احوال شخصیه: ماده هفتم قانون مدنی اتباع خارجی مقیم ایران را در مورد احوال شخصیه (نکاح، طلاق، اهلیت و ارث) در حدود معاهدات تابع قوانین کشور خودشان دانست. در ماده ششم قانون مدنی مقرر شد اتباع ایرانی هم در هر کجا که باشند از لحاظ احوال شخصیه تابع قوانین ایران باشند.

ج- از لحاظ اموال: بر طبق ماده هفتم قانون مدنی تابع دولت متبوع خود شوند. ماده هشتم قانون مدنی مقرر می‌داشت که «اموال غیرمنقوله که اتباع خارجه در ایران بر طبق عهد تملک کرده‌اند یا می‌کنند از هر جهت تابع قوانین ایران خواهد بود.»^۲

انعقاد معاهدات موقت

بعد از ۱۰ مه ۱۹۲۸ م / ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷ ه. ش بساط رژیم کاپیتولاسیون از ایران برچیده شد، کشورهای خارجی برای اینکه وضعیت حقوقی اتباع خودشان را در ایران، بعد از ابطال قراردادهای کاپیتولاسیون مشخص کنند، معاهدات موقتی با دولت ایران منعقد کردند. متن این معاهدات به دو صورت نوشته شده است:

۱- ناصری، «کاپیتولاسیون»، ص ۳۲.

۲- همان، ص ۳۲.

الف- برخی به صورت معاهدات موقتی یک ساله است.

ب- برخی به صورت مقاله‌نامه بدون قید مدت معین، منتها طرفین لغو آن را با اخطار قبلی در ظرف مدت یک ماه برای خود ممکن شمردند. در دوره موقت وضعیت حقوقی اتباع بیگانه برخلاف دوره قبل از الغای کاپیتولاسیون، تابع قوانین قضایی ایران بود و جهت محاکمات آنها دادگاه ویژه با تشریفات خاصی وجود نداشت.

طبق این معاهدات بیگانگان می‌توانستند به خاک ایران آزادانه رفت و آمد کنند و در حدود قوانین و نظامات جاریه حق سکونت و اقامت در خاک یکدیگر داشتند. از لحاظ مسائل قضایی همان معامله که با اتباع داخلی می‌شد، با آنها هم می‌شد. اتباع طرفین حق تملک و انتقال اموال منقول را در خاک یکدیگر دارا می‌بودند. برای مثال ماده دوم معاهده موقت ما بین ایران و دولت بلژیک منعقد در ۱۰ مه ۱۹۲۸ م / ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷ ه. ش چنین بود:

«از تاریخ ۱۰ مه ۱۹۲۸ م (مطابق ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ ه. ش) اتباع ایران در خاک اتحاد بلژیک و لوکزامبورگ همچنین اتباع بلژیک و لوکزامبورگ در خاک ایران، بر طبق قواعد و رسوم بین‌المللی و روی اساس معامله متقابله کاملاً پذیرفته شده و مطابق قواعد و رسوم مزبور با آنها رفتار خواهد شد. اتباع هر یک از دولتین راجع به شخص و اموال و حقوق و منافع خود از حمایت قوانین و مصادر امور مملکتی به نحو اکمل بهره‌مند می‌گردند، و نسبت به آنها از هر حیث، همان رفتار می‌شود که به طور کلی درباره اتباع داخلی معمول می‌گردد. بدون اینکه اتباع مزبور بتوانند معامله‌ای را که فقط مختص اتباع داخله باشد و کلیه اتباع خارجه از آن مستثنی هستند، درباره خود تقاضا نمایند.

«راجع به احوال شخصیه هر یک از افراد طرفین معظمین متعاهدین در

خاک طرف دیگر تابع مقررات و قوانین دولت متبوعه خود می‌باشند.»^۱
 بعداً قراردادهای موقتی به قراردادهای قطعی تبدیل شدند که
 مهمترین آنها عبارتند از:

۱- عهدنامه مودت بین دولتین ایران و آلمان در پنج ماده به تاریخ ۱۷
 فوریه ۱۹۲۹ م/ ۲۸ بهمن ۱۳۰۷ ه. ش.^۲

۲- قرارداد اقامت بین ایران و آلمان در نوزده ماده به تاریخ ۱۷ فوریه
 ۱۹۲۹ م/ ۲۸ بهمن ۱۳۰۷ ه. ش.

۳- قرارداد تجارتي و گمرکی و بحر پیمایی بین ایران و آلمان در
 دوازده ماده به تاریخ ۱۷ فوریه ۱۹۲۹ م/ ۲۸ بهمن ۱۳۰۷ ه. ش.

۴- عهدنامه تامينيه و بی طرفی بین دولت ایران و اتحاد جماهیر
 شوروی سوسیالیستی در هشت ماده به تاریخ ۱ اکتبر ۱۹۲۷ م/ مهرماه
 ۱۳۰۶ ه. ش.^۳

۵- مقاله‌نامه بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی راجع
 به مبادله امانات پستی در بیست و پنج ماده به تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۲۹ م/ ۲۱
 مرداد ۱۳۰۸ ه. ش.

۶- عهدنامه ایران و دولت انگلستان راجع به تعرفه مستقل گمرکی در
 شش فصل به تاریخ ۱۰ مه ۱۹۲۸ م/ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷ ه. ش در این
 معاهده که در حقیقت جانشین عهدنامه کاپیتولاسیون است برای تجارت

۱- دهخدا، لغت‌نامه، شماره مسلسل ۳۴، ص ۴۱.

۲- مجموعه معاهدات و قراردادها و مقاله‌نامه‌های منعقدہ بین دولت شاهنشاهی و
 دول خارجه، دوره اول، ص ۴۹-۵۰ به نقل از علی‌اصغر حکمت: «روابط بین‌الملل»
 نشریه کمیسیون ملی یونسکو در ایران، جلد اول، تهران، شماره ۲۲، ۱۳۴۲ ش، ص
 ۵۴۳.

۳- همان، ص ۳۸۷-۳۹۰.

- اتباع انگلیس تسهیلاتی قائل شده‌اند و پروتکل‌هایی ضمیمه آن می‌باشد.^۱
- ۷- قرارداد راجع به واگذاری خطوط سیمهای تلگراف هند و اروپا به ایران در شش ماده به تاریخ ۱۷ فوریه ۱۹۳۲ م/ ۲۸ بهمن ۱۳۱۱ ه.ش.^۲
- ۸- عهدنامه مودت بین ایران و دولت ایتالیا در چهار ماده به تاریخ ۵ سپتامبر ۱۹۲۵ م/ ۱۴ شهریور ۱۳۰۴ ه.ش.^۳
- ۹- قرارداد اقامت بین دولتین ایران و بلژیک در سیزده ماده به تاریخ ۹ مه ۱۹۲۹ م/ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۸ ه.ش.^۴
- ۱۰- قرارداد تجارت و بحریمایی بین دولتین ایران و اتحادیه اقتصادی بلژیک و لوکزامبورگ به تاریخ ۹ مه ۱۹۲۹ م/ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۸ ه.ش.^۵
- ۱۱- عهدنامه مودت بین دولتین ایران و بلژیک در شش ماده به تاریخ ۲۳ مه ۱۹۲۹ م/ ۲ خرداد ۱۳۰۸ ه.ش.^۶
- ۱۲- معاهده تجارتي و گمرکی و بحریمایی بین دولتین ایران و چکسلواکی در دوازده ماده به تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۲۹ م/ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۰۸ ه.ش.^۷
- ۱۳- قرارداد مودت بین ایران و جمهوری چکسلواکی در پنج ماده به تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۳۰ م/ ۷ آبان ۱۳۰۹ ه.ش.^۸

۱- همان، ص ۱۰۸-۱۰۳.

۲- همان، ص ۶۵۲-۶۴۹.

۳- همان، ص ۱۵۶-۱۵۵.

۴- همان، ص ۱۷۰-۱۶۷.

۵- همان، ص ۱۸۲-۱۷۷.

۶- همان، ص ۱۹۶-۱۹۳.

۷- همان، ص ۲۵۸-۲۵۳.

۸- همان، ص ۲۷۲-۲۷۱.

- ۱۴- عهدنامه مودت بین دولت ایران و جمهوری لیتوانی در ژانویه ۱۹۲۹ م/ دیمه ۱۳۰۷ ه.ش.^۱
- ۱۵- معاهده اقامت بین ایران و جمهوری چکسلواکی در ده ماده در ۲۹ اکتبر ۱۹۳۰ م/ ۷ آبان ۱۳۰۹ ه.ش.^۲
- ۱۶- عهدنامه مودت بین ایران و سوئد در پنج ماده و یک پروتکل به تاریخ ۲۷ مه ۱۹۲۹ م/ ۶ خرداد ۱۳۰۸ ه.ش.^۳
- ۱۷- عهدنامه اقامت و تجارت و بحریمایی بین دولتین ایران و سوئد شامل بیست و دو ماده و یک پروتکل به تاریخ ۱۰ مه ۱۹۲۹ م/ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۸ ه.ش.^۴
- ۱۸- عهدنامه مودت بین دولتین ایران و فرانسه در شش ماده و یک پروتکل به تاریخ ۱۰ مه ۱۹۲۹ م/ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۸ ه.ش.^۴
- ۱۹- عهدنامه مودت بین ایران و فنلاند در پنج ماده و یک پروتکل به تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۳۱ م/ ۳۰ آبان ۱۳۱۰ ه.ش.^۵
- ۲۰- عهدنامه مودت بین ایران و جمهوری لهستان در هفت ماده به تاریخ ۱۹ مارس ۱۹۲۷ م/ ۲۷ اسفند ۱۳۰۵ ه.ش.^۶
- ۲۱- قرارداد تجارتنی بین ایران و لهستان در دوازده ماده به تاریخ مارس ۱۹۲۷ م/ ۲۷ اسفند ۱۳۰۵ ه.ش.
- ۲۲- مراسلات متعاطیه بین ایران و مجارستان راجع به معامله گمرکی

۱- همان، ص ۵۲۶-۵۱۳.

۲- همان، ص ۳۲۸-۳۲۵.

۳- همان، ص ۵۳۰-۵۲۵.

۴- همان، ص ۵۳۰-۵۲۵.

۵- همان، ص ۵۴۵-۵۴۱.

۶- همان، ص ۵۵۰-۵۴۹.

- نسبت به محصولات طرفین و یادداشتهای مربوط به آن در ۱۹ ژوئن ۱۹۲۷ م/ ۲۸ خرداد ۱۳۰۶ ه.ش.^۱
- ۲۳- عهدنامه مودت و تجارت و بحریمایی بین ایران و سوئد در پنج ماده به تاریخ ۸ مه ۱۹۳۰ م/ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۱۰ ه.ش.^۲
- ۲۴- عهدنامه مودت بین ایران و یونان شامل شش ماده و یک پروتکل به تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۳۱ م/ ۲۸ دی ۱۳۰۹ ه.ش.^۳
- ۲۵- عهدنامه تجارت و اقامت و بحریمایی بین ایران و یونان در هیجده ماده و یک پروتکل به تاریخ ۹ ژانویه ۱۹۳۱ م/ ۱۸ دی ۱۳۰۹ ه.ش.^۴
- ۲۶- عهدنامه مودت بین ایران و هلند در چهار ماده و یک پروتکل در ۱۲ مارس ۱۹۳۰ م/ ۲۱ اسفند ۱۳۰۸ ه.ش.^۵
- ۲۷- عهدنامه مودت بین دولت ایران و جمهوری لتونی در ژانویه ۱۹۳۰ م/ دی ماه ۱۳۰۸ ه.ش.^۶
- ۲۸- عهدنامه مودت بین دولت ایران و جمهوری لیتوانی در ژانویه ۱۹۲۹ م/ دی ماه ۱۳۰۷ ه.ش.^۷

۱- همان، ص ۵۸۰-۵۷۹.

۲- همان، ص ۶۲۰-۶۰۵.

۳- همان، ص ۶۲۳-۶۲۱.

۴- همان، ص ۶۴۰-۶۳۷.

۵- همان، ص ۶۴۰-۶۳۷.

۶- همان، ص ۵۴۶-۵۴۵.

۷- همان، ص ۵۷۸-۵۷۵.

فصل ششم

نتایج سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی، فرهنگی و اخلاقی تحمیل کاپیتولاسیون در ایران

۱- نتایج تحمیل کاپیتولاسیون از نظر سیاست بین‌المللی

رژیم کاپیتولاسیون از جنبه‌های مختلف در جامعه و دولت ایران زبانه‌های جبران‌ناپذیری گذاشت. تا آن حد که آزادی و استقلال ایران را زیر سؤال برد. ایران که پیش از ۱۸۲۸ م / ۱۲۴۴ ه. ق دولت مستقلی محسوب می‌شد و با دول دیگر دنیا روابط سیاسی متقابل هم‌مطراز داشت در اثر امضای معاهده ترکمانچای و قبول خفت بار کاپیتولاسیون به صورت دولت نیمه مستقلی درآمد و در اثر همین مسئله از لحاظ اعتبار و شخصیت سیاسی تنزل کرد. از این زمان به بعد دولت ایران یکی از ناتوانترین دولتهای جهان به شمار می‌رفت. «در روی نقشه جغرافیا مستقل بود یعنی ظاهراً استقلال داشت و جزو مستعمرات به شمار نمی‌رفت اما اگر کسی اوضاع آن روز جهان را درست بسنجد می‌بیند که حال آن از هر مستعمره‌ای زارتر بود زیرا که دول استعماری لااقل در آبادانی مستعمرات خود می‌کوشیدند.»^۱ روسیه و بعد از آن دیگر کشورهای اروپایی به وسیله

۱- سعید نفیسی، تاریخ معاصر ایران (از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تا بیست و چهارم شهریور ماه ۱۳۲۰ ه. ش)، تهران، کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۵، ص ۱۲.

این عهدنامه‌ها و قبولانندن رژیم کاپیتولاسیون در ایران، جای پای محکمی برای هدفهای آتی خود تأمین کردند. ویکتور برار در اول کتابی که در مورد انقلاب ایران به رشته تحریر در آورده می‌گوید: «ایران نه ملت است و نه دولت»^۱

والن تین چیرل در روزنامه *فرت‌نایت‌له* رویو از قول یکی از وزرای مختار دربار ایران می‌گوید که: «مملکت ایران آخرین مملکت کره ارض و ملت متوقفه در آن پست‌ترین تمام ملل روی زمین است.»^۲ دکتر جواد آشتیانی در خاطرات خود می‌گوید که برخی از مردم کشورهای اروپا در این دوران ایرانیان را تبعه دولت روس یا انگلیس می‌پنداشتند.^۳

گرچه این اظهارنظرها تا حدودی اغراق‌آمیز و دور از واقع‌بینی است ولی نشان‌دهنده اوضاع و موقعیت کشور ایران در بین کشورهای و ملل مختلف جهان در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است و این اوضاع در اثر تحمیل قراردادهای استعماری به ویژه کاپیتولاسیون در ایران بوده است.

۲- نتایج تحمیل کاپیتولاسیون از نظر سیاست داخلی

کاپیتولاسیون از نظر سیاست داخلی وسیله دخالت بیگانگان در امور کشور و احراز موضع برتر آنها نسبت به اتباع داخلی بود. نفوذ آنها تا آنجا پیش رفته بود که مقامات کنسولی در تمام شئون زندگی مردم مداخله

۱- همان، ص ۱۱.

۲- چارلز جیمز ویلسن، *تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه*، ترجمه سیدعبدالله به کوشش جمشید دودانگه، مهرداد نیکنام، تهران، انتشارات زرین، چاپ دوم، ۱۳۶۶، ص ۲۴۵.

۳- خاطرات دکتر جواد آشتیانی موجود در وزارت فرهنگ و هنر، به نقل از ابراهیم صفایی، *بنیادهای ملی در شهریاری رضاشاه*، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۵، ص ۳۳.

می‌کردند و فقط کافی بود که موضوعی ارتباط ناچیزی با یکی از اتباع آنها مستقیم یا غیرمستقیم پیدا نماید، به همین بهانه طرف ایرانی را احضار کرده و او را محکوم می‌کردند.

با مداخلات روزافزون نمایندگی سیاسی دول دارای حق کاپیتولاسیون، به خصوص روس و انگلیس، در همهٔ امور ایران در حقیقت حاکم واقعی مملکت معلوم نبود علاوه بر سفیران و سرکنسولها و ویس کنسولهای کشورهای خارجی، دستیاران آنها اعم از آنکه خارجی یا ایرانی بودند هر کدام به سهم خود حکمرانی و مداخله می‌کردند.

دولت روسیهٔ تزاری علاوه بر ماموران کنسولی عده‌ای از ایرانیان هواخواه سیاست خود را نیز به سمت کنسول خود تعیین کرده و به عنوان تاجرباشی که کارشناس امور تجارتهی محسوب می‌شد، بر ایرانیان دیگر مسلط کرده بود.

تاجرباشیها، وکیل شهیندرهای عثمانی، وکیل الدوله‌ها و غلامان سفارت و کنسولگری بریتانیا و دیگر کشورهای بیگانه در همهٔ مناسبات عادی و امور روزانهٔ مردم دست‌اندرکار بودند این افراد علاوه بر مظالمی که به نفع بیگانگان بر مردم ایران روا می‌داشتند جاسوسی و خبررسانی به مقامات سفارتخانه‌ها و کنسولگریهای خارجی را نیز خالی از افتخار نمی‌دانستند.

معتصم‌السلطنه در خاطرات خود می‌نویسد:

«حکومت‌کنندگان واقعی ایران سفرای روس و انگلیس بودند و قنصلهای این دو سفارتخانه نمایندگان جباری بودند، می‌زدند و می‌سوختند و می‌کشتند و کسی را یارای مقاومت در برابر آنها نبود»^۱

۱- فرخ معتصم‌السلطنه، خاطرات سیاسی فرخ، شامل تاریخ پنجاه ساله معاصر، انتشارات جاویدان، ۱۳۴۱، ص ۱.

کنسول روس تزاری در رشت بعد از ذکر مسائلی در مورد دخالت کنسولها در امور داخلی ایران، می‌گوید:

«خواننده می‌تواند از این مقدمات به سهولت دریابد که قدرت و نفوذ اداری قنصل در زیر لوای رژیم کاپیتولاسیون تا چه اندازه بوده و به کجاها کشیده شده است. یعنی قدرتی که باید در همه جا نظارت داشته باشد و به طور کلی می‌توان گفت که این قدرت تقریباً قائم مقام حکومت ایران شده بود. هیچوقت این منظره از خاطر من محو نمی‌شد که نمایش آن همه روز طرف صبح در دفترخانه من تجدید می‌شد. عده زیادی از مردان و زنان در آنجا ازدحام کرده و منتظر باز شدن دفترخانه بودند تا شکایات خود را به قنصل بکنند... ناگفته نماند که اغلب این شکایات اساساً از دور یا نزدیک مربوط به قنصلگری نبود و مواقعی پیش می‌آمد که اصلاً پای تبعه روس یا اشخاص تحت‌الحمایه در میان نبود بلکه نظر به قدرت و نفوذی که قنصلخانه در آنجا داشت در هر کاری به آن مراجعه می‌کردند.»^۱

وی در جای دیگر می‌نویسد: «به واسطه بقای رژیم کاپیتولاسیون عملیات قنصلخانه منحصر به مسائل سیاسی و اقتصادی نبود بلکه مسائل اداری و قضایی و قراردادهای رسیدگی به اسناد و مدارک هم در کار بود. صرفنظر از وظیفه مهم سیاسی که انجام آن ما را وامی‌داشت که تقریباً در تمام چرخهای زندگی ایرانی نظارت و مراقبت داشته باشیم با قوه اداری قنصولی نسبت به تمام تبعه روس نیز به کار می‌افتاد.»

در تحت رژیم کاپیتولاسیون در ایران و مزایایی که خارجیان بدست آورده بودند آنها با قانون بازی می‌کردند.

با افزایش حاکمیت بریتانیا در هند، انگلیسیها علاوه بر اینکه خود در

زیر پوشش رژیم کاپیتولاسیون در ایران از حق قضاوت کنسولی در ایران استفاده می‌کردند افراد مستعمره خود را هم به بهانه اینکه تابع انگلیس هستند از این مزایا برخوردار می‌کردند. هندیها از این مزایا و امتیازات در رابطه با امور تجارتي خود در ایران حداکثر استفاده را می‌کردند.^۱

کار مداخلات ماموران و نمایندگان روسیه تزاری و انگلیس در ایران تحت عنوان رژیم کاپیتولاسیون در سالهای بعد از انعقاد معاهده ترکمانچای به اوج خود رسید. واتسن می‌نویسد:

«شایع است اعمال قزاقهای روسی که غالباً مست و لایعقل در خیابانهای پایتخت دیده می‌شوند باعث انزجار و برانگیختن احساسات مردم بر علیه روسیه می‌شد و چون شکایت اتباع روسیه را نزد وزیر مختار روسیه می‌بردند مواجه با بی‌اعتنایی او می‌گردیدند و این قضیه باعث تهییج روحیه مردم می‌گردید اما هرگونه نارضایتی کتمان می‌شد و اظهار نمی‌کردند.»^۲

روسها در خیلی مواقع حتی عهدنامه‌هایی را که خود بر ایران تحمیل کرده و به نفع اهداف خود هر نوع امتیازی که لازم دانسته بودند در آن گنجانده بودند، نقض و خلاف آن عمل می‌کردند. از اینگونه عهدشکنی‌ها پناه دادن روسها به دزدی بنام رحیم خان بود که بر اثر محاصره شدن به وسیله قوای ایرانی، به داخل روسیه فرار کرده بود. دولت ایران از روسیه درخواست بازگردان وی را به ایران کرد (در حالی که دولت روس خودش

۱- مستشارالدوله صادق، خاطرات و اسناد مستشارالدوله، مجموعه دوم اسناد مشروطه ۱۳۳۰-۱۳۲۵ ه.ق، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات فردوسی و انتشارات ایران و اسلام، چاپ اول، ۱۳۶۲، ص ۱۴۲، رایت، نقش انگلیس در ایران، ص ۶۴-۶۵.

۲- واتسن، تاریخ قاجار، ص ۱۷۱-۱۷۲.

تحت عنوان دستگیری وی نیرو به ایران اعزام کرده بود) و بر طبق عهدنامه ترکمانچای روسها مجبور بودند که هر دزد ایرانی را که به روسیه فرار می‌کند دستگیر و به دولت ایران مسترد سازند. ولی روسها در این مورد اقدامی انجام ندادند.^۱

دامنه این امتیازات به جایی رسیده بود که محل تابستانی سفارت انگلیس که در منطقه قلهک بود به همراه سراسر منطقه قلهک جزء خاک انگلستان شمرده می‌شد. اداره محل در دست سفارتخانه انگلیس بود و نظمی هیچگونه اختیاری در آنجا نداشت و سفارت انگلیس بود که کدخدای آن محل را عزل و نصب می‌کرد. محل تابستانی سفارت روس که در زرگنده بود همانند منطقه سفارت انگلیس اداره آن محل در دست سفارت روس بود.^۲

بعد از قرارداد ۱۹۰۷ م / ۱۳۲۵ ه. ق که طبق آن شمال ایران به عنوان منطقه نفوذ روسها و جنوب انگلیسیها شناخته شد، مداخلات روسیه هم در آن منطقه افزایش یافت. روسها تحت عنوان رژیم کاپیتولاسیون دست به اقداماتی زدند که نه تنها استقلال ایران را نادیده می‌گرفت بلکه حاکمیت ملی دولت ایران در آن مناطق، به خصوص گیلان، استرآباد و تبریز، را زیر پا گذاشتند که به نمونه‌هایی از این مداخلات در منطقه زیرنفوذ روس اشاره می‌کنیم.

۱- کشف تلبیس یا دورومی و نیرنگ انگلیسی در باب ایران از روی اسناد محرمانه انگلیس در باب ایران، بکوشش عین‌الله کیانفر، پروین استخری، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۶۳، ص ۴۲.

۲- نفیسی، تاریخ معاصر ایران از کودتای ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ ش، ص ۱۴، جان ریشارد، بیست سال در ایران، (روایت زندگانی دوران سه پادشاه)، ترجمه علی پیرنیا، تهران، انتشارات زرین، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۱۰۵.

مداخلات روسیه در گیلان تحت عنوان رژیم کاپیتولاسیون

در شمال کشور، مقامات دولت روسیه وجود مسئولین محلی را نادیده گرفته و خود سررشته امور را در دست گرفته بودند و به کارهای دولتی آن منطقه اقدام می‌کردند حتی وجود کارگزاری مهام خارجه را که برای رسیدگی به شکایت اتباع خارجی تاسیس شده بود نادیده می‌گرفتند و خودشان راساً دخالت می‌کردند. نیکیتین می‌نویسد:

«قنصلخانه در رشت کاملاً برقرار و محسوس بود یعنی تنها مرجعی بود که هم تبعه روس و هم ایرانیان به آن رجوع می‌کردند. قنصل روس در ایران فرمانروای مطلق و فعال مایشاء بود.»^۱

از نمونه‌های روشن این مداخلات، نامه کنسول روس به حکمران گیلان است وی در این نامه در تاریخ اوت ۱۹۱۹ م / شعبان ۱۳۲۹ ه. ق می‌نویسد:

«نظر به اخبار واصله بعضی‌ها در صدد اخلال امنیت شهر برآمده به خیالات فاسده افتاده‌اند، صرفنظر از مذاکرات شفاهی راجع به این امر، لازم گردید کتباً نیز خاطر نشان جناب اجل عالی بنماید: هرگاه قنصلگری دولت امپراطوری روس هر یک از بلوئیان را، در هر لباس و درجه و هر شغل و منصبی باشند، در هر نطقه و مکان مشاهده نماید بدون مراجعه به کارگزاران دولت علیه، به لحاظ ضیق وقت، دستگیر و در رسیدگی به صحت و سقم اتهامات اقدام و تا اعاده امنیت عمومی، محبوس خواهد ساخت. هر یک از اتباع ایران نیز که بخواهند اشخاص مزبور را به طور

۱- نیکیتین، ایرانی که من شناخته‌ام، ص ۱۰۰.

قاچاق نگاهداری و پنهان سازند، مشمول همین اخطاریه خواهند بود. لازم است کارگزاران اجل عالی اقدامات فوری به عمل آورند تا قنسولگری امپراتوری اطمینان یابد و مجبور نشود به اقدامات شدید مبادرت ورزد.^۱

حکمران گیلان طی جوابیه‌ای برای کنسول روس نوشت که مدلول نامه شما تماماً از وظایف حکومت محلی است و اگر سخنی دارید از مجرای قانونی آن یعنی کارگزاری مهام خارجه به حکومت اعلام کنید.^۲ آنها تا آنجا پیش رفته بودند که اتباع ایران و بعضی مسئولین امنیت شهرهای ایران را دستگیر و زندانی و حتی محاکمه می‌کردند.

«روز چهارم محرم ۱۳۳۰ ه. ق روسها به خانه مشهدی محمد زرگرباشی سرریز کرده نامبرده را عنفاً به قنسولخانه می‌برند. همچنین اسماعیل شیشه‌بر را دستگیر و بازداشت می‌کنند، سید عبدالوهاب مجتهد، یکی از وکلای انجمن ایالتی را که در تلگرافخانه مشغول تحریر تلگراف بود، تحت‌الحفظ به قنسولخانه می‌برند. یوسف خان، معاون شهربانی، و سلیم خان، رئیس امنیه، و فتح‌الله خان کلانتر را، که به تهران می‌رفته‌اند، از رودبار برگردانیده در رشت محبوس می‌سازند. عدلیه را که ریاستش با حاجی سید محمود روحانی بود، تخلیه کرده به تصرف خود درمی‌آوردند. چند نفر از آزادیخواهان را دستگیر و تبعید می‌کنند.»^۳

در مواردی اتباع دستگیرشده ایران را بدون هیچ مجوزی جهت محاکمه یا تبعید به داخل روسیه می‌فرستادند در حالی که خود کنسول روس معتقد بوده این عمل خلاف ضوابط قضایی است.

۱- فخرائی، گیلان در جنبش مشروطیت، ص ۲۲۹.

۲- همان، ص ۲۳۰-۲۲۹.

۳- همان، ص ۲۴۱.

کنسول روس در گزارش خود می‌نویسد:

«با تصدیق این نکته که چنین اقدامی در ضوابط کنونی قضایی پیش‌بینی نشده است من وظیفه خود می‌دانم که توجه سفارت دولت امپراطوری را به این نکته جلب کنم که اوضاع و احوال کنونی اجرای چنین ضوابطی را که ناظر به روابط عادی بین‌المللی است بکلی منتفی می‌کند.»^۱

کنسول ایران در بادکوبه در مورد اتباع دستگیرشده ایران که به آن منطقه از بندرانزلی فرستاده شده بودند به وزارت خارجه چنین گزارش داده است.

«مقام منیع وزارت امورخارجه چنانچه تلگرافاً عرض شد دیروز صبح با کشتی روسی ده نفر اشخاص معروف و معتبر گیلان که اسامی شان به موجب صورت معروض می‌شود وارد بادکوبه نمودند و تحت‌الحفظ با یک دسته قزاق که از انزلی همراهشان بود، نزد حکومت برده پس از تحقیقات به حبس خانه فرستادند.»^۲ وی در ادامه گزارش ذکر می‌کند که جهت روشن شدن احوال این افراد به مقامات محلی مراجعه کرده ولی آنها هم از آوردن ایشان به آن منطقه اظهار بی‌اطلاعی نموده‌اند.

مداخلات روسها در استرآباد تحت عنوان رژیم کاپیتولاسیون

روسها در استرآباد، همانند مناطق دیگر تحت نفوذ خود، با عوامل و عمال

۱- فیروز کاظم‌زاده، روس و انگلیس در ایران ۱۹۱۴-۱۸۶۳ م، پژوهشی درباره امپریالیسم، ترجمه دکتر منوچهر امیری، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ اول، ۱۳۵۴، ص ۶۲۰.

۲- فخرائی، گیلان در جنبش مشروطیت، ص ۲۴۱.

زیادی که داشتند در امور داخلی منطقه با توجه به رژیم کاپیتولاسیون که دارا بودند دخالت می‌کردند. ماموران روسی که شامل کارگردانان لیانازوف (که امتیاز صید ماهی را در دریای خزر در اختیار داشت)، کمیسر روس، تلگرافچی روس و مهاجران روسی (که از سرزمینهای متصرفی روسیه به استرآباد می‌آمدند) بودند همگی مزاحم مردم و حکومت محلی بودند. این افراد خودسرانه بدمستی و عربده‌جویی می‌کردند و مقامات محلی قدرت جلوگیری از اعمال خلاف آنها را نداشتند.

وکیل‌الدوله انگلیس در استرآباد نمونه‌ای از اعمال اتباع روس را در گزارشهای ارسالی خود به سفارت انگلیس در تهران آورده است. وی در مورد عربده‌کشی و بدمستی مهاجران روسی می‌نویسد:

«سه نفر مالقانی و عرابه‌کش تبعه روس مست بوده، در بازار بدمستی کرده و سنگ به طرف بازارچیان انداختند. مردم از ترس دکان خود را دست گرفته به دیوانخانه رفته، عارض شدند. ابدأ در این باب اقدامی برای مجازات مالقانی نکردند.»^۱ بارها می‌شد که قزاقهای روس مزاحمتهای فردی برای خانواده‌ها فراهم می‌آوردند و مدام به نوامیس مردم تجاوز می‌کردند ابدأ کنسول روس ممانعت نمی‌کرد.^۲

در مخابرات استرآباد آمده است «سالدادهای مست شده داخل خانه‌های مسلمانها می‌شوند و مطالبه مادام می‌نمایند. یا اینکه درب دکان میوه‌فروشی رفته بدون جهت مردم را چوب‌زده و اسباب دکان را غارت

۱- حسینقلی مقصدلو وکیل‌الدوله (گزارش): مخابرات استرآباد، جلد اول (۱۹۰۸/۱۹۱۵-۱۳۲۶/۱۳۳۴)، به کوشش ایرج افشار، محمدرسول دریاگشت، تهران، نشر تاریخ ایران، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۴۳۹.

۲- همان، جلد دوم، ص ۵۳۸-۵۳۷.

کرده، کسی نیست به فریاد فقرا و بیچارگان برسد، تا چه اقتضاء کند.^۱ مداخله روسها در امور استرآباد تا آنجا پیش رفته بود که کنسول روس نسبت به ورود کارگزار منتخب و منسوب وزارت امور خارجه اعتراض می‌کند. وکیل الدوله گزارش می‌دهد: «میرزا حسین خان معزز السلطان از طرف وزارت خارجه به عنوان کارگزاری استرآباد شب ۲۹ جنواری در مرکز وارد گردیده. اعتصام الممالک کارگزار سابق به تمام ادارات دولتی ورود معزی‌علیه را اطلاع به رسمیت داده، لکن قنسول روس می‌گوید: «بی اطلاع من و سفارت، مشارالیه آمده، لهذا پذیرفته نخواهد شد. تاکنون از ایشان دیدن نکرده و دل‌تینگ است. تا چه اقتضاء کند»^۲

کارگزاران کنسول روس در استرآباد املاک مزروعی می‌خریدند یا اجاره می‌کردند و جنگلهای منطقه را تصرف می‌کردند.^۳ آنها در موارد زیادی به تحریک سیاسی مردم می‌پرداختند.^۴ و به سرقت^۵ و مبارزه با حاکم یا همراه ساختن او با خود با توجه به شیوه‌های سیاسی روسهای تزاری در ایران می‌پرداختند.

مداخلات روسها در تبریز تحت عنوان رژیم کاپیتولاسیون

روسها در تبریز به دست آویز مقررات کاپیتولاسیون خودسرانه در امور دخالت می‌کردند و اتباع ایران را بی‌پروا محاکمه و مجازات می‌نمودند. چوبه‌های دار برپا کرده بودند و آزادبخوانان را که «تنها گناهشان این بود

۱- همان، جلد دوم، ص ۵۴۴.

۲- همان، جلد اول، ص ۴۳۶.

۳- همان، جلد دوم، ص ۵۴۶ و صفحات دیگر.

۴- همان، ص ۵۷۶ و صفحات دیگر.

۵- همان، ص ۵۵۸، ۵۴۹، و صفحات دیگر.

که جسارت ورزیده از شهر خود در مقابل مهاجمان بیگانه دفاع کرده بودند^۱ اعدام می‌کردند. چنان که در ۳۰ دسامبر ۱۹۱۱ م / دهم محرم ۱۳۳۰ ثقه‌الاسلام روحانی آزادیخواه تبریز را به همراه گروهی از افراد آن شهر، به وسیلهٔ ماموران سیاسی و نظامی روس در تبریز محاکمه و اعدام کردند و دولت ایران نتوانست از آن فاجعه جلوگیری کند.^۲ و وقتی وزیر امور خارجهٔ ایران از روس خواست که موافقت کند در امر ثقه‌الاسلام تحقیق شود، سفیر روس این تحقیق را لطمه به شئونات روس دانست و رد کرد.^۳

در حالی که روسها صدها نفر را به بهانه‌های واهی اعدام می‌کردند ولی به واسطه زخم دست یک سالدات ده هزار تومان در ظرف چهل و هشت ساعت^۴ طلب کردند.

مداخلات انگلیسیها در منطقهٔ جنوب تحت عنوان

رژیم کاپیتولاسیون

انگلیسیها همانند روسها در منطقهٔ نفوذشان در جنوب ایران، از مقررات کاپیتولاسیون جهت اهداف خود استفاده می‌کردند. با توجه به اهمیت استراتژیک هند برای آنها و احتمال نفوذ قدرتهای رقیب به هند از طریق

۱- ادوارد براون، نامه‌هایی از تبریز، ترجمه حسن جوادی، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۶۱، ص ۶۸.

۲- ر. ک. کسروی، تاریخ هیجده‌سالهٔ آذربایجان، ص ۳۰۷، براون، نامه‌هایی از تبریز، ص ۶۸.

۳- هدایت، گزارش ایران، ص ۲۹۳.

۴- نامهٔ ثقه‌الاسلام به میرزا حسن خان مشکوه‌الممالک پس از خلع محمدعلی شاه و استقرار مشروطهٔ ایران، ر. ک. ابراهیم صفائی، اسناد سیاسی دوران قاجاریه، تهران، انتشارات بابک، چاپ دوم، ۱۳۵۵، ص ۳۸۲.

خلیج فارس و جنوب ایران، آنها تمام تلاششان را بر این گذاشته بودند که قدرتهای ذی نفوذ راهشان به جنوب باز نشود. آنها اجازه نمی دادند که مامورین و نمایندگان یا طرفداران سیاست روسیه پا به جنوب بگذارند. به همین دلیل وقتی مسیو راوه بلژیکی که هوادار سیاست روسیه بود به عنوان رئیس گمرک فارس انتخاب شد تمام همّتشان را بر اخراج وی گذاردند تا سرانجام با تحریک مردم، موفق به این کار شدند.^۱

انگلیسیها در عزل و نصب ماموران و مسئولان ولایات جنوب مستقیماً دخالت می کردند و برای اینکه از اوضاع منطقه حتی نقاط کم اهمیت بی اطلاع نباشند، ماموران مخصوصی به نام «خفیه نویسان» را به کار گرفتند تا گزارشهایی از اوضاع اقلیم فارس و ایالات جنوبی تهیه کنند.^۲ در این منطقه جهت حراست از منافع خود نیروی انتظامی به نام «پلیس جنوب» تحت نظر خود تشکیل داده بودند. اکثر روسای قبایل و ایلات را جیره خوار خود کرده، از آنها و افرادشان جهت حراست از منافع خود استفاده می کردند. جاسوسان انگلیسی در منطقه فراوان بودند. انگلیسیها در شهرهای مهم ایران به خصوص در ایالات جنوبی کنسولهایی گماشته بودند که در واقع عامل نفوذ و مداخله در امور داخلی ایران بودند. این افراد از اداره کل سیاسی هندوستان دستور می گرفتند.^۳ نفوذ انگلیسیها در

۱- خان ملک ساسانی، دست پنهان سیاست انگلیس در ایران، تهران، انتشارات بابک، چاپ دوم، ۱۳۵۴، ص ۹۷-۹۳.

۲- جهت آگاهی از گزارشهای خفیه نویسان انگلیسی در جنوب ر.ک. سعید سیرجانی (تصحیح کننده)، وقایع اتفاقیه، مجموعه گزارشهای خفیه نویسان انگلیسی در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ ه.ق، تهران، نشر نو، چاپ اول، ۱۳۶۱.

۳- اوژن اوپن، سفرنامه و بررسیهای سفیر فرانسه در ایران، ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶، ترجمه و حواشی و توضیحات از علی اصغر سعیدی، تهران، کتابفروشی زوار، چاپ اول، ۱۳۶۲، ص ۲۳۸.

مناطق جنوبی بعد از امضای قرارداد ۱۹۰۷ م / ۱۳۲۵ ه. ق افزایش یافت و در حقیقت حاکم واقعی این مناطق شدند. بعد از انقلاب ۱۹۱۷ م / ۱۳۳۶ ه. ق روسیه و خارج شدن رقیب اصلی انگلیسیها از صحنه سیاسی ایران، آنها یکه‌تاز میدان سیاست ایران شدند. اعمالی که آنها انجام می‌دادند به هیچوجه در شان دو دولت متساوی‌الحقوق نبود. آنها به بهانه عدم امنیت اتباعشان، قشون وارد جنوب می‌کردند و شهرهای جنوبی را میدان تاخت و تاز خود قرار می‌دادند. در اکتبر ۱۹۰۹ م / شوال ۱۳۲۶ ه. ق به بهانه حفظ جان اتباع خود دو اسکادرون قشون هندی از بمبئی به قصد ایران فرستادند و در تعقیب آن دو اسکادرون دیگر در نوامبر آن سال رهسپار ایران کردند.^۱ انگلیسیها در منطقه تحت نفوذشان اگر ماموران رسمی دولت طبق خواسته‌های آنها عمل نمی‌کردند آنها را برکنار یا حتی بازداشت و زندانی می‌کردند. آنها میرزا ابوالقاسم خان مهمام‌الملک، کارگزار مهمام خارجه در کرمان را به جرم دوستی با آلمانها در جنگ جهانی اول، دستگیر نمودند و وی را در جلوی اسب سواران هندی با پای پیاده به شیراز فرستادند و از آنجا او را به تهران آورده و زندانی کردند. خان ملک ساسانی که خود ناظر واقعه بوده است در مورد برخورد ماموران وزارت خارجه ایران با این حادثه می‌نویسد:

«کارکنان وزارت امور خارجه هم از شنیدن اسم مهمام‌الملک فرار می‌کردند، مبادا به گوش سفارتی‌ها برسد و مسئول واقع شوند.»^۲ انگلیسیها حتی توصیه احمدشاه را جهت آزادی او نپذیرفتند.

به واسطه همین مداخلات انگلیسیها با استفاده از رژیم کاپیتولاسیون

۱- دکتر مهدی ملک‌زاده، انقلاب مشروطیت ایران، کتاب هفتم، تهران، انتشارات محمدعلی علمی، چاپ دوم، ۱۳۶۳، ص ۱۴۱۹.

۲- ساسانی، دست پنهان سیاست انگلیس، ص ۷۸.

بود که بازتاب الغای آن در میان مردم جنوب بارزتر از نقاط شمال کشور بود.^۱ چون در موقع الغا در سال ۱۹۲۷ م / ۱۳۰۶ ش سالها بود که همسایه شمالی، شوروی، کاپیتولاسیون را لغو کرده بود. گرچه کنسولهای آن کشور مداخلاتی در امور داخلی ایران می‌کردند و در بعضی مواقع بعضی امتیازات لغو شده را عملاً اجرا می‌کردند ولی اینها محدود بود و به هیچ وجه به حد سالهای قبل از انقلاب ۱۹۱۷ م / ۱۳۳۶ ه. ق که آنها در ایران از مزایای رژیم کاپیتولاسیون برخوردار بودند، نمی‌رسید.

درگیری بیگانگان دارای حقوق کاپیتولاسیون با یکدیگر در ایران

علاوه بر دخالت کنسولهای کشورهای بیگانه تحت عنوان کاپیتولاسیون در امور داخلی ایران، مسئله مهم دیگر که نادیده گرفتن حاکمیت و استقلال ایران را به همراه داشت برخورد منافع و درگیری سفارتخانه‌ها و کنسولگریهای کشورهای بیگانه با یکدیگر در ایران بود. از نمونه‌های نشان‌دهنده خودسریهای استفاده‌کنندگان کاپیتولاسیون، تلگرافی است از گیلان که در مورد اختلاف کنسولهای روس و عثمانی با یکدیگر در رشت است. این تلگراف حاکی از روابط تلخ کنسولهای بیگانه می‌باشد.

«امروز هنگام ظهر قنصل روس با سی نفر به شهیندرخانه عثمانی هجوم کردند عده‌ای قزاقها سر راه اطراف شهیندری را گرفتند، نایب قنصل روس با عده دیگر وارد عمارت می‌شوند یکدفعه عموم تجار و کسبه بنای بستن دکاین را گذارده تمام کاروانسراها بسته شد، بازارها پنج دقیقه بسته گردید. وحشت و اضطراب زیاد حکمفرما بود ولی اغلب از

۱- ر. ک. روزنامه *حبل‌المتین*، سال سی و ششم، شماره ۲۳، (۲۵ اردیبهشت ۱۳۰۷ ش).

حقیقت مطلع نبودند. بالاخره پس از یک ربع ساعت معلوم شد که قنصل عثمانی را با دو نفر شهبندری روسها دستگیر و با بیرق ماه و ستاره و تمام اسناد و نوشتجات و آرشیو به قنصلگری روس برده‌اند و الساعه که سه مغرب است شنیدم آنها را به انزلی حرکت دادند که به روسیه ببرند. مردم رشت در وحشت هستند و گفته می‌شود اطراف رشت دستجات مسلحی وجود دارند. حکومت از شدت مداخله قنصل میل ندارد در گیلان بماند.»^۱

این تلگراف حکایت از این دارد که استقلال ایران در آن زمان دستخوش امیال کسانی بود که در زیر لوای کاپیتولاسیون به نوایی رسیده بودند و برای خودشان کسب نفوذ کرده بودند. آنها به دور از نزاکت بین‌المللی، حرمت حریم امنیت دولت دیگری را در نظر نمی‌گرفتند بلکه احترام دولت ثالثی را هم که از همان مزایا برخوردار بود به جا نمی‌آوردند. معتمصم السلطنه در خاطرات خود قضیه‌ای از درگیریهای کنسولها و افراد تحت‌الحمایه آنها با یکدیگر نقل می‌کند. وی می‌گوید در سال ۱۹۱۲ م / ۱۳۳۱ ه. ق اسماعیل خان قره‌باغی معاون کنسولگری روس در ولایت خمسه به دست یکی از اتباع روس کشته می‌شود. کنسول روس به منظور استفاده از فرصت شایعه می‌کند که شیخ علی‌اکبر، مجتهد تربت‌حیدریه در این قتل دست داشته و به وسیله خواهر امین‌التجار داروی سمی به اسماعیل خان داده است. خواهر امین‌التجار همسر رئیس بانک شاهی در تربت‌حیدریه بود که خانواده وی زیر چتر حمایت دولت انگلیس قرار داشته است. معتمصم السلطنه که خود در آن موقع مسئولیت کارگزاری خمسه را برعهده داشته می‌گوید تلاشش به جایی نرسید و

بلاخره پای کنسول انگلیس در تربت حیدریه به میان می‌آید و با شکایت وکیل‌الدوله انگلیس و دخالت ژنرال کنسول انگلیس در مشهد و گفتگوهای دو سفارت انگلیس و روس در مرکز، سفارت روس به کنسولگری روس در مشهد دستور می‌دهد کاری به افراد تحت‌الحمایه انگلیس نداشته باشد.^۱

تحت رژیم کاپیتولاسیون، ایران تا آنجا عرصه گاه و جولانگاه ترکتازی کشورهای استعماری شده بود که برای نابودی نفوذ یکدیگر دست به اعمال خشن علیه یکدیگر می‌زدند و آنان که در این میان تماشاجی بی‌اراده‌ای بودند حکام ایرانی بودند که جرات اظهار نظری نداشتند چون ممکن بود اظهارنظر آنها علیه یک طرف و له طرف دیگر شود و در آن صورت طرفی که علیه آن حرفی ابراز شده بود حکام ایرانی را شریک در مسئله قلمداد کرده و عوارض ناشی از آن را بر ایران تحمیل کنند.

عبدالله بهرامی که خود از روسای نظمی در آن دوره و شاهد و ناظر اینگونه قضایا بوده است می‌نویسد: در اوایل جنگ اول جهانی رئیس بانک استقراضی روس، فن‌کاور در اصفهان به دستور آلمانیها به وسیله یک ایرانی تحت حمایت آنها کشته شده بود و در اثر نفوذ آلمانیها در اصفهان حاکم شهر قدرت احضار او را نداشت. پس از آن که از حاکم اصفهان احضار قاتل رئیس بانک استقراضی روس که در آن موقع در اصفهان آزادانه می‌گشت خواسته شد وی با حالتی وحشت‌زده و مضطرب به اطراف خود نگاه کرد که مبادا کسی صحبت وی را بشنود و با صدای آهسته گفت:

۱- فرخ، خاطرات سیاسی، ص ۳.

«یک چنین اقدامی مستلزم جنگ با آلمانها است.»^۱

نمونه‌هایی از رفتار خشونت‌آمیز سفارتخانه‌ها و کنسولگریهای کشورهای دارای حق کاپیتولاسیون در ایران، با اتباع دیگر کشورهای دارای این حق، برخورد روسیه تزاری با مورگان شوستر رئیس خزانه‌داری کل ایران است که چون وجود وی را در ایران مخالف با منافع استعماری خود می‌دیدند حتی نقشه کشتن وی را کشیدند. ویس کنسول سفارتخانه روس کسی را برای این کار برگزید و به وی اصرار کرد که برای خشنودی و جلب حمایت دولت روس وی را کشته یا مسموم نماید.^۲

۳- نتایج اجتماعی تحمیل رژیم کاپیتولاسیون در ایران

از نظر اجتماعی برقراری رژیم کاپیتولاسیون در ایران تأثیرات نامطلوبی به همراه داشت. از جمله اینها بست نشستن در سفارتخانه‌ها، پناهنده شدن و تحت‌الحمایه سفارتخانه‌ها و کنسولگریهای خارجی در آمدن بود.

موضوع بست‌نشینی در ایران سابقه طولانی داشته و از قدیم‌الایام، امامزاده‌ها خانه‌های علما، مساجد و تکایا، بیرونیهای بزرگان، اصطبل شاهی و وزارت‌خانه‌ها به عنوان محل بست مطرح بوده است. در دوره قاجار سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های کشورهای خارجی و محل تلگرافخانه و از سال ۱۸۶۲ م / ۱۲۷۹ ق که انگلیسیها امتیاز

۱- عبدالله بهرامی، خاطرات عبدالله بهرامی از آخر سلطنت ناصرالدین شاه تا اول کودتا، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۳، ص ۳۸.

۲- مورگان شوستر، اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتري، با تصحیح و مقدمه و حواشی و اسناد منتشرنشده در ایران توسط فرامرز برزگر و اسمعیل رائین، تهران، انتشارات صفی‌علیشاه، چاپ پنجم، ۱۳۶۲، ص ۱۵۶-۱۵۵.

تلگراف سراسری ایران را از ناصرالدین شاه گرفتند سفارت انگلیس به عنوان محل بست رسمیت پیدا کرد.^۱

بست‌نشینی در جامعه ایران، به علت عدم وجود قانونی پایدار و سازمان عدلیه منظم به وجود آمده است. افراد برای احقاق حق خود و رفع ظلم به آن مکانها می‌رفتند و چون در بست‌نشستن قانونی وجود نداشت از اندازه گذشت و هر گناهکار و خلافکار و آدمکش هم دست به این کار می‌زد و کسی را یارای تعقیب آنها نبود و این کار سبب سلب امنیت و بی‌نظمی شده بود.

پولاک می‌نویسد: «وجود این همه بست در عمل برای امنیت عمومی فوق‌العاده زیان‌بخش شناخته شد. اراذل و اوباش از هر دست در حول و حوش مساجد به سر می‌برند تا شبها دست به غارت و دزدی بزنند و بعد در پناه مساجد جای بگیرند.»^۲

در دوره‌های قبل از قاجار محل‌های بست اکثراً مکانهای مقدس بود ولی در دوره قاجار و بعد از پایان جنگهای ایران و روس و شکست ایران از روس، محل سفارتخانه‌ها و کنسولگریها به عنوان بست بیشتر مورد استفاده واقع می‌شدند. چون نفوذ نمایندگان سیاسی کشورهای خارجی به خصوص روس و انگلیس به علت به دست آوردن حقوق و امتیازات به خصوص حق قضاوت کنسولی افزایش یافته بود. محل سفارتخانه‌های خارجی با توجه به مصونیت‌های به دست آمده در اثر تحمیل رژیم

۱- در مورد امکان‌های که به عنوان بست استفاده می‌شده است ر.ک. سرآرتور هاردینگ، *خاطرات سیاسی سرآرتور هاردینگ*، وزیر مختار بریتانیا در دربار ایران در عهد سلطنت مظفرالدین شاه قاجار، ترجمه دکتر جواد شیخ‌الاسلامی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳، ص ۴۶-۴۹، ویلسن، *تاریخ قاجار*، ص ۲۱۵، آدمیت، *امیرکبیر و ایران*، ص ۴۲۳.

۲- یاکوب ادوارد پولاک، *سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۶۱، ص ۳۲۴.

کاپیتولاسیون محل امنی برای پناهنده شدن و بست نشستن شد. زیرا دیده می‌شد که با پناه بردن به آنجا از هرگزندی محفوظ هستند. لیدی شیل همسر وزیرمختار انگلیس در اوایل دوره ناصرالدین‌شاه، که خود شاهد این‌گونه موارد بوده است در مورد محل سفارتخانه‌ها برای بست نشستن می‌نویسد:

«یک پناهگاه مصون از تعرض محسوب می‌شود که در داخل آن هیچ قدرتی حق مزاحمت برای پناهندگان را ندارد.»^۱

امنیت یافتن محل سفارتخانه‌ها و کنسولگریها برای بست نشستن و پناهنده شدن موجب شد که عده‌ای از شاهزادگان و رجال و بازرگانان برای فرار از مجازات و یا رهایی از زندان و جلوگیری از تاراج اموال خود به سفارتخانه‌های خارجی پناه برده و خود را تحت‌الحمايه آنها قرار دهند و ذلت و خفت حمایت بیگانگان را پذیرا شوند.^۲

رحیم‌زاده صفوی در خاطرات خود وقتی نتایج تحمیل کاپیتولاسیون توسط روسیه به ایران را بازگو می‌کند، یکی از این نتایج را، پناهنده شدن اشخاص مجرم به سفارتخانه‌ها نام می‌برد و می‌گوید:

«اشخاص کلاهبردار و مردم‌آزار که اموال دیگران را می‌خواستند غصب کنند، با دادن مبلغی رشوه و تشبثات پست و دنائت‌آمیز دیگر، خود را تحت‌الحمايه روسیه قرار می‌دادند و آنوقت به هرگونه رذالت و جنایت و ایداء و آزار هموطنان خویش بی‌پروا اقدام می‌کردند.»^۳

۱- لیدی شیل، خاطرات لیدی شیل (همسر وزیر مختار انگلیس در زمان ناصرالدین شاه)، ترجمه دکتر حسین ابوترابیان، تهران، نشر نو، چاپ اول، ۱۳۶۲، ص ۱۳۳.

۲- ر. ک. عباس اقبال آشتیانی، میرزاقمی خان امیرکبیر، باهتمام ایرج افشار، تهران، انتشارات توس، چاپ اول، ۱۳۶۲، ص ۶۲.

۳- رحیم‌زاده صفوی، اسرار سقوط احمدشاه به کوشش بهمن دهگان، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ اول، ۱۳۶۲، ص ۶۲.

البته همچنان که اشاره شد، در موارد زیادی افراد برای رفع ظلم و احقاق حق خود، به سفارتخانه‌ها یا امکنه وابسته به بیگانگان می‌رفتند و بست نشسته یا خود را تحت‌الحمایه آنها در می‌آوردند. می‌توان به پناهنده شدن رجال و اعیان پایتخت به سفارتخانه‌های روس و انگلیس در زمان سلطنت محمدعلی شاه اشاره کرد که چون آنها از زورگویی حاجی میرزا آقاسی صدراعظم به ستوه آمده بودند به سفارتخانه‌های روس و انگلیس پناهنده شدند و خواستار عزل او شدند. و در اواسط سلطنت ناصرالدین شاه، ناظم‌العلماء ملایری که از بزرگان ملایر بود از ظلم سیف‌الدوله برادر عین‌الدوله در سفارت رویس بست نشست و همچنین در اوایل سال ۱۹۰۶ م/ ۱۳۲۴ ه. ق ابوالحسن میرزا شیخ‌الرئیس، که از علما و شعرای قاجار بود از ستم عین‌الدوله به سفارت عثمانی پناهنده شد.^۱ ولی این عمل فتح بابی شد که هر کس شکایتی از دست ماموران یا مقامات دولتی داشت، آنجا را محل دادرسی بشناسد، نه عدلیه و مقامات قضایی کشور را. این کار به قول اعتمادالسلطنه «وهن بزرگی است برای دولت ایران زیرا که تا به حال رعیت ایران نمی‌دانستند که می‌شود به قنصل‌خانه‌ها و سفارتخانه‌های خارجی پناه ببرند. از این به بعد به واسطه تعدی حکام همین کار را خواهند کرد.»^۲

هر قدر که ضعف دولت ایران بیشتر می‌شد، دخالت ماموران دیپلماسی در امور داخلی هم بیشتر می‌شد و افراد بیشتری به سفارتخانه‌های خارجی پناهنده می‌شدند و تحت‌الحمایه آنها در می‌آمدند. تا آنجایی که

۱- ر. ک. ادوارد براون، *انقلاب ایران*، ترجمه احمد پژوه، تهران، کانون معرفت، چاپ دوم، ۱۳۳۸، ص ۱۲۰.

۲- محمدحسن اعتمادالسلطنه، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، با مقدمه و فهارس ایرج افشار، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۵۵، ص ۸۳۱.

اهمیت سفارتخانه‌ها و کنسولگریها برای بست نشستن در این دوره از امامزاده‌ها و مساجد و تکایا بیشتر شد.

سوءاستفاده‌های انگلستان از بست‌نشینان و تحت‌الحمايه‌ها

در دوره قاجار اکثر افرادی که قصد بست نشستن یا پناهنده شدن را داشتند، محل سفارتخانه انگلیس را انتخاب می‌کردند. زیرا از بین دو قدرت دارای نفوذ در ایران، روس حامی اصلی سلطنت قاجار شناخته شده بود و مردم سررشته بسیاری از ظلمها و مفاسد را روسها می‌دانستند و روسها با توجه به قدرت و نفوذی که در ایران داشتند دست به اعمال جنایت‌آمیزی نسبت به اتباع ایران می‌زدند، که مردم دادرسی در مقابل آنها نمی‌دیدند. چون نه دولت و نه عدلیه قدرت جلوگیری از جنایتهای آنها را نداشت مردم در این موارد برای دادرسی از ظلم کشوری که دارای حق کاپیتولاسیون بود چاره‌ای جز پناه بردن به کشور دیگری که دارای چنین حقوقی بود نداشتند و به همین جهت به سفارت انگلیس پناه می‌بردند. روزنامه کاوه در ۲۸ ذی‌القعدة ۱۳۳۵ / ۱۵ سپتامبر ۱۹۱۷ گزارشی از پناه بردن مردم از جنایتهای روسها به کنسولگری و تلگرافخانه انگلیس می‌دهد و می‌نویسد:

«در ماه رجب قشون روس در همدان بنای غارت و چپاول را می‌گذارند و از اهالی و کسبه هر که درصدد جلوگیری یا دفاع مال و ناموس خود برمی‌آید مجروح می‌نمایند و کار را به جایی می‌رسانند که مردم بازارها را بسته و در قنصلخانه انگلیس چادرها زده و در آنجا متحصن می‌شوند. و مسئله این قتل و غارت را اخطاریه خود فرمانده

قشون روس ژنرال پاولف که در همدان اعلام کرده و در روزنامه ایران شماره ۷۳ مندرج است تصدیق دارد.^۱

همین روزنامه می‌نویسد:

«در روز ۱۱ رمضان چند نفر از سالداتهای روس در قم با کسبه طرف شده نزاعی بین آنها واقع می‌شود. سالداتها چند نفر از اهل بازار را کتک زده فعلاً تمام دکاین بسته با عده‌ای از آقایان در تلگرافخانه متحصن و منتظر هستند اولیای امور از تعدیات نظامیان جلوگیری نمایند.»^۲

انگلستان از افرادی که به سفارتخانه یا کنسولگری او پناهنده می‌شدند، حداکثر استفاده را برای اهداف خود می‌کرد. اسماعیل راین می‌نویسد:

«بسیاری از موارد پناهنده شدن شاهزادگان قاجاری به دولت انگلستان و یا بست نشستن در سفارت انگلیس مثل سلاحی مخرب برای پیش بردن مقاصد شوم استعماری و منافع انگلستان به کار می‌رفته است. همچنین از پناهنده شدن و تحصن بعضی از شاهزادگان و دولتیان وقت به سفارت انگلیس به منظور ارباب دولت ایران استفاده شده و نتایج نکبت‌باری به بار آورده است.»^۳

وی ادامه می‌دهد که در پیش برد مقاصد انگلیسیها در بیست و پنج سال اول پادشاهی ناصرالدین شاه حوادث ذیل نقش مهمی داشته است:

- ۱- پناهنده شدن حاج فرهاد میرزا معتمدالدوله عموی ناصرالدین شاه.
- ۲- پناهنده شده عباس میرزا ملک‌آرا برادر ناصرالدین شاه.

۱- روزنامه کاوه، سال دوم، شماره ۲۳، برلن، شنبه ۱۵ سپتامبر ۱۹۱۷ م / ۲۸ ذی‌القعدة ۱۳۳۵ ه. ق، ص ۳.

۲- همان، ص ۴.

۳- اسمعیل راین، حقوق بگیران انگلیس در ایران، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ ششم، ۱۳۵۶، ص ۱۱۴.

- ۳- تحسن خان باباخان خوانساری.
- ۴- تحسن میرعلی نقی خان.
- ۵- تحسن حسین خان نظام‌الدوله.
- ۶- تحسن عباس قلی خان لاریجانی.
- ۷- تحسن کوچک خان.^۱

«... در چند حادثه فوق مسئولان سفارت انگلیس موفق شده‌اند با پرداخت حقوق و مقرری به شاهزادگان قاجاری و امنای دولتی که به آنها متوسل شده بودند به حمایت علنی از آنان برخیزند و برای ارباب مقامات ایرانی از وجودشان استفاده کنند.»^۲

از شخصیت‌هایی که نام برده شده عباس میرزا ملک‌آرا و حاج فرهاد میرزا معتمدالدوله، شاهزادگان برجسته قاجار بودند که با توجه به موقعیت آنها، انگلیسیها سعی کردند از آنها در مقابل ناصرالدین شاه به حمایت برخاسته و آنها را از مجازات نجات دهند و از وجود ایشان در مواقع ضروری جهت منافع خود استفاده کنند. در قضیه هرات از جمله اقداماتی که انگلیسیها برای منصرف کردن ناصرالدین شاه از ادامه جنگ انجام دادند، استفاده از وجود عباس میرزا ملک‌آرا بود. آنها در آن موقعیت پیشنهاد تفویض سلطنت جنوب را به ملک‌آرا دادند وی در خاطراتش می‌نویسد:

«ناگاه شاهد معنی پرده برداشت و دولت بهیه انگلیس با دولت علیه ایران بنای محاربه گذاشت. از طرف انگلیس تکلیفی به من شد که همراه آنها بر سر بوشهر و محمره بروم.»^۳

۱- همان، ص ۱۱۴.

۲- همان، ص ۱۱۴.

۳- عباس میرزا ملک‌آرا، شرح حال عباس میرزا ملک‌آرا، شامل قسمت مهمی از وقایع

از جمله موارد دیگر، حمایت آنها از شیخ خزعل بوده است که صریحاً در مورد او نامه‌ای به دولت ایران می‌نویسند که: «شیخ خزعل تحت حمایت ماست و در زمان جنگ به او سند داده‌ایم از او حمایت کنیم.»^۱ تحت‌الحمایه شدن در آن روزگار به عنوان بلیه‌ای اجتماعی و سیاسی مطرح شده بود. در نخستین سال انقلاب مشروطیت که برای نحوه انتخاب نمایندگان مجلس آئین‌نامه‌ای تدوین گردید، از جمله مواد این آئین‌نامه محرومیت اتباع خارجه از شرکت در انتخابات بود. روزنامه مظفری در تاریخ ۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ هـ / ۲۰ مه ۱۹۰۷ م می‌نویسد این ممنوعیت باید شامل حلال ایرانیانی که با اجانب ارتباط دارند بشود. می‌نویسد:

«فرض کنید یکی از تجارخانه‌های خارجه که معامله و مراوده با ایران دارند و وکیلی از خودشان ندارند، وکالت خود را به یک نفر از مردم تبعه ایران می‌دهد. اگر در موقعی اتفاقی برای این شخص واقع شده که گفتگویی به کسی داشته باشد یا حکومت علیه بخواهد به حق یا باطل دست‌اندازی به او بکند، قنسولی از آن دولت در آن محل به رسم حقوق تبعه خود حمایت از این کس می‌نماید و چون تا به حال قانون درستی در کار نبوده و هر کس به هر وسیله توانسته برای آسایش خود یا به جهت حریت در شرارت و بی‌باکی خود را به یکی حضرات خارجه‌ها چسبانیده که محفوظ باشد. اینگونه اشخاص بیشتر از اتباع خارجه به حمایت آنها مغرورند و اظهار مفاخرت می‌نمایند، بلکه اغلب آنان از راه جهالت

→ سلطنت ناصرالدین شاه، به کوشش دکتر عبدالحسین نوائی، با مقدمه‌ای از عباس اقبال آشتیانی، تهران، انتشارات بابک، ۱۳۶۱، ص ۵۴-۵۳.

۱- سیدحسن تقی‌زاده، زندگی طوفان، خاطرات سیدحسن تقی‌زاده، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات محمدعلی محمدعلی علمی، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۲۴۶.

(بلکه) از فرط دنائت برای خوش آمدگویی و چاپلوسی و جاسوسی مخبر حضرات خارجه واقعد و به همین راضی بل سرفرازند که آمد و رفتی نزد حضرات دارند، و سایر شروخی که در کار و کردار اینگونه اشخاص منظور نظر هاست و همه دیده و می بینید. البته اینها همه در حکم اتباع خارجه محسوبند بلکه بدتر و محققاً از انتخاب محرومند بلکه از دخول در انجمن ها هم باید ممنوع باشند.^۱

انگلیسیها دخالت در امور دولتی و حمایت از عناصر مزدور و مجرم را تا آن حد پیش برده بودند که میرزا آقاخان را که خود از دست پروردگان آنها بود، به ستوه آورده بودند. وی در نامه‌ای به تاریخ ۲۳ آوریل ۱۸۵۷ م/ ۲۹ شعبان ۱۲۷۳ ه. ق می نویسد:

«از قرینه و قیاس چنین استنباط می شود که این عهد دولت انگلیس با دولت ایران چندان بقا و بنیادی پیدا نکند. به دلیل اینکه کار سفارت انگلیس در این ماموریتی که در ایران دارند این بود که متصل مداخله در امور داخلی می کرد. اشرار ایرانی را حمایت کرده خانه‌های خود را بست قرار می دادند، به این وسیله خود را از سایرین ممتاز می دانستند.»^۲

در مواردی که پای منافع روس و انگلیس در بین بوده است هر دو سفارتخانه از مصونیت خود استفاده می کردند. چنان که موقعی که محمدعلی شاه از دست مشروطه خواهان شکست خورد و به سفارت روس در منطقه زرگنده پناه برد هر دو دولت پرچم خود را بر بالای محلی

۱- روزنامه مظفری، سال ششم، ۷ ربیع الثانی ۱۳۲۵ (۲۰ مه ۱۹۰۷)، ص ۷.

۲- فرخ خان امین الدوله، مجموعه اسناد و مدارک فرخ خان امین الدوله، قسمت اول: مربوط به سالهای ۱۲۷۳-۱۲۴۹ ه. ق، به کوشش کریم اصفهانیان- قدرت الله روشن زعفرانلو، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۸، ص ۳۰۵.

که محمدعلی شاه در آن بود، زدند تا مشخص شود تحت‌الحمایه هر دو دولت هست.^۱

انگلیسیها و روسها در بعضی مواقع که می‌دیدند بست‌نشینان ممکن است برای آنها ایجاد مزاحمت کنند مانع از انجام این کار می‌شدند حتی ممکن بود که کار هم به درگیری بینجامد. از این نمونه می‌توانیم به تلگراف کنسولگری انگلیس در تاریخ ۱۱ مه ۱۹۱۱ م/ ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳۲۹ ه.ق در شیراز به سرادواردگری اشاره کنیم، متن تلگراف چنین است:

«قسمتی از فوج سربازان ایرانی با اسلحه کامل به دخول قنصلخانه موفق گردیده با مستحفظین قنصلخانه به تبادل گلوله‌اندازی نمود. مستحفظین آنها را بیرون کرده، دو نفر را مقتول و یک نفر را مجروح نمودند. دو نفر دیگر یا بیشتر بیرون مجروح گردیدند. از سواران قنصلخانه یکی دستش مجروح گردید مقصود سربازان این بود که به علت عدم پرداخت حقوقشان بست اختیار کنند.»^۲

در موردی دیگر مردم اصفهان از رفتار بد حکمران به کنسولگری انگلیس در اصفهان می‌خواستند پناه ببرند. ولی ژنرال کنسول انگلیس مانع این کار می‌شود و از نگرانی آنها سرباز می‌زند «در صورتی که یک یا دو روز بعد اقبال‌الدوله حکمران را می‌پذیرد و به او پناهندگی می‌دهد.»^۳ اینها که خود را تحت‌الحمایه انگلیس یا دول دیگر قرار می‌دادند تا آنجا خود را مطیع آنها می‌کردند که حتی در مسائل ریز و بی‌اهمیت هم از سفارتخانه دستور می‌گرفتند، سعید نفیسی می‌نویسد:

۱- تقی‌زاده، خاطرات، ص ۱۴۵.

۲- کتاب آبی، جلد پنجم، ص ۱۰۸۱.

۳- براون، انقلاب ایران، ص ۲۸۹.

«یکی از جنبه‌های بسیار شگفت حق کاپیتولاسیون این بود که در تهران قصابانی بودند که تبعه و تحت‌الحمایه دولت انگلستان به شمار می‌رفتند و نرخ گوشت را بی‌رضایت و موافقت سفارت انگلستان نمی‌توانستند تعیین کنند.»^۱

دولت انگلیس از این بست‌نشینان و تحت‌الحمایه‌ها همیشه همچون سلاح موثری برای حفظ منافع خودش در ایران استفاده می‌کرد. زمانی با حمایت از اینگونه افراد، صفحه وقایع را به نفع خود برمی‌گرداند و موقعی هم از این افراد برای تضعیف دستگاه سلطنتی بهره می‌برد و هنگامی هم برای عقیم‌کردن دستورات و تصمیمات دولتی استفاده می‌کرد.^۲ دنیس رایت در مورد استفاده انگلیس از این افراد می‌نویسد:

این اشخاص به طور قطع به عنوان منبع مهم فعالیت انگلیسی‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند.^۳

نمایندگان انگلیس که مروج تحت‌الحمایگی بودند

در بین نمایندگان سیاسی انگلیس در ایران، چند نماینده در ترویج تحت‌الحمایگی ایرانیان و تابعیت‌های خلق‌الساعه و تحصن، بیش از دیگران تلاش می‌کردند. در راس این افراد می‌توان از کلنل شیل^۴ سفیر

۱- نفیسی، تاریخ معاصر ایران از کودتا...، ص ۱۳.

۲- راثین، حقوق بگیران انگلیس، ص ۳۵۱.

۳- دنیس رایت، نقش انگلیس در ایران، ص ۶۳.

۴- دنیس رایت می‌نویسد:

«مسئولان ایرانی شکایت داشتند که شیل اولین نماینده بریتانیا بود که محل سفارت را به صورت مامن و پناهگاه برای اشخاص خطرناک و حادثه‌جو درآورده است... از زمان شیل

مختار انگلیس در اوائل دوران ناصرالدین شاه، استیونس کنسول انگلیس در تبریز در همین دوره، ماموره و تامسون نام برد. اینها در این راه مشکلات زیادی به وجود آوردند.^۱

تحت‌الحمایه شدن جهت فرار از مالیات

بعضی افراد، جهت فرار از مالیات و نپرداختن دیون خود به دیوانخانه خود را تحت‌الحمایه و تبعه کشوری بیگانه معرفی می‌کردند در حالی که متولد ایران و تبعه ایران بودند.

از اینگونه افراد می‌توان از حاج عبدالکریم قندهاری نام برد. وی اهل قندهار^۲ بود و در حدود ۱۸۱۴ م / ۱۲۳۰ ه. ق به تهران آمده بود و از راه بازرگانی و رباخواری ثروت هنگفتی به هم زده بود. دارایی وی را بالغ بر صد هزار تومان ثبت کرده‌اند. وی طلب زیادی از مردم داشت و مالیات زیادی هم به دیوان بدهکار بود. برای اینکه هم طلب خود را از مردم وصول کند و مالیات خود را به دیوان نپردازد، خود را متولد شهر شکارپور در هند و تبعه انگلیس معرفی می‌کرد. وزیرمختار انگلیس که در مکاتبه با لندن او را اهل افغانستان معرفی می‌کند و می‌گوید: «ادعای هندی بودن او حقیقت ندارد اما چون از راه اجحاف و غصب مال مردم ثروت زیادی اندوخته می‌خواهد تحت سفارت در امان باشد.»^۳ ولی همان سفیرمختار که این سخن را به لندن مخابره می‌کند در مکاتبه با

→ به بعد، محل سفارتخانه بریتانیا در تهران و قلعهک اغلب جایی برای بست‌نشینان بود که خود ترتیب غذا و خوراک مورد نیاز را می‌دادند.»، ص ۷۱-۷۰.

۱- راین، حقوق بگیران انگلیس، ص ۳۵۱.

۲- در زمان وقوع این ماجرا، قندهار جزو ایران بود به همین جهت حاج عبدالکریم تبعه ایران محسوب می‌شد.

۳- آدمیت، امیرکبیر و ایران، ص ۵۲۷.

دولت ایران مدافع سرسخت هندی و تبعه انگلیس بودن وی می‌شود و حتی گذرنامه انگلیسی به دست او می‌دهد و در مقابل اعتراض صدراعظم ایران که وی تبعه ایران است، می‌گوید: «به صراحت اظهار می‌دارد که حاجی عبدالکریم رعیت خالص دولت انگلیس است و با شبرت رعیتی دولت انگلیس را هم در دست دارد و از نوشتن و اسناد دادن این قبیل ایرادات به هیچ وجه منقصتی در رعیت و مطالبات او و اشخاصی که تذکره رعیتی دولت انگلیس را در دست دارند نمی‌رسد، و دولت انگلیس مطالبات حاج مشارالیه را از هر کسی که باشد به هر قسمی مطالبه خواهد کرد که مطالبات رعایای متولد شده در خود لندن را مطالبه می‌کند و در مطالبات مشارالیه اصلاً تفاوتی نخواهد کرد.»^۱

تعداد زیادی از موارد مشابه قضیه حاج عبدالکریم قندهاری را در منطقه تحت نفوذ روسها در شمال کشور می‌بینیم. این افراد هم جهت فرار از دیون و مالیاتهایی که به دیوان محلی بدهکار بودند به ایالات مسلمان‌نشین روسیه، مثل قفقاز می‌رفتند و خود را تبعه آن کشور می‌کردند و به ایران باز می‌گشتند. از جمله این اشخاص سیدابراهیم استرآبادی است. وی اصلاً اهل قزوین و ساکن استرآباد بود. در قفقاز توسط تجار آن منطقه تذکره جهت او صادر شده بود که وی اهل قفقاز است. وقتی داروغه استرآباد جهت مطالبه مالیات او می‌رود، جواب می‌دهد: «من تبعه روس هستم، دیناری نخواهم داد.»^۲ بار دیگر امیراعظم استرآباد دو نفر فراش را با یک نفر نایب به درب دکان سیدابراهیم می‌فرستد و به وی گفته می‌شود که ایالت شما را احضار کرده این شخص

۱- همان، ص ۵۳۸.

۲- وکیل الدوله، مخبریات استرآباد، جلد اول، ص ۱۷۱.

جواب می‌دهد: «من تبعه خارجه هستم، یک نفر از قنصلگری بیاید من خواهم آمد، والا بدون اجازه حق آمدن ندارم.»^۱

این موارد، نمونه‌ای از سوءاستفاده اشخاص بی‌شخصیتی است که جهت اهداف نامشروع خود حاضر به پذیرش تبعه بیگانه شدن بوده‌اند. بی‌اعتنایی نسبت به شخصیت و هویت ملی در نزد بعضی از این سودجویان به حدی رسیده بود که عده‌ای از آنها نامشان را با اضافه کردن پسوند «اوف» تغییر می‌دادند.^۲ و به این ترتیب با آرامش خاطر خود را از قید اطاعت از قوانین کشور و پرداخت مالیات و دیون خود به بیت‌المال، رها می‌کردند.

اقلیت‌ها و تحت‌الحمایگی سفارتخانه‌های بیگانه

از جمله گروه‌هایی که برای تامین جان و اموالشان خود را تحت‌الحمایه بیگانگان در می‌آوردند اقلیت‌های مذهبی در جامعه ایران بودند. اینان بعد از آن که تحت‌الحمایه سفارتخانه‌های بیگانه می‌شدند به صورت آلت دست در اختیار آنان قرار می‌گرفتند. این گروه‌ها بهتر در خدمت اهداف بیگانگان در می‌آمدند چون با توجه به اختلاف مذهبی که با مردم ایران داشتند کمتر مورد توجه دولت و جامعه ایران قرار می‌گرفتند و در بسیاری از موارد هم به علت مذهبی بودن جامعه ایران، بین آنان و مسلمانان درگیری‌های قومی در می‌گرفت. این افراد برای اینکه بتوانند خود را محفوظ بدارند به سفارتخانه‌های بیگانه به خصوص انگلیس پناه می‌بردند. دنیس رایت می‌نویسد:

«گاهگاه اقلیتهای مذهبی ایران - زرتشتی، یهودی، نسطوری، ارمنی، و بهایی - از سفارت یا کنسولگری بریتانیا تقاضای حمایت می‌کردند. گاه

۱- همان، ص ۱۷۱.

۲- سعید وزیری، کاپیتولاسیون، ص ۲۲.

نیز انگلیسیها که مدعی حمایت از وجدان جهانی بودند با وجود عواقب آن در امور اتباع ایرانی دخالت می‌کردند.^۱

روس و انگلیس با توجه به مزایای رژیم کاپیتولاسیون که در ایران از آن برخوردار بودند از وجود اقلیت‌ها حداکثر استفاده را می‌کردند و از بین اقلیتها از اقلیت مسیحی ارمنی که نسبت به دیگر اقلیتها زیاده‌تر بودند، بیشتر برای منافع خود استفاده می‌کردند.

روسها در سال ۱۸۹۶ م/ ۱۳۱۴ ه. ق تحت عنوان حفظ جان مسیحیان و خاموش کردن شورش علیه ارمنیان قصد داشتند که پنج هزار از افواج خود را وارد ایران کنند. آنها درخواست کردند که ولیعهد فرمانی صادر کند و اطمینان بدهد که جان و مال ارمنیان در امان خواهد بود. در صورتی که سبب شورش بر علیه ارمنیان اعمال خلاف یکی از اعضای ارمنی کنسولگری روس بود که به همسر سیدی تجاوز کرده بود و کنسولگری روس از تسلیم او برای مجازات خودداری کرده بود.^۲

این اقلیتها موجب شده بودند که در اثر گآپیتولاسیون، امورشان با سیاست خارجی مرتبط شود و آنها به صورت عمال کنسولگریها درآیند و با اعمالشان زمینه و نفوذ بیگانگان را در مسائل داخلی ایران به صورت گسترده‌تر فراهم کنند. در سالهای آخر قبل از الغای کاپیتولاسیون در ایران، بسیاری از یهودیان ایران خود را تحت‌الحمايه انگلستان قرار داده بودند و دولت ایران هم پذیرفته بود که اختلافات یهودیان با سایر اتباع ایران در وزارت امور خارجه و با حضور نماینده سفارت انگلستان، حامی آنها، حل و فصل شود.^۳

۱- رایت، نقش انگلیس در ایران، ص ۶۷.

۲- کاظم‌زاده، روس و انگلیس در ایران، ص ۲۸۷.

۳- ناصری: «بررسی کاپیتولاسیون»، ص ۲۳.

۴- نتایج قضایی تحمیل کاپیتولاسیون بر ایران

از تأثیرات منفی برقراری رژیم کاپیتولاسیون در ایران نادیده گرفتن استقلال قضایی ایران بود. دستگاه قضایی ایران به حدی استقلال خود را از دست داده بود که در حقیقت بازیه بیگانگان بود. عمال و اتباع خارجی آزادانه مرتکب جرم و جنایت می شدند و ترسی از ارتکاب این اعمال نداشتند. زیرا می دانستند که اگر در صورت ارتکاب جرم محاکمه شوند، با حضور کنسول کشورشان خواهد بود و پس از اثبات مجرمیت برای اجرای مجازات به کشور خود اعزام می شوند و در حقیقت مجازاتی در میان نخواهد بود. «گرچه شرایط قرارداد ترکمانچای که بر اثر آن کاپیتولاسیون بر ایران تحمیل شد از جنبه های مختلف اقتصادی و تجارتي و سیاسی زیانبخش بود ولی مضار امتیازات قضایی معاهده مزبور به مراتب بیشتر بود. زیرا دولت روسیه با تحمیل این مواد حتی استقلال ایران را به خطر انداخت.»^۱

به اعتراف ویلهلم لیتن کنسول آلمان در تبریز اساساً قدرتهای بیگانه برای حفظ منافع سیاسی و اقتصادی در آن دوره حاضر نبودند که حاکمیت قضایی ایران را برای اتباع خود حتی در صورتی که قوانین منظم هم به کار گرفته می شد، بپذیرند.^۲

کشورهای دارای حق کاپیتولاسیون در ایران در دعاوی مربوط به اتباع بیگانه و جرائم مربوط به آنها مطلقاً به مراجع ایرانی اجازه دخالت

۱- علی اکبر بینا، تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران، جلد اول، از گلناباد تا معاهده ترکمانچای، ۱۲۷۳-۱۲۴۳ ه. ق، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۴۸، ص ۳۶۱.

۲- لیتن، ایران از نفوذ مسالمت آمیز...، ص ۲۲۳.

نمی‌دادند و در دعاوی بین کشورهای مختلف نیز طبق ضوابطی از جمله طرح دعوی مدنی در کنسولگری دولت متبوع خوانده دعوا و در دعاوی کیفری اصولاً در دادگاههای مختلط کنسولی دو یا چند طرف، قضایا را حل می‌کردند و در این صورت مراجع و مقامات قضایی ایرانی باز هیچ نقشی نداشتند.

در دعاوی ما بین اتباع بیگانه با اتباع ایران اگر دعوا کیفری بود - همچنان که قبلاً اشاره شد - عنواناً در مراجع قضایی ایران به آن رسیدگی می‌شد و در حقیقت تحقیقی مقدماتی به عمل می‌آمد و مجرم با پرونده‌ای بی‌هیچ رسیدگی جدی و اجرای مجازات حتی از طرف کنسولگری یا سفارت دولت متبوعش، برای سیاست شدن و اجرای حکم و مجازات به کشور متبوع خود فرستاده می‌شد و در آنجا هم مشخص نبود که واقعاً وی را مجازات کنند.

«در وزارت خارجه سابقه‌ای وجود نداشت تا نشان دهد که چنین محکومینی که به خارج برده شده‌اند محکوم گودیده باشند.»^۱

اگر دعوا و اختلاف مدنی بود در محاکم ایران با حضور نماینده و مترجم کنسولگری و نماینده وزارت خارجه ایران (کارگزار) بدان رسیدگی می‌شد سعی بر این بوده که قوانین و آئین دادرسی هر دو کشور رعایت گردد ولی به علت ضعف و حقارت غالب کارگزاران و ماموران ایرانی در برابر بیگانگان و نبودن قانون منظم و مدونی از طرف مراجع ایرانی در اکثر موارد کنسولهای خارجی تصمیم‌نهایی را می‌گرفتند.^۲

از اختیارات قضایی کشورهای مذکور با استفاده از قضاوت کنسولی

۱- اسماعیل راین، پیرم‌خان سردار، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ دوم، ۱۳۵۵، ص ۲۸۴.

۲- ناصری، بررسی کاپیتولاسیون، ص ۱۶.

این بود که علاوه بر رسیدگی به امور اتباع خود می توانستند به امور اتباع کشورهای دیگر حتی اتباع بیگانه‌ای که در ایران دارای کنسولگری و کنسول نبودند پردازند. این خود نمونه بارزی از اقتدار کنسولگریها و دخالت در سیستم قضایی ایران است. نیکیتین کنسول روس در رشت می نویسد، در یک قضیه جنائی که مربوط به یک نفر فرانسوی بود آن شخص فرانسوی به جای آن که به کنسول کشور خود مراجعه کند از کنسول روس خواسته بود در قضیه دخالت کند و کنسول هم چنین کاری کرده بود.^۱

در حوادثی که پیش می آمد دولت ایران حق تعقیب و مجازات مجرمین را نداشت. چنان که در ۱۹۱۸ م / صفر ۱۳۲۹ ه. ق. عباس خان رئیس نظمیہ معزول اصفهان، معتمد خاقان حاکم اصفهان را مجروح کرد و پسرعمویش را کشت و بعد از این عمل در کنسولگری روس در اصفهان تحصن اختیار کرد. ولی روسیه به ادعای اینکه از اهالی قفقاز و تبعه روس است وی را روانه روسیه کرد بدون اینکه هیچگونه محاکمه‌ای در مورد او انجام گیرد.^۲

حادثه دیگر مشابه آن به فاصله پنج روز بعد در تهران اتفاق افتاد که طی آن وزیر مالیه ایران صنیع الدوله بدست دو تن گرجی از اتباع روس ترور شد. آنها در موقع تعقیب چهار پاسبان دیگر را هم مجروح کردند تا اینکه دستگیر و جهت محاکمه به اداره محاکمات وزارت امور خارجه فرستاده شدند. در آن جا محکوم به اعدام شدند ولی سفارت روس مداخله کرد و تحت این عنوان که تبعه روس هستند و به موجب مقررات کاپیتولاسیون می باید در روسیه مجازات شوند آنها را تحویل گرفتند و به

۱- نیکیتین، ایرانی که من شناختم، ص ۹۴.

۲- براون، نامه‌هایی از تبریز، ص ۵۲.

روسیه اعزام کردند. تنها کاری که وزیر امور خارجه ایران توانست انجام بدهد این بود که به همراه قاتلان یک نامه اعتراض آمیز به سفارت روسیه بفرستد.^۱

مخبر السلطنه در مورد تاثیر کاپیتولاسیون بر استقلال قضایی ایران می نویسد:

«کاپیتولاسیون دو ضرر اساسی داشت یکی آن که مخل استقلال دادخواهی بود و دیگر وسیله تمسک اهالی در معاملات به تبعه خارجه یا شرکت با اتباع خارجه، چنانچه در قضیه دریاچه ارومی و در توقیف املاک شعاع السلطنه به توسط شوستر دیدیم و ضررها کشیدیم.»^۲

آنها دخالت در امور قضایی را تا آنجا پیش برده بودند در اموری که نه به اتباع بیگانه و نه ایرانیان تحت الحمايه آنان مربوط می شد دخالت می کردند. فرید در خاطراتش می نویسد:

«قنصل انگلیس به اتفاق دکتر ویلیام به بازدید نایب الایاله آمدند میرزا علی اکبر خان منشی قنصل را هم همراه آورده بودند. بعد از رفتن قنصل، میرزا علی اکبر خان منشی قنصل از جانب قنصل برای نایب الایاله پیغام آورد که محبوسین لرستانی که در محبس رستم دیدم جایشان بد بود به آنها سخت می گذرد قدغن نمایند مکان آنها را تغییر بدهند و مواظب حالشان باشند که تلف نشوند. نفهمیدم مقصود قنصل بدون اطلاع نایب الایاله به محبس حکومتی رفتن چه بود و چرا رفته.»^۳

۱- ر.ک. براون، نامه هائی از تبریز، ص ۵۲، شوستر، اختناق ایران، ص ۵۹-۵۸، ابراهیم صفایی، رهبران مشروطه، دوره اول، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ دوم، ۱۳۶۲، ص ۳۷۹-۳۷۸.

۲- مهدیقلی هدایت، خاطرات و خطرات، تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۴۴، ص ۳۷۳.

۳- فریدالملک، خاطرات، ص ۲۳۷.

روسها به مدت یک قرن در اثر دارا بودن کاپیتولاسیون در ایران به طور کلی هیچ موازینی را رعایت نمی‌کردند. همچنان که قبلاً یادآور شدیم هم خودشان محاکمه و هم اجرای حکم می‌کردند. و حتی دخالت را تا آنجا کشانده بودند که محکومین دادگاههای ایران را اگر از وابستگان آنها بودند از زندان بیرون می‌آوردند. «در رجب ۱۳۲۹ ه. ق قنصل روس در تبریز با چند تن قزاق روس رفته و رشیدالملک را که به واسطه خیانت بزرگی، ادارات ایرانی حبس کرده بود، آزاد کرده و در زیر حمایت روس درآورد.»^۱

سفارت روس در جواب نامه رسمی دولت ایران راجع به عمل مذکور، رسماً مسئولیت احکامی را که جنرال کنسول تبریز انجام داده بود قبول کرد و آن احکام را برای جلوگیری از مجازاتی می‌دانست که رشیدالملک به آن تهدید شده بود.^۲

اعمال قضایی که کنسولهای روس در ایران انجام می‌دادند اگر ما بین دو دولت مساوی و مستقل واقع شده بود منجر به جنگ فوری می‌شد. کنسولهای روس پروایی از انجام اعمال خلاف قضایی نداشتند چون می‌دانستند که در مقابل این اعمال جوابگو نخواهند بود. مورگان شوستر می‌نویسد:

«دولت ایران در موقع وقوع هر اقدامی و مداخله، پروتست دیپلماتی خود را مستقیماً به وزیر مختار روس در تهران و به توسط سفرای خود به پترزبورگ و لندن اظهار می‌نمود ولی دولت روس ابدأً اعتنایی به پروتستهای مزبور نکرده، سهل است، در دفاتر دولتی هم آنها را ثبت و

۱- کشف تلبیس، ص ۵۵-۵۴.

۲- شوستر، اختناق ایران، ص ۱۶۴.

ضبط ننموده، و هیچیک از صاحب‌منصبان و ماموران خود را هم، برای ارتکاب به قبايح مزبور تنبيه و مجازات نکرد.^۱ در حوادثی که مسبب آنها بیگانگان بودند نظمیۀ جوا بگویی بیگانگان بود و آنکه مورد بازپرسی و استنطاق واقع می‌شد نظمیۀ بود. در حالی که روال عادی در جایی که استقلال قضایی وجود دارد، این است که نظمیۀ وظیفه بازجویی و تحقیق را داشته باشد. در جریان قتل رئیس بانک استقراضی روس در اصفهان به دست وابستگان کنسولگری آلمان، کنسول روس رئیس نظمیۀ شهر را همانند این که یکی از رعایای خودشان است، به میز بازپرسی کشاند و مورد استنطاق قرار داد. عبدالله بهرامی معاون تأمینات در آن روزگار در این مورد می‌نویسد:

«کنسول دولت روسیه در صدر مجلس روی یک صندلی بزرگ چرمی نشسته بود... پیرمردی را که سرداری مغزی‌دار و تکمه‌های شیروخورشید داشت و در پایین میز نشانیده و از او استنطاق می‌کردند... کنسول که خود وظیفه مستنطق را عهده‌دار شده بود با زبان فلرسی سلیس به منشی گفت از رئیس نظمیۀ پیرسید شما در شب حادثه کجا بوده‌اید؟ چرا بلافاصله تا قاتلین فرار کرده بودند آنها را دستگیر نساختید؟... آن پیرمرد معلوم شد که رئیس نظمیۀ محلی اصفهان و اهل خود شهر می‌باشد بیچاره با حالت ترس و لرز و با لهجه مخصوصی می‌گفت: جناب ژنرال کنسول به حضرت امیرالمومنین که تقصیر من نیست من در آن شب در خانه بودم...»^۲

این نمونه و موارد دیگر حکایت از میزان نفوذ بیگانگان در ایران می‌کند که به واسطه کاپیتولاسیون عملاً قوه قضائیه و عدلیه در مقابل آنها اراده‌ای نداشتند.

۱- همان، ص ۱۶۶.

۲- بهرامی، خاطرات، ص ۳۷۱-۳۷۰.

البته مدعی نیستیم که وضعیت قوه قضائیه و عدلیه در دوره قاجار کامل و بی نقص بوده است ولی باید پرسید رژیم کاپیتولاسیون که به جای آن برقرار شده بود چه وضعی داشته است؟ کنسولهای روسیه که مسئولیت قضاوت کنسولی را در ایران داشتند اکثراً ماموران درجه سوم کنسولگری روسیه و از تجار و مستخدمینی بودند که هیچگونه تعلیم و تربیت خاص قضایی نداشتند و در محاکماتشان معمولاً رشوه و عوامل دیگر بیشتر از عدلیه ایران کار ساز بود.^۱

بیگانگان خودشان راساً، بدون اینکه به دیوان محاکمات و کارگزاریها که جهت رسیدگی به مسائل اختلافی بین اتباع بیگانه و ایرانیان، تشکیل شده بود مراجعه کنند به امور قضایی رسیدگی می کردند.

در بسیاری موارد روسها در منطقه نفوذ خودشان در شمال کشور، و انگلیسیها در جنوب بدون مراجعه به کارگزاریها به اختلافات و مسائل قضایی بین اتباع ایران و خودشان رسیدگی می کردند و حکم دلخواه خود را اجرا می کردند. این احکام معمولاً در حد اعلای بی رحمی بود. حسین قلی مقصدلو وکیل الدوله گزارش می دهد:

«قنسل روس از باب قتل دو نفر قزاق روس دوازده هزار و سیصد تومان از اهالی گموش تپه گرفته اند در صورتی که ترکمانان قاتل در حبس روسها می باشند.»^۲

در گزارش دیگر می نویسد، اهالی کرد محله به دست یک نفر ترکمن تبعه روس در ملاکیله تیراندازی کرده اند. در سال گذشته، روسها بابت دیه دست او به صد و پنجاه تومان راضی بودند ولی فعلاً سخت گرفته و

۱- ر. ک. افشار، «کاپیتولاسیون»، ص ۲۱۷-۲۱۶.

۲- وکیل الدوله، *مخایرات استرآباد*، جلد اول، ص ۲۳۶.

ششصد و پنجاه تومان از بابت دیه دست ترکمن از آنها گرفتند.^۱ نمونه دیگری از اجرای عدالت توسط روسها، گزارش وی در مورد دیه یک نفر ارمنی تبعه روس است که می‌گوید:

«روسها ده هزار منات خونی تبعه خود را از اهالی مازندران با حضور رکن‌الوزراء، کارگزار به طور سخت گرفته وجه را به استرآباد آورده‌اند.» در حالی که دهها تبعه ایران از ترکمن و غیره به دست اتباع آنها در همین منطقه کشته می‌شد یا اموالشان مورد غارت واقع می‌گردید و یا به نوامیس آنها تجاوز می‌شد.^۲ ولی در مقابل این جنایات حتی دیناری دیه پرداخت نمی‌کردند و یا کسی را مورد توبیخ و سرزنش قرار نمی‌دادند.

دخالت تماشایی‌تر در امور قضایی ایران توسط بیگانگان قاضی شدن و حکم دادن آنها در اختلافات بین اتباع ایران بود. در مخابرات استرآباد آمده است:

«خبر رسید کموسر روس ریش سفیدان طائفه قجق و قاق یخمر را با پیرمردان فندرسک و رامیان احضار نمود. بین ایشان را اصلاح نموده، قرارداد بعد از این اموال یکدیگر را به غارت یا به سرقت نمایند و (اگر) از این قرار تخطی نمایند، دو هزار تومان جرم بدهند تا چه شود.»^۳

۵- نتایج اقتصادی تحمیل کاپیتولاسیون بر ایران

از اهداف مهم برقراری رژیم کاپیتولاسیون در ایران توسط بیگانگان مسائل اقتصادی و در راس آنها تجارت بوده است. به همین جهت

۱- همان، ص ۲۱۳.

۲- همان، ص ۳۷۱.

۳- همان، ص ۲۳۷.

می‌بینیم که امتیازات مربوط به قضاوت کنسولی در ضمن معاهدات تجاری آمده است.^۱

در دوره قاجاریه یک قانون تجاری مکتوب و متحدالشکل تکامل یافته وجود نداشت و دستگاه قضایی که دعاوی تجار خارجی را تعقیب و حل و فصل کند، نبود و چون بیگانگان وجود قوانین متداول در ایران را که براساس شرع و عرف بود، سد راه منافع تجاری خود می‌دیدند، به همین جهت خواستار انعقاد معاهداتی بودند که بتوانند توسط آنها موانع رشد تجارت خود را در ایران بردارند. آنها با قراردادهای تجاری که با ایران منعقد کردند، توانستند امتیازاتی بدست آورند که از مهمترین آنها همان طور که گفته شد کاپیتولاسیون به نفع اتباع خود بوده است. با به دست آوردن این امتیازات، در حقیقت زمینه رشد تجاری آنها در ایران شکوفا و برعکس عوامل انحطاط تجارت ایران و وابستگی تجار داخلی به بیگانگان فراهم شد. در اثر وجود قراردادهای کاپیتولاسیون، کشورهای خارجی مسائل اقتصادی را طبق منافع خود هدایت می‌کردند و هر چه می‌خواستند به کشور وارد یا خارج می‌کردند و در این راه در جلوی خود مانعی نمی‌دیدند. از تاثیرات منفی قراردادهای کاپیتولاسیون در ایران شکست تجارت خارجی ایران بود. طبق قراردادهای منعقد شده بین ایران و کشورهای غربی در باب موضوع نرخ گمرکی مال‌التجاره‌ها، مسئله کامله‌الوداد مطرح شده بود و کامله‌الودادترین قراردادهای، در تاریخ دیپلماسی ایران در قرن نوزدهم، قرارداد ترکمانچای بود. طبق این قرارداد از تمام کالاهای طرفین در هنگام صادرات و واردات پنج درصد حق گمرکی به نسبت قیمت آن دریافت می‌شد. موضوع نرخ گمرکی بین ایران

۱- ر.ک.، به فصل معاهدات همین کتاب.

و روسیه، طرفینی بود و هر کدام پنج درصد و فقط یک بار دریافت می‌کردند ولی بین ایران و کشورهای دیگر طرفینی نبود. ایران طبق اصل کامله‌الوداد بر اساس قرارداد ترکمانچای پنج درصد از آنها دریافت می‌کرد ولی تجار ایرانی در کشورهای خارجی می‌باید نرخ گمرکی متعلق به بازرگانان دول کامله‌الوداد در آن کشورها را پردازند که معمولاً خیلی بیشتر از پنج درصد بود.

بیگانگان که طبق معاهدات منعقد شده می‌بایست پنج درصد تعرفه گمرکی پردازند، از راههای گوناگون حتی از پرداخت این مقدار ناچیز نیز شانه خالی می‌کردند و آن را به سه درصد یا حتی کمتر می‌رساندند و در مواردی بدون پرداخت کمترین مبلغی اجناس خود را به طور قاچاق وارد مملکت می‌کردند.^۱

تا سال ۱۹۰۲ م / ۱۳۲۰ ه. ق تعرفه گمرکی بین ایران و روسیه بر مبنای قرارداد ترکمانچای پنج درصد بود. ولی در این سال قرارنامه گمرکی^۲ جدیدی بین ایران و روسیه مبادله گردید که حقوق گمرکی متفاوتی برای اجناس مختلف در نظر گرفته شده بود.^۳ این تغییر تعرفه در حقوق گمرکی به سود روسها در نظر گرفته شده بود. نتیجه این نظام چنین شد که تجار ایرانی که در معرض راهداری و سایر مالیاتهای تحمیلی بودند که اروپاییان را از آنها بهره‌ای نبود، به فلاکت ییفتند^۴ و در اثر بحرانیهای

۱- رحیم‌لو، «کاپیتولاسیون در تاریخ ایران»، ص ۲۳۸.

۲- مازندرانی، عهدنامه‌های تاریخی، ص ۱۵۰-۱۴۸.

۳- جهت مطالعه جدول حقوق گمرکی کالاهای مختلف ر. ک. سیدمحمدعلی جمال‌زاده، گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران، برلین، انتشارات کاوه، ۱۳۳۵ ق، ص ۴۰.

۴- برای تاثیرات اقتصادی قراردادهای کاپیتولاسیون ر. ک. چارلز عیسوی (ویراستار)،

تجاری قدرت فروش کالاهای خریداری شده از شرکتهای اروپایی را نداشته باشند و در نتیجه شرکتهای خارجی اعتبار بازرگانی ایران را قطع کردند و خود راساً در تبریز و بعضی از شهرهای دیگر ایران دست به تاسیس تجارتخانه و شعب تجاری زدند. و بالاخره موجب شد تجار ایرانی عرصه رقابت را در برابر تجار خارجی که به علت برخورداری از حقوق کاپیتولاسیون و یک سلسله امتیازات و مزایای دیگر سیاسی و تجاری در ایران رقبای نیرومندی بودند، خالی کنند.^۱

از جنبه مالی، کاپیتولاسیون باری اضافی بر دوش ایران گذاشته بود. چون حکومت ایران ناگزیر بود خارج از حوزه وزارت عدلیه، دادگاه مخصوصی در وزارت امور خارجه به نام «دیوان محاکمات» و در شهرستانها به نام «کارگزاریها» برای رسیدگی به دعاوی ایرانیان و اتباع بیگانه داشته باشد. بودجه این دادگاهها با توجه به حضور فراوان بیگانگان در شهرهای مختلف ایران زیاد بود.^۲

سوءاستفاده از مسائل اقتصادی جهت اهداف سیاسی

بیگانگان همچنانکه از مسائل سیاسی برای پیشبرد اهداف اقتصادی و تجاری خودشان استفاده می‌کردند، در مواردی از مسائل اقتصادی و تجاری برای اهداف سیاسی استفاده می‌کردند. روسها و انگلیسیها و بعضی دیگر از دول اروپایی از تجارت جهت گسترش نفوذ خود در ایران

→ تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار، ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ه.ق)، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، چاپ اول، ۱۳۶۲، ص ۱۱۷-۱۰۷.

۱- ر.ک. محمدعلی مهמיד، پژوهشی در تاریخ دیپلماسی ایران (قبل از هخامنشیان تا پایان قاجاریه)، تهران، نشر میترا، چاپ اول، ۱۳۶۱، ص ۱۶۹.

۲- افشار، سیاست اروپا در ایران، ص ۸۱، و همان نویسنده، «کاپیتولاسیون» مجله آینده، ص ۲۱۷.

استفاده می‌کردند. از جمله این دولتها آلمانها بودند. برای اولین بار، آلمانها، از مسائل تجاری و اقتصادی برای تقویت سیاسی خود در ایران استفاده کردند. آنها با توجه به برخورداری از حقوق کاپیتولاسیون، اولین مرحله نفوذ خود را با ایجاد شرکتی در بندر لنگه و اعزام بیست کنسول در سال ۱۸۹۷ م / ۱۳۱۵ ه. ق آغاز کردند. آنها ابتدائاً اهداف سیاسی خویش را در این کارها پنهان می‌کردند و با احتیاط گام برمی‌داشتند ولی بعداً چنان نفوذ سیاسی و معنوی در ایران دست و پا کردند که در ایام جنگ اول و جنگ دوم جهانی تلاش کردند ایران را در جبهه خودشان قرار دهند.^۱ با استفاده از امتیازات کاپیتولاسیون و مصونیت‌های اعطایی به افراد بیگانه، این کشورها از تجار به عنوان جاسوس استفاده می‌کردند و در مناطقی که تعداد تجار زیاد بود، صدها نماینده و جاسوس در بین آنها بود.^۲ وقتی گرفتار می‌شدند سفارتخانه‌های خارجی با گوشزد به مصونیت آنها تحت رژیم کاپیتولاسیون، آنها را آزاد و این افراد هم دوباره به اعمال سابق خود ادامه می‌دادند. یکی از اینگونه افراد شخصی بتام رحیم خان بود. این فرد اولین عامل و جاسوس روسها در سیستان بود که در طول مرزهای افغانستان آمد و شد می‌کرد. وی به وسیله حاکم محل به جرم اعمال نامشروع دستگیر و شلاق زده شد و اموالش هم مصادره گردید. روسها مستقیماً دخالت کردند و حاکم را مجبور به آزادی وی و استرداد اموالش کردند و او همانجا ماندگار شد و علناً به فعالیت برای اهداف روسها پرداخت^۳

۱- آنت دستره، مستخدمین بلژیکی در خدمت دولت ایران، (۱۹۱۵-۱۸۹۸ م) برابر (۱۳۳۳-۱۳۱۴ ق)، ترجمه منصوره اتحادیه، نظام‌مافی، تهران، نشر تاریخ ایران، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۲۰-۱۹.

۲- همان، ص ۱۹.

۳- کاظم‌زاده، روس و انگلیس در ایران، ص ۳۸۸.

۶- نتایج فرهنگی و اخلاقی تحمیل رژیم کاپیتولاسیون در ایران

کشورهای دارای حق کاپیتولاسیون در ایران با توجه به امتیازات به دست آورده سعی می‌کردند از آنها در تمام ابعاد استفاده کنند. آنها میراث فرهنگی و اشیاء نفیس تاریخ ایران را که سرمایه فرهنگی و نمودار تمدن یک ملت است با مصونیت ناشی از کاپیتولاسیون به یغما می‌بردند. عبدالله بهرامی در خاطراتش می‌نویسد:

«در آن زمان اغلب دلالها و اشخاصی که معاملات کتب و اشیاء عتیقه می‌کردند، خودشان را به یک سفارتخانه وابسته نموده و در تحت حمایت یکی از اعضای بانفوذ آن، خویش را از دست ماموران ایرانی نجات می‌دادند... بیشتر مترجمان و قنسولها در این رشته مهارتی پیدا کرده و غنائم گرانبهایی به دست می‌آوردند.»^۱

وی در جای دیگر می‌نویسد:

«خوب به خاطر دارم عده‌ای کلیمی بدون اجازه در یک قسمتی از دهات ورامین شروع به حفاری نموده و ظروف قدیمی قبل از دوره اسلامی را پیدا کرده بودند. پس از اینکه مقداری از این اشیاء از زیر خاک بیرون آورده، توسط سفارتخانه‌ها به خارج فرستاده بودند.»^۲

ایضاً می‌نویسد:

«کلیمی‌ها که بدون اجازه مرتکب حفاریات شده بودند خود را در تحت حمایت مستر چرچیل منشی و مترجم شرقی سفارت انگلیس قرارداد کرده بودند و ظاهراً قسمت عمده از کشفیات خود را قبلاً به خارج حمل کرده بودند.»^۳

۱- بهرامی، خاطرات...، ص ۲۸۹.

۲- همان، ص ۲۸۹.

۳- همان، ص ۳۰۰-۲۸۹.

در سرقتی که از کتابخانه سلطنتی انجام شده و مقداری از کتب نفیس به سرقت رفته بود بعد از تحقیق مشخص شد که افراد وابسته به سفارتخانه‌های بیگانه در این عمل دست داشته‌اند.^۱

از لحاظ روحی و اخلاقی هم وجود رژیم کاپیتولاسیون تاثیرات نامطلوبی در روحیات بعضی مردم داشت روحیه خیانت و وابستگی به بیگانگان را در این دسته از مردم به وجود آورده بود. چون سعی اینگونه افراد این بود که از مزایایی که بیگانگان در کشور ایران برخوردار هستند استفاده کنند و این کار معمولاً بدون ننگ و وابستگی و زیر بیرق بیگانه امکان‌پذیر نبود. در اسناد کتاب آبی آمده است:

«بیرق‌های سرخ تقریباً در بالای هر خانه‌ای متصاعد بود و منازلی که این علامت را، حریت خود قرار نمی‌داد، بیرق روس و عثمانی را مرئی داشت که دال بر محروسیت سکنه آنها در تحت حفاظت دول مشارالیها می‌بود. من نیز دو بیرق انگلیس را هم رویت نمودم.»^۲

سعی اغلب صاحب منصبان و اعیان و رجال آن بود که خود را به سفارتخانه‌ها و کنسولگریهای بیگانه نزدیک کنند. آنان فرزندان خود را برای درس خواندن به مدارس وابسته به سفارتخانه‌ها می‌فرستادند تا بتوانند در موقع لزوم خود را در کنف حمایت آنان قرار دهند. بهرامی در خاطراتش می‌نویسد:

«اغلب صاحب منصبان قزاقخانه و بعضی از اعیان که خود را می‌خواستند به سفارت و کنسولگری نزدیک سازند بچه‌های خود را به مدرسه روسی می‌فرستادند. در آنوقت اشخاص متنفذ از هر طریقی سعی داشتند که به وسیله‌ای خود را با روسها مربوط نمایند. اغلب، دهات

۱- همان، ص ۳۰۴-۲۹۴.

۲- کتاب آبی، جلد اول، ص ۴۶.

خود را به اتباع آنها اجاره می‌دادند و با تاجر باشی قنسولگری که معمولاً یک نفر قفقازی بی‌وطن و شریر بود طرح دوستی می‌ریختند.^۱ مدرسه یک بهانه تازه‌ای بود که این طبقه اشخاص از آن استقبال و استفاده می‌کردند.

اینگونه افراد، سود خود را در وابستگی به نیروی غالب می‌دیدند. توجه می‌کردند که نیروی مسلط در صحنه سیاسی ایران کدامیک از دول هستند تا خود را به همان طرف وابسته کنند. اگر روزی انگلیس یا آلمانها بودند به طرف آنها و اگر روزی دیگر روسها باشند آن روز از انگلیس و آلمان روی برمی‌تافتند و بیسوی روسها می‌شتافتند. بهرامی می‌نویسد:

«در ایامی که دولت روسیه عهدنامه ۱۹۰۷ را که با انگلیسیها بسته بودند در مورد ایران کاملاً به مورد اجراء گذارد و تقریباً تمام منطقه خصوصی خود را تصرف نظامی کرده بود قسمتی از اهالی مخصوصاً طبقه اعیان و اشراف منفعت خود را در تحت حمایت قرار دادن خویش، تشخیص می‌دادند و حتی آنهایی که اطفال خود را به مدرسه آلمانی سپرده بودند پس از افتتاح مدرسه روسها آنها را به آنجا می‌سپردند. بعضی‌ها تعادل سیاسی خود را حفظ نموده، نصف اطفال را به مدرسه روسی و دو یا سه نفر را برای حفظ ظاهر در مدرسه آلمانی باقی می‌گذارند.»^۲

دولتهای بیگانه به وسیله امتیازات رژیم کاپیتولاسیون علاوه بر نفوذ سیاسی و اقتصادی، در مسائل فرهنگی ایران هم قصد نفوذ داشتند که نمونه آن تاسیس مدارس بود. آنها برای جلب توجه و جذب ایرانیان کارشان به رقابت هم کشیده شده بود. نکته مهمتر اینکه از مسائل

۱- بهرامی، خاطرات، ص ۱۳۱-۱۳۰.

۲- همان، ص ۱۳۱.

فرهنگی در جهت اهداف سیاسی‌شان از جمله جاسوسی استفاده می‌کردند. مثلاً روسها روسای مدارس را از مسلمانهای شهرهای روس انتخاب می‌کردند. این مدیران مدتها در مدرسه‌های جاسوسی دولت روسیه خدمت کرده بودند و مورد اعتماد ماموران عالی روسیه گردیده بودند.^۱

از بین کشورهای غربی، آلمان و فرانسه بیشتر سعی می‌کردند از مسائل فرهنگی و علمی جهت نفوذ سیاسی خود در ایران استفاده کنند. این دو کشور به علت قدرت روس و انگلیس در ایران و دست‌گذاوردن آنها بر منابع اقتصادی و نفوذشان در قدرت حاکمه، نتوانسته بودند جای پای در مراکز سیاسی و اقتصادی ایران به دست آورند. به همین جهت سعی می‌کردند از طریق مسائل علمی و فرهنگی این کار را عملی کنند. آلمان از طریق اعزام طبیب و استاد توانسته بود جای پای در ایران باز کند، در سال ۱۹۰۷ م/ ۱۳۲۵ ه.ق به همین هدف یک مدرسه آلمانی در تهران افتتاح کرد. قبل از این در شهرهای خوی و آرومیه مدارس توسط آلمانها دایر شده بود که سبب رقابت بین آنها و روسها شده بود که اشاره گردید.^۲

سخن آخر: احیای کاپیتولاسیون در ۱۳۴۳ شمسی

از مجموع آنچه گفتیم به این نتیجه می‌رسیم که برای پیدا کردن ریشه کاپیتولاسیون در ایران لازم است به زمان مغول برگردیم. در آن دوران که مغولان قصد براندازی سلسله ممالیک مسلمان را در سوریه و مصر

۱- همان، ص ۱۳۱.

۲- دستره، مستخدمین بلژیکی، ص ۱۵۷.

داشتند مسیحیان اروپایی که قصد متوقف کردن مغولان در اروپا و تضعیف مسلمانان به وسیله آنها را داشتند، با مغولان رابطه برقرار کردند و بدنبال آن کلیسای رم هیئتهای به دربار مغولان در ایران فرستاد. مغولان برای اولین مرتبه جهت جلب توجه مسیحیان اروپایی امتیازاتی به آنها دادند که بعدها این امتیازات در زمان اولجایتو و سلطان ابوسعید گسترش یافت و در این زمان نوعی کاپیتولاسیون به بیگانگان اعطا شد. دامنه این امتیازات در زمان صفویه گسترش یافت و پادشاهان صفویه به جهات سیاسی و تجاری حق کاپیتولاسیون و قضاوت کنسولی به بیگانگان دادند. از بین پادشاهان صفویه بوای اولین بار، شاه عباس این امتیازات را به انگلیسیها داد و بعداً جانشینان او این کار را تکرار کردند. اما مسئله‌ای که قابل توجه است این است که اعطاکنندگان این امتیازات از عواقب نامطلوب و نتایج زیانبار آن اطلاعی نداشتند و شاید اعطای این امتیازات را در راستای منافع ملی و تجاری خود می‌دانستند.

عامل اصلی تحمیل کاپیتولاسیون بر ایران، قرارداد ترکمانچای بود و چون در این قرارداد ایران مغلوب بود و چاره‌ای جز پذیرفتن خواسته‌های روسیه نداشت به همین جهت روسها خواسته‌های خود از جمله کاپیتولاسیون را بر ایران تحمیل کردند و متأسفانه بعداً رجال دوره قاجار بدون در نظر گرفتن نتایج آن به هر کشوری که تقاضای چنین حقوقی را می‌کرد، صریحاً یا طبق اصل کامله‌الوداد این حق را دادند. حتی به کشورهای این حقوق را دادند که بعضی خودشان تشکیلات قضایی منظمی در کشورشان نداشتند. کشورهای استعماری استفاده‌کننده از این حقوق، به هیچوجه حاضر به اعطا چنین امتیازاتی به طرف ایرانی نبودند. حتی در مواردی که طرفین دعوا هم ایرانی بودند، اجازه نمی‌دادند که کنسول ایران دخالت کند.

کاپیتولاسیون برخلاف خواست ایران بر او تحمیل شد و این اساساً ره‌آورد کشورهای استعماری است که تحت پوشش آن می‌خواستند در تمام شئون مختلف کشور، اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دخالت کنند. با مطالعه در وضعیت کشورهای که اروپاییان کاپیتولاسیون را بر آنها تحمیل کردند به این نتیجه می‌رسیم که برخلاف ادعای آنها، کاپیتولاسیون نه تنها تاثیر منفی داشته بلکه سم مهلکی برای چنین کشورهایی بوده است. نمونه این کشورها چین بود که تحت رژیم کاپیتولاسیون نه تنها استقلال قضایی آن زیر سؤال رفت بلکه خارجیان عملاً در کلیه امور آن کشور دخالت کردند.

مهمترین دلیلی که کشورهای غربی برای تحمیل و ادامه کاپیتولاسیون در ایران ذکر می‌کردند، عدم وجود تشکیلات منظم قضایی مطابق با غرب بود. ولی این ظاهر قضیه بود. آنها تا موقعی که وجود کاپیتولاسیون در ایران را در جهت منافع خودشان لازم می‌دانستند، با الغای آن مخالفت می‌کردند. «حتی اگر... حقوق منظم به کار گرفته می‌شد.»^۱ آنها با درخواست ایران برای الغای کاپیتولاسیون شدیداً مخالفت می‌کردند با وجود این که ایران به کمک مستشاران خارجی مشغول اصلاح امور قضایی و سازمان دادن به تشکیلات عدلیه خود، بود و فرانسه و دیگر کشورهای غربی را در این اصلاحات سرمشق قرار داده بود.

قراردادهای کاپیتولاسیونی در ایران موجب شد که به تدریج مردم ایران، خود را در مقابل غریبها بیازند و احساس حقارت کنند و تصور کنند که فرنگیها، تافته جدا بافته و از نژادی و صاحب اندیشه‌ای والاتر از مردم ایران هستند. بر اثر این نوع برخوردهای دولتهای ایران با بیگانگان و منعقد کردن این معاهدات ذلت‌آمیز بود که روحیه ایرانیان در مقابل غریبها

متزلزل شد و وقتی تفوق روس و انگلیس و... بر مردم ایران آشکار شد، ایرانی در مقابل مردم اروپا خود را به کلی ناتوان و ضعیف دید. چنین بود که فرنگی را «صاحب» نامید^۱ و در او به چشم اعجاب و تحسین بلکه تعظیم و تکریم نگریست و از او بتی با قدرت شکست‌ناپذیر ساخت و خود در مقابل بتی که ساخته بود به زانو درآمد و خودش را فراموش کرد و دست‌بسته به خواسته‌های آنان در طی قراردادهای شومی چون ترکمانچای و پاریس گردن نهاد. بر اثر همین حالت در دوران اخیر در دهه چهل همان مواد مندرج در قرارداد ترکمانچای و دیگر قراردادها به آمریکاییان داده می‌شود و آنها نیز از حقوق کاپیتولاسیون برخوردار می‌شوند. در آن دوران که آمریکاییها به جای انگلیسیها قدرت ذی‌نفوذ در صحنه سیاسی ایران بودند از ایران تقاضای حقوق ویژه کاپیتولاسیون برای اتباع عادی و مستشاران خود در ایران را می‌کنند و مجلس شورای ملی و سنا هم آنرا تصویب می‌کنند.^۲ تقریباً همان امتیازاتی را که دول اروپایی از ایران در قرن نوزدهم گرفتند مجلسین در سال ۱۳۴۳ شمسی تحت عنوان الحاق مستشاران نظامی و کارمندان امریکایی به مصونیت‌های کنوانسیون وین به آمریکاییان می‌دهند، به موجب این قانون دادگاههای ایران حق نداشتند که به جرائم و تخلفات مستشاران و نظامیان آمریکایی در ایران رسیدگی کنند بلکه لازم بود که در دادگاههای کشور آمریکا به جرائم آنها رسیدگی شود.^۳

۱- نوائی، اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از ۱۰۳۱-۱۱۰۵ ه.ق، ص ۱۷ مقدمه.

۲- سید حمید روحانی، بررسی تحلیلی از نهضت امام خمینی در ایران، قم، انتشارات دارالفکر و دارالعلم، چاپ چهارم، ۱۳۵۸، ص ۷۰۷-۷۰۶.

۳- محمد حسن رجیبی، زندگینامه سیاسی امام خمینی از آغاز تا هجرت به پاریس، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۲۴۴.

اگر توجه کنیم این عیناً همان چیزی است که در سال ۱۸۲۷ م/ ۱۲۴۳ ه. ق یعنی ۱۳۷ سال قبل از آن بر ایران تحمیل شد. در ماده هفتم قرارداد تجاری ترکمانچای آمده است: «و همه ادعاها و امور متنازع فیها که ما بین تبعه روسیه باشد، بالانحصار به ملاحظه و قطع و فصل وکیل یا کنسولهای اعلیحضرت امپراطوری بر طبق قوانین و عادت دولت روسیه حل و فصل می شود.»^۱

اعمالی که آمریکاییان تحت پوشش مصونیت کاپیتولاسیون انجام می دادند همانهایی بود که روسها در شهرهای شمال انجام می دادند. یک دیپلمات آمریکایی در مورد اعمال آمریکاییها در ایران می گوید:

«آنها با موتورسیکلت وارد مسجدشاه می شوند و چنان که می دانید این مسجد یکی از مراکز مقدس مسلمانان شهر است... شبی، یکی از خلبانان آمریکایی در قرارگاه هوایی، چانه یک دختر آلمانی را که تازه با او ازدواج کرده بود به ضرب مشت شکست و همان شب او را خفه کرد.»^۲ در حالی که بعد از الغاء کاپیتولاسیون تا آن موقع هیچ رفتار نامطلوبی نسبت به کارشناسان خارجی پیش نیامده بود که دلیل سوءرفتار سکنه مملکت ایران با خارجیان باشد. با وجود این آمریکاییان تقاضای چنین امتیازات خفت باری را از ایران داشتند آن هم برای افرادی که به اعتراف یک روزنامه نگار آمریکایی، خودشان سابقه بزه کاری و فساد دارند. این روزنامه نگار در روزنامه واشنگتن پست در مورد این افراد می نویسد:

«یکی از اعضای اداره کارگزینی شرکت «بل» کسانی را که شرکت وی به ایران آورده است چنین توصیف کرد: اینهایی که شما در اینجا می بینید

۱- اعتمادالسلطنه، منتظم ناصری، جلد سوم، ص ۱۵۹۰.

۲- احمد فاروقی و لوروریه ژان، ایران بر ضد شاه، ترجمه مهدی نراقی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸، ص ۱۳۶.

نظامیان و شاغلین سابق ارتش آمریکا هستند و افرادی هستند که سایگون را دوست دارند، از سربازان قدیمی هستند که نمی‌دانند چگونه روزی خود را تامین کنند. ولی از وقتی به اینجا آمده‌اند حقوق‌های خوبی به آنها پرداخت می‌شود. یکی از دوستان او اضافه کرد: من نمی‌دانم چرا ما این قدر کارمندان خود را از زندانهای تگزاس و تنسی انتخاب و استخدام کرده‌ایم؟ اینها یک مشت آدم سنگدل و بیرحم هستند که از افراد دائم‌الخمر و ناراحت تشکیل شده‌اند و اغلب سابقه بازداشت دارند زیرا زدوخورد و دعوا کرده‌اند و در ملاءعام دزدی و شرارت نموده‌اند.»^۱

~

۱- گزارش ریچارد. ت. سیل در واشنگتن پست، ۱۲ مه ۱۹۷۸ م، تحت عنوان «آمریکاییان شاه» به نقل از فاروقی، ایران بر ضد شاه، ص ۱۳۶.

فهرست منابع و مآخذ

- آدمیت، فریدون، *امیرکبیر و ایران*، تهران، خوارزمی، چاپ ششم، ۱۳۶۱ شمسی.
- آوری، پیترو، *تاریخ معاصر ایران از تاسیس سلسله پهلوی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲* شمسی، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، موسسه مطبوعاتی عطائی، چاپ اول، بی تاریخ.
- ابن الفراء، منجد، صلاح‌الدین (مصحح و مولف)، *رسل الملوك*، سفیران، سفارت در اسلام و در غرب، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۳ شمسی.
- اتحادیه (نظام مافی)، *منصوره، گوشه‌هایی از روابط خارجی ایران (۱۲۸۰-۱۲۰۰ ه.ق.)*، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۵۵ شمسی.
- ادیب‌الملک، عبدالعلی، *دافع الغرور*، به کوشش ایرج افشار، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۹ شمسی.
- اشپولر، برتولد، *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۵ شمسی.
- اصفهانیان، داود، *تاریخ سیاسی (۱۹۴۰-۱۷۸۹)*، اصفهان، مشعل، ۱۳۵۱ شمسی.
- اعتمادالسلطنه (صنیع‌الدوله)، محمدحسن، *تاریخ منتظم ناصری*، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۷ شمسی، جلد ۳.
- اعتمادالسلطنه (صنیع‌الدوله)، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، با مقدمه و فهرس ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۵۵ شمسی.

افشار یزدی، محمود، *سیاست اروپا در ایران*، ترجمه سیدضیاء دهشیری، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۵۸ شمسی.

افشار یزدی، محمود، «مسئله کاپیتولاسیون» *مجله آینده*، تهران، دوره اول، شماره ۱۵، (تیرماه ۱۳۰۶ ه.ش).

اقبال آشتیانی، عباس، *کلیات تاریخ تمدن جدید شامل تاریخ تمدن جدید در اروپا و ایران*، تهران، کتابخانه علی اکبر علمی، چاپ چهارم، ۱۳۳۱ شمسی.

اقبال آشتیانی، عباس، *تاریخ مغول*، تهران، امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۶۵ شمسی.

اقبال آشتیانی، عباس، *تاریخ مفصل ایران از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه با حواشی و تجدیدنظر و فهراس به کوشش محمد دبیر سیاقی*، تهران، کتابخانه خیام، بی تاریخ.

اقبال آشتیانی، عباس، *میرزاتقی خان امیرکبیر*، به اهتمام ایرج افشار، تهران، توس، ۱۳۶۳ شمسی.

امین الدوله، فرخ خان، *مجموعه اسناد و مدارک فرخ خان امین الدوله*، به کوشش کریم اصفهانیان - قدرت... روشن زعفرانلو، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۵ شمسی، قسمت دوم.

امین الدوله، میرزا علی خان، *خاطرات سیاسی میرزا علی خان امین الدوله*، به کوشش حافظ فرمانفرمایان، تهران، کتابهای ایران، ۱۳۴۱ شمسی.

انصاری، عبدالحسین مسعود، *زندگانی من و نگاهی به تاریخ معاصر ایران و جهان*، تهران، کتابخانه ابن سینا، ۱۳۵۳ شمسی، جلد ۱.

اوین، اوژن، *سفرنامه و بررسیهای سفیر فرانسه در ایران، ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶*، ترجمه و حواشی و توضیحات از علی اصغر سعیدی، تهران، زوار، چاپ اول، ۱۳۶۲ شمسی.

براون، ادوارد، *نامه‌هایی از تبریز*، ترجمه حسن جوادی، تهران، خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۶۱ شمسی.

براون، ادوارد، *انقلاب ایران*، ترجمه احمد پژوه، تهران، کانون معرفت، ۱۳۳۸ شمسی. بلوشر، ویرت، *سفرنامه بلوشر*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۶۳.

بنجامین، س. ح. و، *ایران و ایرانیان (عصر ناصرالدین شاه)*، ترجمه حسین کردبچه، تهران، جاویدان، چاپ اول، ۱۳۶۳ شمسی.

- بویل، جی. آ (گردآورنده)، تاریخ ایران کمبریج از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلیخانان، ترجمه حسن انوشه، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۶، شمسی، جلد ۵.
- بهرامی، عبدالله، خاطرات عبدالله بهرامی از آخر سلطنت ناصرالدین شاه تا اوایل کودتا، تهران، علمی، ۱۳۶۳ شمسی.
- بینا، علی اکبر، تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران از گلناباد تا معاهده ترکمانچای، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۴۸ شمسی، جلد اول.
- پاشا صالح، علی، «قوه مقننه قضائیه» نشریه ملی یونسکو در ایران، تهران شماره ۲۲، ۱۳۴۲ شمسی، جلد ۲.
- پالمر، رابرت روزول، تاریخ جهان نو، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۹ شمسی، جلد ۲.
- پورگشتال، هامر، تاریخ امپراطوری عثمانی، ترجمه میرزا زکی علی آبادی، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران، زرین، چاپ اول، ۱۳۶۷ شمسی، جلد ۱.
- پولاک، یاکوب ادوارد، سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۱ شمسی.
- پیگولوسکا، ن. و. و دیگران، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، چاپ سوم، ۱۳۵۴ شمسی.
- تقی زاده، سیدحسن، زندگی طوفان، خاطرات سیدحسن تقی زاده، به کوشش ایرج افشار، تهران، محمدعلی علمی، چاپ اول، ۱۳۶۸ شمسی.
- جمال زاده، محمدعلی، گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران، برلن، کاوه، ۱۳۳۵ قمری جهانگیر میرزا، تاریخ نو شامل حوادث دوره قاجار از سال ۱۲۴۰-۱۲۶۷ قمری، به سعی و اهتمام عباس اقبال، تهران، کتابخانه علی اکبر علمی و شرکاء، ۱۳۲۷ شمسی.
- حائری، عبدالهادی، نخستین رویاروییهای اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۷ شمسی.
- حتی، فیلیپ. ک، شرق نزدیک در تاریخ یک سرگذشت پنجهزار ساله، ترجمه قمر آرین، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰ شمسی.
- حسام معزی، نجف قلی، تاریخ سیاسی ایران با دنیا، به کوشش همایون شهیدی، تهران، نشر علم، ۱۳۶۶ شمسی.

- حسینی فسائی، میرزا حسن، *فارستامه ناصری*، تصحیح و تحشیح منصور رستگار فسائی، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۷ شمسی، جلد ۱.
- حکمت، علی اصغر، «روابط بین الملل» *نشریه کمیسیون ملی یونسکو در ایران*، تهران، شماره ۲۲، ۱۳۴۲ شمسی، جلد ۱.
- خنجی اصفهانی، فضل الله بن روزبهان، *سلوک الملوک*، به تصحیح و مقدمه محمدعلی موحد، تهران، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۶۲ شمسی.
- دستره، آنت، *مستخدمین بلژیکی در خدمت ایران (۱۹۱۵-۱۸۹۸) برابر (۱۳۳۳-۱۳۱۴ ه.ق)*، ترجمه منصوره اتحادیه (نظام مافی)، تهران، نشر تاریخ ایران، چاپ اول، ۱۳۶۳ شمسی.
- دورانت، ویل، *تاریخ تمدن*، اصلاح دینی، مترجمان فریدون بدره‌ای، سهیل آذری، پرویز مرزبان، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸ شمسی، جلد ۶.
- دوکلستر، ا، *تاریخ نادرشاه*، ترجمه محمدباقر امیرخانی، تبریز، کتاب فروشی سروش، ۱۳۴۶ شمسی.
- دولت‌آبادی، یحیی، *حیات یحیی*، تهران، انتشارات عطار و فردوسی، چاپ دوم، ۱۳۶۲ شمسی، ۴ جلد.
- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۶ شمسی، شماره مسلسل ۳۴.
- رائین، اسمعیل، *بیرم خان سردار*، تهران، جاویدان، چاپ دوم، ۱۳۵۵ شمسی.
- رائین، اسمعیل، *حقوق بگیران انگلیس در ایران*، تهران، جاویدان، چاپ ششم، ۱۳۵۶ شمسی.
- رئیزی، محسن، «کاپیتولاسیون» *روزنامه ایران جوان*، سال اول، شماره ۳، (۳۰ خرداد ۱۳۰۶ شمسی).
- رابینو، لویی، *دیپلماتها و کنسولهای ایران و انگلیس و نخست وزیران و وزرای امور خارجه ایران و انگلیس و سفرا و فرستادگان ایران در سایر کشورهای جهان تا سال ۱۹۴۵ م*، ترجمه و تالیف غلامحسین میرزاصالح، تهران، نشر تاریخ ایران، چاپ اول، ۱۳۶۳ شمسی.
- رایت، سردنیس، *نقش انگلیس در ایران*، ترجمه فرامرز فرامرزی، تهران، موسسه مطبوعاتی فرخی، چاپ اول، ۱۳۶۱ شمسی.
- رجب‌زاده، هاشم، *تاریخ ژاپن*، کتاب اول، از آغاز تا نهضت ۱۸۶۸ میلادی، کتاب دوم، از

نهضت تا پایان جنگ (۱۹۴۵-۱۸۶۸ میلادی)، تهران، ناشر مولف، چاپ اول، ۱۳۶۵ شمسی.

رجبی، محمدحسن، زندگینامه سیاسی امام خمینی از آغاز تا هجرت به پاریس، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹ شمسی.

رجبی، پرویز، کریم خان زند و زمان او، سیمغ وابسته به امیرکبیر، ۱۳۵۱ شمسی. رحیمزاده صفوی، اسرار سقوط احمدشاه، به کوشش بهمن دهگان، تهران، فردوسی، چاپ اول، ۱۳۶۲ شمسی.

رحیم‌لو، یوسف، «کاپیتولاسیون در تاریخ ایران»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال ۲۴، شماره مسلسل ۱۰۲، (تابستان ۱۳۵۱ شمسی).

رحیم‌لو، یوسف، «کاپیتولاسیون در روابط بین‌الملل، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال ۲۴، شماره ۱۰۱، (بهار ۱۳۵۱ شمسی).

روحانی، سیدحمید، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی در ایران، قم، دارالفکر-دارالعلم، چاپ چهارم، ۱۳۵۸ شمسی، جلد ۱.

روزنامه حبل‌المتین، سال ۳۶-۳۵، (۱۳۰۷-۱۳۰۶ شمسی).

روزنامه ستاره ایران، (اردیبهشت ۱۳۰۷ شمسی).

روزنامه گاو، سال دوم، شماره ۲۳ (۲۸ ذی‌القعدة ۱۳۰۵ ه.ق).

روزنامه مظفری، سال ششم، (ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ ه.ق).

ریشارد، جان، بیست سال در ایران، روایت زندگانی دوران سه پادشاه، ترجمه علی پیرنیا، تهران، زرین، چاپ اول، ۱۳۶۳ شمسی.

ساسانی، خان ملک، دست پنهان سیاست انگلیس در ایران، تهران، بابک، چاپ دوم، ۱۳۵۴ شمسی.

سالنامه دنیا، سال ۲۵، ۱۳۴۸ شمسی.

سایکس، سرپرسی، تاریخ ایران، ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳ شمسی، جلد ۱.

سپهر (مورخ‌الدوله)، ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴ میلادی، تهران، ادیب، چاپ دوم، ۱۳۶۲ شمسی.

سپهر (لسان‌الملک)، محمدتقی، ناسخ‌التواریخ، سلاطین قاجار، به تصحیح و حواشی محمدباقر بهبودی، تهران، کتابفروسی اسلامی، ۱۳۵۳ شمسی، جلد ۳.

سعید وزیری، ایرج، کاپیتولاسیون و الغاء آن در ایران، تهران، دفتر حقوقی وزارت امور خارجه، ۱۳۵۵ شمسی.

سعیدی، غلامرضا، «مستشرقین و اسلام»، محمد خاتم پیامبران، تهران، حسینیه ارشاد، ۱۳۴۸ شمسی.

سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، سحر، چاپ دوم، ۱۳۶۶ شمسی.

شریف، علی اصغر، کاپیتولاسیون و عرضه چی ها، تهران، بی ناشر، ۱۳۵۴ شمسی.

شعبانی، رضا، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، تهران، بی ناشر، چاپ دوم، ۱۳۶۵ شمسی.

شمیم، علی اصغر، ایران در سلطنت قاجار، تهران، سینا، چاپ اول، ۱۳۴۲ شمسی.
شوستر، مورگان، اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری با تصحیح و مقدمه و حواشی و اسناد منتشر نشده در ایران توسط فرامرز برزگر و اسماعیل راثین، تهران، صفی علیشاه، چاپ پنجم، ۱۳۶۲ شمسی.

شیل، لیدی، خاطرات لیدی شیل همسر وزیرمختار انگلیس در زمان ناصرالدین شاه، ترجمه حسین ابوترابیان، نشر نو، چاپ اول، ۱۳۶۲ شمسی.

صدر، (صدراالشراف) محسن، خاطرات صدراالشراف، تهران، وحید، چاپ اول، ۱۳۶۴ شمسی.

صدر، کاظم، تاریخ سیاست خارجی ایران، ترجمه جواد صدر. مقدمه به قلم آلبودوژوفر دولاپردل، تهران، اداره مطبوعاتی پروین، ۱۳۲۳ شمسی.

صفایی، ابراهیم (گردآوری و پژوهش)، اسناد برگزیده از سپهسالار، ظل السلطان، دبیرالملک، تهران، انجمن تاریخ، ۱۳۵۰ شمسی.

صفائی، ابراهیم (گردآوری)، اسناد سیاسی دوران قاجاریه، تهران، بابک، چاپ دوم، ۱۳۵۵ شمسی.

صفائی، ابراهیم، رهبران مشروطه، تهران، جاویدان، چاپ دوم، ۱۳۶۲ شمسی، دوره اول،

صفائی، ابراهیم، بنیادهای ملی در شهریارى رضاشاه، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۵ شمسی.

صفدری، محمد، حقوق بین الملل عمومی، تهران، ابوریحان، ۱۳۴۲ شمسی، جلد ۱.

- طاهری، ابوالقاسم، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه‌عباس، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۴۹ شمسی.
- طاهری، ابوالقاسم، تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی ایران و انگلیس از دوران فرمانروایی مغولان تا پایان قاجاریه، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۴ شمسی.
- عیسوی، چارلز (ویراستار)، تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ه.ق، ترجمه یعقوب آژند، نشر گستره، چاپ اول، ۱۳۶۲ شمسی.
- فخرانی، ابراهیم، گیلان در جنبش مشروطیت، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ اول، ۱۳۵۲ شمسی.
- فرانکلین، ویلیام، مشاهدات سفر از بنگال به ایران در سالهای ۱۷۸۷-۱۷۸۶ م، با شرح مختصری درباره ویرانه‌های تخت جمشید و رویدادهای جالب دیگر، ترجمه محسن جاویدان، تهران، بنیاد فرهنگ و هنر ایران، ۱۳۵۸ شمسی.
- فرهنگستان دانشهای اتحاد شوروی پژوهشگاه خاورشناسی، تاریخ معاصر کشورهای عربی ۱۹۱۷-۱۹۱۷ میلادی، ترجمه محمدحسین شهری، تهران، کاوه، چاپ اول، ۱۳۶۰ شمسی، جلد ۲.
- فلسفی، نصرالله، سیاست خارجی ایران در دوره صفویه، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۲ شمسی.
- فلسفی، نصرالله، زندگی شاه‌عباس اول، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲ شمسی، جلد ۵.
- فلور، ویلم، اولین سفرای ایران و هلند، شرح سفر موسی بیگ سفیر شاه‌عباس به هلند و سفرنامه یان اسمیت سفیر هلند در ایران، به کوشش داریوش مجلسی و حسین ابوترابیان، تهران، طهوری، ۱۳۵۶ شمسی.
- فوریه، سه سال در دربار ایران از سال ۱۳۰۹-۱۳۰۶ ه.ق، ترجمه عباس اقبال، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی.
- کاظم‌زاده ایرانشهر، کاظم، آثار و احوال کاظم‌زاده ایرانشهر، تهران، شرکت نسبی اقبال و شرکاء، ۱۳۵۰ شمسی.
- کاظم‌زاده، فیروز، روس و انگلیس در ایران ۱۹۱۴-۱۸۶۴، پژوهشی درباره امپریالیسم، ترجمه منوچهر امیری، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۴ شمسی.
- کتاب آبی، گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران، به کوشش احمد بشیری، تهران، نشر نو، چاپ اول، ۱۳۶۲ شمسی، ۷ جلد.
- کرزن، جرج.ن، ایران و قضیه ایران، ترجمه غ. وحید مازندرانی، تهران، انتشارات علمی و

فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۲ شمسی، جلد ۱.

کسروی، سید احمد، تاریخ هیجده ساله آذربایجان، بازمانده تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۵ شمسی.

کشف تلبیس یا دورویی و نیرنگ انگلیس از روی اسناد محرمانه انگلیس در باب ایران، به کوشش عین‌الله کیانفر و پروین استخری، تهران، زرین، ۱۳۶۲ شمسی.

کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۶ شمسی.

لاموش، تاریخ ترکیه، با مقدمه رنه پینون، ترجمه سعید نفیسی، تهران، انتشارات کمیسیون معارف، چاپ اول، ۱۳۱۶ شمسی.

لکه‌ارت، لارنس، انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران، ترجمه مصطفی قلی‌عماد، مروارید، چاپ دوم، ۱۳۶۴ شمسی.

لمبتون، آن.ک.س، سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، ترجمه یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۳ شمسی.

لمبتون، آن.ک.س، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ شمسی.

لنزوسکی، جورج، رقابت روسیه و غرب در ایران، ترجمه اسمعیل رائین، تهران، جاویدان، چاپ اول، ۱۳۵۳ شمسی.

لیتن، ویلهلم، ایران از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحمایگی، اسناد و حقایق درباره تاریخ نفوذ اروپاییان در ایران (۱۸۶۰-۱۹۱۹ میلادی)، ترجمه مریم میراحمدی، تهران، معین، چاپ اول، ۱۳۶۷ شمسی.

مازندرانی، وحید (گردآوری)، مجموعه عهدنامه‌های تاریخی ایران از عهد هخامنشی تا عصر پهلوی، ۵۵۹ قبل از میلاد تا ۱۹۴۲ میلادی (۱۳۲۰ شمسی)، تهران، وزارت امور خارجه شاهنشاهی، ۱۳۵۰ شمسی.

متین‌دفتری، احمد، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی، تهران، بی‌ناشر، ۱۳۴۰ شمسی، جلد ۱.

محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، تهران، شرکت نسبی اقبال و شرکاء، ۱۳۵۳ شمسی، جلد ۱.

مستشارالدوله، صادق، خاطرات و اسناد مستشارالدوله مجموعه دوم اسناد مشروطه

- ۱۳۳۰-۱۳۲۵ ه.ق. به کوشش ایرج افشار، تهران، فردوسی، ایران و اسلام، چاپ اول، ۱۳۶۳ شمسی.
- مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران، زوار، چاپ سوم، ۱۳۶۳ شمسی، ۳ جلد.
- مشیرالدوله (مهندس‌باشی)، میرزا سید جعفرخان، رساله تحقیقات سرحدی، به اهتمام محمد مشیری، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸ شمسی.
- مصدق، محمد، کاپیتولاسیون و ایران، با مقدمه و حواشی و تعلیقات فریدون جنیدی، بی‌ناشر، بی‌تاریخ.
- مصدق، محمد، خاطرات و تالمات دکتر محمد مصدق، مشتمل بر دو کتاب، «شرح مختصری از زندگی و خاطراتم» و «مختصری از تاریخ ملی شدن صنعت نفت در ایران»، به کوشش ایرج افشار، تهران، محمدعلی علمی، چاپ پنجم، ۱۳۶۶ شمسی.
- معتمدالسلطنه، فرخ، خاطرات سیاسی فرخ معتمدالسلطنه شامل تاریخ پنجاه ساله معاصر، تهران، جاویدان، ۱۳۴۷ شمسی.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰ شمسی، جلد ۳.
- مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۵۸ شمسی، جلد ۱.
- ملک‌آرا، عباس میرزا، شرح حال عباس میرزا ملک‌آر، شامل قسمت مهمی از وقایع سلطنت ناصرالدین شاه، به کوشش عبدالحسین نوایی با مقدمه عباس اقبال آشتیانی، تهران، بابک، ۱۳۶۱ شمسی.
- ملک‌زاده، مهدوی، انقلاب مشروطیت ایران، کتاب هفتم، تهران، محمدعلی علمی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی.
- مهمید، محمدعلی، پژوهشی در تاریخ دیپلماسی ایران از قبل هخامنشیان تا پایان قاجاریه، تهران، نشر میترا، چاپ اول، ۱۳۶۱ شمسی.
- میلسپو، ماموریت آمریکاییان در ایران، ترجمه حسین ابوترابیان، پیام، چاپ اول، ۱۳۵۶ شمسی.
- میلکف، ا. س، استقرار دیکتاتوری رضاخان در ایران، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ اول، ۱۳۵۸ شمسی.
- ناصری، فرج‌الله، «بررسی تحلیلی در کاپیتولاسیون و الغاء آن»، تهران، وزارت دادگستری، شماره مخصوص هفته دادگستری (اردیبهشت ۱۳۵۵ شمسی).

- نفیسی، سعید، *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر*، تهران، بنیاد، ۱۳۴۴ شمسی، جلد ۲.
- نفیسی، سعید، *تاریخ معاصر ایران* (از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تا بیست و چهارم شهریور ماه ۱۳۲۰ شمسی)، تهران، کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۵ شمسی.
- نوائی، عبدالحسین، *اسناد و مکاتبات سیاسی ایران ۱۰۳۸ تا ۱۱۰۵ ه.ق.* همراه با یادداشتهایی تفصیلی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول، ۱۳۶۰ شمسی.
- نوائی، عبدالحسین، *اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۵ ه.ق.* همراه با یادداشتهای تفصیلی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۳ شمسی.
- نوائی، عبدالحسین، *تاریخ روابط فرهنگی ایران از آغاز تا قاجاریه*، تهران، انتشارات حوزه معاونت روابط فرهنگی وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۵ شمسی. جلد ۱.
- نوائی، عبدالحسین، *ایران و جهان از مغول تا قاجار*، تهران، موسسه نشر هما، چاپ دوم، ۱۳۶۶ شمسی.
- نوائی، عبدالحسین، *کریم خان زند*، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ دوم، ۱۳۵۶ شمسی.
- نهری، جواهرلعل، *نگاهی به تاریخ جهان*، تهران، امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۶۶ شمسی، جلد ۲ و ۳.
- نیکیتین، موسیو ب.، *ایرانی که من شناختم*، ترجمه فره‌وشی (مترجم همایون سابق)، تهران، کانون معرفت، ۱۳۲۹ شمسی.
- واتسن. ر. ک. رابرت گرانت، *تاریخ ایران از ابتدای قرن نوزدهم تا سال ۱۸۵۸ میلادی*، تاریخ مختصری از وقایع مهمی که در پیدایش سلسله قاجاریه تاثیر بسزایی داشتند، ترجمه عباسقلی آذری، تهران، بی‌ناشر، ۱۳۴۰ شمسی.
- والسر، سبیللاشوستر، *ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان*، پژوهشی در روابط سیاسی و اقتصادی ایران (۱۷۲۲-۱۵۰۲ میلادی)، ترجمه و حواشی از غلامرضا ورهرام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶ شمسی.
- وامبری، آرمینیوس، *سیاحت درویش دروغین در خانات آسیای میانه*، ترجمه فتحعلی خواجه نوریان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۳۴۴ شمسی.
- وکیل الدوله، حسینقلی مقصدولو، *مخابرات استرآباد*، به کوشش ایرج افشار و محمد رسول دریاگشت، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳ شمسی، جلد ۲.

- ویلتس، دوراکه، *سفیران پاپ به دربار خاتان مغول*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۵۳ شمسی.
- ویلسن، سرآرنولد، *خلیج فارس*، ترجمه محمد سعیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۶ شمسی.
- ویلسن، چارلز جیمز، *تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه*، ترجمه سید عبدالله، و به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام، تهران، زرین، ۱۳۶۶ شمسی.
- وقایع اتفاقیه*، مجموعه گزارشهای خفیه‌نویسان انگلیسی در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۳۳۲-۱۲۹۱ ه.ق، به کوشش سعیدی سیرجانی، تهران، نشر نو، چاپ اول، ۱۳۶۱ شمسی.
- هاردینگ، سرآرتور، *خاطرات سیاسی سرآرتور هاردینگ*، وزیر مختار بریتانیا در دربار ایران در عهد سلطنت مظفرالدین شاه، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳ شمسی.
- هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر، *امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار*، قم، دفتر نشر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ شمسی.
- هدایت، رضاقلی خان، *ملحقات تاریخ روضه‌الصفای ناصری در ذکر پادشاهان صفویه*، *افشاریه*، *زندیه*، *قاجاریه*، کتابخانه خیام، ۱۳۳۹ شمسی، جلد ۱۰.
- هدایت (مخبرالسلطنه)، مهدیقلی، *سفرنامه تشرف به مکه معظمه از طریق چین، ژاپن، آمریکا*، تهران، چاپخانه مجلس، بی‌تاریخ.
- هدایت (مخبرالسلطنه)، مهدیقلی، *گزارش ایران* (بخش گزارش دوره قاجاریه از جلد سوم و چهارم) به اهتمام محمدعلی صوتی، مقدمه از سعید وزیری، تهران، نشر نقره، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی.
- هدایت (مخبرالسلطنه)، مهدیقلی، *خاطرات و خطرات*، تهران، زوار، ۱۳۴۴ شمسی.
- هدایتی، هادی، *تاریخ زندیه*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۴ شمسی.
- همایون، غلامعلی، *اسناد مصور اروپاییان از ایران از اوایل قرون وسطی تا اواخر قرن هیجدهم*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ شمسی، جلد ۱.

نمایه نام کسان

- آخوندزاده، فتحعلی ۱۱۷
 آدمیت، فریدون ۱۸۴، ۱۷۴، ۱۰۶
 آذری، عباسقلی ۹۳
 آژند، یعقوب ۱۹۸، ۶۹
 آشتیانی، جواد ۱۵۷
 آقاخان بیگ ۱۰۷
 آقاسی، حاجی میرزا آقاسی ۱۷۶
 آوری، پیتر ۱۳۸
 اباقاخان ۳۶
 ابن الفراء ۱۰
 ابوالحسن خان شیرازی ۹۴
 ابوالفتح خان ۵۸
 ابوترایان، حسین ۱۷۵، ۱۲۰، ۴۷
 ابوسعید مغول ۲۰۴، ۳۸
 اتابک (امین السلطان) ۲۶
 اتابکی، پرویز ۱۰
 اتحادیه، منصوره ۱۹۹، ۶۶
 احتشام الدوله ۱۱۵
 ادیب الممالک ۷۸
 استخری، پروین ۱۶۱
 استرآبادی، ابراهیم ۱۸۵
 استیونس ۱۸۴، ۱۰۸
 اسماعیل شیشه بر ۱۶۳
 اشپولر، برتولد ۳۸، ۳۳
 اصفهانیان، داوود ۳۳
 اصفهانیان، کریم ۱۸۱
 اعتصام الملک ۱۶۶
 اعتضادالدوله، عباس میرزا ۸۵
 اعتماد السلطنه ۱۷۶، ۱۰۲، ۷۶، ۷۵
 ۲۰۰
 افشار، ایرج ۱۶۰، ۱۲۲، ۱۱۶، ۷۸
 ۱۶۵، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۹۴، ۱۹۶
 افشار یزدی، محمود ۱۳۳، ۷۲، ۳۲، ۲۷
 اقبال الدوله ۱۸۲
 اقبال، عباس ۷۱، ۶۹، ۶۵، ۳۸-۳۶، ۲۴
 ۱۸۰، ۷۲
 امیر افخم ۱۱۶، ۱۱۵
 امیر کبیر ۱۱۸، ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۵، ۸۵
 امیر مهنا (میر مهنا) ۵۹
 امیری، منوچهر ۱۶۴، ۱۱۷
 امین التجار ۱۷۱
 امین الدوله، فرخ خان ۱۸۱، ۹۵، ۸۶

- انتظام الملک ۱۳۳
انصاری، عبدالحسین مسعود ۱۳۳
انصاری، علی قلی خان ۱۳۳
انوشه، حسن ۳۶
اوبن، اوژن ۱۶۸
اولجاتیو ۲۰۴-۳۸
اولیویه ۶۶
ایزدی، سیروس ۱۲۱
بایزید، سلطان ۱۴
برار، ویکتور ۱۵۷
براون، ادوارد ۱۶۷، ۱۸۲، ۱۹۱، ۱۹۰
برزگر، فرامرز ۱۷۳
برونیه ۶۶
بشیری، احمد ۱۰۹
بلوشر، ویپرت ۱۱۳، ۱۱۵
بنجامین، س. ج. و. ۱۱۴
بویل، جی. آ. ۳۶
بهبودی، محمد باقر ۸۳
بهرامی، عبدالله ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۹۳، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲
بینا، علی اکبر ۱۸۸
پاپ الکساندر اول ۳۵
پادری اوانس حکیم ۵۸
پادری فرنسه حکیم ۵۸
پالمر، رابرت روزلت ۲۵
پاولف، ژنرال ۱۷۸
پرئی، مسیو ۱۳۳، ۱۳۸
پژوه، احمد ۱۷۶
پورگشتال، هامر ۱۳
پولاک، یاکوب ادوارد ۱۱۴، ۱۷۴
پیرنیا، علی ۱۶۱
پیگولوسکایا ۶۰
پینون، رنه ۹
تامسون ۱۸۴
تزار روس ۷۲
تفضلی، محمود ۱۹
تقی زاده، حسن ۱۸۰، ۱۸۲
تویس، سر تراورس ۲۷
تیمورگورکانی ۳۷، ۳۹
ثقه الاسلام ۱۶۷
جاویدان، محسن ۱۱۵
جعفرخان زند ۶۲
جمالزاده، محمدعلی ۱۹۱
جنیدی، فریدون ۱۶
جوادی، حسن ۱۶۷
جهانداری، کیکاووس ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۷۴
جهانگیر میرزا ۷۱
جیمز دوم ۳۶
چرچیل، مستر ۲۰۰
چیول، والن تین ۱۵۷
حائری، عبدالهادی ۶۲، ۶۳
حاجی ابراهیم خان ۶۷
حتی، فیلیپ. ک. ۱۴
حسام معزی، نجفقلی ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۶۲، ۸۰
حسینی فسائی، حسن ۱۰۶
حضرت عبدالعظیم (ع) ۱۱۶
خواجهمنوریان، فتحعلی ۱۱۵
خوانساری، خان بابا ۱۷۹
دار مستتر ۷۲
داور، علی اکبرخان ۱۳۹
دبیر سیاقی، محمد ۶۶
دریاگشت، محمد رسول ۱۱۶، ۱۶۵
دستره، آنت ۱۹۹، ۲۰۳
دنیس رایت ۶۸، ۱۶۰، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۸۷
دودانگه، جمشید ۱۵۷

- دوکلستر ۵۶
 دولابرادل، آلودو ژوفر ۴۸
 دولت آبادی، یحیی ۷۱، ۱۲۱
 دهخدا، علی اکبر ۹، ۲۸، ۱۳۹، ۱۴۴
 دهشیری، سیدضیاء ۷۲
 ذکاءالملک علائی ۱۲۳
 رئیس، محسن ۱۰، ۱۴۶
 راثین، اسماعیل ۶۹، ۱۱۱، ۱۷۳، ۱۸۳
 ۱۸۹، ۱۸۴
 رابینو، لوئی ۶۸
 راوه، مسیو ۱۶۸
 رجب‌زاده، هاشم ۲۵
 رجب‌نیا، مسعود ۳۵، ۳۹
 رجبی، پرویز ۶۱
 رجبی، محمد حسن ۲۰۶
 رحیم خان ۱۶۰، ۱۹۹
 رحیم زاده صفوی ۱۷۵
 رحیم‌لو، یوسف ۱۴، ۹۳، ۱۹۷
 رستگار، منصور ۱۰۴
 رشیدالملک ۱۹۲
 رضاخان (رضاشاه) ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۳
 رضا قلی میرزا ۵۶
 رضوانی، محمد اسماعیل ۷۵
 رفیعی مهرآبادی، محمد ۱۳۸
 رکن الوزراء ۱۹۵
 روحانی، حمید ۲۰۶
 روحانی، محمود ۱۶۳
 روزبهان خنجی، فضل‌الله بن ۱۲
 روسو، سیور ۵۸، ۵۹
 روشن زعفرانلو، قدرت‌الله ۱۸۱
 ریشارد، جان ۱۶۱
 ریشلیو ۴۹
 زرگریاشی، محمد ۱۶۳
- ژرژ سل ۲۸
 سارتیز، کنت دو ۸۳، ۸۵
 ساسانی، خان ملک ۱۶۸، ۱۶۹
 ساعدالسلطنه ۱۱۶
 سایکس، سرپرسی ۶۱، ۷۳، ۱۲۴
 سپهدار تنکابنی ۵-۱۲۷
 سرجان ملکم ۶۷، ۶۹
 سری، ابوالقاسم ۷۸
 سعیدی، علی اصغر ۱۶۸
 سعیدی، غلامرضا ۲۹
 سعیدی، محمد ۴۳
 سلطان حسین صفوی ۵۰، ۵۱، ۵۲
 سلطان سلیمان (سلیمان قانونی) ۱۴
 سلطان سلیم ثانی ۱۶
 سلطان محمد اول ۱۶
 سلطان محمد فاتح ۱۳، ۴۰
 سلیم خان ۱۶۳
 سیدعبدالله ۱۵۷
 سیدعبدالوهاب مجتهد ۱۶۳
 سیرجانی، سعیدی ۱۶۸
 سیف‌الدوله ۱۷۶
 سیل، ریچارد ت. ۲۰۸
 سیوری، راجر ۵۲
 شاه اسماعیل اول ۴۱
 شاه صفی ۴۶
 شاه طهماسب ۴۲
 شاه عباس اول ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۴۹
 ۲۰۴، ۷۳، ۵۲
 شاه محمدخان ۱۰۵
 شرلی (آنتونی - رابرت) ۴۳
 شریف، علی اصغر ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۴۹
 شعاع السلطنه ۱۹۱
 شعبانی، رضا ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۶۳

- شمیم، علی اصغر ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۳۴، ۱۳۳
- شوستر، مورگان ۱۷۳، ۱۹۱، ۱۹۲
- شوستر ولسر، سببلا ۵۴
- شهری، محمد حسین ۲۰
- شهیدی، همایون ۵۱
- شیخ الاسلامی، جواد ۱۷۴
- شیخ رئیس، ابوالحسن میرزا ۱۷۶
- شیخ خزعل ۱۹۱
- شیخ علی اکبر ۱۷۱
- شیل، کلنل ۱۸۳
- شیل، لیدی ۱۵۸، ۱۱۸، ۱۷۵
- صالح، علی پاشا ۱۴۱
- صدراالاشراف ۱۱۷-۱۳۹
- صدر، جواد ۴۸
- صدر (صدراالاشراف)، محسن
- صدر، کاظم ۴۸، ۴۹
- صفائی، ابراهیم ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۵۷، ۱۶۷، ۱۹۱
- صفدری، محمد ۲۸
- صلاح الدین منجد ۱۰
- صمصام السلطنه ۱۲۸، ۱۳۱
- صنیع الدوله ۱۹۰
- طاهری، ابوالقاسم ۲۱، ۳۹، ۴۰، ۴۳، ۶۸
- طباطبائی، سید ضیاء ۱۲۷-۱۳۶
- ظل السلطان ۱۰۳
- عباس خان ۱۹۰
- عبدالباقی، میرزا ۱۶
- عزیزی، کامبیز ۵۲
- علی آبادی، میرزا زکی ۱۳
- علی مرادخان ۵۸
- عماد، مصطفی قلی ۵۲
- عیسوی، چارلز ۱۹۷
- عین الدوله ۱۱۱، ۱۷۶
- غازان خان ۳۶، ۳۷
- فاروقی، احمد ۲۰۷، ۲۰۸
- فتح الله خان ۱۶۳
- فتحعلی شاه ۶۹، ۱۰۴
- فخرائی، ابراهیم ۸۱، ۱۶۳، ۱۶۴
- فخر داعی گیلانی، محمد تقی ۶۱
- فرامرزی، فرامرز ۶۸
- فرانسوای اول ۱۴
- فرانکلین، ویلیام ۱۱۵
- فرمانفرمایان، حافظ ۱۱۶
- فروغی ۲۳
- فرهاد میرزا معتمدالدوله ۱۷۸، ۱۷۹
- فروهوشی، بهرام ۸۰
- فریدالملک (فرید) ۱۹۱
- فرید بیگ، محمد ۱۶
- فلسفی، نصرالله ۴۲، ۴۷
- فلور، ویلم ۴۷، ۷۸، ۸۰، ۱۱۵، ۱۳۶، ۱۴۴
- فن کاور ۱۷۲
- فورهیه، دکتر ۷۱
- قائم مقامی، جهانگیر ۵۱، ۵۸
- قره باغی، اسماعیل خان ۱۷۱
- قمر آریان ۱۴
- قندهاری، عبدالکریم ۱۸۴، ۱۸۵
- قوام التجار ۱۱۰
- کاتسورا، کنت ۲۷
- کاظم زاده ایرانشهر، کاظم ۹۹، ۱۸۷، ۱۹۹
- کاظم زاده، فیروز ۱۶۴
- کاکس، سرپرسی ۱۳۴، ۱۳۵
- کردبچه، حسین ۱۱۴
- کرزن، جرج. ن. ۶۶
- کرزن، لرد ۱۳۴

- کریم خان زند ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۵۲
 کسروی، احمد ۱۲۹، ۱۶۷
 کشاورز، کریم ۶۰
 کلاویخو ۳۰
 کلیر ۴۹
 کوچک خان ۱۷۹
 کیانفر، جمشید ۱۳
 کیانفر، عین‌الله ۱۶۱
 گاردان، ژنرال ۶۹، ۷۰
 گاردان، کنت آلفردو ۶۹
 گرانت واتسن، رابرت ۹۳، ۱۶۰
 گریبایدوف ۱۰۴، ۱۰۵
 گری، سردار ۳۳، ۱۸۲
 لاریجانی، عباسی قلی‌خان ۱۷۹
 لاکهارت، لارنس ۵۴
 لاموش ۹، ۱۴، ۱۲۴
 لسان‌الملک (سپهر)، محمد تقی ۸۳، ۸۵
 لمبتون، آن.ک. ۶۹، ۱۱۷
 لنزوسکی، جرج ۶۹، ۱۲۰
 لوئی پانزدهم ۱۶
 لوئی چهاردهم ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۵۴
 لوئی دسه ۴۹
 لورویه ژان ۲۰۷
 لیانازوف ۱۶۵
 لیتن، ویلهلم ۶، ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۹۱، ۱۱۳، ۱۸۸، ۲۰۵
 ماموره ۱۸۴
 متین دفتری، احمد ۱۳۷
 مجلسی، داریوش ۴۷
 محمدرضا بیک ۵۲، ۵۴
 محمدرضا خان ۱۰۶
 محمد شاه ۸۳، ۸۵، ۹۳
 محمدعلی پاشا ۲۰
 محمدعلی خان ۱۱۰
 محمود محمود ۶۶
 محیط طباطبائی ۷۹
 مخبرالسلطنه هدایت ۵، ۲۳، ۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۶۷، ۱۹۱
 مرزبان، پرویز ۱۶
 مستشارالدوله، صادق ۱۶۰
 مستوفی الممالک ۱۲۳، ۱۴۱، ۱۴۳
 مستوفی، عبدالله ۵، ۹۲، ۹۵، ۱۱۹، ۱۳۰
 مشکوه‌الممالک، حسن‌خان ۱۶۷
 مشیرالدوله ۹۹، ۱۱۶، ۱۳۸
 مصدق، غلامحسین ۱۲۲
 مصدق (مصدق السلطنه)، محمد ۵، ۱۶
 ۸۲، ۱۰۱، ۱۲۲، ۱۲۴
 مظفرالدین شاه ۱۷۴
 معتصم السلطنه (فرخ معتصم)
 معتصم، فرخ ۱۵۸، ۱۷۱، ۱۷۲
 معتمد خاقان ۱۹۰
 معززالسلطان، حسین‌خان ۱۶۶
 معین ۹
 مقصودلو وکیل‌الدوله، حسین قلی ۱۱۶، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۲، ۱۷۹، ۱۸۵، ۱۹۴
 مک‌نیل، سرجان ۹۴
 مکی، حسین ۱۳۶
 ملک آرا، عباس میرزا ۱۷۸، ۱۷۹
 ملک‌الشعراء بهار ۸۰
 ملک‌زاده، مهدی ۱۶۹
 ملیکف، آ.س. ۱۲۱
 منشی، علی اکبر خان ۱۹۱
 منگو قآن ۳۵
 موحد، محمدعلی ۱۲
 مورخ‌الدوله (سپهر) ۱۲۹، ۱۳۱

- نهر، جواهر لعل ۱۹، ۲۰، ۲۲
 نیکنام، مهرداد ۱۵۷
 نیکیتین، موسیو. ب. ۶، ۸۰، ۸۲، ۱۵۹،
 ۱۶۲، ۱۹۰
 وامبری، آرمنیوس ۱۱۴، ۱۱۵
 وثوق الدوله ۹۲
 وحید مازندرانی ۴۴، ۴۸، ۵۸، ۶۱، ۶۶،
 ۷۰، ۸۵-۹۰، ۹۲، ۹۵، ۹۶، ۹۷
 ورهرام، غلامرضا ۵۴
 ویسینیک، هوبرت ۴۶
 ویلتس، دوراکه ۳۵، ۳۶
 ویلسن، آرنولد ۴۳، ۵۹، ۱۷۴
 ویلسن، چارلز جیمز ۱۵۷
 ویلیام، دکتر ۱۹۱
 هاردینگ، سرآرتور ۱۷۴
 هاشمی رفسنجانی، علی اکبر ۱۰۶
 هتیوم ۳۵
 هدایت، رضاقلی خان ۹۴
 هدایتی، هادی ۵۹
 هربرت، ا. ۵۲
 همایون، غلامعلی ۳۴-۳۵
 هولاکو ۳۵
 یفرم خان ۱۱۰، ۱۱۱
 یوسف خان ۱۶۳
- موسوی شوشتری، ابوالحسن ۱۷۳
 مهام الملک، ابوالقاسم خان ۱۶۹
 مهدوی، عبدالرضا هوشنگ ۸۳، ۹۴
 مهمید، محمدعلی ۱۹۸
 میرآفتاب، محمود ۳۴
 میراحمدی مریم ۷۶
 میرزا صالح، غلامحسین ۶۷
 میرعلی نقی خان ۱۷۹
 میشل، لوئی ۵۰
 میلسپو ۱۲۰
 ناپلئون ۶۷
 نادر افشار ۳۸
 ناصرالدین شاه ۸۵، ۱۰۳، ۱۱۵، ۱۱۸،
 ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰،
 ۱۸۴
 ناصری، فرج الله ۱۷، ۳۰، ۷۷، ۱۰۲،
 ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۲۳، ۱۴۲، ۱۴۸، ۱۸۷،
 ۱۸۹
 ناظم العلماء ملایری ۱۷۶
 نحاس، پاشا ۲۱
 نراقی، مهدی ۲۰۷
 نظام الدوله، حسین خان ۱۷۹
 نفیسی، سعید ۷۱، ۱۶۱، ۱۸۳
 نوائی، عبدالحسین ۳۶-۴۱، ۴۵، ۵۰،
 ۶۲، ۱۸۰

نمایه نام جاها

اروپ (اروپا) ۱۵۳	آذربایجان ۵۸، ۷۸، ۷۹، ۱۰۶، ۱۲۲، ۱۳۶
اروپای شرقی ۱۳۷، ۱۴۵	آراگون ۳۶
اروپای مرکزی ۳۴	آرژانتین ۹۶، ۹۷، ۱۴۸
ارومیه ۷۹، ۲۰۳	آستارا ۷۹، ۸۰
ارومیه، دریاچه ۱۹۱	آسیا ۶۶
اسپانیا ۳۶، ۸۳، ۸۴، ۱۳۱، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۸	آسیای صغیر ۱۰، ۱۱، ۳۵، ۴۰
استرآباد ۷۹، ۱۰۵، ۱۱۶، ۱۶۱، ۱۶۴	آفریقا ۱۹
۱۶۵، ۱۶۶، ۱۸۵، ۱۹۵	آفریقای شمالی ۳۲
استرخان ۱۱۴	آلزاس ۷۱
اسکندریه ۱۸	آلمان ۶، ۲۴، ۲۶، ۳۳، ۴۱، ۷۹، ۹۰، ۹۱، ۱۲۴، ۱۳۱، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۲، ۱۸۸
اصفهان ۳۳، ۴۱، ۵۴، ۵۸، ۵۹، ۸۷، ۹۰	۱۹۳، ۲۰۲، ۲۰۳
۱۰۳، ۱۰۹، ۱۷۲، ۱۸۲، ۱۹۰، ۱۹۳	آمریکا ۲۳، ۸۶، ۱۴۸، ۲۰۶، ۲۰۸
افغانستان ۶۶، ۹۵، ۱۳۷، ۱۴۵، ۱۸۴	اتازونی ۸۶
۱۹۹	اتحاد جماهیر شوروی ۱۵۲
انزلی ۸۰، ۸۲، ۱۶۴، ۱۷۱	اتریش ۲۴، ۳۲، ۸۶، ۸۷، ۱۳۱
انگلستان ۴۶، ۸۴، ۱۰۷، ۱۵۲، ۱۶۱	اردبیل ۷۹
۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۳، ۱۸۷	ارمنستان ۳۵، ۱۳۶
انگلیس ۴، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۳-۲۶، ۳۳	اروپا ۲۱، ۲۴، ۲۷، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۵، ۴۶، ۵۵-۵۷، ۵۹، ۶۱، ۶۵-۶۸، ۷۲، ۹۳، ۹۴، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸-۱۱۱، ۱۲۸، ۱۳۴، ۱۴۴، ۱۴۵
۲۰۶، ۲۰۸	۲۰۶

بندرعباس ۶۰، ۷۹	۱۴۸، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۱
بندرگز ۷۹، ۸۰	۱۶۵، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۴-۱۷۹، ۱۸۱
بندرلنگه ۱۹۹	۱۸۲-۱۸۷، ۱۹۱، ۲۰۰-۲۰۳، ۲۰۶
بوسنی و هرزگوین ۳۲	اوروگوئه ۱۴۸، ۹۷
بوشهر ۵۹، ۶۰، ۶۷، ۱۷۹	ایالات متحده آمریکا ۱۶، ۲۱، ۲۴، ۲۵
بیت المقدس ۳۶	ایتالیا ۳۲، ۸۹، ۱۲۴، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۳
بیرجند ۷۹	ایران ۱-۴، ۶، ۷، ۱۲، ۲۴، ۳۴، ۳۵
بیزانس ۴۰	۳۷-۵۲، ۵۴-۷۷، ۷۹، ۸۰، ۸۲-۹۴
بین النهرین ۱۲۵، ۱۳۶	۹۶-۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۴
پاریس ۴۸، ۵۴، ۹۵، ۹۶، ۱۳۳	۱۱۹-۱۲۳، ۱۲۵-۱۲۹، ۱۳۱-۱۳۵
پترزبورگ ۱۹۲	۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۳-۱۴۴، ۱۶۶-۱۷۰
پروس ۱۸، ۹۵	۱۷۲-۱۷۳، ۱۸۳-۲۰۷
پکن ۲۳	ایروان ۷۱
تبریز ۶، ۷، ۱۴، ۳۷، ۳۹، ۵۶، ۷۹، ۸۰	ایتالیا ۸۹، ۹۰ و ← ایتالیا
۸۷، ۹۰، ۹۳، ۱۰۶-۱۰۸، ۱۶۱، ۱۶۶	باب عالی ۱۵، ۱۸، ۳۲، ۶۰
۱۶۷، ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۹۲، ۱۹۸	بادکوبه ۱۶۴
تخت جمشید ۱۱۵	بالتیک، ساحل ۱۳۷، ۱۴۵
تربت ۷۹	بالکان ۱۹
تربت حیدریه ۱۷۱، ۱۷۲	بجنورد ۷۹
ترکیه ۱۸، ۱۱۹، ۱۲۳-۱۲۶، ۱۲۸	بخارا ۱۱۴
۱۳۲، ۱۴۵	برزیل ۱۴۸، ۹۷
تسنسین ۲۳	برلن ۱۷۸
تگزاس ۲۰۸	برلین ۱۹۷
تنسی ۲۰۸	بروجرد ۷۹
تورن ۴۸	بروکسل ۸۷، ۸۸
تونس ۱۹	بریتانیا ۶۸، ۹۴، ۹۵، ۱۰۹، ۱۵۸، ۱۵۹
تهران ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۱۹	۱۷۴، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۶
۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷-۲۹، ۳۴-۳۷	بصره ۴، ۵۹
۳۹، ۴۲، ۴۳، ۴۷، ۴۸، ۵۰-۵۲، ۵۴، ۵۵	بغداد ۴۸
۵۸، ۶۰، ۶۲، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۲، ۷۵	بلژیک ۸۷، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۳
۷۶، ۷۸، ۸۰، ۸۱، ۸۴-۸۷، ۹۰، ۹۲، ۹۳	بمبئی ۱۶۸
۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۳-۱۱۷	بندر انزلی ۱۶۴
۱۲۰-۱۲۳، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۴	بندر بوشهر ۶۲

۱۳۶-۱۴۰، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۱	۱۵۶-۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۳
۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۳	۱۷۴-۱۷۳، ۱۶۹-۱۶۷، ۱۶۵، ۱۶۴، ۱۶۳
۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۸-۱۹۱	۱۹۱-۱۸۸، ۱۸۱، ۱۸۰، ۱۷۸، ۱۷۶
۱۹۹، ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۰۷	۲۰۷، ۲۰۶، ۲۰۳، ۲۰۱
تین سن ۲۳	روم شرقی ۳۹
جلفا ۸۰، ۱۰۹	زرگنده ۱۸۱، ۱۶۱
چکسلواکی ۱۵۳، ۱۵۴	زنگبار ۱۹
چین ۱۹، ۲۱-۲۴، ۱۳۷، ۱۴۵، ۲۰۵	ژاپن ۲۴-۲۶
حبشه ۱۹	ژنو ۹۱
حجاز ۱۰۱	ساری ۷۹، ۱۰۵
حلب ۴۸	ساوجبلاغ ۷۹
خارک ۵۹	سبزوار ۷۹
خراسان ۷۹	سرخس ۷۹
خرمشهر ۷۹	سلطانیه ۳۷
خزر، دریای ۱۶۵	سلماس ۷۹
خلیج فارس ۵۹، ۶۰، ۶۳، ۶۶، ۱۶۸	سن پترزبورگ ۹۰
خمسه، ولایت ۱۷۱	سنندج ۷۹
خوزستان ۱۴۴	سوئد ۴۱، ۹۵، ۱۴۸، ۱۵۴، ۱۵۵
خوی ۷۹، ۲۰۳	سوئیس ۱۸، ۲۳، ۹۱، ۱۴۸
خیوه ۱۱۴	سوریه ۳۵، ۲۰۳
دانمارک ۹۵، ۹۶، ۱۴۸	سیستان ۷۹، ۱۹۹
دریند ۷۱	شام ۳۶، ۴۰، ۹۸
دره گز ۷۹	شامات ۱۰، ۱۲۵، ۱۳۶
ذهاب ۷۹	شاتونگ، شبه جزیره ۲۴
رامیان ۱۹۵	شانگهای ۲۳
رشت ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۱۲۳، ۱۵۹، ۱۶۲	شکارپور ۱۸۴
۱۶۳، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۹۰	شوروی ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۷۰
رم ۴۸، ۱۳۷	شیراز ۵۶، ۶۰، ۶۱، ۷۹، ۹۸، ۱۲۳
رودبار ۱۶۳	۱۸۲، ۱۶۹
روس - روسیه ۱۸، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۵۵	شیلی ۹۷، ۱۴۸
۶۴-۶۶، ۶۹، ۷۰-۷۶، ۸۰-۸۴، ۸۶	طوالش ۷۹
۹۲-۹۵، ۹۹، ۱۰۱-۱۰۶، ۱۱۰، ۱۱۱	طهران ۸۷، ۹۰ و ← تهران
۱۱۹-۱۲۲، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۶	عتبات عالیات ۹۸
	عثمانی ۹، ۱۱-۱۹، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۲۸
	۳۱-۳۳، ۴۰، ۴۸، ۵۵، ۵۷، ۶۴، ۶۶، ۸۰

گموش تپه ۱۹۴	۸۲، ۹۸-۱۰۱، ۱۲۳-۱۲۷، ۱۳۲، ۱۳۶،
گنبد فارس ۷۹	۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۶، ۲۰۱
گیلان ۴۲، ۷۹، ۱۶۱-۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۱	عراق ۴۸، ۱۳۷
لاسه ۴۸	عمان، دریای ۶۶
لاهیجان ۷۹	فارس ۱۰، ۳۵، ۳۷
لتونی ۱۵۵	فرانسه ۳، ۴، ۱۵-۱۸، ۲۱، ۲۳-۲۵،
لندن ۳۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۹۲	۳۰، ۴۱، ۴۸، ۴۹-۵۵، ۵۷-۵۹، ۶۳،
لنکران ۱۱۷	۶۵-۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۳، ۸۴، ۸۵، ۱۰۰،
لورن ۷۱	۱۰۱، ۱۲۴، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۶،
لوکزامبورگ ۱۵۱، ۱۵۳	۱۴۸، ۱۵۶، ۲۰۳، ۲۰۵
لهستان ۱۵۴	فلسطین ۱۰، ۳۵، ۳۷
لیتوانی ۱۵۴، ۱۵۵	فندرسک ۱۹۵
مارسی ۱۰، ۵۳	فنلاند ۱۵۴
مازندران ۷۹، ۱۹۵	قالانا ۱۴
مجارستان ۲۴، ۳۲، ۱۵۴	قزوين ۷۹، ۱۸۵
محمره ۷۹، ۱۷۹	قسطنطنیه ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۳۹، ۴۰،
مدیترانه شرقی ۴۰	۸۳، ۸۶، ۸۸
مدینه ۹۸	قفقاز ۱۸۵، ۱۹۰
مراغه ۳۷	قلهک ۱۶۱، ۱۸۴
مراکش ۱۹	قم ۱۰۶، ۱۷۸، ۲۰۶
مسجد شاه ۲۰۷	قندهار ۱۸۴
مسکو ۱۲۰	قوچان ۷۹
مشهد ۷۹، ۱۶۰، ۱۷۲	کاتالونی ۱۴
مصر ۱۲، ۱۴، ۱۹-۲۱، ۳۵، ۳۶، ۴۸،	کاشان ۷۹
۶۷، ۱۳۷، ۲۰۳	کانتن ۲۳
مکزیک ۹۶	کردستان ۸۰
ملاکیله ۱۹۴	کردمحلہ ۱۹۴
ملایر ۱۷۶	کرمان ۷۹، ۱۲۳، ۱۶۹
موتته ویدئو ۹۷	کرمانشاه ۷۹
میدان ارگ ۱۰۶	کره ۲۳
ناصری (اهواز) ۷۹	کیائوچیو، بندر ۲۴
نخجوان ۳۷، ۳۸، ۷۰	گرجستان ۱۳۶
نروژ ۹۵	گمبرون ۴

۲۳۰ کاپیتولاسیون در تاریخ ایران

هرات ۱۷۹، ۹۳	نصرت آباد ۷۹
هلند ۱۸، ۲۵، ۴۱، ۴۸، ۵۵، ۹۲، ۹۵	نیشابور ۷۹
۱۴۸، ۱۵۵	واشنگتن ۲۴، ۹۶، ۹۷
همدان ۸۰، ۱۱۵، ۱۷۷	ورامین ۲۰۰
هند ۶۶، ۶۷، ۱۵۳، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۸۴	ورسای ۵۲
یانگتسه، رود ۲۱	ونیز ۱۰، ۱۱، ۳۵، ۳۸
یزد ۷۹	ویهایوی، بندر ۲۴
یونان ۸۸، ۸۹، ۱۳۷، ۱۴۵، ۱۵۵	هانکو ۲۳

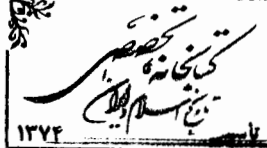
اقوام - ملل - ادیان

بلژیکی ہا ۸۸	آلمانیہ ۷، ۹۰، ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۹۹
بیزانسہا ۱۴	۲۰۳، ۲۰۲
پادریان فرنگیان ۵۸	آمریکائیوں ۲۰۶، ۲۰۷
پرتغالیہا ۴۴	اتریشیہا ۱۶
پهلوی ۱۴۳	ارامہ ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۸۷
ترکان عثمانی ۴۹	ارتدکس ہا ۲۹
ترکمانان ۱۹۴	اروپائیوں ۱، ۹، ۲۷، ۳۴، ۳۶، ۴۰، ۴۱
ترکمانان آق قویونلو ۴۰	۴۹، ۵۱، ۵۵، ۵۷، ۶۳، ۱۳۷، ۱۹۷، ۱۱
ترکمن ۱۹۴، ۱۹۵	۱۲، ۱۵، ۲۷، ۲۸، ۴۶، ۴۹-۵۱، ۵۲، ۹۸
چینیہا ۲۲، ۲۳، ۲۴	۱۳۸، ۱۳۹
دومینکن، فرقہ ۳۷	افشاریہ ۳، ۵۵، ۶۳، ۶۴
روسہا ۲، ۱۲، ۱۶، ۶۴، ۱۱۹، ۱۶۰	افغانہا ۵۴، ۵۵
۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۷، ۱۸۳	انگلیسیہا ۱۶، ۱۹، ۲۶، ۴۲، ۴۴-۴۷
۱۸۵، ۱۸۷، ۱۹۳-۱۹۵، ۱۹۷-۱۹۹	۴۹، ۵۴، ۵۶، ۵۹-۶۲، ۶۴، ۶۶، ۶۸، ۷۴
۲۰۱-۲۰۴، ۲۰۷	۹۴، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۷، ۱۶۸
زندہ ۳، ۴، ۵۷-۵۹، ۶۲، ۶۳، ۶۴	۱۶۹، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳
ژاپنیہا ۲۵، ۲۶	۱۸۷، ۱۹۴، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۶
صفویان ۳۹-۴۱، ۴۳، ۴۸، ۵۴، ۵۵-۵۶	ایرانیان ۱، ۳، ۷، ۴۰، ۴۵، ۴۷، ۵۵، ۵۹
۶۳، ۶۴، ۶۷، ۷۴، ۹۲، ۲۰۴	۶۷، ۷۹، ۸۱، ۹۳، ۱۰۵، ۱۲۶، ۱۳۳
صلیبیان ۳۵	۱۳۵، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۸۰، ۱۸۳
عثمانیہا ۱۴، ۱۶، ۱۹، ۴۰	۱۹۱، ۲۰۲، ۲۰۵
عیسویان ۳۶، ۴۳	ایلخانان مغول ۳۷، ۴۰

کلیمی‌ها ۲۰۰	فرانسویان ۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸،
مسلمانان ۲۸، ۴۶، ۵۱، ۱۰۵، ۱۶۵،	۴۸-۵۴، ۵۷، ۵۹، ۴۶، ۶۶، ۶۷، ۷۰،
۲۰۴، ۱۸۶	فرنگیان ۱۰۳، ۱۰۴، ۲۰۵
مسیحیان، مسیحیت ۱۳، ۱۴، ۲۷، ۲۸،	قاجار ۱-۳، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۸۱، ۹۲، ۹۳،
۳۰، ۳۵، ۳۷، ۴۸، ۴۹، ۵۱، ۵۶، ۵۸،	۱۰۰، ۱۰۵، ۱۱۷، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۶،
۱۸۷	۱۷۷، ۱۷۹، ۱۹۴، ۲۰۴
مغول ۱، ۲، ۳، ۳۴-۳۸، ۶۸، ۲۰۳،	فاق یخمر ۱۹۵
۲۰۴	قجق ۱۹۵
ونیزیها ۱۴، ۳۸، ۳۹	کاتولیکها ۲۹، ۴۹، ۵۴
هلندیها ۱۶، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۴، ۶۴	کاتولیکهای فرانسوی ۵۰
هندیها ۱۶۰	کلیسای ارتدکس ۱۳
یونانیان ۱۳	کلیسای ارمنی ۱۳
یهود ۱۳، ۲۷، ۱۸۷	کلیسای رم ۳۶، ۲۰۴
	کلیسای کاتولیک روم ۳۵-۳۶

عهدنامه‌ها و قراردادها

عهدنامه مودت ایران و چین ۱۳۷، ۱۴۵	پروتکل قسطنطنیه ۱۰۰
عهدنامه مودت ایران و فرانسه ۱۵۴	پروتکل ۱۹۰۹ م / ۱۳۲۷ هـ ۳۲
عهدنامه مودت ایران و فنلاند ۱۵۴	عهدنامه اقامت ایران و آلمان ۱۵۲
عهدنامه مودت ایران و لتونی ۱۵۵	عهدنامه اقامت و تجارت و بحریمائی ایران و سوئد (۱۹۲۹ م)
عهدنامه مودت ایران و لهستان ۱۵۴	عهدنامه اول ارض روم ۹۸
عهدنامه مودت ایران و لیتوانی ۱۵۴، ۱۵۵	عهدنامه دولت ایران و سوئد ۱۵۴
عهدنامه مودت ایران و هلند ۱۹۳۰ م ۱۵۵	عهدنامه دوم ارض روم ۹۹
عهدنامه مودت ایران و یونان ۱۳۷، ۱۵۵	عهدنامه ۱۵۸۱ م ۱۸
عهدنامه مودت و تجارت ایران و آرژانتین ۹۶	عهدنامه ۱۵۹۷ م ۱۸
عهدنامه مودت و تجارت ایران و آمریکا ۸۶	عهدنامه ۱۶۰۴ م ۱۸
عهدنامه مودت و تجارت ایران و اتریش ۸۶	عهدنامه ۱۶۷۳ م ۱۸
عهدنامه مودت و تجارت ایران و اسپانیا ۸۳	عهدنامه ۱۷۱۵ م / ۱۱۲۷، ۵۲، ۵۳، ۶۹
عهدنامه مودت و تجارت ایران و اوروگوئه ۹۷	عهدنامه ۱۷۴۰ م / ۱۱۵۳، ۱۶-۱۸
عهدنامه مودت و تجارت ایران و برزیل ۹۷	عهدنامه مودت ایران و آلمان ۱۵۲
	عهدنامه مودت ایران و افغانستان ۱۳۷، ۱۴۵
	عهدنامه مودت ایران و ایتالیا ۱۵۳
	عهدنامه مودت ایران و بلژیک (۱۹۲۹ م) ۱۵۳
	عهدنامه مودت ایران و ترکیه ۱۴۵
	عهدنامه مودت ایران و چکسلواکی ۱۵۳



عهدنامه مودت و تجارت ایران و بلژیک	۸۷
قرارداد اقامت ایران و بلژیک ۱۵۳	
عهدنامه مودت و تجارت ایران و سوئیس	۹۱
قرارداد تجارت و بحریمائی ایران و	
اتحادیه اقتصادی بلژیک ۱۵۳	
عهدنامه مودت و تجارت ایران و شیلی	۹۷
قرارداد تجارتي و گمرگی و بحریمائی ایران و آلمان ۱۵۲	
عهدنامه مودت و تجارت ایران و فرانسه	۸۴
قرارداد تجارتي و گمرگی و بحریمائی ایران و چکسلواکی ۱۵۳	
عهدنامه مودت و تجارت ایران و مکزیك	۹۶
قرارداد ۱۹۱۹ م ۱۳۴	
عهدنامه مودت و تجارت ایران و هلند	۹۵
قرارداد ۱۹۰۷ م / ۱۳۲۵ هـ ۱۲۸، ۱۶۱، ۲۰۲، ۱۶۹	
عهدنامه مودت و تجارت ایران و هلند	۹۵
کنفرانس پاریس ۲۴	
عهدنامه مودت و تجارت و بحریمائی ایران و سوئد ۱۵۴	
کنفرانس مونتر و ۲۰	
عهدنامه مودت و تجارت و دریانوردی ایران و آلمان ۹۰	
کتواسیون وین ۲۰۶	
عهدنامه مودت و تجارت و سیرسفاین ایران و یونان ۸۸	
معاهدات تین سین ۲۱	
معاهده تامینیه و بی طرفی ایران و شوروی ۱۵۲	
معاهده تیلست ۲۴	
عهدنامه ۱۳۰۵ م / ۷۰۵ هـ ۳۸	
معاهده صلح پاریس ۹۴، ۹۵، ۱۳۳، ۲۰۶، ۱۳۴	
عهدنامه ۱۵۳۵ م / ۹۴۱ هـ ۱۴، ۱۶	
معاهده فین کن اشتاین ۶۹	
عهدنامه ۱۶۳۱ م / ۱۰۴۱ هـ ۹۲	
معاهده نانکن ۲۱	
عهدنامه ۱۷۰۸ م / ۱۱۲۰ هـ ۵۰، ۵۲، ۷۳، ۶۹	
معاهده ترکمانچای ۱، ۲، ۱۲، ۵۰، ۶۳، ۶۷، ۶۹-۷۴، ۸۳، ۸۴، ۹۲، ۹۳، ۱۰۰-۱۰۳، ۱۰۶، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۴۳، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۸۸، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۷	
عهدنامه ۱۸۰۱ م / ۱۲۱۵ هـ ۶۷	
معاهده گلستان ۶۸، ۷۰، ۷۲	
عهدنامه ۱۸۰۸ م / ۱۱۲۳ هـ ۶۷، ۶۹	
معاهده لوزان ۱۸، ۳۲، ۱۲۴	
عهدنامه ۱۸۵۵ م / ۱۲۷۱ هـ ۸۵	
عهدنامه ۱۸۹۲ م / ۱۳۱۰ هـ ۱۲۴	
عهدنامه ۱۹۲۱ م / ۱۳۳۹ هـ ۱۲۰-۱۲۳	
عهدنامه ۱۹۲۶ م / ۱۳۰۵ هـ ۱۲۷	
عهدنامه ۱۹۲۸ م / ۱۳۰۷ هـ ۱۵۱، ۱۵۲	
عهدنامه ۱۹۳۲ م / ۱۳۱۱ هـ ۱۵۳	
معاهده ترکمانچای ۱، ۲، ۱۲، ۵۰، ۶۳، ۶۷، ۶۹-۷۴، ۸۳، ۸۴، ۹۲، ۹۳، ۱۰۰-۱۰۳، ۱۰۶، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۴۳، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۸۸، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۷	
معاهده گلستان ۶۸، ۷۰، ۷۲	
معاهده لوزان ۱۸، ۳۲، ۱۲۴	
مقاله نامه بین ایران و شوروی ۱۵۲	

کتابها و نشریه‌ها

- قرآن ۱۱۳
از نفوذ مسالمت‌آمیز تا تحت‌الحمايگی ۶
ایرانی که من شناخته‌ام ۶
خاطرات و خطرات ۵
روزنامه اطلاعات ۷
روزنامه ایران ۷، ۱۱۱، ۱۷۸
روزنامه ایران جوان ۶
روزنامه حبل‌المتین ۷، ۱۲۱
روزنامه ستاره ۷
روزنامه فرت‌نایت‌له‌رویو ۱۵۷
روزنامه کاوه ۷، ۱۷۷
روزنامه مظفری ۷، ۱۸۰
روزنامه واشنگتن پست ۲۰۷
شرح زندگانی من ۱۳
کاپیتولاسیون و ایران ۵
کتاب آبی ۲۰۰
گزارش ایران ۵
مجله آینده ۷
مجله الاحکام العلیه ۳۱
مخابرات استرآباد ۱۹۵

تاسیس
کتابخانه
مکتب
۱۳۳۳

از کتابهای نشر مرکز

- به روایت سعید نفیسی علیرضا اعتصام
در باب صفویان راجر سیوری / رمضانعلی روح‌الهی
جهان ایرانی و ایران جهانی محسن ثلاثی
ایران بین دو انقلاب پرواند آبراهامیان / کاظم فیروزمند
باستانگرایی در تاریخ معاصر ایران رضا بیگدلو
چالش جمهوری و سلطنت در ایران داریوش رحمانیان
سیاست خارجی آمریکا و شاه مارک. ج. گازیوروسکی / فریدون فاطمی
زندگینامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان دکتر سعید برزین
مغولها دیوید مورگان / عباس مخیر
قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران گراهام فولر / عباس مخیر
استبداد، دموکراسی و نهضت ملی محمدعلی همایون کاتوزیان
دولت و جامعه در ایران محمدعلی همایون کاتوزیان / حسن افشار
مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران دکتر همایون کاتوزیان / فرزانه طاهری
نامه‌های خلیل‌ملکی امیرپیشداد / مقدمه دکتر محمدعلی کاتوزیان
قیام شیخ محمد خیابانی احمد کسروی / دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان
بهار خسرو پیترو چیتاتی / دکتر میرجلال‌الدین کزازی
در سرزمین آفتاب هینریش بروگش / مجید جلیوند
در بی‌دولتی فرهنگ جلال ستاری
ایران عصر صفوی راجر سیوری / کامبیز عزیزی
تمدن و تجدد جمشید بهنام / رامین جهانگللو
ایران پیش از سرمایه‌داری عباس ولی / حسن شمس‌آوری
چهارده مقاله در ادبیات، اجتماع، فلسفه و اقتصاد دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان
نه مقاله در جامعه‌شناسی تاریخی ایران دکتر همایون کاتوزیان / علیرضا طیب

فدایساز

Consular Court in the History of Iran

Mohammad Ali Chelongar



First published 2003



© 2003 Nashr-e Markaz publishing Co.
Tehran P.O.Box 14155-5541
E-mail: info@nashr-e-markaz.com

Printed in Iran